

مجله هفتگی- شنبه ۶ میزان ۱۳۵۲-

شماره ۲۷- ۲۸

وحیده رحمان ستاره معروف
سینمای هند

ختم قرآن عظیم الشان در مسجد ارگ ریاست جمهوری خاتمه یافت

ختم قرآن عظیم الشان ضمن نماز تراویح که به‌اشتراک بناغلی محمدداود رئیس دولت‌و صدراعظم باامامت قاری محمد عمرشب ۲۷ سنبله در مسجد ارگ ریاست جمهوری شروع‌شده بود شب ۳میزان خاتمه یافت.

دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی، عده ای ازاعضای کمیته مرکزی‌وکابینه، بعضی از جنرال ها وصاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری ،رئیس مقام عالی تمیزو یکعده دیگر از علماء، رئیس دفتر جمهوری وښاروال کابل در ختم قرآن کریم اشتراک داشتند.

درختم برای رفاه وسعادت‌مزیدمردم‌افغانستان وترقی واعتلای کشور درپرتو نظام جمهوری وجهان اسلام دعاشد.

رئیس دولت وصدراعظم وزیر داخله ترکیه‌راپذیرفتند



بناغلی محمد داؤدرئیس دولت وصدراعظم موقعیکه وزیر داخله ترکیه رادر قصرریاست جمهوری پذیر فتند.

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم ساعت نه صبح‌روز ۳۰سنبله‌بناغلی‌اوغوزهان اسیلترك وزیر داخله ترکیه رادر قصرریاست جمهوری پذیرفتند .

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع‌دادکه بناغلی اسیلترك دراین موقع پیام بناغلی فخری کوروترك رئیس جمهور ترکیه رابه بناغلی رئیس دولت وصدراعظم تقدیم نمود.

دراین پیام رئیس جمهور ترکیه مراتب تشکر وامتنان خود ،حکومت ومردم ترکیه‌راز موقف افغا نستان روی‌موضوع‌قبرس به‌بناغلی رئیس دولت وصدراعظم تقدیم نمود وبرای سعادت وترقیات روز افزون کشور ومردم افغا نستان تمنیات نیك ابراز کرده است .

هنگام ملاقات بناغلی‌فیض‌محمد وزیرداخله بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه ،بناغلی محمد اکبر رئیس دفتر جمهوری وبناغلی فاروق شاهین‌باش سفیرکبیر ترکیه در کابل حاضر بودند .

تیلگرام‌های تبریکیه‌مخابره‌شده‌است

مدیریت اطلاعات وزارت‌امور خارجه‌خبرداد که‌ازطرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تبریکیه به‌مناسبت روزملی عربستان سعودی عنوانی‌اعلیحضرت ملك‌فیصل پادشاه آنکشور به‌ریاض مخابره شده‌است.

بناغلی رئیس دولت وصدراعظم طی این تیلگرام تمنیات نیك‌خود ،حکومت ومردم دولت جمهوری افغانستان رابرای سعادت و موفقیت های‌مزید اعلیحضرت فیصل ، حکومت ومردم دوست وبرادر عربستان سعودی ابراز نموده اند .

مدیریت‌اطلاعات وزارت‌امورخارجه خبرداد‌که‌از طرف‌بناغلی محمدداؤد رئیس‌دولت‌وصدراعظم به مناسبت برسمیت شناخته شدن استقلال‌گینی بیساو ازطرف حکومت پرتگال‌تیلگرام تبریکیه عنوانی بناغلی لوئیس کابرال رئیس شورای دولتی گینی بیساو به‌بیساو مخابره شده‌است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که ازطرف بناغلی محمد داؤد رئیس‌دولت وصدرا عظم تیلگرام تبریکیه به مناسبت‌روز ملی کشور مکسیکو عنوانی بناغلی ایچه ویرالوازیر رئیس جمهور آنکشور به‌شهر مکسیکو مخابره گردیده است .

رئیس جمهور موریتانیا تلگرامی عنوانی بناغلی، رئیس دولت و صدراعظم مخابره نموده است

بناغلی مختار الداده رئیس جمهور موریتانیا هنگامیکه طیاره اش شب ۲۶ سنبله از فضای افغا نستان عبور میکرد طی تلگرامی عنوانی بناغلی محمد داؤد رئیس دولت‌و صدراعظم تمنیات نیك خویشرا برای سعادت وموفقیت های مزید شخص ایشان وحکومت ومردم افغا نستان ابراز نمود .

نسبت تجاوز یك هلیکوپتر بر قلمرو فضایی کشور ما

پاکستان رسما معذرت خواسته‌است

مدیریت اطلاعات وزارت‌امور خارجه‌خبرداد‌که‌اخیرا حکومت پاکستان معذرت خودرانسبت به‌تجاوز یك هلیکوپتر نظامی آنکشوربرقلمروفضائی افغانستان رسماً به وزارت امورخارجه اطلاع داده است که تحت غور مقامات مربوطه‌دولت جمهوری افغانستان میباشد .

وزیر داخله ترکیه بامعاون صدارت عظمی ملاقات کرد

بناغلی اکوزهان اسیلترك وزیر داخله ترکیه ساعت ۱۰ صبح روز ۲۹ سنبله بادکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی در قصر صدارت ملاقات نمود ۰

هنگام این ملاقات بناغلی فاروق شاهینباش سفیر کبیر ترکیه در کابل نیز حاضر بود۰ همچنان وزیر داخله ترکیه بساعت ۱۰ ونیم قبل ازظهر با بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزرت امور خارجه درحالیکه بعضی ازاراکین آنوزارت وسفیر کبیر ترکیه حاضر بودند ملاقات نمود وروی موضوعات طرف علاقه صحبت کردند ۰

یك خبر دیگر حاکیست که بناغلی فیض محمد وزیر داخله به افتخار بناغلی اوکوز هان اسیلترك وخانمش پریشب ضیا فتی در هوتل انترکا نتی ننتال ترتیب داده بودکه درآن معین سیاسی وزارت امور خارجه وعده ازمامورین عالیرتبه آن وزارت ووزارت داخله سفیر کبیر وبعضی از اعضای سفارت کبرای ترکیه در کابل اشتراك داشتند ۰

قرار یك خبر دیگر بناغلی اوکوزهان اسیلترك وزیر داخله ترکیه وخانمش میرمن اسیلترك که برای یك بازدید رسمی از افغانستان ساعت ۵ ونیم بعد ازظهر روز ۲۸ سنبله وارد کابل گردیده بود.

بقیه درصفحه ۵



وزیر داخله ترکیه هنگام ملاقات بادکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی درقصر صدارت ۰

افغانستان میخواهد که پاکستان حق تعیین سر نوشت مردمان پشتون وبلوچ رابه رسمیت بشناسد

مصاحبه بناغلی وحید عبدا لله معین سیاسی بابناغلی لیویس ساینمز نماینده روزنامه واشنگتن پست : مورخ ۲۸ر۳۶ر۱۳۵

نماینده واشنگتن پوست ،در کنفرانس سران دول وحکومات کشور های اسلامی که در ماه فبروری گذشته در لاهور انعقاد یافت بناغلی بومدین رئیس دولت الجزایر طی نطق خود اظهار نمود ترتیبی اتخاذ گردد که سرمایه کشور های دارای نفت در کشور های نادار مورد استفاده قرار گیرد ،آیا مساعدت های که افغا نستان از بعضی کشور های مسلمان ونفت دار گرفته باساس آن اظهارات بناغلی بومدین است ؟۰

بناغلی وحید عبدالله: خیر این مساعدت هادر اثر مذاکرات دوستانه وموافقات دوجانبه بین افغا نستا ودول مذکور صورت گرفته است۰

س- چگونه میتوان یقین داشت که این قسمتی از سیاست عمومی کشور های دارای نفت نیست ؟

ج- شاید باشد ممکن اطلاع داشته باشید که یك بانك اسلامی نیز تاسیس می گردد تابه کشور های محتاج اسلامی معاونت نماید واساس آن نیز گذاشته شده ولی آغاز فعالیت های این بانك البته قدری وقت خواهد گرفت۰

س- لطفا بصورت مختصر روابط خودرابا پاکستان شرح دهید ؟

ج- یقین دارم که به تاریخچه یگانه اختلاف سیاسی که بین افغا نستان وپاکستان موجود است وارد هستید ۰آنچه افغا نستان می خواهد که پاکستان حقوق حقه مردم پشتون وبلوچ رابرای تعیین سر نوشت آینده شان توسط خود شان برسمیت بشناسد ۰

افغا نستان قبل از تاسیس دولت پاکستان وبعد ازآن کوشیده است تاحق تعیین سرنوشت باین مردم داده شود متاسفانه با تمام مساعی که افغا نستان تاحال بخرج داده پاکستان حاضر نشده اینکار را انجام دهد ،مردم پشتون وبلوچ وسر زمین آنها هرگز جز پاکستان نبوده ونیست ۰

این مردم وسر زمین آنها در اثر فشار استعمار اشغال گردید ،بعد ازآنکه وضع درنیم قاره فرق کرد باز هم تحت فشار ودسیسه همان استعمار تنها یك ریفراندم مصنوعی بعمل آمد که اکثریت مردم بان مقاطعه نمودند افغا نستان همیشه عقیده راسخ داشته ودارد که باید حق تعیین سرنوشت باین مردم داده شود مبارزه ملی علیه مظالم پاکستان در بلوچستان جریان دارد وعدم استقرار سیاسی در پشتو نستان نیز آغاز یافته است ۰

توقع مردم وحکومت افغانستان ازپاکستان اینست قبل ازآنکه بسیار دیر شده باشدبا رهبران ملی پشتون وبلوچ که بصورت غیر دمو کراتیك وغیر عادلانه تحت فشار قرارداده وبه زندان انداخته شده اند مذاکره نماید۰

س:- آیااین توقع مردم وحکومت افغانستان مداخله در امور داخلی پاکستان نیست ؟

ج:- خیر ،زیرا طوریکه گفتم این مردم یعنی پشتون ها وبلوچها دراثر فعالیت های شوم استعماری جبرا اشغال وهیچگاه قسمتی ازهند برتانوی یا پاکستان را تشکیل نداده اند ، بلکه در یك وضع خاص قرار داشتند مردم افغا نستان نمیتواند در برابر آینده

بقیه درصفحه ۷

وزیر تجارت بکابل مراجعت کرد

بناغلی محمد خان جلالر وزیر تجارت بعد ازمسافرت رسمی به کشور های بلغاریا والجزایر صبح روز ۳۰ سنبله به کابل مراجعت کرد ۰

وزیر تجارت به دعوت حکومت جمهوریت مردم بلغاریا وبه نمایندگی ازحکومت جمهوری افغا نستان درسی امین سالگره جشن جمهوریت آن کشور اشتراك کرده ودر مدت اقامتش از نمایشگاه پلودیف که به شمول افغا نستان محصولات صناعتی وزراعتی یکعده کشورهای جهان دران به نمایش گذاشته شده بوددیدن کرده است ۰

بناغلی جلالر بعدا به دعوت وزیر تجارت الجزایر به آنکشور مسافرت نمود ۰

وی گفت که دربلغاریاباصدراعظم وزیرتجارت خارجی ووزیر جنگلات آنکشور ودر الجزایر بابناغلی هواری بومدین رئیس دولت ووزیر تجارت ومقامات امورتنظیم فعالیت های اقتصادی آنکشور ملاقات کرده ودرباره توسعه روابط اقتصادی وتجارتی افغا نستان باکشور مذکور مذاکراتی انجام داده است ۰

وزیر تجارت ازمهمان نوازی ایکه در بلغاریا والجزایر ازوی بعمل آمد اظهار امتنان کرد۰

بناغلی جلالر که در راه مراجعت به وطن در ژنیو نیز توقف مختصر نموده وباآمر عمومی مرکز انکشاف تجارت بین المللی ملاقات ودر اطراف پروگرام انکشاف صادرات افغا نستان واستفاده مزید ازهمکاری های آن موسسه مذاکره وتبادل افکار نموده است ۰

وصول اگریمان



مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبرداد اگریمان دوکتور علی احمد که بحیث سفیر کبیر دولت جمهوری افغا نستان درتوکیو ازحکومت جاپان مطالبه شده بود ۰اخیرا مواصلت نموده است

صدور اگریمان

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از جانب بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم اگریمان بناغلی علی ارشد بحیث سفیر کبیر جدیدپاکستان درکابل که از طرف حکومت آنکشور مطالبه شده بوداخیرا صادر گردیده است ۰

تأمین حقوق زن یکی از اهداف عالی نظام جمهوری ما میباشد

سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین‌المللی زنان تعین گردیده تحت شعار (مساوات انکشاف وصلح) ازطرف کشور های عضو موسسه ملل متحد تجلیل میگردد.

بمنظور سهمگیری فعالانه موسسات اطلاعاتی وکلتوری درتجلیل این سال ساعت ۳ بعدازظهر روز۲۳ سنبله مجلسی تحت ریاست پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات وکلتور تشکیل شده بود.

پوهاند نوین درآغاز گفت که موضوع تامین حقوق زن درتمام ساحات زندگی جامعه یکی از اهداف عالی نظام مترقی جمهوری مامیباشد.

وزیر اطلاعات وکلتور ازنهضت نسوان در کشور یادکرده گفت باراول به توجه وتدبیر ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت نسوان درکشور به میان آمده وسعی شدکه زنان همدوش مردان مشغول خدمات اجتماعی وملی گردند این نهضت خوشبختانه تطبیق وعملی شد.

موصوف گفت اکنون که موسسه جهانی ملل متحد بحیث یک موضوع مهم وحیاتی متوجه تامین حقوق زنان درجوامع وبرقراری علایق موافق به عدالت انسانی بین زن ومرد میگردد سهمگیری خاص تمام مراجع وموسسات علاقمند کشور درین زمینه ضروری میباشد.

وزارت اطلاعات وکلتور بحیث مرجع پیشبرد خدمات اطلاعاتی وکلتوری درکشور آرزومند است به همکاری موسسات مربوط خویش پروگرام جامعی درزمینه وضع نماید تابتواند بهتر در تجلیل ازین سال بحیث سال زنان سهم بگیرد.

پوهاند نوین بوجود یک سلسله رواجهای منفی درجامعه ما اشاره کرده گفت که بایدبهر صورت باریشه کن ساختن رسم ورواج های باطل حق زن در جامعه بدون وجود تبعیض تامین گردد.

وزیر اطلاعات وکلتور ضمن توضیح هدف تشکیل مجلس دیروزی درین وزارت گفت که وزارت اطلاعات وکلتور میخواهد باجلب وگرفتن نظریات صائب وجامع اهل نظر ازجمله زنان منور فعالیت های موسسات مربوط نشراتی وکلتوری خودرا طوری تنظیم بخشد که سال ۱۹۷۵ یعنی سال زنان بهتر وموثرتر درکشور تجلیل شده بتواند ودرساحه تامین حقوق زن موافق به عدالت انسانی خدمات ارزنده انجام بدهد.

وزیر اطلاعات وکلتور دراخیر گفت اکنون که بناسی ازتصویب مورخه ۱۶ می ۱۹۷۶ شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین‌المللی زنان تعین شده است افغانستان نیز بحیث یک عضو فعال ووفادار آن برای سهمگیری درتجلیل ازین سال سهم فعال خواهد گرفت.

متعاقب آن حاضرین هر کدام درمورد سهمگیری دوایر، موسسات و زنان منور درزمینه ابراز نظرکردند وهمکاری خودرا در موردابرازداشتند.

درین مجلس رئیسه انجمن رهنمای خانواده بعضی ازمدیران لیسه های دختران مرکز، نمایندگان وزارت معارف پوهنتون کابل ومیرمنو تولنه وعده ازاراکین وروسای موسسات نشراتی اشتراک داشتند.

درپایان مجلس متن فیصله نامه شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد درمورد تجلیل **سال بین المللی زنان که ازطرف وزارت** اطلاعات وکلتور تهیه شده بود بحضار توضیح گردید تادر مجلس آینده نظریات خودرا در سهمگیری موسسات علاقمند ازجمله وزارت اطلاعات وکلتور برای تجلیل ازین سال ابراز دارند.

بقیه در صفحه ۶۲



گوشه‌ای از مجلسی که تحت ریاست پوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات وکلتور به‌منظور تنظیم پروگرام تجلیل ازسال بین‌المللی زنان درتالار آن وزارت ترتیب شده بود.

ملاقات باوزیر اطلاعات و کلتور

هیات متخصصین آلمانی که بمقصد تدویر سیمینار فلم رنگه وتهیه یک فلم رنگه توریستیک ازشهر کابل بافغانستان آمده است روز ۲۵ سنبله باپوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات وکلتور ملاقات نمود وپیرامون پروگرام کار خود به وزیر اطلاعات وکلتور توضیحات دادند.

یک منبع افغان فلم گفت: این سیمینار از طرف گویته انستیتوت به همکاری افغان فلم دایر شده ودران تمام اعضای فنی ومسلکی آن شامل شده‌اند.

منبع علاوه کردکه درجریان سیمینار علاوه ازآنکه متخصصین موصوف درباره ساختمان و تهیه فلم رنگه کنفرانس هایی میدهند یک فلم رنگه مستند ازشهر کابل راتوسط پرسونل افغان فلم عملاتهیه مینماید.

در هنگام ملاقات هیات سه عضوی متخصصین آلمانی باوزیر اطلاعات وکلتور امر گویته انستیتوت جمهوریت اتحادی آلمان نیز حاضر بودند.

پلانهای شهری اکثر ولایات به غرض تطبیق ارسال گردیده است

پلانهای شهری اکثر ولایات کشورازطریق امریت شهری سازی تکمیل وبغرض تطبیق به ولایات مربوط فرستاده شده است.

همچنان هیات های سیار امریت شهرسازی بمنظور رهنمایی وخطاندازی پلانهای تفصیلی مراکز وبعضی ازولسوالی ها بولایات مورد نظر اعزام شده اند.

یک منبع آمریت شهرسازی وزارت فواید عامه ضمن ارائه این مطلب به خبر نگارباختر گفت بمنظور تطبیق پلانهای شهری درمراکز ولایات وبعضی ازولسوالی های مربوط اخیرا یک سلسله اقدامات رویدست گرفته شده وضمنا یک قسمت این پلان هاتکمیل وبمنظور تطبیق به محلات مربوط سپرده شده است.

منبع افزود گرچه قسمتی ازاین پلانها قبلا تهیه وترتیب گردیده بود امابه منصه تطبیق گذاشته نشده است اکنون باتوجه دولت جمهوری که در هررشته مبذول گردیده تصمیم جدی اتخاذ شده است تابرای تطبیق پلان های شهری ولایات اقدامات صورت بگیرد.

منبع علاوه کرد پلان جدید مراکز ولایات پروان، بلخ، کندز، بدخشان، تالقان، جوزجان بغلان فراه بادغیس، پکتیا، هرات، کندهار، غزنی، هلمند، جلال آباد ولوی ولسوالی کنر تکمیل وارسال گردیده که قسما خطاندازی بعضی ازولایات متذکره آغاز شده وقسما با مساعدت وضع جوی وامکانات پولی درآینده آغاز میشود.

ازجمله ولایات متذکره پلانهای شهری بعضی ازولسوالی های ولایات بلخ، بدخشان و غزنی نیزتهیه وبمراجع مربوط ارسال شده است.

منبع گفت درپلان های جدید شهری ولایات احتیاجات اهالی وضرورت منطقه ازلحاظ فرهنگ کلتور وحفظ الصحه محیطی درنظرگرفته شده است.

سه شنبه روز اول ماه رمضان اعلام شد

روز سه شنبه ۲۶ سنبله مصادف باروز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ هجری قمری بود.

مولوی عبدالبصیر رئیس مقام عالی تمیز ساعت ده ونیم شب سه شنبه اطلاع داد که هلال ماه مبارک صیام درکشورهای اسلامی عربستان سعودی وکویت دیده شده و رئیس تمیز آنجاها شرعا حکم نموده که روز سه شنبه روزاول ماه مبارک رمضان میباشد.

لذا نظر به حکم مذکور شب سه شنبه رئیس تمیز دولت جمهوری افغانستان حکم نمود که روز سه شنبه مصادف به روز اول ماه مبارک رمضان در کشور میباشد.

امسال درماه مبارک رمضان دریک صدو شصت وچهار مسجد جامع ونواحی شهر کابل ختم های قرآن عظیم الشان صورت میگیرد.

یک منبع ریاست عالی اوقاف وزارت عدلیه گفت درده اول در هفتاد وهفت مسجد درده دوم درچهل وهفت مسجد ودرده سوم ماه مبارک در سی ونه مسجد ختم‌های قرآن مجید ضمن نماز تراویح صورت میگیرد.

برای معلومات مزید شهریان کابل فهرست ختم های قرآن پاک درمساجد نصب گردیده واز طریق رادیو نشر ودرروز نامه‌ها بچاپ میرسد.

قرار یک خبر دیگر.

حاضری مامورین دوایر دولتی درماه مبارک رمضان ازساعت ۸ صبح آغاز وتاساعت دوی بعداز ظهر بدون وقفه دوام مینماید.

طبق هدایت مقامات صلاحیتدار به احترام ماه مبارک صیام تجویز شد تا مامورین وکار گران دوایر دولتی موسسات صناعتی وفابریکه ها بعوض هفت ساعت شش ساعت کار کنند.

در مامورین دولت ازساعت هشت صبح آغاز شده وتاساعت دوی بعدازظهر دوام مینماید.

ساعت کار کارگران موسسات صناعتی و فابریکه هاکه نیز شش ساعت تعین گردیده مطابق به پروگرام وپلان مرتبه موسسات مربوط تنظیم میگردد.

يك توربين دستگاه توليد برق پرژوه آبياري غوربند
بكار انداخته شد

امور ساختمانی پروژه آبیاری غوربند تاکنون نود وپنج فیصد پیشرفته است .
امر پروژه گفت بااکمال پروژه آبیاری غوربند درقول لچ ودره تنگ اضافه ازچهار هزارجریب زمین بایر وکم‌آب تحت آبیاری می‌آید.

وی افزود درپهلوی آبیاری اراضی یك دستگاه تولیدبرق نیزشامل پروژه بودکه یك توربین آن به ظرفیت دوصد کیلوات برق اخیرا طور امتحانی بکارانداخته شده ودوتوربین دیگر آن به قوه چهارصد کلیووات درآینده نصب وبعد ازتمدید شبکه برای مردم غوربند توزیع خواهد شد .

آمر ساختمانی علاوه کردپروژه آبیاری غوربند که بامصرف شصت ملیون افغانی به همکاری دولت دوست ما هند پیش برده میشود شامل سه قسمت میباشد که کار کانال های قسمت اول ودوم آن در دره تنگ وقول لچ نودوپنج فیصد پیشرفته وکار کانال قول خول که ازطریق آن یك ساحه وسیع دیگر تحت آبیاری می‌آید درآینده شروع خواهد شد.

بناغلی عبدلکریم والی پروان ازامور ساختمانی پروژه آبیاری غوربند دیدن نموده درباره اکمال کارباقیمانده باموظفین مذاکره نمود

وزير داخله تركيه ..

بقیه صفحه ۳



بناغلی فیض محمد وزیر داخله درمیدان هوایی بین‌المللی کابل از بناغلی اسیلترك وزیر داخله ترکیه استقبال نمودند .

پس از انجا م یك مسافرت رسمی ودوستانه به افغانستان صبح روز ۳۰سنبله ازکابل عزیمت کردند .

بناغلی فیض محمد وزیر داخله بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی ودوکتور محبوب رفیق متصدی ریاست تشریفات‌وزارت امور خارجه بعضی دیگر ازمامورین آنوزارت وسفیر کبیر ترکیه درکابل بامهمانان ترکی وداع کردند .

قرار یك‌خبر دیگر به‌افتخار وزیر داخله ترکیه وخانمش شب سی‌سنبله دعوتی ازطرف بناغلی فاروق شاهین باش سفیر کبیرانکشور درکابل ترتیب شده بود که دران بناغلی فیض محمد وزیر داخله ،بناغلی وحیدعبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه وبعضی‌از مامورین عالیرتبه آنوزارت واراکین وزارت داخله وعده ازسفرای کبیر دول متحابه مقیم کابل اشتراك ورزیده بودند .

هيات افغانستان تحت رياست معين سياسي وزارت امور خارجه در جلسات مجمع عمومي م.م اشتراك ميكند

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه‌خبر دادکه هیات جمهوریت افغانستان تحت‌ریاست بناغلی وحیدعبدالله معین‌سیاسی وزارت‌امور خارجه درجلسه بیست ونهم مجمع عمومی ملل متحد اشتراك میکند .

بناغلی عبدالرحمن پژواك سفیر کبیر افغانستان دردهلی جدید بحیث مشاورهیات افغانی درجلسات مذکور سهم میگیرد.

اعضای هیات افغانستان عبارتند از: دوکتور سعدالله‌غوثی،بناغلی عبدالقیوم‌منصور معاون مدیریت امورافتصادی‌وزارت امورخارجه بناغلی محمد یحیی معروفی معاون مدیریت امور ملل‌متحد وروابط بین‌المللی وزارت‌امور خارجه ،بناغلی میرعبدالوهاب صدیق سکرتر اول نمایندگی دایمی افغانستان درملل‌متحد بناغلی عبدالمجید سکرتر دوم نمایندگی‌دایمی افغانستان درملل‌متحد، بناغلی عبدالرحیم‌غفور زی اتشه نمایندگی دایمی افغانستان درملل متحد ،بناغلی همایون شاه‌آصفی عضومدیریت امور ملل‌متحدوروابطبین‌المللی‌وزارت امورخاجه

قرارداد صدور ۱۵۰۰ تن پنبه محلوج عقد گرديد

قرار داد صدور یکهزار وپنجصد تن‌پخته محلوج تولید موسسه پنبه وروغن نباتی‌هلمند به‌اتحاد شوروی‌روز ۲۲سنبله بین آنموسسه ونمایندگی وستوك انتورك عقد گردید.

بموجب این قرارداد امسال مقدار پنبه متذکره به اتحاد شورو ی تحو یل داده‌می شود و مبلـ غ‌بیشتر از یك اعشاریه هشت ملیو ن دالر بدست می آید .

قرار دادرا بناغلی حفیظ‌الله رئیس موسسه پنبه و بنا غلی نیکو لایو فـ‌نمایند وستوك انتور ك در کابل امضا ءنمودند.

جمهوريت افغانستان و جمهوريت ديموكراتيك ويتنام به‌سويه سفارت كبرامناسبات سياسي برقرار مينمايند

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه‌خبر داد که بمقصد انکشاف مزید روابطدوستانه بین جمهوریت افغانستان وجمهوریت‌دیموکراتیك ویتنام حکومات دوکشور فیصله‌نموده اند تاازتاریخ ۲۵ سنبله ۱۳۵۳ مطابق‌به۱۶ سپتمبر ۱۹۷٤ مناسبات سیاسی رابسویه سفارت کبرابین خود برقرار نمایند .

پيشنهاد هيات افغاني در كنفرانس منطقوي صحي جهان مورد تائيد قرار گرفت

هیات افغانی بریاست پوهاند دکتورمحمد ابراهیم عظیم معین وزارت صحیه پس از اشتراك دربیست وچهارمین جلسات کنفرانس منطقوی موسسه صحی جهان منعقد اسکندریه بعد ازظهر روز ۲٤ سنبله به‌کابل‌مراجعت‌کرد.

پوهاند عظیم هنگام‌مواصلت به‌میدان‌هوایی بین‌المللی کابل گفت‌که درجلسات پیشنهاد هیات افغانی مبنی به کمك موسسه صحی‌جهان درساحا تیکه خود کشور های عضوموسسه لازم بدانند وهمچنان درتهیه وخریداری ادویه لازم برای ضرورت کشور های شان موردتائید قرار گرفت .

درجلسات امسال رئیس هیات افغانی‌به حیث معاون اول کنفرانس انتخاب گردیده‌بود.

درجلسات سالانه امسال مدیریت منطقوی موسسه صحی جهان برای‌حوزه مدیترانه‌شرقی نمایندگان بیست وسه کشور عضوو همچنان نمایندگان موسسات مربوط ملل متحد اشتراك داشتند .

داکتر عبدالروف روشان آمرارتباط خارجی وزارت صحیه که‌بحیث عضو هیات افغانی‌در این جلسات اشتراك‌داشت‌نیزبه کابل‌مواصلت کرد .

سفير كبير جديد اندونيزيا وارد كابل شد

بناغلی عبدالمهیر سفیر کبیر جدید اندونیز یا در افغانستان روز۲۷سنبله‌برای اشغال مامور یتش وارد کابل شد .

درمیدان هوایی بناغلی عبدالعلی سلیمان معاون ریاست تشریفات وزارت امور خارجه ازوی استقبال کرد .

مدالهاي پوهنه به‌مستحقان آن توزيع شد

مدالهای پوهنه که ازطرف بناغلی رئیس دولت وصدراعظم برای چارنفر معلم ولایت کندز منظور شده بود طی‌محفلی توسط بناغلی سید عبدالرزاق عابدی‌والی بانهاتفویض‌گردید.

صفحه۵

رها یشگاه محبوسان خورد سال افتتاح گردید

رهایشگاه محبوسان خورد سال درمحوطه محبس عمومی قوماندانی امنیه ولایت بلخ‌در شهر مزارشریف دیروز توسط بناغلی محمد عالم نوابی والی آنجا افتتاح شد .

والی بلخ هنگام افتتاح به‌اقدامات ثمر بخشی که‌در پرتو نظام جمهوری کشور بمقصد رفاه وآسایش مردم صورت می‌گیرد اشاره نموده گفت :

توجه بحال محبوسان وفیصله دوسیه‌های لاینحل که‌از سالیان متمادی باقی مانده بود وهمچنان اصلاح وضع محابس ازاقدامات‌مثمری است که‌در جهت تامین عدالت صورت گرفته اســـت .

وی افزود خورد سالانی که‌در اثرارتکاب جرم بغرض تادیب حبس میشوندد‌ر بهبود وضع تربیه واخلاق شان توجه شده سعــی میشود به نیکو کاری‌متمایل شده وافرادسالمی در جامعه عرض‌وجود کنند .

یك‌منبع محبس گفت :این‌رها یشگاه‌دارای مسجد ،درس خانه ،کتابخانه واتاقهای رهایش میباشـــــد .

نمایشگاه‌عکاسی وفلم‌جمهوریت دیموکراتیك‌مردم کوریادر کابل ننداری دایر گردید

کابل روز ٢٤سنبله :

سفارت کبرای جمهوریت دیمو کراتیــك مردم‌کوریا عصر روز٢٤سنبله‌بمناسبت روز ملی آنکشور درتالار کابل ننداری نمایشگاه‌عکاسی وفلم رادایر نموده بود .

برای مشاهده ازین نمایشگـاه کـه‌معرف پیشرفتهای جمهوریت دیموکراتیك مردم‌کوریا درساحات مختلف بودپوهاند دکتور نوین‌وزیر اطلاعات وکلتور ،عده‌ای از مامورین عالیرتبه وکور دپیلو ماتیك مقیم کابل حضور به‌هـم رسانیده بودنــــد .

خبر نگار باختر علاوه میکند که‌یك فلم هنری نیز بدین مناسبت نمایش داد ه‌شد .



گوشه یی ازنما یشگـاه عکـاسی وفلم‌جمهوریت دیموکراتیك مردم کوریا درکابل ننداری .

ملاقات بابناروال کابل

بناغلی تیودو رایلیوت سفیر کبیر ایالات متحده امریکا درکابل ساعت یازده قبل‌ازظهر روز ٢٧ سنبله بادوکتور غلام سخی نورزاد بناروال کابل ملاقات نموده وضمن آن‌بناغلی رابرت کارن معاون سفارت رابوی معرفی‌نمود.

بین افغانستان و عراق درزمینه همکاری های فرهنگی و مطالعات تاریخی موافقه‌حاصل شد

بین انجمن افغا نستان وجـامعــه تاریخ وباستا نشنا سی عراق‌در زمینه همکاری‌های فرهنگی ومطالعات تاریخی موافقه حاصل‌شد.

یك‌منبع ریاست نشرات وزارت اطلاعات وکلتور ٢٦سنبله گفت‌در‌نتیجه‌مذاکراتی که‌بین دوایر فرهنگی آنـوزارت وهیات دانشمندان عراقی طی‌اقامت درکابل صورت گرفت هردو جانب بموافقه رسیدند تامبادله نشرات وکتب فرهنگی وتاریخی ،رفــت وآمد دانشمـنـدان مورخین ،تدویر کنفرانس های مشترك فرهنگی وتاریخی وتائید موقف‌های‌یکدیگر دراجتماعات وکنفرانس های تاریخی درباره مسایل متذکره بین دولتین صورت بگیرد .

همچنین گفته شده تامبادلـــه مطا لعـــات وتجارب علمی بین دو ابجمن ،توجه مزیدبـه مطالعات مربوطبه‌میراث‌فرهنگی افغانها واعراب ومطالعات ضروری دانشمندان هردو جانبدر زمینه تحقق یابد تاعلایق عمیق تاریخی‌افغان هابا جهان عرب به همکاری دانشمـنـدان دو کشور بصورت مستقیم مستحکم تر گردد.

منبع علاوه نمود:درین موافقه تذکر رفته تاهردو جانب آغاز همکاری در ساحات بـآ ستانش ناسی رانیزموردبررسی قرار داده‌وآغاز همکاری‌را درین ساحه بحیث جز همکاری در ساحات فرهنگی نشان داده اند.

منبع افزود جانب عراق برای آغاز فوری این همکاری ازهیات مورخین ودانشمـنـدان افغانی نیز دعوت نمود .

هیات مورخین عراق کـه بدعوت وزارت اطلاعات وکلتور بتاریخ هژدهم سنبله بکابل آمده بود دیروز عازم بغداد شد .

موافقتنامه تمدید کورسهای جاپانی عقد گردید

موافقتنامه مبنی برتمدید کورس های‌لسان جاپانی روز ٢٣ سنبله بین پوهنتون کابل وسفارت کبرای جاپان درکابل عقد شد .

سال گذشته چنین موافقتنامه جهت‌تدویر وتدریس لسان جاپانی برای آنانیکه کـاملا مبتدی بوده ویا قبلا مطالبی‌درباره زبان‌جاپانی میدانستند امضا شده بودکه باساس آن‌کورس دایر ویکعده ازآن فارغ شده اند .

بموجب این‌موافقتنامه‌که‌آنرا رئیس‌پوهنتون کابل وسفیر کبیر جاپان امضا کردند کورس های مشابهی امسال نیز دایر میشود وتاسال آینده ادامه می یابد .

٨ نفردراثرچپه‌شدن‌موترهلاك

و١٦ نفرمجروح گردیده

دراثرچپه‌شدن‌یك موترگاز شب٢٣ سنبله درسرك واقع بین پل امام بکری ومزارشریف هشت نفر هلاك وشانزده نفرمجروح گردیدند.

یك منبع ترافیك ولایت بلخ گفت موتر گاز نمبر ١٣٢١ مزاربه دریوری محب‌الله‌ولد خان محمد ساکن ولایت وردك که‌ازعلاقه‌داری چارکنت ولسوالی نهر شاهی‌جانب مزارشریف درحرکت بود ساعت دوازده‌ونیم شب٢٣سنبله درحصه قریه هشت باغ‌دهدادی ازسرك‌منحرف گردیده چپه شد که‌در اثرآن هشت نفرهلاك وشانزده نفر مجروح گردید .

ترافیك بلخ هلاك‌شد گان راچنین معرفی نمــــــود :

شمس الدین ولد شیرعلی ،نورعلی ولد محمد علی ،میزااعلی ولد حیدر عزیز مرادولد صاحب نظر، عبدالعزیز ولد محمد امیـن، علی‌نظر ولد عیدی بای ،ایر شاه ولد کدای ساکنان علاقداری چارکنت وراز محمد ولـد ملا ایر ساکن ولسوالی شولگره منبع افزود اجساد هلاك شدگان به اقارب آنها سپرده‌شد ومجرو حین ساعت یك‌شب توسط مـوظفیـن ترافیك به شفاخانه ملکی مزار شریف‌انتقال داده شدند .

یك منبع صحت عامه ولایت بلخ وضــع صحی مجروحین را قناعت بخش خواند ه‌گفت هشت نفر ازمجروحین پس ازپانسمان صبح روز ٢٤ سنبله مرخص گردیدند .

قراریك خبر دیگر جمعیت‌افغانی‌سره‌میاشت یك مقدار تکه ویك‌مشت پول رابه بازماندگان این حادثه کمك کرده است .

پروژه‌دوم اخذقرضه ازبانك جهانی ترتیب گردید

باساس هدایت دولت جمهوری‌پروژه دوم اخذ قرضه از بانك جهانی توسط بانك‌انکشاف زراعتی ترتیب وبه سلسله وزارت پـلان‌بـه بانك مذکور ارجاع گردید .

روی این تصمیم‌یك‌هیات بانك جهانی‌برای ارزیابی این پروژه چندی قبل وارد کابل‌شده ودر زمینه بابانك انکشاف زراعتی مذاکراتی انجام دادو ضمنا ازبعضی پروژه های زراعتی درولایات دیدن کرد .

هیات درمدت اقامت خویش درافغا نستان‌بـا مقامات وزارت های زراعت وآبیـاری وپلان‌و موسسات ذیعلاقه نیز مذاکره نموده است.

پروژه دوم قرضه‌ازبانك جهانی درتمویل توزیع کریدیت های تولیدی بـرای زارعـان وکو پراتیف های زراعتی تمول ماشین‌وآلات زراعتی ازقبیل تراکتور واتمر پمپ وغیره‌بکار میرود .

هیات بانك‌جهانی‌اخیراازکابل عزیمت‌کرد.

کمپاین جمع آوری وخریداری پخته

درهلمند آغاز گردید

کمپاین جمع آوری وخریداری پخته وفعالیت دستگاه حلاجی وعدل بندی موسسه پنبه وروغن نباتی هلمند آغاز گردید.

درمراسم آغاز کمپاین پوهاند فضل ربی پژواك والی بناغلی محمد ناصر کشاورز رئیس عمومی انکشاف وادی هلمند وارغنداب روسای دوایر مرکزی ولایت هلمند حاضر بودند.

بناغلی حفیظالله رئیس موسسه پنبه وروغن نباتی هلمند طی این مراسم گفت توقع میرود امسال در حدود بیست ودوهزار تن پنبه دانه دار از ولایات هلمند، فراه وکندهار جمع آوری گردد که این مقدار با مقایسه سال قبل‌صد فیصد زیاد میباشد.

وی گفت از مقدار پنبه حاصل امسال‌در حدود پانزده هزار تن پنبه دانه بدست خواهد آمد که پس از وضع پنبه دانه بذری بازهم دستگاه تیل کشی موسسه برای یك سال‌به ظرفیت نهایی خود فعالیت خواهد کرد.

والی هلمند ورئیس عمومی انکشاف‌وادی هلمند وار غنداب درین مراسم هر گونه همکاری ولایت وریاست انکشاف وادی هلمند را در فراهم آوری تسهیلات در خریداری‌و جمع آوری پخته به موسسه مذکور ابراز نمودند.

هیأت افغانی درجلسات سالیانه بانک جهانی اشتراک مینماید

یك هیات مشتمل از بناغلی فضل‌الحق خالقیار معین وزارت مالیه ، بناغلی محمدحکیم کفیل دافغانستان بانك ، بناغلی‌زیرگل رئیس خزائن وزارت مالیه و بناغلی فیض محمدمدیر عمومی تدقیق ومطالعات دافغانستان بانك‌غرض اشتراك در جلسات سالیانه بانك جهانی‌و صندوق وجهی بین‌المللی روز ۳۰ سنبله عازم واشنگتن گردید .

هیات افغانی تحت ریاست بناغلی‌عبدالله ملکیار سفیرکبیر دولت جمهوری افغانستان درامریکا در جلسات منعقده اشتراك خواهند کرد .

ملاقات تعارفی

بناغلی کان یه تاو سفیر کبیر جمهوریت مردم چین درکابل بعد ازظهر روز۲۰سنبله بادکتور غلام سخی‌نورزاد بناروال‌کابل ملاقات تعارفی نمود .

قرار یك خبر دیگر.

بناغلی ناصر عبدالقادر الحدیثی سفیر کبیر عراق درکابل قبل‌از ظهر روز۳۱سنبله بادوکتور غلام سخی نورزاد بناروال‌کابل ملاقات تعارفی نمود .

رئیس عمومی هوایی ملکی و توریزم عازم کانادا شد

بناغلی سلطان محمود غازی رئیس عمومی هوایی ملکی و توریزم که‌در راس یك‌هیات به نمایندگی ازحکومت جمهوری افغا نستان دربیست ویکمین جلسات موسسه هوا نوردی بین‌ا لمللی اشتراك میکند صبح روز۲۱سنبله عازم کانادا شد .

قرار است این جلسات بااشتراك نمایند گان کشور های عضو ازتاریخ دوم میزان در مانتر یال دایر ودرآن موضوعات مختلف‌هوا نوردی جهان مطرح شود .

بناغلی غازی که ریاست هیات مدیره دآریانا افغان هوایی شرکت رانیز بعهده‌دارد قبل ازآغاز جلسات‌موسسه‌هوانوردی بین‌المللی در راس یك‌هیات آن‌موسسه درجلسات سالانه اتحادیه بین المللی حمل ونقل هوایی که آنهم در کانادا دایر میگردذ سهم‌خواهد گرفت.

اعضای هیات هوایی ملکی وتوریزم وآریانا افغان هوایی شرکت‌بعدا عازم‌کانادا میشوند.

هیأت ارزیابی یونسکو باوزیر معارف ملاقات نمود

هیات ارزیابی یونسکو که‌به مقصد بازدید پروژه های یونسکو در افغا نستان ومطالعه امکانات مساعدت های مزید آن‌موسسه با وزارت معارف به‌کابل آمده است صبح روز۳۰ سنبله بادوکتور نعمت الله پژواك وزیرمعارف ملاقات نمود .

هیات طی‌این ملاقات درحالیکه بناغلی بورتویك آمراداره پروگرام انکشافی ملل‌متحد در افغا نستان نیز حاضر بود باوزیر معارف پیرامون موضوعات مورد علاقه صحبت کرد.

۱۳ میلون افغانی به زارعان لبلبو تقاوی داده‌شده است

برای انکشاف زرع لبلبو شرکت قند بغلان بیش از سیزده ملیون افغانی به‌زراعان لبلبو طور تقاوی تادیه نموده است.

یك منبع آن شرکت گفت همچنان مقدارکافی کود وتخم بدسترس زارعان گذاشته شده‌است.

منبع اضافه کرد طبق قرار دادایکه‌زارعان عقد شده امسال بیست ودو هزار وچار صد جریب زمین لبلبو بذر گردیده‌است.

بناغلی رضامعتمدی عازم‌کشورش گردید

بناغلی رضا معتمدی رئیس گمرکات‌شرق‌ایران که چندی قبل بکابل آمده بودصبح‌روز۲۱سنبله عازم کشورش شد.

بناغلی معتمدی در مدت اقا متش در کابل‌بامقامات افغانی ملاقات نموده ودرموضوعات‌مورد علاقه مذاکراتی انجام داده است

درمیدان هوایی بین المللی کابل داکترمحمد اکبر عمررئیس عمومی اتاقهای تجارت‌وصنایع باوی وداع کرد .

مدیر سیاسی در وزار ت امور خارجه ایران وارد کابل شد

بناغلی صادق صدریه مدیر سیاسی در وزارت امور خارجه ایران روز ۲۱ سنبله‌برای باز دید مختصری وارد کابل گردید .

در میدان هوایی بین المللی کابل بناغلی میر شمس الدین مدیر شعبه سوم سیاسی وزارت امور خارجه ازوی استقبال نمود .

بقیه صفحه ۳

افغانستان میخواهد که پاکستان...

سر نوشت ملیونها برادر پشتون وبلوچ خود بی تفاوت بماند .

س:- تاجائیکه بیاد دارم قبل‌از انقلاب‌از مساله بلوچ تذکری بعمل نمی آمد وبناغلی محمد داؤد آنرا درکنفرانس مطبوعاتی خویش یاد نمودند .

ج:- برخلاف مبارزه آزادی خواهی بلوچها ازخود تاریخچه طولانی دارد که ازسالها و مخصوصا بعد ازتشکیل پاکستان تبارز نمود اما وضع موجود ،یعنی مبارزه مسلحانه چهار پنج ماه قبل ازانقلاب درافغانستان وقتیکه حکومات اکثریت در بلوچستان وپشتو نستان بصورت غیر قانونی لغو گردید ورهبران‌بلوچ محبوس گردیدند آغاز یافت .نظربه مظالم پاکستان مخصوصاً دربلوچستان نام ازبلوچ برده شده است .

ج- مانمیتوانیم درمقابل این‌اعمال‌بی‌تفاوت باقی بمانیم.

س- باتمرکز قوای افغانستان و پاکستان در سر حدات دو کشور من آنرا جنگ‌تعبیر میکنم ؟

ج- تمرکز قوا ازطرف افغانستان قطعا صورت نگرفته است ماجرئت آنرا داریم تاا ز شما دعوت کنیم وتسهیلات لازم را فرا هم آوریم که‌به مناطق مربوطه رفته به حیث‌یك روزنامه نگار آزاد آنجارا ببینید، چه بهترکه عین مشاهدات رادر آنطرف سرحد نام نهاد نیز بنمایید ومقایسه نمائید که‌کدام کشو ر ترتیبات خاص عسکری گرفته است.

س - میدانیم که پاکستان قوای خود را متمرکز نموده وآنرا انکار نیزنمیکند.

ج- خوب شد که‌بااین تصدیق شما به جهانیان معلوم گردید درحالیکه چندی قبل بناغلی بوتو افغانستان وهند رابه تمر کز قوا پرداخته وقرار گفته‌شما انکا ر هم نمی کند .

س- نظر شما چیست اگر در روزنا مه خود بخط درشت بنویسم که‌در صورت اجرای اولتیماتوم دربلوچستان شماباپاکستان مقابله خواهید کرد ؟

بقیه درصفحه ۶۲

ژوندون

شنبه ٦میزان مطابق ١٢ رمضان المبارك برابر ٢٨سپتمبر ١٩٧٤

پلانهای شهری

بمنظور فراهم ساختن تسهیلات بیشتر مردم در ساحات مختلف حیاتی ، دولت جمهوری افغانستان پروگرامهای مفیدی روی دست گرفته است که تطبیق آن یکی بعد دیگر جریان دارد .

در جمله اقدامات مفید دولت درجهت رفاه وآسایش بیشتر مردم یکی هم پلانهای شهری است که بعد از غور و تجدید نظر در مرکز وولایات کشور تحت تطبیق قرار گرفته است .

پیشرفت های اقتصادی یک کشور بستگی به زحمات و پشت کار مردم آن دارد چه ، یك مملکت هرقدر مبالغ طبیعی زیاد داشته باشد بازهم احتیاج بمردم دارد تا ازان در جهت انکشاف و پیشرفت هرچه بیشتر مملکتشان استفاده نمایند. از ینرو بزرگترین ثروت ملی یك کشور مردم آنست وازینها باید طوری تجهیز گردند تابتوانند مصدر خدمات شایسته ای به کشور خود گردند البته این اقدام مستلزم یك سلسله شرایطی است که باید دولت آنرا تامین نماید .

در قدم اول دولت باید تسهیلات لازمه برای ایجاد یك زندگی مرفه مردم در شهرستانها که مراکز عمده تجمع افراد را تشکیل میدهد فراهم سازد. روی این اصل باید پلانهای منظم شهری روی دست گرفته شود . پلانهای شهری باید درتمام پهلوهای زندگی مطابق شرایط زمان جوابگوی احتیاجات وخواسته های مردم باشد.

در طرح پلانهای شهری باید توجه جدی جهت تاسیس جاده ها ، پیاده روها ، کانالیزاسیونها ، شبکه های آبرسانی ، تیلفون، برق وغیره احتیاجات اولیه مردم مبذول گردد . همچنان درطرح چنین پلانها باید سیستم پستی وترانسپورتیشن بصورت صحیح در نظر گرفته شود .

خوشبختانه در کشور عزیز ما باروی کار آمدن نظام نوین مانند سایر اصلاحات بنیادی طرح وتطبیق پلانهای شهری نیز توجه جدی دولت را بخود جلب کرده وبه تاسی از ارشادات رئیس دولت وصدر اعظم که میفرمایند: «دولت امورشهر سازی رادر کشور اصلاح وبخصوص پلان بیست و پنج ساله تجدید ساختمان شهر کابل را تطبیق خواهد نمود .» در مرحله اول پلان بیست وپنجساله شهر کابل بعد از غور و مطالعه مزید تحت تطبیق قرار گرفت .

همچنان پلانهای شهری ولایات کشور بمراکز مربوط آن جهت تطبیق فرستاده شد .

گرچه پلان شهر کابل سالها قبل طرح وتحت اجراقرار گرفته بود اما بدبختانه امور عمرانی شهرخود سرانه و بدون در نظر داشت پلان طرح شده صورت میگرفت در نتیجه بی نظمی وپراگندگی در پلانهای ساختمانی شهر کابل رونما گردید .

یقین کامل داریم بعد ازین امورساختمانی شهر کابل و دیگر شهرستانها باساس پلانهای طرح شده نظام جمهوریت بررسی خواهد شد.

مطالب عمده این شماره



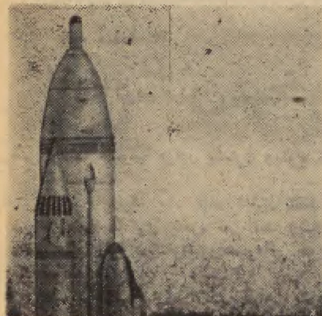
جرگه های صلح یك قدم مثبت درراه خدمت بمردم .



کانالیزاسیون برای رفع مواد وآبهای فاضله فابریکه بوت آهو بکار انداخته شد .



اسرار اطفال اختطاف شده



ساختن طیاره هوائی کیهانی یك اقدام...



ع : هبا

قسمت سوم

ارزشهای جهانی اسلام

وواقعیت پسندی های اسلام را آنطوریکه‌هست‌وتشخیص بدهدتازمینه استفاده ازرهنمایی هاوتعالیم‌قرآنی در شئون مختلف زندگی برا یش میسر گردد .

اسلام در همین مورد میفر ما ید: (ونزلنا علیك‌الکتاب تبیاناً لکل‌شی) یعنی قرآن کریم همه چیزرا بصورت واضح وروشن بیان کرده و برای‌تمام علوم واصول دین ونجات انسان در گیر ودار هردو جهان ، هدا یتی است کافی که انسان را در تمام‌امور ومواد ضروری بطور کامل رهنمائی میکند .

گفتم اسلام همانطور ایکه انسا ن را خلیفهٔ روی زمین می شناسدهکذا او را در پیشبرد این بار سنگینی‌و این مسئو لیت نهایت سترگ بـــا خودش تنها نمیگذارد بلکه قد م به قدم چراغی از احـــکام وار شادات حیاتی خودرا در راهش می افروزد تا او در فروغ آن چراغ ،راه خویش رادر اعمار یـــك دنـــیای سعا دت بار ،دنیائیکه خوشبختی از درو — دیوارش سر بکشد .بیاید وموفقا نه به پیش رود ،از ینرومیفرما یـــد: «ان الله یأ مرکم بالعدل والا حسان و... ینهی عن‌الفحشاء والمنکرو .. واوفوا بعهدالله ... و لاتنقضـــوا الایمان الله‌یعلم‌ما تفعلون ولاتکونوا کالتی نقضت غزلها ...»

قرآن کریم‌ضمن این‌آیات متذکره راه انسان را در طریق تامین یـــك حیات آبرو مندو شائیسته نـــام انسانیت وکرامت بشری ،روشـــن ساخته سه چیز را بصورت عمـــده مورد بحث ویاد آوری قرار میدهدکه عبارتست از عدل ،احسان وپرداخت به اقارب وخویشا وندان .

منظور عدل این‌است که کلیه‌عقاید اعمال ،اخلاقیات ،معا ملات وغیره در ترازوی اعتدال وانصاف باید وز ن شود ودراثر افراط وتفریط نبایدهیچ یك پله وکفه ترازو پائین ویا بلـــند رود وحتی اگر شخصی با سخـــت ترین دشمن هم معامله‌ای در میـــان گذارد باید دامن عدل وانصاف را به هیچ صورت از دست ندهد .

انسان باید سعی ورزد تا ظاهرو باطنش یکسان وهمانندباشد و هر چه برای خودش نپسندد برای برادر خود نیز پسند نکند .

احسان این است کـــه انسا ن مصدر هر گونه نیکی وخوبی گردیده خیر خواه دیگران باشد ،از مقا م عدل وانصاف قدری بلند تر شد ه به‌فضل وعفو ولطف وتر حم متخلق گردد ومتیقن باشد که خداوند (ج) اعمال او را می بیند وپا داشش را میدهد .

این هر دو خصلت یعنی عدل و احسان یا بعباره دیگر انصـــاف و مروت بانفس خود وبا هر یـــك از خود وبیگانه ودوست ودشمـــن تعلق دارد لکن حق اقارب خو یشا- وندان نسبت به دیگران بیشتـــر و مقدم تر است .

همچنا ن‌در آیات مبارکهٔ که تذکر رفت از سه چیز دیگر نیز که عبارت از فحشا ،کارهای ناپسند ونامعقول و سرکشی وتجاوز از حـــد لازم و معین است .

تحقیق ازین قرار است کـــه در وجود انسان سه قوه وسه نیـــرو مو جود است که‌هر گاه هر کدام‌آنها موقع وبیجا مورد استعمال قرار داده شود همه خرابی‌ها ونابسامانی هارا بدنبال خواهدکشید، این قوه سه- گانه عبارت انداز قوه بهیمی شهوانی قوه وهمی شیطانی وقوه غضبـــی سبعی .

بطور اغلب،منظوراز کلمهٔ فحشاء آن نوع سخنان بی حیا ئـــی اســـت که بالاخره نتیجهٔ آن ها با فـــراط شهوت وبهیمیت‌مرتبط شودومقصد از کلمهٔ ناپسند ونا معقول ،آنکو نه کردار هائی میباشد که فطرت سلیم وعقل صحیح آن‌را نپذیرد ومراد از کلمه (بغی) که‌ما آن رابه معنـــی تجاوز وسر کشی ترجمه کردیم آن است که بیجا وبنا حق‌بریختا ندن خون ها وتجاوز بر جریم جان وآبرو وناموس دیگران ،اقدام ومبادر تـــی بعمل آیدو تا آنکه انسان این سه قوه را تحت تسلط واراده خـــود در نیاورد وآن ها را مقهور ومحکـــوم خویش نسازد ،نخواهد توانست یك موجود به‌تمام معنی رسیده‌ومهذ ب باشد.

شخصی موسوم‌به (اکثم بن‌صیفی) وقتی این آیات کریمه را شنیده بود به قومش گفت :«من‌می بینم که این پیامبر «ص» اجرای تمام‌اخلاق ستوده وپسندیده را بمردم امر میکند و از

بقیه در صفحه ۵۹

زن و زن — شخصیت های بزرگ اسلامی رامعرفی میکند

عبدالرحیم (عینی)

حضرت عفراء بنت وهب (رض)

عضرا بنت عبید بن تعلبه (رض) که‌از زنان فداکار واصحاب باایمان رسول خدا(ج) بحساب‌میاید بیشتر شهرت‌این‌زن باایمان‌درقسمت جهاد ومبارزه وتقدیم فرزندان فداکاردر راه اسلام است .

این زن پـــاك طـــینت از زنان صـــدر اسلام بشمار آمده ازتربیت یافته‌گان مدرسه محمدی (ص) میباشد که‌مردان وقهرمانان‌نامی را درجهان اسلام تربیه وتقدیم کرده است.

تاریخ امثال چنان قهر مانانرا بوی‌نسبت داده بدبنوسیله فخر وشرف عضرابنت‌عبیدبن تعلبه رااز‌قبیله بنی نجار است‌می‌افزاید

این زن درزندگی خود دو ازدواج کرده‌از شوهر اولی اش حارث‌بن رفاعه بن‌مالك‌بن‌غنم که‌از قبیله خودوی‌است سه‌فرزند راکه عبارت ازعوف معاذومعوزباشد بیادگار گذاشت عجبتر اینکه هرگاه اگرنام یکی ازآنهادر کتب‌تاریخ وسیر وارد شود معروف به‌ابن عضرا میشود شوهر دیگرش بکربن عبدیا لیل‌چـارفرزنـد عبارت ازخالد اساس ،عاقل وعامربود درجامعه تقدیم نمود .

دربعضی ازروایات وارداست که‌این‌زن‌بـا همت تمامی هفت فرزندانش را تقدیم جهاد نموده است که‌معاذ ومعوز وعاقل‌در روزجنگ بدرجه شهادت نایل شدند .

عوف بن‌عضرا ویکی‌از شش تن‌کسانی‌از اهل مدینه است‌کـه باپیغمبر اسلام (ص)در بیعت اولی بیعت نموده‌ویکی‌از دوازده تن‌است که درعقبه دوم بیعت کرده‌است که‌درین‌بیعت برادرش معاز نیزاشتراك داشت سپس‌برادران سه گانه عبارت از عوف ومعازومعوزدربیعت رسول خدا «ص» دربیعت عقبه سوم بصورت دسته جمعی اشتراك نمودند ونیزاز زمره‌هفت تن‌ستاره‌گان معروف انصار محسوب شدندکه درنشر اسلام مدینه رول‌عمده داشتند .

حضرت رسول‌اکرم(ص) میان معازبن عضرا وعمر بن‌خطاب (رض) بعـداز هجرت پیمان برادری را بست .

معاز بن‌عضرا قبل ازتشریف آوری حضرت پیغمبر اسلام (رض) وظیفه حراست ومتولی خرمای آن‌دوتن یتیمی راکه‌بعد آهسته پیغمبر خدا(ص) هنگام هجرت در آنجا زانو زدبهده داشت وبه تر بیه زمین نیك می‌کوشید سپس پیغمبر اسلام-ص) آنجارا خریدند ومسجـد مبارك‌بعدا مرکزپخش نظریات‌اسلامی گردیده بنا نمودهنگامیکه‌موعدجنگ‌بزرگ بدرفرارسید این‌زن فداکار هرسه‌تن پسرانش رابمیـدان کارزارفرستاد درآغازمعرکه‌سه‌تن ازستمگاران وجنگ‌آوران مشترك‌بمیدان برآمده‌مبارزه‌طلبیدند این سه تن‌برادر یعنی فرزنـدان عضرا(رض) بعداز عبدالله بن‌رواحه واردمیدان شده‌شطارت وشجاعت ازخود نشان دادند وبامشرکین در آویختند .

باقیدارد

بررسی مسایل روز

از کاظم (آهنگ)

سفید پوستان اقلیت متمرد در برابر استقلال موزمبیق مشکلات ایجاد میکنند

بعد ازاعلام شناسائی حق آزادی متصرفات افریقایی پرتگال از طرف جنرال دی سپنولا رئیس دو لـت پرتگال وبعد از آنکه‌مرا حـل استقلال گینی بیساو وجزایر کیپ وردی توسط رهبران گینی بیساو و مقامات مربوطه‌پرتگال تکمیل‌گردید، سومین قدم در کار انجام استقلا ل متصرفات مذ کور حـل معضلا ت موزمبیق وتهیه مقدمات استقلال‌این سر زمین‌بوده است،چنانچه مقامات مربوطه پرتگالی ورهبران نهضت فریلیمو برای دوماه‌درین زمینـه مذاکراتی انجام دادند وزمانی هـم مذاکرات شان‌متوقف گردید تاآنکه ماریو سوارش وزیر خارجه پرتگال وسامورامیشل‌رهبر نهضت‌فریلیموی موزمبیق در لوساکا مذاکرات‌شانرا در مورد فراهم آوری مقدمات آزادی موزمبیق آغاز نمودند ، آنها بعداز دوروز بحث ومذاکره‌درین موردبروز شنبه ١٦ اسد مطابق هفتم سپتامبر به موافقت کامل نایل آمـدنـد و موا فقتنامه مربوط بین وزیرخارجه پرتگال ورهبر نهضت فریلیمو در حالیکه رئیس جمهور زمبیا ازمحفل آنها ریاست میکرد امضاء کردند.

بابدست آمدن استقلال موزمبیـق به شکل رسمی آن زمام امور آنکشور بدست نهضت فریلیمو خواهد بود ولی قبل از رسمی شدن استقـلال فعلا ایجاب میکند که یك حکو مت موقتی تشکیل‌شودتاشرایط رابرای استقلال آن سر زمین مهیا گرداند.

مبصرین عقیده دارند باوجودآنکه سامور امیشل مذاکرات رابا مقامات پرتگالی دنبال میکند وباآنکه رهبر نهضت فریلیمو میباشد در را س حکومت موقتی قرار نخواهد گرفت بلکه خودرا برای انتخابات بعـد از استقلال آماده می سازد وطوریکـه گفته میشود بطور یقین وی‌نخستین رئیس جمهور موزمبیق خوا هـد بود.

میشل چهل ویك‌سال دارد و در سال ١٩٦٣ به نهضت فر یلیمـو داخل شد موصوف در ٢٥ سپتامبر ١٩٦٤ به رهبری نهضت مذکـور نخستین حمله را برمقامات پرتگالی موزمبیق انجام داد.

بهر حال طوریکه در موا فقتنامه لوساکا گفته شده است حکو مـت موقتی موزمبیق تحت ریاست یـك عضو فریلیمو با داشتن نه وزیـر تشکیل میشودازجمله وزرای مذکور شش نفر از نهضت فریلیمـو بوده وسه دیگرآن پرتگالی خوا هند بود پست های‌وزارت خارجه ودفاع را صدراعظم بعهده خواهد داشت. غالبا وظیفه ریاست حکومت‌انتقا لی را چیسانو، سکرتر دفاع وا منیـت فریلیمو ، بدوش خواهد داشت .

مطابق موافقتنامه لوسا کا آزادی موزمبیق بصورت رسمی در مـاه جون ١٩٧٥ از طرف پرتگال اعلا م خواهد شد که این درست هنگا م سیزدهمین سالگرد نهضت فریلیمو میباشد.

به تعقیب آزادی مو زمبیق‌نو بت به استقلال انگولا میرسد وبا آزاد شدن این‌متصرفه‌دامن تسلط‌پنجصد ساله پرتگال از سرزمین افر یقـا برچیده میشود.

پرتگالی ها برای نخستین بار در سال ١٤٤٦ در محلی که اکنو ن‌به نام گینی بیساو یاد میشود پیاده شدند وبعدا در آغاز قرن شانزدهم ساحه های راکه فعلابه نام‌موزمبیق یاد میشود تصرف نمودند.

حالا بر میگردیم باین مو ضو ع که‌آیا موافقتنامه لوسا کا به همین سادگی که‌بین ماریـو سوارش و سامو را میشل با امضاء رسید به همین آسانی تطبیق میشود؟ شاید باین سوال جواب مثبت زمانی داده شده میتوانست که‌مسا یل موزمبیق تنها به سیاه پوستان آن سا مـا ن تعلق میداشت وعلاوتا این موضوع مورد دلچسپی رژیم های نژادپرست افریقای جنوبی‌ورو دیشیا نمی‌بود، در حالیکه امروز عملا مشا هـده میشود دو صدو پنجاه هزار نفـر سفید پوست‌درنقاط مختلف‌موزمبیق سکونت دارند سفید پوستهـا ی اقلیت تنها در دو شهر مو زمبیـق به‌نام لورنزو مار کس وبیرا یکصد هزار نفوس دارد ودرین دو شهـر سرزمین وجا معه‌ای‌از خود تشکیل داده‌اند که غیر از سایر سرزمینهای موزمبیق میباشد .

در حقیقت از جمله نه ملیـو ن نفوس مجموعی موزمبیق ، محض سه فیصد آن سفید پوست است . ولی هفتادو پنج فیصد نفوس لورنز ومارکس وبیزا را سفید پوستا ن تشکیل میدهد.

مساله از ینقرار است که ایـن سفید پوستها که سالها بر سیـاه پوستان حکم رانده اند کمتررا ضی خواهند بود زمام امور را نهضـت فریلیمو به عهده بگیرد ،چنا نچـه این امر بوضاحت ثابت شد چـه هنگامی که موافقتنا مه لوسا کـا بامضا رسید یك اقلیت مر تجـع و متمرد سفید پوستان در برابر آ ن اجتماعات نموده مرکز رادیو را در لورنزو مار کس بدست گرفتـند و برین موافقتنامه اعتراض کر دند.

در برابر این اعتراضات وا یـن نوع کار شکنی پرتگال ازهمه‌اولتر وظیفه دارد تا آنرا فرو نشانـد و مراحل استقلال‌آن‌سرزمین راتکمیل نماید البته نهضت فریلیمو خودهم آرام نخواهد نشست وطور یکـه مبصرین معتقد اند مبارزات ایـن نهضت راکه قتل وقتال عساکر ـ پرتگالی نتوا نست‌خامو ش سازد سفید پوستها هرگز نخوا هند توا

بقیه در صفحه ٥٦

آن مارگریت

آن مارگریت ستاره مشهورهالیودکه هم اکنون ۳۳ سال دارد مصروف تهیه یك فیلم در او پرا(تامی) لندن‌است (آن) که درین فلم نقش یـك رقاصه‌را در نایت کلپ بعهده دارد در کارش ، فوق العاده موفق است.

مارگریت در یکی از مصا حبـه هایش گفته است :من بخاطر بهتـر زندگی کردن به هنر سینما ر و ی آورده‌ام ،از ینرومن هم‌بر هنرم وهم به پول که جز خو شبختی اسـت سخت علاقمندم .

من خودم را وقتی موفق میدانم‌که تماشا چیان زیادی‌در فیلم‌که من‌بازی کرده‌ام بیایند .ومن برای این اینکار یعنی موفقیت در کار هنر پیشگی تلاش زیاد بخر چ میدهم .



بیتل‌ها نیرومند اند



همانطور یکه در عکس مشاهده میکنید (پال میك کارتنی) یـکی از بیتلها خانمش را بر دوش کشیـده پال بااین ژست بخاطری‌مقابل کمره عکاسی ظاهر شده که مردم فکـر میکردند بیتل ها توانایی بر داشتن اشیای سنگین را از زمین ندارند ، زیرا آنها ظاهرا لاغرو مردنی بـه نظر میرسند .او هنگا میکه ایـن عکس رابر میداشت گفت: شا ید حالا برای مردم ثابت شود .که بیتل ها چه در گذشته وچه‌درحال‌آدمها نیرومندی بوده اند .

دوچهره جدید هنری

آمریت موسیقی وزارت اطلا عات وکلتور پیوسته تلاش می ورزد ،در راه انکشاف موسیقی کارهای‌ارزش مندی انجام داده تاباجلب‌چهره‌های جدید هنری خدمتی در راه هنـر موسیقی به ثمر برساند از اینقرار آمریت مو سیقی‌برای‌شگوفان‌ساختن استعداد های جوان همیشه کو شان است .



احمد مرید

احمد مرید از جمله چهره هـای جدید است که در عرصه یکسال‌سه آهنگ جدید سروده کـه از ورای امواج رادیو افغا نستان نشر شده است .احمد مرید فعلا با گـر وپ اماتوران آمریت موسیقی همکار ی دارد .آواز گرم وگیرای این جـوان که علاقمندی فراوان‌به‌هنر موسیقی دارد بازگو گر استعداد سر شـا ر هنری اوست که اگر بهمین منوال ادامه یابد آینده خوب و موفقیـت آمیزی برایش پیش بینی میشود .

همچنان رحیم مهریار از جملـه چهره های تازه هنری است کـه در یك مدت زمانی کوتاه کار های پر- ثمری در راه موسیقی انجام داده و در حدود دوازده پارچـه از او در آرشیف موسیقی رادیو افغا نستان ثبت است. وقتی‌رحیم مهریاراولین آهنگش رابه این‌مطلع«میروم من با دل پر درد خود جانب آن دلبری درد خود» ازطریق رادیوپخش کردمورد تشویق زیاد هنر دوستان قرارگرفت واین انگیزه ی‌بود که آقای مهر یار به آواز خوانی ادامه دهد .

رحیم مهریار میگوید :از طفو لیت به هنر موسیقی علاقمند بودم واین ذوق هنگام درمن پر ورش‌یافت که اولین آهنگم از رادیو پخش شد . آواز رسا ومردانه ای بناغلی مهریار باطنین گرم که در آوازش وجوددارد وبه گفته خودش ،علاقه به هنـر موسیقی ، همه انگیزه های است که او در آینده در ردیف آواز خوانا ن خوب قرار بگیرد .



رحیم مهریار

جرگه های
مثبت در راه

گفتگو از عزیز احمد (اورمړ)

باشرکت :

ښاغلی مولانا عنا یت الله ابلاغ عضو شورای عالی قضا .

ښاغلی محمد اسمعیل قاسم یـاورئیس تدقیق ومطالعات قضا .

ښاغلی غلا م نبی رئیس محکمــه ولایت کابل .

ښاغلی حاجی عنایت الله عضــو جرگه صلح ازخاك جبار ولسوالــی بگرامی .

ښاغلی محمد سرور عضو جرگــه صلح از ولسوالی شکر دره .

یکی از اقدا مات نیك و جالب توجــه دولت جمهوری جوان ما که هدفی جز تامین رفاه مردم واز بین بردن مشکلات شان ندارد تاسیس جرگه های صلح است که بمنظوررفع مخاصمات میان مردم تاسیس و بصورت امتحانی در دو ولسوالی مربوط ولایت کابل بکار آغاز نموده است .

د ر گـذ شتــه مـخا صمات مـیـان مردم که میتوانست در خارج محاکم قضایی و بوسیله خود مردم حل و فصل گردد روبرو بابیرو کراسی و استفاده جویی میگردید و اختلا فاتی که میشد در یکروز حل وفصل گردد ماه ها طول میکشید و طرفین مخالف یا دعوا متحمل ضررهای مادی ومعنوی میگردیدند.

ولی پروگرام های دولت جمهوری که مبنی بر آرزو های دیرین مردم افغانستان تنظیم وپی ریـزی میـگردد واقـعـا جواب گــوی خواسته های دیرین مردم این مرز و بـوم میباشد.

جرگه های صلح نیز ازهمین نوع طرح هاست تاهم نیروی ملی دران بکار رود وهم مردم از سر گردانی رهایی یابند زیرا این یك واقعیت مسلم است که میگویند:

وقتی عمل به خاطر رفاه مردم وآسودگی احوال آن‌ها انجام پذیرد ازمردم بایداستمداد جست وبرای حل پرابلم های شان خودشانرا باید دعوت کرد .

ژوندون این عمل نیك و بهی خوا هانه دولت جمهوری را مبنی بر تاسیس جرگه‌های صلح بامزایا اش استقبال نموده وآنرا به‌حیث بهترین راه جهت رفع مخاصمات میان مردم پشتیبانی و برای روشن ساختن بهتر موضوع عدهٔ از شخصیت هارا دعوت کرد تا پیرامون جرگه های صلح مطالب دلچسپ برای خوانندگان ارجمند خود تهیه دارد واز شاملان خواهش برده شد تادر اطراف گـفتار رهبر انـقلاب افغانستان که‌در بیانیه اولین‌سالگرد جمهوریت روی موضوع تاسیس جرگه های صلح اشاره فرموده و آنرا پیروی از سنن اسلامی وافغانی بیان داشتند توضیحاتی مفصل ارائه دارند و بفرمایند که چطور و چگونه میان این جرگه‌ها، سنن وعنعنات مذهب و روسوم مردمان ما با این جرگه ها وجوه مشترك وجود دارد؟

اینك اظهارات اشتراك کنندگان میزمدور ژوندون راکه به این مناسبت دایر شده‌بود تقدیم خوانندگان عزیز میکنیم .

بعداز توضیحات خبر نگار مجله پیرامون اهداف ژوندون مبنی بر تدویر این میزمدور مولانا ابلاغ عضو شورای عالی قضا نخستین سخن گوی ، مجلس همان روز چنین به‌گفتار خویش آغاز کرد:

– جرگه های صلح اساسا از تجارب و مردم شناسی رهبر ملی ماکه در خطابهٔ شام ۲۵ سرطان همین سال شان از آن تذکر رفت نـشأت کـرده الـهـام و اقـدام نـمـوده جـمـهـور یــت افـغانستان بـا استـفـاده از اساسات اسلام و شرایط کنونی مردم ما امور حیاتی ملت‌افغان را تنظیم می نماید با پیروی از این دوآصل جرگه های صلح که‌با موازین اسلامی توافق کامل دارد بنیان‌گزاری شده است .

اسلام دینیست‌که همه را به برادری و برآبری دعوت می‌کند و صلح وسلم را میان آنها توصیه می‌دارد وقتی‌یك موضوع درجرگه های صلح یعنی درمیان مردم توسط خودآنها بدون مداخله قوه قضا ئیه آنطوریکه آرزوی طرفین دعوآست حل و فصل می گردد حـل مسأله کدو رت های ناشی ازان دعوا رانیز باخود از بین برده‌ومخاصمت‌هارا زایل‌ونابود خواهد کرد ودرآینده زمینه بروزکدام اختلاف دیگرکه منشاء اصلی اش همین مسأله حـل شده باشد مهیا نشده و دوستی و صمیمیت میان آنها حکمفرما و در روابط آنها انکشاف به‌عمل خواهدآمد. در حالیکه‌اگر موضوع‌توسط دستگاه عدلی نظربه علم قاضی‌که جزءاحکام قانون چیز دیگری نزدش مـدار اعتبار نیست موضوع حل گردد.

تنها به‌حل مسأله پرداخته شده وکدورت‌های ناشی آزان‌نه‌تنها کاهش نمی‌یابد بلکه‌امکانات ازدیاد آن‌نیز متصور است .

ازنگاه عر ف وعادت جرگه های صلح‌را بعنوان موافق به خواسته مردم‌یافت ومردمان



اشتراك کننده گان هـریك از چگونگی‌جرگه های صلح‌به خبر نگار مجله‌توضیحات میدهند .

صلح یک قدم
خدمت بمردم

... جرگه های صلح به پیروی ازسنن اسلامی وافغانی وبمنظورسهیم گردانیدن مردم در اجرای عدالت واعمال حق به سویه محلی تاسیس گردید. فعالیت های این ساحه به صورت مختصر تدابیر یست که برای بهتر ساختن اصول و روش های رسیدگی به اختلاف و دعاوی مردم وتنظیم حقوقی بهتر وعادلانه امور حیاتی جامعه افغانی اتخاذ گردیده است.»

از بیانیه رهبر انقلاب در نخستین سالگرد ۲۶ سرطان

سرزمین ما همیشه صلح کردن میان خودرا نسبت به مراجعه به محاکم قضایی ترجیح داده واین عمل را در عرف تمام اقوام افغانستان در نقاط مختلف کشور میتوان مشاهده کرد.

جرگه های صلح درین خطه یک ریشه تاریخی دارد.

وقتی یک جامعه متمدن میشود یابه سوی تمدن گام برمیدارد باوجود آنکه آرزوها ونیات نیکی ازآن درنزد مردم موجود است، مشکلات وموانعی رانیز درراه زندگی بشر خلق می کند وقتی تمدن به شکل محدود خود بود علایق معاملات وارتباطات میان مردم نیز کم وانگشت شمار مینمود ازینرو به قاضی نیز آنقدر ضرورت احساس نمی شد ولی بافزونی ارتباطات میان مردم مسایل واختلافات نیز متناسب به آن زیاد شده ومشکلات رابرای محاکم بوجود آورد که باعث بوجود آمدن محاکم زیاد درهر نقطه از نقاط کشور گردید.

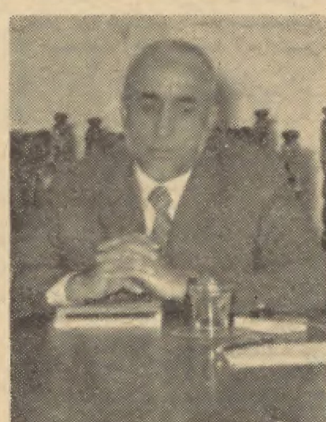
قاسمیار:

جرم باجامعه وجامعه باجرم یک ارتباط مستقیم دارد جامعه درآغوش خویش انسانهارا میپرورواند واعمال نیک وبد آنهارا بررسی می کند وآنچه راکه جامعه ناپسند بشمارد جرمش میخواند درحقیقت جرم عبارت است ازعمل مخالف منافع ودستور جامعه ومجرم دراصل تخلف ازنظام جامعه رامرتکب گردیده وازطرف جامعه محکوم بجزا میگردد.

درین جاهدف اختلافاتیست که زادهٔ ارتباط میان مردم دریک جامعه میباشد که اکثراً جنبه های مالی دارد واز آن ناشی میگردد.

افغانستان ازدیر زمانی بابلاهای چون فقر جهل وامراض دست وگریبان است که میتوان عوامل عمده جرم واختلافات را در آن سراغ کرد که بشکل جزایی وحقوقی بروز کرده ومسایل عمده را ببار می آورد درین جاباز هم باید عوامل جرم راجستجو کرد که بااجتماع رابطه مستقیم دارد وخود یک پدیده اجتماعی است که باتغیر شکل دادن یک جامعه ناگزیر آنهم شکل خودرا دگر گون می کند

بیروکراسی خود عامل عمده بروزجرایم دریک ساحه اداره جامعه است که بدبختانه دردهه قبل ازانقلاب افغانستان روبه افزایش گذاشت وباوج خود رسید.



مولانا ابلاغ: فقر وجهل توام است باجرایم ولی نتایج آنرا نمی توان مستقیم گفت

تفرقه اندازی میان مردم توسط اشخاص صاحب نفوذ بخاطر سود جویی واستحکام قدرت فیودالی خود عامل دیگر یست که بزرگترین اختلافات میان مردم را خلق وآنرا دامن میزند ازدیاد نفوس وشهری شدن تکثیر معاملات وارتباطات وغیره همه وهمه عواملی است که به نحوی ازآنجا درمجرم به بارآوردن ودر بلند بردن گراف جرم رول عمده دارد.

باید علاوه کرد که درافغانستان آنطوریکه مطالعه گردیده اختلافات میان مردم بالای سه چیز زیاد تر صورت میگیرد که آنرا میتوان سه «ز» نامید که زن- زر وزمین را احتوا میکند و مردم ما معتقد هستندو تکیه کلام آنهاست که مال قربان سروسر قربان ناموس که درنتیجه میتوان گفت فقر وجهل ویکعده کمبودات اجتماعی عوامل عمده واساسی بوجود آورنده جرایم واختلافات میان مردم بوده ویگانه راه مبارزه باآن تدابیر یست که نه تنها شکل معالجوی باید داشته باشد بلکه اساس وقایوی رانیز درخود داشته ومانع بروز اختلافات میان مردم گردد.

اورمړ:

در حالیکه از سالیان بسیار زیاد حتی قبل از استعمار انگلیس که از آن بیشتر ازصد سال می گذرد افغانستان بافقر دست وگریبان بوده ولی آنطور که معلوم است ازمعطول شدن محاکم وغیره بیش ازسه دهه نمی گذارد درحالیکه بناغلی قاسمیار فرمودند که فقر علت عمده جرم وبیروکراسی وافزایش ادارات محاکم علل آن است نمی دانم من به اشتباه رفته ام یاچطور درحالیکه ازعمر فزونی محاکم چندان زمانی نمی گذرد علت عمده دیگری هم درین جاموجود است یاخیر؟

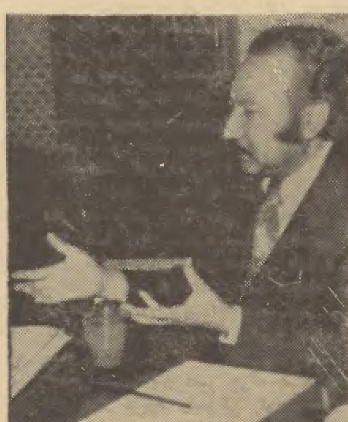
مولانا ابلاغ:

- بطور خلاصه باید گفت: که فقروجهل توام است با جرایم ولی نتایج آن رانمی توان مستقیم گفت زیرا اگردر وقت فقر تربیت درست باشد که البته به عقیده اینجانب تربیت زیربنای همه چیز است.

نتیجه مثبت واگر دروقت غنا تربیت درست نباشد نتیجه منفی خواهد بود. مثلادر بسیاری ازکشور ها وقتی توجه به تعلیم و تربیت نشده اگرچه اقتصاد آنها رنگ ورخی بخود گرفته ولی نتیجه ببار نیاورده مثلا جرایم را نتوانسته تخفیف بدهد.

قاسمیار:

- موسسه قضا منحیث یک موسسه بشری همانطوریکه تحول اجتماعی بالای همه چیز اثر می گذارد این موسسه نیز بادنیا میزمیکه دارد خودرا باید بااجتماع طوری توافق بدهد که همگام باپیشرفت جامعه باشد نه اینکه ازآن به عقب ماندویامانع تحول ورشد جامعه شودویا پیشتر ازآن قدم گذارد که درهردو صورت نتیجه



قاسمیار: با انکشافات عینی وذهنی درجامعه افغانستان قضا نیز تطور کرده.

منفی خواهد بود ازینرو با انکشافات عینی وذهنی درجامعه افغانستان قضانیز تطور کرده به راهیکه اجتماع رفته خود نیزآنرا مسیر خود قرار داده است.

رئیس محکمه ولایت کابل:

گرچه درمورد علت جرم ومجرم تااندازه ی بحث بعمل آمدولی بخاطر اینکه روشنی براصل موضوع انداخته شود چند کلمه من نیز بعرض میرسانم: اینکه چرا انسان مجرم بار می آیدویاجرمی را مرتکب می شود علمای زیادی درین مورد مطالعات زیادی کرده اند که خلاصه نتایج آن چنین است

وراثت - تاثیروالدین بالای طفل - محیط مکتب - دین - فقر وتمدن ومشرایط اقلیمی ازعوامل مختلفی است که مجرم می سازد. مثلادرایالات متحده امریکا قرار یک احصائیه درسال ۱۹۶۰ مجموع مجرمین درآنکشور سه چند کسانی بود که درجنگ جهانی دوم این کشور کشته داده است

قاسمیار:

وقتی این همه عوامل را درمحیط خود مطالعه می کنیم جرایم علیه اموال نسبت به اشخاص زیاد تر و جرایم علیه عفت نسبت به هردو کمتر دیده میشود.

اختلاس خیلی زیاد مخصوصاً دراین دهه اخیر خیلی شدید وسرسام آور است.

جعل کاری هم سیر انکشافی خردرا می پیماید که درین همه علل وعوامل عمده مثل فقر علم موجودیت یک تربیت سالم، مهارت وغیره را میتوان درآن یافت وازهمه مهمتر شرایطی راکه برای این نوع جرایم نظربه شرایط زمانی برای مجرمین پیدا شده بود در صدر همه میتوان قرارداد.

اورمړ:

- مقدمه زیبایی بود پیرامون این موضوع که جرم چرا بوجود می آیدوعلت مجرم شدن چیست وبالاخره جامعه امروزی افغانستان بیشتر باچه نوع ازجرم ومجرم دست وگریبان است کنون ازحضرات محترم خواهش میکنیم برگردند براصل موضوع وبه جواب اینکه چطورزمینه تاسیس این جرگه ها(جرگه های صلح) بوجود آمد؟

قاسمیار:

- همانطوریکه گفته آمد جمهوریت جوان افغانستان خودروی اهدافی حرکت می کند که درآن منافع مردم صادقانه وصمیمانه بوده وبمنظور خدمت باکثریت مردم راه های باید جستجو گردد که مشکلات مردم را کاهش داده و آنهارا به راههای رهنمون شود که مفاداقتصادی واجتماعی ازآن متصور باشدواز نیروی آنعده که سالها راه محکمه راگرفته وروزهارا دردروازه محاکمه سپری میکردند بعدازین درامرازدیادو بهترشدن تولید کلی کشوربه مصرف برسانند هدف دوم تاسیس جرگه های صلح همانا مفکوره است که ازبیانیه شب نخستین سالگرد جمهوریت رهبرانقلاب مافرموده اند که...جرگه



رئیس محکمه ولایت کابل: اگر چه درظاهر امر تاسیس جرگه های صلح، ناچیزمی آمد ولی دیده شد که مفید وموثر بود.

های صلح به پیروی ازسنن اسلامی وافغانی بمنظور سهیم گردانیدن مردم در اجرای عدالت واعمال حق به سویه محلی تاسیس گردید...» وقتی به گفته پر معنی بناغلی رئیس دولت وصدر اعظم عمیق شویم خود اهداف مارا برای تاسیس جرگه های صلح بیان میدارد وسهم گیری بهتر وفعال مردم درین امر نیزهم بهترین وسیله رفع اختلافات وسرگردانی های مردم و هم درامر کاستن مشکلات محاکم رول عمده دارد که احتیاج به بیان زیاد آن نیست.

دیموکراسی واقعی ودیموکراسی تقلبی هم باید ازهم تفکیک گردد که دردیموکراسی های تقلبی جزنام ولفظ ویاچند کلمه روی کاغذ نمیشود چیزی از آن درعمل یافت درحالیکه دیموکراسی های واقعی اولا دربرآورده شدن اهداف خود از مردم استمداد میجوید به مردم پناه میبردودر خدمت مردم میباشد ازجانب دیگردر امراتحاد وهماهنگی مردم میکوشد ووسایل جدایی و نفاق افگنی راکه همیشه میان مردم دورنگی را خلق میکرد ریشه کن می کند که جرگه های صلح خود یکی از وسایل ریشه کن کردن همان گونه مسایلیست که همیشه به نفع یک عده مفت خوار وبه ضرر توده های عظیم مردم ما استعمال گردیده است.

لطفا ورق بزنید

*** جرگه های صلح از تجارب ومردمشناسی رهبر ملی ما نشات کرده.**

*** در افغا نستان جرایم علیه‌اموال‌نسبت به اشخاص زیاد تر است .**

بیرو کراسی با خواسته هـــا ی‌شوم چند نفر مفتخوار در امر ایجاد مشکلات وسر گردانی‌مردم‌رول عمده داشت .

***مردم امروز خودبه جر گه های‌صلح مراجعه میکنند تا دعوای خود را ازین طریق حل وفصل نمایند .**

جـــرگه های صلح چـــون ازمیان مردم اعضای خود را برمی گزینندکه‌مورد اعتمادآنها باشد خود نمایندگی ازآن می کند که‌ازمیان مردم برخاسته ودرخدمت مردم قراردارد. باپیروی ازاهداف ملی‌ومترقی حکومت جمهوری وباتطبیق سالم جرگه های صلح :

۱ـمردم ازسرگردانی رهایی یافته‌به کارهای تولیدی دست‌می‌یابند .

۲ـاصل عمده برادری وبـرابـری راتحکیم‌و تعمیم میدهد .

۳ـازکارهای محاکم کاسته شده‌ودقت وسرعت عمل‌در آن بوجود می آید .

٤ـچون اعضای هرجرگه ازطرفین دعوابخوبی خبردارند لذاعدالت بصورت واقعی‌تامین‌شده متواند .

اودمر:

ـ بناغلی رئیس محکمه ولایت کابل: چون برای‌اولین‌بارجرگه‌های‌صلح دردوولسوالی مربوط ولایت‌کابل تاسیس شد لطفاًاگر درمورد اجراآت کار وطرزعلاقه مردم وقضات‌محترم‌را درین مورد توضیح دارید .

بناغلی رئیس محکمه ولایت کابل :

ـ اگرچه درظاهر امرتاسیس جرگه‌ها خیلی ناچیز به‌نظرمی آمدولی دیده‌شد که‌نتایج‌مفید وموثری با تاسیس جرگه هادردوولسوالی‌یکی شکر دره و دیگرش بگرامی بود بدست آمد آنچه دراول حتی تصور نمی‌شد ازآن‌استفاده مطلوب‌بعمل‌آمده‌وامروز رضائیت‌اکثریت مردم ازین ناحیه‌فراهم‌شده‌است چنانچه۸٥فیصدمردم درین دوولسوالی در همین مدت‌کوتاه‌ازطریق جرگه‌هامخاصمات ومسایل‌خودراحل‌وفصل‌وبدون آنکه به محاکم مراجعه نمایند باهم‌به فیصله می‌رسند .

آنچنانکه گفته آمددر ولسوالی شکردرمدر۱۰۰ قضیه درماه قبل‌ازتاسیس جرگه‌ها امروزبه١٦ تقلیل یافته وقتی نتایج دیده‌شد به‌تاسیس این‌جرگه هادر سه‌ولسوالی دیگر اقدام شدکه این‌سه ولسوالی عبارت ازقره‌باغ ـده‌سبزو سروبی میباشد .

اودمر:

ـبناغلی محترم درمورد صلاحیت‌ها‌ومحدودیت ها‌و طرزکار جرگه‌ها اگر توضیحات لطف‌نمائید

رئیس محکمه ولایت کابل :

ـ درساحه جزایی صلاحیت محدودآنهم‌در قباحات خفیفه برای جرگه ها تفویض گردیده که نظربه تعدیلیکه در قانون اجراآت جزایی بعمل آمده اعضای‌جرگه ها میتوانندرمواردفوق باخارنـوال مشوره وخـواهش حفظ نمـودن دوسیه را از خارنوال نمایند ولی درموردحق العبد صلاحیت جرگه هاوسیع بوده‌ومیتوانند درصورت موافقه جانبین تاهر مقدار که‌خواسنه باشند درآن مصالحه نمایـنـد با آنهم نـزد محکمه بعداز ثبت مدار اعتبار بوده‌ودرغـیر آن دروازه محاکم بروی هر کدام ازطرفین‌دعوا باز است .

تاسزار افغانی وقتی یك جرگه تصمیم‌خودرا إعلان میدارد نزد محاکم حکم قطعی داشته‌و اگر اضافه از آن‌میباشد تنها صلاحیت‌مشورتی را اعضای جرگه ها دارا هستند وبس.

درمورد انتخاب وعزل اعضای جرگه هاباید گفت که اعضای این جرگه هادر اولین باروقتی ۴فقدام به تاسیس آن‌میگرددددرمحضرعام‌اهداف‌جرگه هابه مردم تفهیم وبعدا آنها از میان خـود چند تن راکه دارای رویه خوب ومرد مداری باشند برمی گزینندوبه‌محکمه محل‌معرفی‌میدارند عزل اعضای جرگه‌ها وقتی‌صورت خواهدگرفت که حرکت خلاف آنها ثابت شود ویا اینکه مردم محل ازآن نارضا یتی نمایند .

محل جلسات جرگه ها عموماً مساجداست که‌ازیك طرف جای‌مناسب بوده‌میتواندوازجانب دیگر مردم درآن جا جمع شده ومشکلات‌خود را نیز بخوبی گفته میتوانند .

اعضای جرگه هادر بدل کاریکـه انجام میدهند هیچگونه دستمزد ی‌نگرفته وتنهاخدمت مردم را می کنند وبس .

خوانند گان محترم !

تاحال آنچه که خواندید جنبه‌هـای اکادمیك موضوع را دربر گرفته بود ولـی حالا شما رابه صحبت بسه‌تن‌ازاعضای جرگه های صلح که ازابتدای تاسیس تاامروز درین جرگه ها اشتراك داشته ودر فیصله چندین دعوامستقیما رول‌داشته‌اندعوت‌میکنیم ببینیم، که‌این عـده ازدوستان مـاجـه دیده انـد وچه میگویند ؟

حاجی عنایت‌الله عضو جرگه صلح‌علاقه‌داری خاك جبار مربوط ولسوالی بگرامی .

ـ مااز دیرزمانی درمیان خود مثل همین جرگه ها داشتیم تنها شکل رسمی‌نداشت‌ما اکثراً مسایل خورا توسط همین جرگه هاحل وفصل می‌کردیم‌حتی درموردقتل‌موضوع‌رابشکلی به‌پایان میرساندیم‌که ورثه‌مقتول‌راضی‌میشدواز انتقام دست می کشید ما بهتر میدانیم که‌در یك دعوا کدام طرف حق بجانب است وکدام طرف نیست زیرا اکثر دعوا هااز یك برخورد کوچك بروز میکند بطور مثال یك شخص‌که از طرف شخص دیگر دشنام شنیده زورش



مجلس با مقدمه مفصل وشیوا آغازیافت

نر سیده دفعتا به محکمه عارض شده که‌مرا لت وکوب کرد یا فلان زمینش ازمن است و غیره .

نواقص کار درین جابود که‌ما مشکلات‌خود را حل می کردیم ولی دولت مارا آرام نمـی گـذاشت آنهم بـه تحریـك چند نفریکـه میخواستهد استفاده نامشروع ازدعـوای مـا نماید .

امروز که دولت میخواهد مامردم برادر ودوست یکدیگر باشیم جرگه هارا رسمی ساخته ومردم وقتی مشکلات خود را حل وفصل می کنندعای سر رئیس صاحب دولت راکرده به‌غریبی‌خود مشغول میشوند طرزکارما قسمیست که‌ماوقتی یك دعوارا بشنویم هر دوطرف را خواسته‌و اگر معلومات ما کامل نباشد ازبعضی اشخاص دیگر نیز درآن مورد معلومات‌میخواهیم‌وطرفین راهم ملامت وهم نصیحت، کرده وآشتی‌میدهیم وهردو را طرف کارشان روان میکنیم .

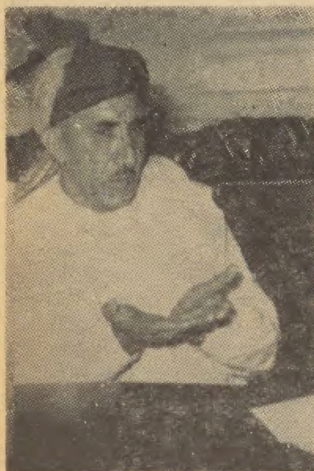
بناغلی محمد سرور ازولسوالی شکردره:

ـ خدا دولت جمهوری راهمیشه داشته‌باشد جرگه های صلح راکه هیچ کس دراول به‌این حد مفاد آنرا نمی دانستند آنرا تاسیس کرد که امروز بسیاری مردم وقتی به دعوای روبرو میشوند دفعتا انزد اعضای جرگه‌هامراجعه‌واز ین طریق موضوع راحل وفصل می کننداین عمل هم مردم راکه روز هابدروازه حکومت می استادند وهم محاکم راکه از دست‌اینقدر دعوا به تکلیف بودند کار های شان راآسان ساخت .درسابق یك‌نفر بخاطر یك پرخاش ساده اقلا ده‌روز سر گردان میشد درحالیکه امروز همان شخص در ظرف یك‌ساعت بکلی خود را بیغم ساخته نه تنها ازترس آنکه‌فردا لت وکوب نشود بیغم میشود بلکه همان‌شخص راکه‌لت‌وکوب‌کرده رفیقش میشودودوست‌جدید می یابد .

علت عمده این که‌مردم به‌این جرگه‌هـا علاقمند شده اند یکی هم‌عدم موجودیت قریه دارهاست که عده زیاد آنها سالها مردم‌را چور کرده بدون آنکه راه حلی برای آن‌پیدا نموده باشد به‌اصطلاح ازیك زاغ چهل‌زاغ می ساختند .

جرگه های ما همیشه ودریك وقت معین‌جلسه نمی نمایند بلکه عندالضرورت نظربه احتیاج مجالس ترتیب وبعد ازحل مـوضوع مجلس ختم می شود .

راجع به‌اینکه موضوعات چطور به جرگه‌ها رجعت می یابد، بدو صورت است یکی آنکه قاضی موضوع رادر جرگه های صلح تفویض می کند تاراه حل رادران پیدا نماید وقسم دوم آن مراجعه یکی از طرفین یا هردوطرف دعواست که‌باز هم جرگه ها جلسه خودرادایر ومسله راحل وفصل می کنند .



حاجی عنایت‌الله: مااز سابق مثل همیـن جرگه ها داشتیم ولی ازدست مفت خـورها کاری کرده نمی توانستم .



محمد سرور: علت عمده اینکه مردم‌به‌این جرگه ها علاقمند شده اند یکی هم نبـودن قریه دارهاست.



بناغلی ابلاغ عضو شورا ی‌عالی‌قضاحین اظهار نظر درمورد جر گه های صلح

ترجمه از ایکو نو مست

خریداری سلاحها ومهمات حربی

پیمان اتلانتیك شمالی

آیا اروپا میتواند موافقه کند تا به امریکا نشان دهد اینکار چطور انجام گردد؟

جنگ بذرایع دیگر میشود سیاست باشد اما سیاست‌های ملی کشو ر های عضو پیمان ناتو در تامین اهداف دفاعی آنقدر **زیاد کمك وخدمت نمی** کند.

هر یك از کشور های ناتو ازخود یك پرابلم اقتصا دی دارد. این ا مر باعث ظهور **یك سلسله مطا لبات برای** تقلیل مصارف دفاعی د ر ر قتی گردیده که این کشورها باید مصارف خود را بیشتر سازند.

قیمت سلاحها ومهمات حر بی امروزی **به پیمانهٔ بیسابقه بالا میرود** این امر دو علت دارد اول انفلاسیون پولی **در کشور های غربی ودو م بلند** رفتن **کیفیت و جنسیت سلا حهای** حربی که خیلی بیسابقه ا ست.

ا گـر نـا تو خو ا سته باشد تاخودرا از چنگال مصا ر ف زیاد که سال بسال آ نرا ضعیف تر میسازد **نجات یابد ویا اینکه اگـر** خواسته **باشد از تقلیل مصـارف** دفاعی که بسرعت آنرا به ضعف **می** کشاند رهائی حاصل کند. **باید بهر قسمیکه ممکن باشد ریفورمـی در** طرق مصارف پو لی خود بوجود آورد. پیمان اتلانتیك شمالی این کار را **از طریق توسعه همکاری بین اعضا ی** ناتو جهته تولید وانکشاف **سلا حها** وتجهیزا ت نظامی **انجام داده میتواند**

درین کار یك فایده **بـزرگ دیگر یعنی هم معیار ساختن سلا حهـای** حربی **مضمر است. تصرف وصرفه** جوئی در قیمت تمام شد یك سایق و انگیزه است ولی هم معیار سا ختن تجهیزات حربی **نسبت به آنچه که** عموما فکر میشود مفاد بیشتری در بر دارد.

از جمله یکی امکان ایجاد تسهیلات حفظ ومراقبت **مشترك سلاحـها و** تجهیزا ت جنگی **است که میتوا ند** مقدار پولی **راکه ایالات متحده امریکا درین راه بمصرف میرساند تقلیـل بخشد. این امر سر انجام مطالبهٔ** امریکا را **از کشور های اروپا یـی** برای اشتراك مساعی **در فراهم آوری** تادیات وخریداری‌هامساوی به حجم بیلانس **تادیات نظامی امریکادر اروپا** کم میسازد. **باید گفت که حتـی** تاسیس **یك سیستم واحد لوژستیك ناتو یك امرغیر ممکن نیست. صرفه جوئی های که از این ناحیه صورت** میگیرد بر علاوه فایده ایست که از **نگاه موجودیت عین سلا حها ومهمات** حربی در اردو ها ئیکه شا یـد روزی دوش بد و ش هم بجنگنـد بدست می آید.

سلاحها بعد از طی دو مر حـله جدا گانه بدست مستهلکین میرسد: **اول ریسرچ وانکشاف. دوم تولیـد** در دوران **ریسرچ وتحقیق وانکشاف یك مقدار زیاد پول در تجر بیات،** در دیزاین **وبالا خره در اعمار سلاح** های نمونه **وامتحان کردن آنها بـه مصرف میرسد. این کار برای اعمار اقلام بزرگ نظامی چون طیاره مـی تواند بین شش وله سال را در بر** بگیرد. **پولی که در این مرحله بـه** مصرف میرسد **باید از طریق تولید** جبران شود. **قاعده عمومی چنیـن** است که اگر تولید دو چند شـود قیمت تمام شد در دفعـه دوم ۸۰ فیصد دفعهٔ اولی خواهد بود.

البته اگر این نوع تولیدات بیشتر دوام کند سر انجام مصارف تما م شد خیلی **زیاد جبیره میگردد.**

برای همکاری در تولید سلا حها ومهمات حربی **طرقی چند وجود دارد** درحصهٔ ریسرچ **وانکشاف، یك کشور** میتواند **به تنهائی آنرا انجام دهدو** کشور های دیگر در تادیه **مصر ف** آن **کمك ومسا عدت نمایند.**

طریق دیگر **اینست که چندین کشور** میتوانند **در انجام ریسرچ وانکشاف** سهم **بگیرند وآنرا مشتر کا بپایان** رسانند. **نقص اشتراك مساعـی و** سهم **گرفتن چندین کشور در یـك** کار اینست **که این روش معمولا یك** میرو کراسی خاص وبر رسی ها در نظارت **های متعدد را مخصو صا در** وقتیکه تعداد شاملین وسهم گیرند گان زیاد باشد خلق میکند. **گر چه** همه این کارها در مصا ر ف مـی افزاید **معهذا صرفه جوئی کـه از** ناحیه **تولید طویل المدت بد ست** می‌آید **میتواند مصارف را جبـران** کند. **از طریق همکاری در مر حلهٔ** ریسرچ وتحقیق **چندین کشور بعضا** میتوانند **پروژه هائی را روید ست** بگیرند **که هیچ یك شان به تنهائی** آنرا انجام داده **نمیتوانند.**

هنگامیکه **مرحلهٔ تولید آغاز مـی** یابد **امکانات وزمینه های متعـدد** همکاری **بین کشور ها میسر شده** می تواند. **چندین کشور میتوا نند** یك **کشور آنرا بسته بندی وبهم یك** پرزه های مختلف راتو لیدکنند و جانماید. طریق دیگر اینست که هر کشور میتواند پرزه هائی را تولیدو بعد آنها را بسته بندی وبهم یکجا کند. در بین این دو **طریق البتـه** طریقه های دیگر تولید هم وجـود دارد.

ولی تمام این طریقه های همکاری غالبا گران تمام خواهد شد. **سا ده** ترین طریقه **که ارزان تمـا م شود** اینست **که یك کشور سلا حـهـا و** مهمات حربی **را تولید کند وکشور** های دیگر **آنها را خریداری نمایند.** این کار در مورد خریداری اقدا م **عمده نظامی برای کشورهای خریدار** پرابلم های **بزرگ بیلانس تـادیا ت** را ایجاد میکند. **این مشکلات مـی** تواند تا **اندازه از طریق معا هدا ت** فرعی **وخریداری های دو جانبه وذات** البینی سهل وآسان شو د مشر وط بر اینکه تر تیباتی گر فته شود کـه کشور **های مختلف سلا حهای مختلف** مورد ضرورت خود **را تولید کنند.** جمهوریت **اتحادالمان در طرف بیست** سال گذشته **بلیون ها پونـد را از** طریق خریداری **سلا حهای امریکائی** صرفه **جوئی نمود.**

در حقیقت امر فراموش نشود که بین **کشور های عضو ناتو همکاری** های **زیادی صورت گرفته است لهذا** در راه ریسرچ وانکشاف **سلا حهای** نظامی **عین مساعی از طرف کشـور** های مختلف ناتو صورت گرفته است این تضاعف مساعی مخصوصا از سال **۱۹۶۵ به اینطرف بسرعت بیشتـر** شده است.

احصائیه ها **نشان میدهد کـه** سالانه تقریبا **باندازه چهار صـد** ملیون پو ندر حصه ریسرچ وانکشاف **از ناحیه انجام عین فعالیت ها وعین** مساعی عبث بمصرف میرسد. **یکی** از ضایعات **بـزرگ دیگر نـاتو**

بقیه در صفحه ۵۶



دکتور محمد عزیز سراج رئیس امورصحی ښاروالی کابل موقع ایراد بیـانیه‌درمجلس‌افتتاحیه کانالیزاسون

کانالیزاسیون برای رفع مواد و آبهای فا

مبلغ ۵۰۰ هزار افغانی در اعمار کانالیزاسیون بمصرف رسیده است

* * *

سرمایه‌فعلی فابریکه بوت آهو ۳۰ ملیون افغانی میباشد

* * *

تولیدات سالانه فابریکه در حدود ۳۰۰ هزار جوره بوت میباشد

طوریکه خوانند گان مجله ژوندون اطلاع‌دارند در این او آخر یك پارك ویك کانالیزاسیون در مقابل فابریکه بوت آهو در جواردریای کابل که قبلا محل خرید وفروش مواشی

بود ،جدیدا اعمار ومورد استفاده قرار گرفت، موجودیت این پارك که از طرف فابریکـه

بوت آهو احداث گریده در تزئین وزیبایـی منطقه نقش مهم داشته وهم از تعفن وبایر بودن این محل بطور قابل مـلا حظه کاسته

است. کار ساختمانی این کانالیزاسیون بعد از سه ماه خاتمه یافت وروز ۲۵ سنبله‌توسط رئیس امور صحی کابل ښاروالی ورئیس‌طب وقایوی وزارت صحیه افتتاح وبکار انداخته شد در محفل افتتاحیه ایـن کانالیزاسیـون دوکتور محمدعزیزسراج‌رئیس‌امورصحی‌ښاروالی کابل‌داکتر عنایت‌الله قیومی مدیرحفظ الصحه محیطی ښاروالی وانجنیرانندر داس انجنیر هندی وزارت فوائدعامه وښاغلی محمدموسی آتش معاون امور صحی ښاروالی وښاغلی‌علی آغا بلخی (نماینده فابریکه بوت آهو)پیرامون منفعت این کانالیزاسیون از لحاظ‌رفع‌تعفن در منطقه مذکور بیانیه های ایراد کردند .

خبرنگار ژوندون در مورد اعمار این کانا لیز اسیون و چگونگی تولیدات اخیر فابریکه مصاحبهٔ بـا ښاغلی محمد رسـول رئیس [illegible]یکه بوت آهو تهیـه نموده کـه بـرای [illegible] مجله تقدیم میگردد.

[illegible] در مورد سابقه این معضله گفت: از [illegible]تها به اینطرف در مورد رفع ایـن معضله [illegible]ین اهالی میکرو ریان و فابریکه بوت [illegible]اروالی کابل مفاهمه بعمل آمده تا طریق حل [illegible]ن جستجو گردد. چنین فکر میشد که اصل منبع ایجاد تعفن در این ناحیه نـه تنها موجودیت مواد فاضله فابریکه بوت‌آهو میباشد بلکه موجودیت کشتار گاه مسلخ‌و بودن محل خرید وفروش مواشی که بنام نخاس یاد میشد، نیز در این ناحیه میباشد.

نخاس به مشوره ښاروالی کابل از این ناحیه نقل مکان کرد وفابریکه بوت آهونظر به توجهات وهدایات بهی خواهانه دولت جمهوری ، یك حصه از زمین شخصی‌فابریکه را برای پارك تخصیص وپارك زیبایی درآن جاازمصرف فابریکه اعمارنمود. که‌به‌این‌ترتیب ریشه‌یك‌عامل مهم تعفن به‌این وجه‌ازبین‌رفت در مورد اعمارکانا لیز اسیون از مدتها بین فابریکه وښاروالی کابل مفاهمه بعمل می‌آمد درنتیجه به همکاری ریاست‌حفظ‌الصحه‌ښاروالی کابل وریاست ساختمانی وزارت فواید عامه نقشه کانالیزاسیون تکمیل ومورد تطبیق قرار گرفت.

مواد فاضله فابریکه از طریق مـجرای مخصوصی در این کانالیزاسیون رهنمایـی گردیده وبعدا توسط مواد کمیاوی مخصوص خنسی گردیده وتعفن آن از بین میرود.

زمینکه در آن کانالیزاسیون اعمار گردیده مربوط فابریکه میباشد ودر همین محل قبلا خرید وفروش مواشی صورت میگرفت،البته فابریکه در نظر دارد در آینده برای انکشاف بیشتر فابریکه از این ساحه استفاده بعمل آورد.

کار ساختمانی این کانالیزاسیون در مدت سه ماه تعکمیل ومبلغ پنجصدهزار افغانـی در آن بمصرف رسیده است. باعمار ایـن پروژه معضله اهالی میکروریان وباشندگان منطقه از ناحیه تعفن ناشی از آب های‌فابریکه بوت آهو رفع گردیده وآب‌فاضله فابریکـه بعد از تصفیه بامواد کمیاوی بوی آن ازبین رفته وبدریا جریان پیدا میکند.

رئیس فابریکه بوت آهو در مورد سال تاسیس وسر مایه فابریکه گفت :

فابریکه سهامی بوت آهو در سال ۱۳۴۲ بنام فابریکه بوت آهو ثبت وراجستر گردید وبا سرمایه ابتدائی ۱۴ ملیون افغانی شروع بکار نمود. فعلا سرمایه فابریکه بوت ۳۰ ملیون افغانی میباشد.

فابریکه بوت آهو سهامی‌وبه اساس‌قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خـارجی روزانه فعا لیت مینمایـد ۴۹فیصد سهم‌آن از کمپنی (ویدمرپاگنی‌سویسی) میباشد.

تولیدات فابر یکه‌روزانه بطور اوسط ۸۰۰ جوره بوت میباشد وسالانه در حدود ۳۰۰ هزار جوره بوت تولید وبرای اهالی ازطریق مغازه ها ودیگر موسسات رسمی از طریق قرار داد های جداگانه بفروش میرسد .

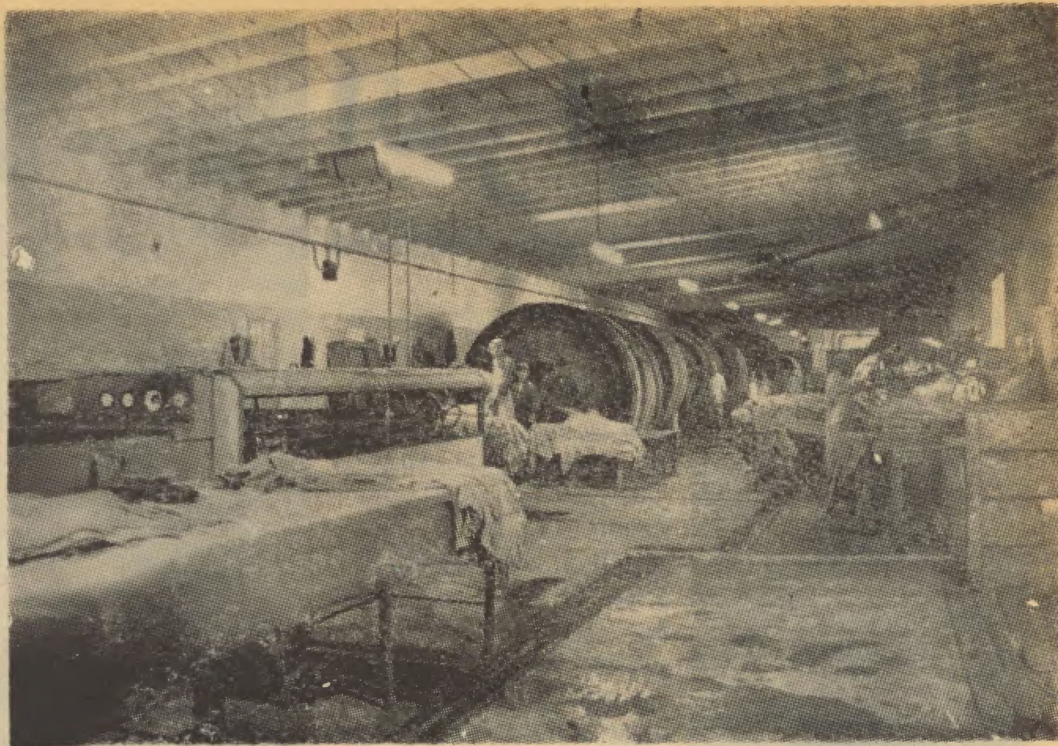
تولیدات فابریکه برای فروشندگان باقبول ۹ فیصد تخفیف بطور کمیشن توزیع وتولیدات در اکثر ولایات افغانستان بفروش میرسد. ښاغلی رئیس فابریکه در مورد دلچسپی

گراف تولیدات فابریکه از لحاظ تولید و فروش سیر صعودی دارد و خصوصا دربهار وتابستان فروش بوت آهو قابل توجه است وتولیدات سایر مواسم سال درهمین‌دوموسم بفروش میرسد.

فابریکه بوت آهو فعلا بمقدار کافی چرم برای ضرورت خود فابریکه تولید وبعضا مجبور است که چرم های مصنوعی ازخارج وارد نماید.

ماشین آلات که در فابریکه از آن استفاده بعمل می‌آید، از ممالك ، ایتالیا، آلمان، انگلستان وسویس خریداری وتهیه گردیده است.

موصوف در اخیر مشکلات اقتصادی فابریکه را وانمود ساخته اضافه کرد. ختم شدن‌دوره معافیت ما لیات وصعود قیمت مواد خام‌در خارج ومصارف اضافه گی فابریکه ،باعث رکود اقتصاد فابریکه‌گردیده که‌نه‌تنها صعود اصل سر مایه ازفایده‌تولیدات فابریکه‌متصور نیست بلکه تقویه فابریکه از جانب شرکا همیشه صورت میگیرد. بدین لحاظ امید وار هستیم تا بتوانیم باوجود این مشکلات فابریکه را تقویه ودر خدمت هموطنان عزیز بیش‌از بیش قرار بدهیم.



شعبهٔ چرمگری فابریکه بوت آهو

فاضله فابریکه بوت آهو بکار انداخته شد

مردم درنحوه تولید ومواد خام فابریکه‌گفت: مودل تولیدات فابریکه نظر به علاقه مردم‌و مشوره متخصیصین خارجی وکمپنی مربوطدر هرشرایط تغییر میخورد. تقاضای مردم‌همیشه بیشتر از عرضه بوده گرچه فابریکه فعلا به ضرر مواجه میباشد بانهم فابریکه به‌تولیدات خود ادامه داده وامید است تا درآینده‌فابریکه انکشاف قابل ملاحظه نماید .

مواد خام فابریکه به استثنای چرم‌ونمك، تمام مواد دیگر آن از قبیل ،رنگ، موادپخت وغیره از خارج تهیه میگردد.

تولیدات فابریکه شامل اقسام مختلف‌بوت ها، چرم جیر، چرم های لباس وار، پوست موی دار برای پوستینچه میباشد. فابریکه غیر ازبوت سازی در ساحه چرم نیز فعالیت داشته یکنوع چرم برای تولیدات فابریکه بکار رفته ویك نوع آن بنام پوست (پیکل) تهیه وبممالك شوروی ،امریکا وبعضی ممالك دیگر اروپایی صادر واکثر ازاحتاجات اسعاری فابریکه از همین راه تکافو میشود.

فابریکه بوت آهو فعلا در حدود ٦٥ نوع بوت تولید و همیشه سایز آن نظربه علاقه مردم ورسیدن کتلاك های جدید تغیر میخورد.

در فابریکه ٤٥٠ تن کارگر درشعبات مختلف شامل کار میباشند.

در شعبه چرم گری یکنفر متخصص جرمنی ودر شعبه بوت سازی یکنفرایتالوی‌و یکنفر افغان تعلیم یافته در رشته چرم گری مصروف خدمت اند.

بناغلی غلام رسول رئیس فابریکه بوت آهو راجع به جنسیت تولیدات فابریکه ورقابت بوت تولیدی فابریکه دربازار گفت: شدت تقاضای مردم ،ثابت ساخته که‌بوت آهو از نگاه جنسیت باهر نوع بوت خارجی رقابت کرده می تواند. در رژیم گذشته چون مفکوره تقویه صنایع ملی مو جود نبوده قاچاق بوت ووارد شدن آن دربازارها سبب شد تا بوت آهو از نگاه قیمت رقابت کرده نتواند، اما درپرتو رژیم مترقی جمهوری وبا کنترول جدی از وضع قاچاق بتاسی از مفکوره عالی تقویه و تشویق‌سرمایه های خصوصی وصنایع ملی ، بوت آهو هم به نوبه خود توانست تاز لحاظ قیمت‌وجنسیت باتولیدات خارجی رقابت کند.





شعبه بوت سازی فابریکه بوت آهو.

اسرار اطفال

انتونیلا والنتی ، یك دختر ۹ ساله با پوست گند می ومو های سیاه و دو خواهروبر جینیا۹ساله ونینفامار چیز ۷ ساله آخرین بار در یك پیش از چاشت آفتابی تیره ماه در مقابل دروازه بزرگ مکتب شان واقع در مارسالا دیده شدند .از آنجایعنی از مقابل دروازه مکتب آنها چنا ن ناپدید شدند ، گوآنکه زمین چاك شده واو شان را بلعیده باشد .سر میز غذای چاشت بشقاب های شان خالی وکاردوپنجهٔ شاندست نخوروه ماند حتی در بعداز ظهرهم هیچکدام از ختر ها بمنزل بر نگشتند .وقتی تاریکی شام بالای شهر ی پهن شد که نفوس آن‌به ۸۰۰۰۰نفر میرسید ، پولیس اطلاعیه مفقودی آن ها را در یافت داشت .در محیط خانواده های بی بضاعت والنتی و انتونیلا نزد والدین بزرگ ومارچیز چراغهارا تابه صبح روشن گذاشتند

ترس ود هشت‌وغم واندوه درمیان اعضای خانواده ریشه دوانید .

اکنون خارنوال دولت بنام سزار ترا نیوا امر تجسس در تپه های اطراف شهر را صادر کرد .معهذا تلاش پولیس برای یافتن دختر هابی نتیجه ماند .ماریا والنتی ووالدین انتونیلا ،لیو نارو خبر ناپدید شدن دختران شانرا در پادن بادن دریافت داشتند .آنها در آنجا بصفت کارگر مهمان مشغول کار بودند .آنها با ترن بعدی به ایتالیا بر گشتند و ساعتهای طولانی را در استیشن‌ریل در حال بیخبری سپری کردند تا اینکه صبح دیگر باسیسل ارتباط بر قرار شده ودرینجا بود که از طریق لاوت سپیکر های پیاده رو استیشن ریل آنها رابه اسم شان صدازدند وچند دقیقه بعد در دفتر استیشن ریل به‌ایشان حالی کردند ،که‌جسد دختر شان انتونیلا چند ساعت پیش بدست پولیس افتیده است وپولیس جسد را از عمارت نیم کاره یك مکتب ،شش کیلومتر بیرون مارسالا



هانس هوفمن مامور تانك که سه دختر گریان را در داخل یك موتر فیات آبی رنگ ۵۰۰ دیده است

پیدا کرده .

جسد انتو نیلا برحسب تصادف محض بین انبار های زغال سوخته وبوری های سمنت ودرست دروسط مواد اضافی باقی مانده تعمیر پیدا شد. طفلك لباس‌به‌تن داشت‌بازوان وی را با فیتهٔ سرشدار به بدنش بسته بودند .پاهای دخترك را هم با همان فیته سرش دار بسته و پا فتیهٔ سرشدار دهان انتو نیلا را هم سرش کرد هبودند .

در محل پیدا شدن جسد دختر ، خارنوال دولت سزار ترا نیواکشف نمودکه :شخص اختطاف کننده سعی نموده باقی مانده فیتهٔ سرشدار را بسوزاند . در وسط دودیکه مواد سرشدار تولیدکرده ،دخترك مسموم



پولیس هر کجا را که به نظر شا نمشکوك می آید ،مانند این کلبهٔ دور افتاده تفتیش میکنند



يك تصویر ازدوران شیر خوراگی نیفای ۷ساله برای والدین مار چیز بحیث یاد گارفرزند شان باقی مانده است .

وهم وير جنيا مارچیز ۹ ساله «تصویر» کاملا بالا »نیز اختطا ف شده است

«تصویر بالا» آخرین عکس ازوالنتی

اختطاف شده

وخفه شده بود .ترا نیوا نتوانست شواهد بیشتری برای تعقیب مجرم در محل واقعه پیدا کند .یك تعداد مردم پس از اطلاع یافتن ازین قتل وحشیانه سخت د چارخشم‌فرا وان شده به آن عمارت نیمکاره ریختند. زنان گریه آلود دسته های واکلیل های گل را بالای کوت های خاك وخشت اضافی تعمیر گذاشتند ،در جائیکه جسد انتونیلا بدست آمده بود .با بلند شدن آفتاب هزاران نفر در باغچهٔ تاك انگوری نزدیك عمارت نیم‌کاره جمع شده شیون وزا ر ی را سر دادند .عده‌ی هم در حالیکه به مرتکب این عمل وحشتناك نفرین می فرستاد ،با سرود های مذ هبی دعاکنان به دنبال دو دختر دیگر که تا کنون مرده وزنده شان لادرك بود بجستجو بر آمده بودند .این دودختر ناپدید شده دیگر نیفا وویر جینیا بود .

در خلال این مدت هانس هوفمن آلمانی ۲۸ ساله که در مارسالا به صفت مامور تانك کار میکند اینطور به پولیس اطلاع داد او سه دختررا در یك موتر آبی رنگ فیات ۵۰۰ درحال گریستن دیده‌که بامشت‌های شان راننده را می زدند .مامور تانك اضافه مینماید که او حتی صدای فریاد یکی از دختران را از داخل موتر شنیده است که میگفت : بگذار که بیرون بروم .

خارنوال ترا نیوا تمام دارند گان موتر فیات آبی رنگ را که تعداد شان به شش هزار نفر می رسد ، وحتی دارند گان‌موتر های فیات۵۰۰ را که رنگ موتر شان غیر از آبی‌هم میباشد تحت تحقیق قرار داده‌است. یك دهقان بنام فرا نچسکو لومیناری ضمن باز رسی پولیس بدون کدام دلیل موجهی مورد سوظن واقع شد وچنان گمان میرفت که او سه دختر را اختطاف کرده‌باشد .سزارترانیوا منزل این دهقان را توسط یك عده از پولیس های کار آزموده زیر نظر گرفت .

مرد م مارسالا همه خاطره مفقو د شدن سه طفل‌دیگررا از محلی بنام اسپرو در یك ۱٦۰ کیلو متری بیاد داشتند .سه سال پیش جوز په‌لالیتا ۱۰ساله ،دو مینیکو والکانو ۱۰ساله وانسو اسکو رینا ۱۱ ساله در راه مکتب طوری ناپدید شدند که هیچ اثری از خود بجا نگذاشتند .از آن تاریخ تاامروز حتی کوچکترین اثری از آنها بدست نیامد .غیبت آنها و ناپدید شدن شان یك حادثه جادوئی وسحرآمیز تلقی شد . مردم برا ی مدتی از آن معمایی ساختند وعده‌ی مدعی شدند که کوه آتشفشان اتنا آنها را به طرف خود کشانیده وآن ها به پای خود دردهانه آتشفشان غلتیده اند . برخی از مردم به این فکر شدند که ممکنست‌آدم فروشانی آن سه بچه را به مراکش برده و فروخته باشند اما بعضی از مردم‌را عقیده بر این بود که احتمال دارد به اثر یك زلزله زمین چاك شده و آن سه طفل در چا زمین لغزیده و انگاه کفیدگی زمین پیش آمده باشد و به این ترتیب آنها برای همیش ناپدید شده اند .

وحال این ماجرای اسرار آمیز بار دیگر تکرار میشود .در میان مردم ساده دل واغلب خانواده های بی بضاعت اهالی شهر ارتباط های را بین معمای ناحیهٔ اسپرد .با مرگ انتونیلای کوچك وفقدان نیفاوویر جینیا حدس می زنند .

انتونلا که در تابوت سفید رنگی آرمیده وروی‌تابوت‌را باگلهای‌فراوان پوشیده اند پیشا پیش و در جلو گروه کثیری از مشا یعین کوچه ها وخیا بان‌های‌مار سالا جانب گورستان عبور داده میشود .ده ها هزار نفر برای مشایعت جنازه اشتراك کردند پس از ختم‌مراسم‌تدفین سزارتوا-نیوا به بعضی از سوالات فراوا نی که از او بعمل آمد اینطور پاسخ داد :

ما اکنون در صدد پیدا کردن دو جسد دیگر هستیم .امید واری برای زنده بودن آن دوتای دیگر عملا بیهوده میباشد .

بجواب یك سوال دیگر گفت : تمام چیز های که‌ما‌از نیفا وویر-جینیا تا ایندم بدست آورده ایم شامل کتابچه ،قلم میباشد که دربین بکس های مکتب شان وجود داشته این کتابچه ها را‌از یك زمین زراعتی در دو کیلو متری عمارت نیمکاره که

بقیه در صفحه ٥٦



لیونارد‌و والنتی سر سام ودیوانه‌وار فاصلهٔ بین آلمان وایتالیا راپیموده ،خود شرا نزد خانواده اش رساند چند ساعت پس از اختطاف‌سه‌دختر ،جسد والنتی ۹سا له راروی یك عمارت نیم کاره پیدا کردند ماریا مادر والنتی در حالیکه سرش‌را روی شانه بزرگترین دختر شی‌گذاشته اشك می ریزد ،لیلا دختر کوچك ومادر کلان شان ویك خواهرزاده ماریا هنوز حاضر به قبول این‌خبر جا نگذار نیستند .

از گل احمد زهاب نوری

زلزله درقرن بیست ۵۸۰۰۰۰ نفر را درجهان تلف کرده است

ساحه فیض آباد وسلسله کـــوه هند وکش مرکززلزله های افغانستان تثبیت گردید ه.

• • •

نخستین اثر تخریبی زلـــزله ،در حفریات باستا نشناسی آی خانـــم کشف شده است .

• • •

زلزله برای اولین بار توسط بابرشاه ،در افغا نستان ثبت گردید .

• • •

افغا نستان هند، پـا کستـــان ،ایران ،عراق ،ترکیه ،یونان ،یوگو-سلاویا ،ایتالیا وجنوب شرق روسیه :بیك نوار فعال زلزله خیز ز مین واقع شده اند .

• • •

آلات تخنیکی چگونه تکان های زمین را ثبت میکنند .

• • •

فقط چند لحظهٔ کوتاه ،درست در فاصله ثانیه ها ،زمین می لـــرزد ، مردم وحشت زده میشوند ،صدا ی ضجه، اطفال وغریو مـــادران بلنـــد میشـــود و بعـــد صـــد ا هـــا ی بلند تری، این فر یـــا د هـــا را خاموش میسازد ،سکوت بر همه جا سایه می‌اندازد وغباری غلیظ ،فضای شهری را می پوشاند .

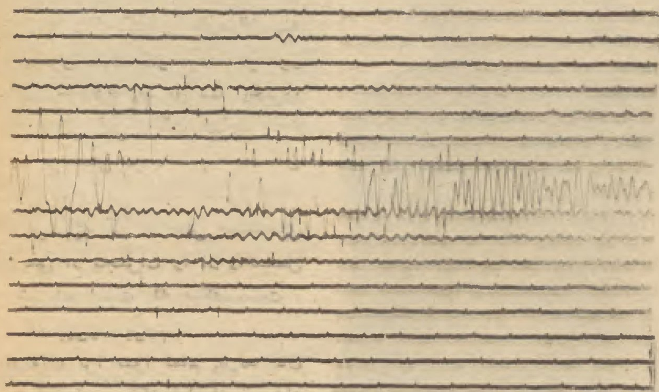
وحشت وپایان آرامش یك شهر !

زلزله ،چنین می آید وخیلی هـــم زود تمام میشود .بشر از آغاز تمدن بشری ،در صدد آن شد ،تا بـــر حوادث وبلا هایی ،که او را تهدید میکرد چیره شود وآنرا تحت‌کنترول بیاورد .

رفته ،رفته در طی زمان مبارز ه

این آغاز مصیبـــت است ،آغـــاز نسل بشر با طاعون ،وبا سیلاب ، زلزله وامثال آن ،نتیجه خوبی داد و بسیاری ،ازین بلا های خانما نسوز مهار گردید ، اما زلزله ،هنوز ا ز حوادثی است ،که تحت کنتـــر ول انسانها نیامده ،وگاه‌گاه در نقـــاط مختلف دنیا، تلفات‌جانی ومالی‌زیادی را بار می آورد !

یکی از احصائیه های یو نسکـو نشان میدهد ،که زلزله سال ۱۹۷۰ پیرو (۵۰،۰۰۰ نفر راهلاك‌ساخت)



این نقشه تکان های زلزله اخیر کابل را نشان مید هد

همچنان در ربع دوم قرن بیستم در حدود ۳۵۰،۰۰۰ نـــفر ودر ر بـــع اول همین قرن .صرف در پنج زلزله مدهش «۵۰۰۰۰۰» نفر تلف گردیده اند .

تلاش دانشمندان ،برای جلو گیـــری از خسارات زلزله ،جریان دارد وتا حال تنها راهی ،که سراغ شده ، کشف وشناختن نقاط زلزله خیزکره زمین است، تا در آن‌از اعمار شهر های مسکونی جلو گیری شود .

زلزلهٔ اخیریکه در کابل وولا یات مختلف کشور رخداد،از مدهش‌ترین زلزله های‌اخیر بشمار میرود درینجا گزارش مختصری داریم ،از وقـــوع زلزله های مدهش تاریخی تا امروز در افغا نستان ونقاط زلزله خیـــز جهان :

زلزله در قسمت های مختلف‌کره ارض بو قوع میپیوند،ولی‌دومنطقه جهان ،از نگاه زلزله های تباه کـــن ومخرب ،بیشتر مورد توجهٔ علمـــای ساینس قرار گرفته است .

یکی ازین مناطق نوار کم عرضـــی در حوزه بحر الکاهل است ، کـــه هشتاد فیصد زلزله‌های دنیا،درهمین منطقه ،بوقوع می پیوندد .درین‌حوزه علاوه از نواری که در داخل بحر ،از نگاه زلزله فعال است ،سوا حـــل الاسکا ،کالیفر نیا ،قسمت های‌غربی امریکای جنوبی ،نیوزیلاند و جاپا ن نیز از تکان های زلزله این منطقـــه متاثر در باشند .

قسمت دیگری ،که از نگاه وقوع زلزله ،حایز اهمیت است ساحـــه است که از شرق به سمت غـــرب امتداد یافته وشمال‌هند، پاکستان افغا نستان ،ایران ،عراق ،ترکیه ، یونان ،یوگو سلاویا وایتالیا ،شا مل این منطقه زلزله خیز می شوند .

همچنان در حصض جنـــوبی و شرقی روسیه وقسمت هایی ازچین نیز امکان زلزله های مخرب ،وجود دارد .

یك منبع دستگاه زلزلـــه سنج پوهنخی انجنیری پوهنتون کابل،در پاسخ سوالی . نقاط ز لزله خیـــز افغا نستان را ساحهٔ شمال شر قـــی کشور وانمود کرده گفت :

ـ افغا نستان ،از نگاه زلزله ،در منطقه فعالی واقع شده ، که‌اینجا ب مطالعات عمیق علمی را می کند .

به‌اساس مطا لعات که‌صورت گرفته ساحه بدخشان وکوه های هندوکش مرکز زلزله هایی است ،که تا حال در کشور ما ،بوقوع پیوسته است.



یك منظره از خرا بی‌های زلزله‌در منطقه تور گل

منبع در باره زلزله های تاریخی ، در افغا نستان میگوید :

ـ قدیمترین اثر تخریبی که مـی توان علت آن را ،زلزله تعبیر نمود، بعضی ویرانی هایی است ،کـه در حفریات باستان شناسی ،در شهـر «آی خانم» به مشاهده رسیده ودلایلی وجود دارد ،که زلزله در حدود سال های پنجاه قبل از میلاد، تا سالهای پنجاه میلادی رخداده وخرابی هایـی را ،درین منطقه باعث شده است .

زلزلهٔ شهر بلخ در حدود سالهای ۸۱۸ ـ۸۱۹ میلادی ،زلزله هرات در حدود سالهای ۸۴۸ ـ ۸۴۹ و زلزله ارگون در سالهای ۱۰۵۳ ـ ۱۰۵۲ میلادی ،نیز از زلزله های تاریخـی افغا نستان است .

اولین زلزله یی که ،ریکارد شده، زلزله لغمان است ، که توسط بابرـ شاه ثبت گردید ،واز مخرب تریـن زلزله هایی است که در لغمان وکابل خسارات زیادی را بار آورده بود . این زلزله در حـدود سال ۱۵۰۵ میلادی رخداده است .

پس از آن ،تا نیمه اول قـرن نزدهم ، راپوری در مورد زلزلـه موجود نیست .البته این موضـوع دلیل آن شده نمیتواند ،که دریـن مدت زلزله یی رخ نداده است. شاید راپور ها واوراقی ،که زلزله های آن زمان ،در آن ثبت شده بوده ،ازبین رفته است .

منبع سوال دیگرم را ،پیرا مـون ثبت زلزله ها ،اینطور پاسخ مـی دهد :

ـ تا او اخر قرن نزدهم ،آنچـه در مورد زلزله حکایت ،یا ریکاردمی شد .عبارت از یك سلسله معلوماتی بود ،که توسط حواس بشری درك می گردید .هر گاه زلزله یی ،در محلی دوراز سکو نت انسانها رخ میداد هیچگونه اطلاعی، از آن بـد سـت نمی آمد .

در آخر قرن۱۹ ـآلاتی بنام زلزله سنج اختراع گردید ،که زلزله را ، به‌طرق‌علمی‌وتخنیکی ثبت وریکاردمی کند. این آلات نسبت بـه حـواس بشری حساستر بوده‌و همچنان قادر است ، تا کوچکترین زلزلـه را ،از نقاط دور دست دنیا ثبت نماید .

بکار افتادن دستگاه‌های زلزله‌سنج، این امر را ممکن ساخته ، تا بشر از وقوع خفیفترین زلزله ها در نقا ط مسکونی یاغیرمسکونی ،اطلاع‌یافته ومراکز زلزله درکشور های مختلف تعیین وتثبیت گردد .

می پرسم :

در کابل چند دستگاه زلزله سنج وجود دارد واز کدام سال به اینطرف فعالیت میکند ؟

انجنیر میر اسلام الدین در باره زلزله سنج کابل میگوید :

ـ دستگاه زلزله سنج پوهنحـی انجنیری که‌تحت پروگرام همکا ری های افغا نستان واضلاع متحـده امریکا ،در سال ۱۹۶۸ ، در قرغـه نصب گردید ،از مجهز ترین دستگاه های علمی زلزله سنج می باشد ،که قدرت ثبت همه زلزله های خورد و بزرگ را در ساحه افغا نستـان و مناطق مختلف ممالك دیگر دارد .

به اساس تحقیقات علمی که بوسیله ثبت زلزله های افغا نستان صور ت گرفته اکثر زلزله ها ،در مناطق‌شمال شرق افغانستان خاصتاً فیض آباد نور ستان وکوه های هندو کش به وقوع پیوسته است .

انجنیر میر سلام الدین در بار ه زلزله های مدهش می گوید :

ـ زلزله ساعت ۷ بجه ۵۹ دقیقه و۵۲ ثانیه صبح سوم سرطان سال ۱۳۵۱ در اشکمش ،زلزله ۱۳ مـی ۱۹۷۴ در شصت کیلو متری فیض آباد .زلزله ۳۰ جولای ۱۹۷۴ فیض آباد ،از زلزله های مدهش بشمارمی رود .

وی افزود :

ـ دستگاه زلزله سنج کابل وقوع زلزله رادر افغا نستان یادیگر ممالك باتایم دقیق که‌نـظر بـه و قـت گرینویچ عیار شده ، بروی نقشـه ها ثبت می نماید .سپس ،هیات فنی مطابق این نقشه ها ،ساحات وقوع زلزله را با شدت ووقت آن تعییـن نموده ،آن را ،به مرکز زلزله سنـج ماسکو ، ایران، فرانسه ومرکز بین المللی زلزله سنج ،در واشنگتـن مخابره میکنند

راپور تمام ،دستگاه های زلزلـه سنج دنیا، در واشنگتن تو سط ـ کامپیوتر ها تحلیل گردیده ونتیجهٔ دقیق آن سپس به‌همه دستگاه های مربوط مخابره میگردد .

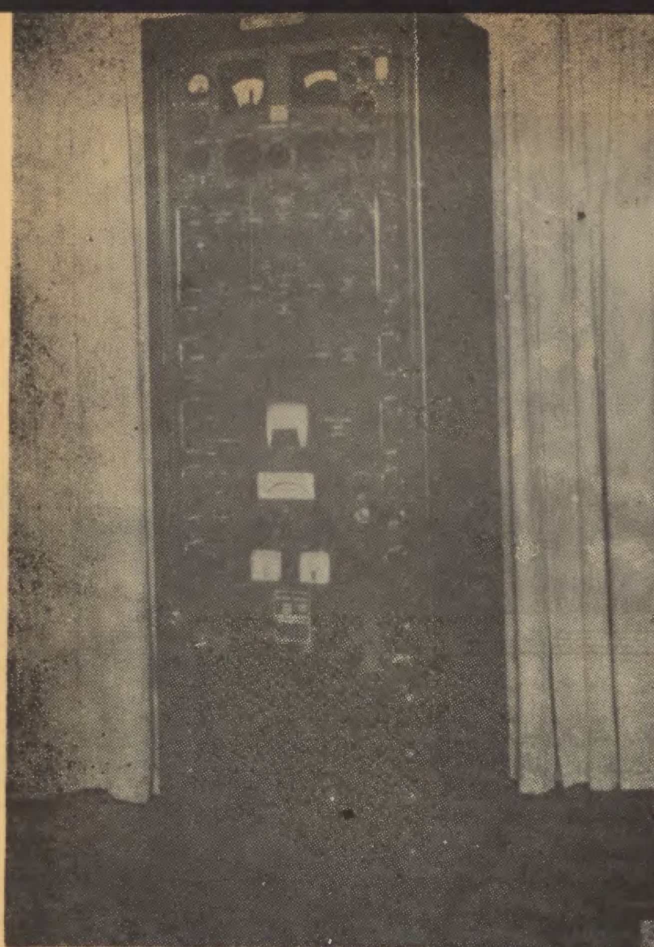
آمر دستگاه زلزله سنج پوهنحـی انجنیری سوال دیگرم را در با ره نحوه کار، این دستگاه چنین پاسخ میگوید :

ـدو نوع آلات حساس زلز له سنج بنام های (لانگ پیرنـیـست)و «شـارت پیر یت) بـر بالا ی سنگ های عظیمی کـه عمـق آن ها نیز زیاد است ، در دوازد ه کیلومتری شهر، نزدیك‌قر غه نصب گردیده است .این آله ها یکی زلزله های خود افغانستان راودیگری زلزله های، ممالك نزدیك به افـغا نستان را ،احساس نموده وآن را ،بصورت امواج ،به‌ماشین‌تقویت کننده‌انتقال دهند .امواج برقی ،بعدا از ۴۰۰ تا ۴۰۰۰ مرتبه قوی تر شده و بـه دستگاه دیگری ، که در بین آن کاغذ های مخصو ص او رلیت قرار دا ده رهنمایی میشوند .این امواج بـر بالای کاغذ ها تاثیر کرده وثبت می گردند .

وی می‌افزاید :

ـ از روی همین کاغذ هاست ،کـه نتایج ،محل واقعه ،تایـم دقیق آ ن حاصل می گردد .

«در شماره آینده گزار شـی از عوامل جیولو جیکی زلزله ،فعا لیت های آتشفشانی در زیـر زمـین و عقاید ی‌که در گذشته راجع بزلزله در جهان وجود داشته ،تهیه گرده‌ایم نشر میشود .»



یکی‌از آلات‌تقویت کنندهٔ سیکنل‌های‌زلزله‌درمرکز‌زلز له سنج کا بل



گوشه ای از خرابی های زلزلـه

علیشیر نوایی

اثر : م . ت . آی بیک

ترجمه : ع . ح . ایلدرم

بهار شهر زیبای هرات راطراوت خاصی بخشیده است خبر باز گشت علیشیر نوایی وتقرر اوبحیث مهردار دولت ،چون حادثهٔ مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند .

در یکی از شبها که نوایی تنها ست، درو یشعلی برادر او نزدش می آید .هر دو پیرامون امور جاری به بحث وگفتگو میپر دازند، نوا یی تصمیم خود رامبنی بر اینکه بخواهد کتابخانه بزرگی را اساس گذاری کند ،اظهار میدارد میگوید که مسولیت این امر را بدوش وی خواهد گذاشت .

فردا بعد از آنکه نوایی در دیوان حضور می یابد ،حسین بایقرا اورا نزد خود فرا میخوا ندورا جع به امور کشور باوی بمشوره میپر دازدو نظرش رادر باره مجدالدین خواستار میشود .

درهمین آوان ابو ضیا ،بازر گان معروف خراسان پیشنهاد میکند تا وجوه موردضرورت خزانه رابرسیل مساعدت نقدا بپردازد ، مشروط بر اینکه بوی صلا حیت داده شود تاوجوه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات ولایت هرات دو باره بدست آورد. این پیشنهاد دراثر وسا طت مجدالدین پذیرفته میشود و بعدا نوغان بیك مامور اجرای این وظیفه گردیده ،بیکی از دهات وارد میگردد. ریش سفید دهکده از وی خوا هش میکند تا درین مورد از نر مش کار بگیرد.

در جریان این حوادث ،سلطا نمراد دانشمند جوان بسراغ کیمیا گر معروف هرات میرود تا از وی اسرار این علم را فرا گیرد .

حویلی بزرگی که شبا هت به خا نه متر وك داشت ، متو قف ماند. درهمه جاسکوت حکمفر ما بود. بعد ازآنکه نگا هی به اطرا ف افکند. بطرف خانه کهن امابلند و مستحکمی نظیر قلعه، که از دودرو آن بشد ت دود خار ج میگردید، حرکت کرد. هنوز گا می چند باقی مانده، در کوچکی هیچگونه تناسبی باصلابت و بزرگی خانه نه داشت ،باز گردید و شخصی کـه کوزه کو چك عجیبی در د ست داشت ازآنجا بیرو ن آمد .او کیمیا گـر معرو ف عبدا لاحد بود. برسر گردو بزرگ خود کلا هی چر کین پوشیده بودو جامه کار کهنه ای دربرداشت که داغهای گوناگو نی روی آن مـی درخشید وهر طر فش سو خته بنظر میرسید . چشما نش سـرخ ونمناك بودو چهره پر صلا بتش که در مقابل حرار ت آتش قرار دا شته است، میدر خشید ، ورنگ سفیـد ریشش انبو هشس بزردی گرا یده بود. او بیش از نیمه پنجاه وپنجسال زندگی خویش رابه تنها یی در یـن خانه وقف تجار ب و کار های مربوط به علم کیمیا نموده بودانواع مواد را گرم میکرد، آب میسا خت، تر کیب وتجزیه مینمود ودرد نیای بی پایان اسرا ر امیز دانش و هنر خاص خود باتمها مت توام با متانت وبرد با ری شگفت انگیزی گام بر میدا شت . چشمانش در اثر حرار ت آتش و مقابل شد ن با مواد کیمیا و ی روبه ضعف نهاده وگو شها یش قـدر ت شنوایی خویش را از دست داد –

کیمیا گر بادیدن جوان نا آشنا مثل اینکه نا گهان با فاجعهٔ غیـر منتظره‌ای مواجه شده باشد، جابجا خشك ماندگر گونی عمیقی برچهره‌اش پدیدار شد که از علم رضایت شدید او نمایندگی میکرد. سلطا ن مراد ازین پیشامد تکان خورد وشور وهیجا نش دستخوش رخوت گردید اما چون با خصو صیت های اینگونه اشخاص کاملا آشنایی داشت، نارضامندی اورا طبیعی پنداشته باگامهای استوار خودرانزد دانشمند رسانید ودست برسینه نهاده ،مراتب تعظیم بجا آورد .کیمیا گر با چشمان خیره نمناك خویش سراپای اورا بد قت استهزا آمیزی ازنظر گذار انید و تاثر خود را با آهی عمیق افـاده کرد :

– بخاطر چه مقصدی قدم برآستانه این فقیر نهادید ؟

سلطان مراد قدخودرا راست کر د وبرای اینکه توجه دانشمندا نلجوج را بسوی خود جلب نمایند ،قوه‌نطق بیان خود را بکار انداخت .نخست باآواز بلندکه گلویش تاسرحداذیت فشار میداد ،عالم را مدح وثنا گفت وسپس خودرا معرفی کردوهد فی را که به خاطر آن اینجا آمده بود ، شرح داد .

عالم باز دیگر بابی اطمینا نی ، قاطعانه گفت :

ازطرح دوستی با آنانیکه مسئولیت مارا برهم میزنند می هراسم .

سلطا نمراد با لهجه‌ای احتـرام آمیز اظهار داشت .

– جناب ،ما هم افتخار نسبت به گروهی داریم که تحمیل هر نـوع مشقت ومحرو میت را درراه علم – نعمت بزرگ زندگی میدانند .جناب شما در عـلم کیمیا بمثابه (جعفر) زمان مائید .هر یك از سخنان شما برای ما جوینده گان دانش ،بر تر از سیم و زر است ،چون خداو نـد گنجینه بی پایانی برای شما ارزانی داشته است این شا گرد کوچـك اطمینان دارد که راه سخا وکرم در پیش خواهید گر فت .

عبدالا حد ابروان خود را که در اثر سوختن کم موی شده بودند ،در هم کشیده خامو شانه دور شـد سلطا نمراد ازعقب کیمیا گر سخت گیر چشم دوخته ،جا بجا متو قـف ماندعالم به‌حفره وسط حویلی، مایعی سیاهگون چرکین راازسبوی کوچك ریخت ودر حالیکه چشم بر زمیـن دوخته بود ،آهسته آهسته بر گشت وبدون آنکه سر از زمین بر دارد ، باصدای اسرار آمیز پرسید .

– آیااز تصمیم بی آلایش ،ازعشق صمیمانه به کیمیا واز ایمان بـه حقیقت برخور داری ؟

سلطا نمراد پاسخداد :

–نمیدانم بکدام زبان بعر ض برسانم؟

– پس ،بیا با من !

سلطا نمراد با مسرتی بی پایان، از عقب عالم به خانه وارد گردید . این (کیمیا خانه) عبارت از اطا ق وسیعی بود که با (چهار ستون)خود به خانقاه شباهت داشت وچون از دو سوراخی که‌در سقف بو ینا ك آن وجود داشت وبا کاغذ شفـاف پوشانده شده بود ،روشنی میتافت

داخل خانه تاریك نبود . در اطاقها وبر سطح خانه انواع واشکال کوزه های سفا لین با ظرفیت های متفاوت انواع ظروف مسین وآهنین ،اقسام شیشه های عجیب ،هاون های کوچك وبزرگ وآهن پاره های گونا گون برروی هم انبار شده بودند ،دیگدان های پست وبلند که در صدر کار گاه کیمیا طور تنظیم ساخته شده بودند ،اساسا بااجاقهای عادی هیچ گونه شباهتی نداشتند .در عده‌ای ازین اجاقها آتش میسو خت .در ظرفی شیبه دیگ کوچك، چیزی می جوشید وبوی از آن بر میخا ست .

سلطا نمراد احساس کرد در خانه پر از طلسمات شگفت انگیزی گام نهاده است . او با اینکه برای فهم هر چه‌زود تر اسرار کیمیا ،علاقه‌ای شدید داشت و نسبت به‌عملیا ت شگفتی انگیز آن ،شیفتگی عجیبی نشان میداد ،اما برای آنکه دانشمند زود رنج را زاخود آزرده نسازد ، جرات‌نکرد به هیچ یك‌از ظروف‌ویا مواد موجود در آنجا دست بزنند عبدا لاحد مثل اینکه او را کاملا فراموش کرده باشد بی آنکه حرفی بر زبان آورد ،با دقت واهتمام به جستجو پرداخت ،گاه آتش‌را درست میکرد ،گاه موادی را که در ظروف داغ میجوشیدباآسباب آهنیی‌حرکت میداد وگاهی آنهارابهم‌مخلوط نموده در گوشه ای میگذاشت وگاهی هم در اندایشه عمیق فرو میرفت وبعدا ناگهان بحرکت میشد وچیزی راا در هاون کوچك میسائید .

تقریبا دو ساعت بعد از ین نوع خاموشی ،عبدا لاحد قامت خود را راست کرده ،به جوان کی حتی کوچکترین حرکت او را نیز از نظر دورنداشت ،نزدیك شد وبا تبسمی عاری از کنایه بوی نگاه کرد و مثل اینکه زیرلب حرف بزند ،گفت :

ـ علم کیمیا ،علمی است مخفی علم اسرار غیب است و ممکن است نظر نامحرم مانع حل مشکلات آ ن گردد .از جعفر ـ استاد کامل این‌فن گرفته تا امروز ،کسان زیادی درراه آن تحمیل زحمات ومشقابت گردیده اند .

سلطان مراد با وضعی التماس آمیز گفت :

ـ استاد محترم ،در مورد پاکی نیت وصداقت این بنده کوچکتر ین شبهٔ هم در دل راه ندهید . هدف این چاکر ،فقط رسیدن بمعرفت‌است وبس آئینه‌قلب‌وی‌سایه‌نیفگنده‌است. هیچ اند یشهٔ جز ا ین د ر درینجا ناگزیرم یك نکته‌دیگر رانیز بحضور شما یاد آوری نمایم و آن اینکه در جهان سه چیز نمیتوانند بدون سه چیز قوام یابد :مال بی تجارت ،دولت بی سیا ست ودانش بی بحث وجدل ... جناب ،ممکن است در جریان بحث ومناقشه از تصادم افکار ،برق حقیقت بجهد...

کیمیا گر اندکی نرم شد. بعد ازآن که پیرامون برخی‌علوم ،بحث صورت گرفت ،نتوا نست اعجابی را که از ذکای تندو وسعت معلو مات ا ین دانشجوی جوان‌برایش‌دست داده‌بود، پنهان دارد .مثل اینکه مناسب ندید این استعداد عالی را از نزد خو دبا دست خالی بر گرداند ،وسر انجا م به توضیح اسرار علم خود آغا ز کردو ضمن توضیح‌افکار دانشمندان یونان وعرب در مورد (عناصر چهار گانه) که‌پایه اساس‌جهان را تشکیل میدهند ،گفت که این عناصر ،در حقیقت با هم (وحدت) دارند و (جوـ هری) وجود دارد که صور تمام‌اشیا با آن ارتباط میگیرد .درعین زمان از هفت ماده ای که با سیا رات هفتگانه متوافق اند، از آنجمله طلا

بقیه در صفحه ۵۸



تنظیم و ترجمه مهدی دعا گوی

عشق چه کار هایی که‌نمیکند :

«ستاره ها افسانه می سازند»

(تریکسی شو با) یکی از ورزیده ترین رقاصه های بشمار میرودکه مخصوصا در اجرای رقص بروی یخ مهارت وتوانایی فراوان‌دارد چنانچه درازای همین قابلیت این چهره سمپاتی توانست در جمله جایزه گیرندگان المپیای سال ۱۹۵۲- قرار گیرد.

این هنرمند اصلا از ساکنان شهرووین بوده وبعداز اینکارالمپیای میونشن بموفقیتی نایل آمد بنا به دعوت مالک ریویو آیس فولیرسوی سانفرانسیسکو مسافرت نمود و درآن جا بفعالیت هنری آغاز کردو ظرف مدت کوتاهی در پرتو استعداد و توانایی بی نظیر خودلقب ملکه یخ را حاصل نمود و میزان حق الزحمه او بالغ به یکهزاروپنج صد دالر گردید.

تبصره ها واخبار یکه بدست است میرساند که (تریکسی) بالخاصه بااجرای پر و گرامهای مشترکخود با معروفترین کمیدین امریکا ی شمالی (مستر فریك) شهرت فوق العاده گرفت.

ولی ناگهانی و بصورت غیر مترقبه اوحق الزحمه قابل توجه وزندگی مجلل خودرا ترك گفته وبه سوی مسقط الراس خود بازگشت

خبرنگاران برای دریافت علت این بازگشت ناگهانی با تریکسی - مصاحبهٔ انجام دادند که در نتیجه معلوم شد از اینکه بعد از دوسال با انصراف از هر گونه تنعم‌وشهرت وثروت بوطن خو بر گشته یک علت دارد و آنهم عشق است عشقی که‌در برابر آن نا توان واقع شد ونه توانست آنرا از دل دور کند.

(تریکسی) در مورد بیشتر - توضیح نداده فقط گفته است‌عنقریب ازدواج خواهد کرد وسعی خواهد نمود که در زندگی زنا شویی خیلی بر دبار، متحمل وبا پرنسیب وبیشتر از دو طفل بدنیا نیاورد.

مودل انتیک فروش :

(پریسیلا پریسلی) همسر سابق الویس پریسلی آواز خوان مشهور دنیا که فعلا سی ویك سال عمرش راسپری گردیده است‌پس‌از آنکه از شوهرش طلاق گرفت واز او رسما جداشد بجهان مود پناه برده و به حیث یك مودل خودش را در اختیار مودیست ها قرار داده بود که با وصف موفقیتی‌که داشت‌بازهم‌برای اوحرفه چندان جالب و مطلوب تلقی نمیشد. زیرا او آنطوری که عقیده میکرد و حدس میزد اینکار درآمد پولی قابل توجهی برایش شمرده نمیشد.



انتیک فروشی

تاآنکه پریسلا بنا بحکم محکمه‌در حدود یك میلیون دالر از پریسلی گرفت آنوقت شغل خودرا ترك گفته و یك مغازه بزرگ انتیك فروشی در هالیوودایر نمودکه‌فعلا اومصروف همین مشاغله بوده‌واز کار وبار خودکمال رضاییت دارد زیرا این شغل از هرنقطه نظر برای اودر خورتوجه قرار گرفته است.

حرکت ابتکاری یا جنون آمیز:

(پیتر پازیتی) هنر پیشه تیاتر وتلویزیون آلمان که پنجاه و هفت سال دارد و یکی از چهره های شناخته شده بشمار میرود پس از آنکه نقش مهمی را در یك نمایشنامه تلویزیونی ایفا کرد ودر آن یك‌سگ کوچك شکاری انگلیسی‌هم نقشی را پیش می برد ، در طول مدت بازی نمایشنامه بقدری بان سگ‌علاقه گرفته‌بود که تصمیم گرفت‌بعداز ختم نمایش بهر قیمتی شده سگ را نیز شده سگ رانیز باخود داشته‌باشد وهمچنان هم شد.

اکنون که او برای بازی یک نمایشنامه دعوت شده ، ابلاغ‌نموده درصورتیکه درنمایشنامه برای سگ او جای بازی خالی نباشداوهم ازظهور در نمایشنامه استنکاف خواهد نمود زیرا او عقیده‌دارد این حرکت او حرکت ایست ابتکاری - ناظران گفته اند: از بازیگری چون (پیتر) این حرف خیلی بعید است درصورتیکه دماغش سالم باشد.



پیتر پازیتی باسگ کوچك اش



میك جاگر با همسر شش بیانکا

آخرین آرزوی پروین بابی :

پروین بابی یکی از چهره های تازه ظهور وبه شهرت رسیده است که در سینما ی هند که گفته میشود سکس رابه پیمانه افراطی آن در پر ده – سینمای هند آورده است این ستاره اخیرا یکی از معرو ف تر ین ستاره های مو جوده هند بشمار آمده چنانچه درحال حاضر در حدود بیست و یك نام دارد که در هریك ا زین فلمها نقش اول رابعهده گر فته است .

یکی از این فلم های او کــه از محصو لات کمپنی بی ، آر، چو پره است ور آن دلیپ کمار نقش هیرو را ایفا میکند ازفلم های پر سر و صدای پروین بابی بشمار میاید و اینهم بخاطر آن است که چگو نــه دلیپ کمار حاضر شده که مقا بــل یك ستاره تازه کار در پرده فلــم ظاهر شود .

(بابی) در جواب یك سوا ل یکی ازخبر نگارا ن گفته است : د لیپ کمار هنر مند پر مایه مقتدر و بــی نظیر یست که ازیك عمر او رادوست میداشت وفلم های او را بدفعا ت – تماشا میکرد چنانچه فلم گنگا جمنا رابیشتر از بیست مراتبه د یده است وحالاکه شانس باو یا ری کرده ودلیپ صاحب حاضر شده که با و همبازی شود دیگر آرز وی در جهان سینما برایش باقی نمی ماند .

پروین بابی در حا ل حا ضــر بعشق (دینی) باز یگر فلم (دهند) سخت گیر شده بحدیکه بفحوای – مردم در آینده نز دیك با هم ازدوا ج خواهند نمود..

هنر مندان هم عا شق مــــی شوند:

(میك جاگر) هنر مند ســی ساله وعضو فعا ل گرو ه معرو ف موزیك (رو ینگ ستونز) که بقــدر کافی در قاره ارو پا شهر ت گر فته اخیرا در دوره کنسر ت هــا ی سیا ریکه در اتحاد ی آلما ن اجــرا نمودند بعشق زیبا رو ی نیمه بلاند آلمانی گیر افتـاد بقدر ی که جز ازدواج راهی برای خود میسر ندید این دو شیزه (بیتا نکا) نام دار د واز ساکنان شهر میو نشن مــــی باشد.

دو بله عمر شریف :

(مارك شیبس) یکی از سپور تمین های مشهوریست که مخصو صا در المپیای میو نشن با حصو ل هفت مدال طلایی شهرت خود را در حوزه بین المللی رسا نیده است .(مارك) اصلا از اهالی کلیفور نیا بوده و – آوانیکه در المپیای میو نشن شرکت کرد گذشته از هفت مدال طـلا یی بعشق دختر زیبا یی بنام (سو زان ونیر)گرفتار شد که بعدا این عشق او منجر بازدواج گردید :

چون مارك شبا هت هشتاد در صد باعمر شر یف دارد از اینــرو پرودیو سرا ن در صدد جلــب او شدند تا او را از میدان سپور ت به سوی پرده سینما بکشا نند و لــی موفق نشدند .

دراین آوا خر مارك تصمــیم گرفته بسوی سینما و فلم پای دراز کند تادید ه شود او دراین کار هم موفق خواهد شد یا خیر ؟

دکتور وزنان عصبی :

اگر چه این مو ضو ع در سطح موضو عات وخبر های بین المللی قرار نمیگرد و لی چون موضو عیست هنری ودر دایره هنر های مربو طه به مملکت خود ما از اینرو پیر امون آن مختصرا رو شنی اندا زی مــی شود.

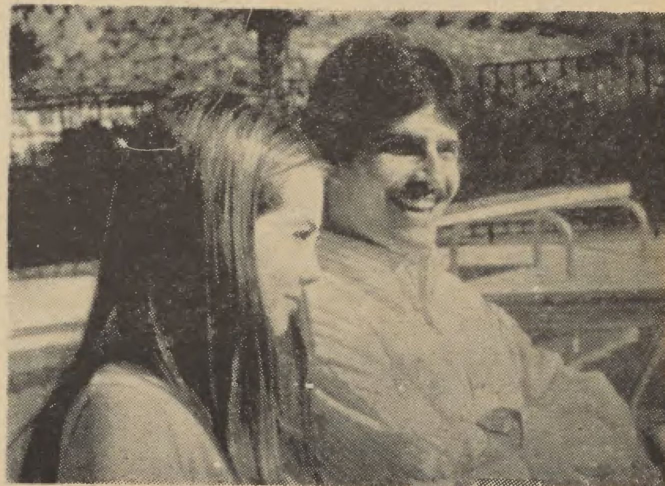
زنان عصبی نما یشنا مه ا یست، عمیق اجتماعی و آمو زند ه که آ نرا نابغلی دکتور محمد نعیم فر حــان ترجمه وآداپت نمـوده ولی از آن جاییکه مریضی آد مهای نما یشنا مه خود را دکتور بهتر از دیگــران تشخیص نموده از اینرو رژی این اثر رانیز دکتورفرحان مینماید ومایقین داریم که یکی از آثار قابل تو جهی راتماشا چیان بنام زنان عصبی در کابل نندارى تما شا خوا هنـــد نمود.

دکتور محمد نعیم فر حا ن پس از اخذ لیسا نس از پو هنځی اد بیا ت وعلوم بشری کابل در سا ل ۱۳۴۳ به غرض فرا گیری تحصیلات عا لــی به چکوسلوا کیا اعزم گردیدکه بعداز اخذ سند دکتورای در رشته تیاتر ورژ یسور ی درسا ل ۱۳۵۱ بوطن بازگشت .

- دکتور فر حان مد تها با راد یو افغانستان نیز همکار ی داشته وبنام (شعله) آواز های او از طریق رادیو نشر میشد و حال هم گا هگا هــی جسته جسته آواز هایش نشر میشود که در مورد همکاری مجدد ش بــا رادیو اطلاعی دردست نیست ولی با تیاتر هست که هست این هنر مند جوان که سابقه بیست سا له هنر ی درتیاتر ورادیو دارد اخیرا به سلسله افسانه سا زی هنر مندا ن از زنا ن عصبی افسانه سا خته که آنرا – مجمو عه ازناب ترین پدیده ها یــی گیرنده تیاتر می توا ن خواند .



پروین بابی



مارك شپتیسس و همسر شــ سوزان و نیسر

روزنه‌ای بسوی تاریکی‌ها

یاد داشت از: لیلا ـ تنظیم از: دیدبان

محسن خان از فـــرط خشم یـك مشتش را گره میکند و به‌کف دست دیگرش میکوبد .

و میگوید :

ـ من خیال میکردم تو همه چیز را میفهمی ،خیال‌میکردم دختری‌هستی که دیگر لازم نیست همه چیز را بتو گفت ودر هر قلم را هنمانیت‌کرد. بعد ، مثل حیوانی که از قفس رها شده باشد از اینطرف اتاق به آن طرف اتاق میرود وبا خود حـــر ف های میزند که من چیز از آن نمی فهمم .آقای (ص) ۲۵۰۰ افغانی و چیز های دیگر ...

آنوقت ناگهانی رو برویم می ایستد ومیگوید :

ـ کی بتو گفت از آقای «ص» پـول بگیری ؟ کی ؟!

با بی اعتنایی میگویم :

ـ هیچکس نگفت .او پول داد ومن هم گرفتم .مگر کار عجیبی کرده ام؟

مثل گاوی که شکمش از شد ت دزد ورم کرده باشد ،فش فش مـی کند و میگوید :

ـعجیب کار بـــدو کثیفی انجـام دادی ...

وقتی میبینم محسن خان تاا یـن حد عصبانی است واختیار خودش‌را از دست داده است ،لذت میبرم وبه همین جهت میگویم :

ـ پس پولی که من در ازای یـك شب هم خوابگی با آقـای «ص» گرفته ام زشت وکثیف است ؟

از فرط خشم پوز خندی میزندکه بی شباهت به خنده میمون نیست:

ـ بلی ! زشت است ، کثـیـف است ، تهوع آور است !!

چنان با بخیالی چشم بصور تش میدوزم که انگار این موضوع هیـچ برای من اهمیتی ندارد وتا خودم را شناخته‌ام ،کارم خود فروشی وپول گرفتن ازاین وآن بوده است .

این حالت من محسن خان‌را بیشتر بخشم می کشد ،خشم دیوانه کننده که‌اگر میتوانست شاید رگهای‌گردنم را قطع میکرد ویا اینکه‌با انگشتان خودش گلویم را تا آنجا فشار میداد که نفس درگلویم گره میخورد ودیگر هرگز از سینه ام بیرون نمی آمد.

با چنین حالتی خودش را بطرف من می کشد ،سر تاپایش میلرزد ، رگهای گردن وروی پیشانیش ورم کرده است .این اولین بـــار است که از محسن خان میترسم وسعی می کنم از او فاصله بگیرم ،ولی او ، چنگ میزند وبند دستم را میـــان انگشتا نش میگیرد ومیگوید :

ـپس تو خودت را تا سطح یـك بد کاره معمولی پائین آورده ای . برایت فرق نمیکند که چه کسی ترا میخواهد ،فقط چیزیکه برای تو مهم است ، پول است .پول .

کلمهٔ پول را با چنان فـریادی از دهن بیرون‌میریزد ،انگارکه میخواهد همسایه ها هم این کلمه را بشنوند وبقیه موضوع را خود در یابند .

سکوت من ،محسن خان را بـــه آتش می کشد و میگوید :

ـ چرا حرف نمیزنی ؟ چرا نمی گویی همین طور است ؟

با یك حرکت بند دستم رااز میان انگشتان محسن خان بیرون میکشم چون‌وجودخودم من‌هم به رود خانه خروشنده مبدل گشته است ومحسن خان وخشم محسن خان در نظر م هیچ مینماید بدون اینکه خودبخواهم چنان فریادی میکشم که خیال مـی کنم چهار خانه آنطرف تر نیز آنرا خواهند شنید ،میگویم .

ـ بلی ! کار من زشت است .

پول گرفتن من زشت است .تـن فروشی من زشت وکثیف وتهوع‌آور است !

ولی تو محسن خان ! تومرا بـه این کثافت نکشاندی ؟تو مرا به تن فروشی وبدکاری‌نکشاندی ؟تو،خود تو . مرا در آغـوش آقـــای «ص» نیندا ختی؟ کدام یك کار زشتری مرتکب شده ایم .

تو ؟ یا من ؟

لبش را می جود ،سرش را پائیـن می اندازد وچیزی نمیگو ید .ولـــی

خواننده گان عزیز ژوندون قضاوت میکنند

آقای دید بان «مرتب صفحـــه یاد داشت های لیلی »

بعد از تقدیم سلا مهای گـــر م موفقیت مزید شما وباقی کار کنان این مجله‌رااز بارگاه ایزدی خواهانم

خودم یك تن از هوا خواهـــا ن مجلهٔ وزین ژوندون میباشم‌ولی مدت مدیدی از وطنم دور وبیکی از ممالك

مریکائی مشغول فرا گرفتن درس‌و تعلیم بودم واین امر باعث آن شدتا برای مدتی از مطالعه مجله ژوندو ن محروم بمانم .ولی هیچگاه نشرات خوب ونوشته های آموزنده مجلـــه را فراموش نکردم‌ازینرو هنگا میکه بوطن باز گشتم در همان روز های نخست با شتیاق زیاد یك شمـــاره ازمجله ژوندون‌را خریده‌ومطا لعه‌اش کردم نظرم را صفحه «روزنه بسوی تاریکی ها»یادداشت‌های لیلی بود به خودجلب کردکه داستان غم انگیـــز بود ازینرو بعداز تلاشهای زیاد از اولین شماره به مطالعه یاد داشتهای لیـــلا پرداختم .داستان لیـــلا واقعا داستان غم انگیز است وزندگی‌لیلی که دستخوش اشخاص منحرف‌وفاسد اجتماع گردیده ولی به یقین بابوجود آمدن نظام مترقی جمهوری دیگـــر این چنین اشخا ص مفسد وفســـاد پیشه مجال فعالیت های انحرا فـی را در محیط واجتماع ندارند ،چـو ن

دیگر آن دوران سیاه که هر استفاده جویی را مجال چا پیدن مردم بـوده بسر رسیده است .

لیلی عزیز .

تو خیلی جوانی ،حیـــف است دختری بسن وسال تو چنین مفت‌از دست برود .امید که حالا صحـــت یاب گردیده وغمهـــای گذشته را فراموش نموده زندگی را با خوشی وکامرانی از نو آغاز کرده باشی .

منهم زاده این اجتماع هستم ودر همین خاك تربیه وبزرگ شده‌ام و

بالاخره منهم انسان هستم وبرسبیل کرامتهای انسانی‌ازخوشی هاخوش‌و از اندوه های انسانها رنج میبـرم.

پس‌شا می‌شوم اگربتوانم درینحالت در ماندگی وبیچارگی با تو خواهـر دزد دیده‌ام معاونتی کنم .

«عادت پروانه دارم درطریق دوستی شاد میگردم‌چراغ هرکه روشن‌میشود

بـنـــاء آنچه از توان انسا نــی و

امکانات بشری اعم مادی‌و معنوی بر آید دریغ نمیکنم ،خدا کند قـــبول نموده ممنون سازی ،بامید سعاد ت وصحت کامل تو .

بااحترام

محمد کریم «آرزو» از ولسوا لی اندخوی .

هنوز بدنش میلرزد.
بعد ، نمیشود گفت تا کجا نسی اما پس از گذشت چند لحظه ،محسن خان .
سرش را بلند می کند ومثل اینکه هرگز گرفتار چنان‌خشم‌ودگر گونی یسی نشده است، چشم بسه صورتم می اندازد و لبخندی هم ضمیمه آن میکند و میگوید :
– هیچو قت ندیده بودم اینطور عصبانی شوی، این بار اول است .
جدا از تو باید ترسید .
خنده نشاط انگیزی میکند ومی‌گوید :
– خوب ،هر چه بود ،گذشت شانس آوردیم که آقای «ص» متوجه نشده است در آن‌شب چه کار هایی کرده است .حتی مطمئنم بیاد ش نمانده به‌تو ۲۵۰۰ افغانی‌داده ورنه حتما بمن میگفت .بهمین جهت بهتر است تو هم این موضوع را فراموش کنی وانگار که‌آقای «ص» اصلا پولی بتو نداده است .
بعد دستم را در دست میگیرد و میگوید :
– اینطور بهتر نیست .
بابیقیدی میگویم :
– نمیدانم .
–نه! باید بدانی !
آقای (ص) خیال نمیکند که تو ... تو ... چطور بگویم . تو با من بیگانه هستی .... میفهمی چه می گویم؟
سرم را تکان میدهم و میگو یم:
–نه !
با انگشتا نش مو های روی گوشش را صاف می کند :
–گوش کن،آقای (ص) خیال می کند ،تو با من وابستگی داری ... حالا فهمیدی ؟خیال میکند تو جدا بامن نسبتی داری ... فهمیدی !

نا تمام





خوشحال ختک

اثر : ا. غنی یف
ت . ابویوا

ترجمه : شرعی
قسمت آخر

شاعر کلاسیك پشتو

خوشحال خان ختک

خو شحال ختك که با قواعد عروضی ادبیات کلاسیك دری عمیقا آشنا بی داشت هر چند در اشعار خود ، موضو عات وتمثا لهای مربوط به این ادبیات را مورد استفاده قرار داده اما توانسته است بانها رنگ ملی ببخشد ، واز همین نقطه نظر مانمی توانیم بگوئیم که خو شحال خان فقط یك محقق در ادبیات کلا سیك میباشد .

در آثار شاعر نوعی فرد گرایی پر حماسه مخصو ص بخود وی ، جوش وخروش وروح تعالی پسندی احساس میگردد .در بسیاری از اشعار خوشحال خان ختك که منعکس کننده روح عالی انساندوستانه میباشد ،به موضو عاتی چون عشق آتشین بزرگی، مهر ومحبت نسبت بانسان ،علا قمندی شدید به دانش ومعرفت وپیکار علیه بیداد وستم وغیره بوضاحت بر میخوریم .

شاعر دراشعار عمیق فلسفی خود بیانگر اندیشه های ژرف پیرامو ن جهان و ماهیت آن وهمچنان در باره زندگی انسان میباشد . او ضمن ترنم فضایل دانش وهنر بیت نفیس پر محتوای ذیل را ایراد می‌کند .

ترجمه :

«از آدم بی دانش وبی هنر بگریزد آدم بی هنر خوشه بی دانه‌است»

در جای دیگر دانش وهنررا وسیله بزرگواری انسان میداند و چنین اندرز میدهد :

دانش ترا به قلل عالی بالامیبرد اما جهل به حضیض ذلتت فرومی کشاند .

هنگا میکه ضرورت دانش وهنررا برای آدمی تلقین میکند ،با کمال جسارت چنین داوری مینماید .

ترجمه :

«آنرا که فاقد دانش و فضیلت است ،حتی اگر بر اریکه خسروی‌هم متکی باشد. همپایه‌گراز ، یا گرگ یاگاو ویا الاغ بدان .»

شاعر هنر را ارجی بر تر از تمام ثرو تهای جهان می نهدو میگوید :

ترجمه :

«انسان بی هنر را فرزند خود مشمار حتی اورا انسان مخوا ن در ردیف حیوانش حساب کن »

(هر قد رسیم وزر وهر قدر قدرت در اختیار داشته باشی ،باز هم‌بدان که هنر بر تر از تمام آنها ست .)

شاعر در باره استادی که دانش‌و هنر می آموزاند ،ربا عی پرمضمو نی سروده است.

اندیشه یی که در قالب این شعر افاده گردیده ،دارای اهمیت تربیتی در توجهی میباشد :

ترجمه :

«آنرا که بتو مطلب سود مندی آمو خته ، صرف‌نظراز خوردی یا بزرگیش ،آموز گار خود بدان .»

«با این ریش سفید ،حتی سپاس گذار کو دکی خواهم بودکه‌نزدم‌آید ومطلبی را برایم آموزد ».

مرد هرگز در برابر ناملایمات زندگی زانو نمیزند .او با کار نامه های سودمند خویش در جامعه ،سزا وار اعزاز واکرام میگر دد وشایستگی اعتماد مردم را پیدا میکنند .شا عر در ابیات ذیل ،این مطلب راجدا مورد تائید قرار میدهد :

ترجمه :

«هیچکس نمیتواند تنها با حر ف مرد باشد مردی هرانسان ،درفعالیت وکردار او نمایان میگردد .»

«مرد فقط دراندیشه هنرخوداست وهیچگاه غم سیم وزر را نمیخورد.»

« و پیوسته در باره عزت‌و آبروی خویش می اند یشد .»

راد مردان جهان کسانی اند که هر گونه دشوار یهای زندگی را با جان تن میزدایند .

مردی در کردار است ،نه‌در گفتار نا مردان بسیار لاف میزنند ،اماکمتر عمل میکنند .

شاعر هنگامیکه پیرا مون فضایل انسانی توسن اندیشه مید واند .در های گرانبهای افکار ژرف حکیمانه خویش را استا دانه در رشته نظم میکشد و بعلاقمند ان فضیلت و حکمت عرضه میدار د.

تحقق افکار انساند و ستا نه پیشروی که در اشعار خو شحال خان ختك تحسم یافته .در شرایط جامعه طبقاتی که شاعر در آن بسر میبرد خیلی دشوار بود. از همین نقطه نظر شاعر نابسا ما نیهای محیطی را که با قلبی آکنده از حسرت ودر در افسوس در آن‌می زیست .بباد انتقاد میگیرد بزبانی استهزاء آمیز آنرا محکوم مینما ید. ولی اوباو جود آنهمه نابسا مانیهای محیط زندگی ،هر گز دستخو ش یاس نمیگردد .او در اشعار خود سراینده سعادت و خو شبختی انسانست وباینده روشن‌او خوشبین است وبا شور ومراق انتظار دارد که روزی آرزو های انسان جامه عمل بپو شد .

ترجمه :

«مردم ، در بیکران دریای غم و اندوه غرق شده اند .اما روزی آنها ازین دریا سر بدر خواهند آورد .»

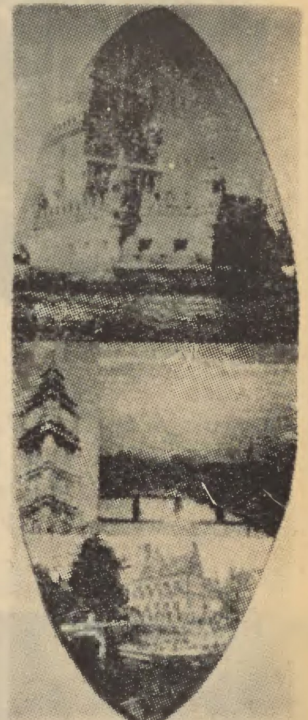
این موضو عات عالی هو مانیستی‌و روح سلحشو رانه‌ای که در اشعار خوشحا لخان ختك‌بمشا هده میرسد الحق مایه افتخار ادبیات ملی افغان ها بحساب میرود .

میتوان در باره ایجاد های ادبی این شاعر کتب متعددی نوشت .در حقیقت هم‌آفریده های گوناگون‌ادبی

بقیه در صفحه ۶۲

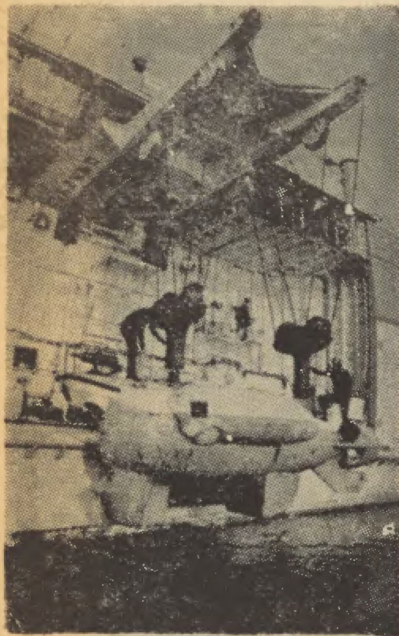


سرزمین کهن



در جمهوری لتونی ۵۸۳ساختمان تاریخی تحت مراقبت دولت میباشد تنها در سال گذشته جمهوری دو ملیون روبل برای تعمیر آن آثار تاریخی خرج نموده است . در نما یشگاه خاص تعمیر آثار تاریخی درلندن کار استادان جمهوری که قصر (ترا کالیک) راتعمیر کرده و نجات داده اند ارزش بسزائی کسب نمود .ترا کای ۵۰۰ سال پیش یکی از مهمترین مراکز سیاسی وسوق الجیشی لتونی بود .در حال حاضر در سالون های تعمیر شده این قصر موزه جالبی دایر شده است .

کشتی عجیب



چندی پیش کشتی عجیبی از بندر گاه بندر تیومن (در رود خانه تو را واقع در غرب سیبری) خارج شد ، این کشتی که آنرا می توان نیروگاه شناور لقب داد، (روشنائی قطبی ۲ـ) نام دارد. این کشتی که ظرفیت آن ۲۲۰۰ تن است دارا ئی دستگاه های مولد برق توربو گازمی باشد قدرت هر یك ازین دستگاه ها ده هزار کیلو وات دست ،نیرو گاه شناور مزبور قادر است مصرف اهالی وکار خانجات یك شهر ۵۰ هزار نفری را تامین نماید ،تمام‌نیرو گاه بوسیله ۵۰ نفر اداره میشود .

به انتظار میلیونر شدن



چندی قبل در انگلستان داکتری که صاحب سرمایه هنگفتی بود،فوت نمودو دروصیت نامه‌اش چنین نوشته بود که چون هیچ وارثی ندارد ،سرمایه سر شار او به‌خانم (امیلا وا یست) که همکاری همیشگی او بوده متعلق است. اما بدین شرط که خانم امیلا برای پنج سال اجازه ندارد ،آرایش کند ،لباسهای کوتاه بپوشد بایك مردو یا با گروهی از مردان تنها باشد .حالااگر خانم امیلا توانست این دستورات را بکار برد طبق وصیت نامه دکتور ،صا حب میلیونها افغانی خواهد شد ودر غیر ان ممکن به دستش این سرمایه نرسد .

کشف سکه‌های مسی که‌متعلق به ۴۰۰ سال قبل است

درنتیجه حفر یاتی کـه‌در «اترار» مرکز قدیمی تمدن در جوار رود سیحون بعمل آمده یك ظرف سفالی محتوی ۹۰۰ سکه مسی کشف شده است .در روی سکه های مسی تصاویر حیوانات افسا نه ای دیده میشود .

تاکنو ن‌تعیین این شکر ها که‌به کدام دوره یاحکومت تعلق دار ند میسر نشده است ولی همینقد ر فهمیده میشود که‌این سکه‌در حدود ۴۰۰سال پیشس ضرب شده ا ست يك دانشمند علوم اکادمی کا ز اخستان گفته :که‌ایـن آثار نشا ن دهنده نقش مهمی است که (اترار) بعنوان یك مرکز بزرگ تجار تی ومحل تقاطع راههای کاروان روا یظ میکرده است .

کوتاه . دلچسپ . خواندنی

استفاده از آب کوهستانات

در ایالات متحده امریکا برای اینکه همیشه آب کافی بمزارع برسد دانشمندان آن کشور همه ساله ،درمواقع برف وباران .مناطق کوهستانی ومقدار برف باریده در کوهستانات آن کشور را با استفاده از وسایل تخنیکی وعلمی اندازه گیری می کنندتا در مواقع ضرورت به کمبود آب دچار نشوند .



سارق موزه دالاس بدام افتاد



شخصی که نگهبان موزه دالاس واقع در امریکا بود ،در دوران ماموریتش در موزه به پسر کاکا یش که لوئی «بروبون» نام داشت اجازه میداد که شب رانسبت سر دی هوا در داخل موزه بخوابد .ولی خواب آقای لوئی آرام نبود ،چون هرشب درین فکر بودکه باید چیزی راسرقت کند. بهاین منظور او هرشب چیزی را از موزه می دزدید وروز بعد آنرا در کنار ساختمان موزه بمعرض فروش قرار میداد ،ولی سر انجام بدام افتاد ،چون آقالوئی یك مجسمه عتیقه جاپانی راکه در حد ود یك ملیون افغانی ارزش داشت می خواست به پنجصد افغانی بفروشد،آقا لوئی به زندان افتادوضمنا نگهبان موزه نیز از کارش بر طرف گردیدجستجو برای پیدا کردن خریدارانی کرناشناس هستند وآشنای آن موزه،ابا قیمت نازل خریداری نموده اند ادامه دارد ،تا جای که معلوم گردیدخسارات وارده ازین ناحیه بموزه در حدود ۱۰٫۵ میلیون افغانی ودرآمد آقای لوئی در حدود هفت هزار افغانی تخمین گردیده است .

استفاده از جگر میمون برای علاج یك مریض



یك پرستار ۲۲ ساله آلمانی که مصاب بمریضی هیپا تیتس جگر بودوحالتش خیلی وخیم بودهوامکان می رفت تا چند ساعت دیگر زنده نماند تحت یك عمل عجیب قرار گرفت دکتوران برای علاج خون او را به منظور تصفیه از جگر یك میمون (موسوم به پاویان) عبور دادند ،پس از دوازده ساعت جگر اورسو لالا پرستار مریض بدانگونه بهبود یافت که خوب کار میکرد ،این نوع .عمل درآلمان کا ملابی سابقه اعلام شدهاست .

صدر اعظم دانمارك در لباس کشیش ها

چندی پیش آقای پاول هار تلینك صدراعظم دانمارك کهقبلا کشیش بوده است ،برای عقد دخترش کاری کرد که همه را به شگفتی وا داشت میگویند در آن شب هزاران خبرنگاروعکاس از چندین مملکت به دانمارك در کلیسای بزرگ جمع شده بودندبرای این دسته ،عروس وداماد مهم نبودند ،ولی بهآنچه بی صبرانه انتظارمی کشیدندورود آقای پاول هارتلینك پدر عروس بود که در لباس کشیش ها باید وارد کلیسای بزرگ میشد. در آن شب خود آقای پاول برای حفظ سنت خا نواد گی که گفته میشود قبلا کشیش بوده لباس کشیش ها را به تن کرده ومراسم عقد وازدواج را خود بپایان رساند .



تهیه کوونکی . ن

دام

چه دلبر می لاس په سر دسلام کیښبود
بیلتانه می بیا په مخه کښې دام کیښبود
دغم تنده به می ماته هغه‌دم شی
که په لب می یار دسرو لبو جام کیښبود
نشوم ښاد دساده رویو له تومته
که هزار ځله می‌لاس په کلام کیښبو د
خوار ملوك یی چه دغم په سیلاب یووړ
ښاپیرو ځکه تومت پری د خام کیښبود
چه دلبر دخود کامی په‌سریی کیناست
په عشاقو یی قلنگ دنا کام کیښبود
دیدن هله به زما له یاره‌وشی
که مولا په رقیب رنځ دزکام کیښبود
لاهله به شم آزاد دغم له قیده
که یار نوم په ما امیر دغلام کیښبود
(امیر خان هجری)

خوب

ماد گلو باغ کرلی ؤ خزان کښې
د جنت خوب می لیدلیؤ جهان کښې
ماد مځکې په مخ هغه لال کتلو
چه مونده‌شی په بر جونو د آسمان کښې
او زما په ځوانی مست په‌عشق بیخود زړه
فرق ونه کړ په تصویر او په جانان کښې
زه پخپل ارمان میـن وم په‌تـا نه‌وم
ځکه ورځی تیر ومه په ار مان کښې
ته چه راغلی ستادزلفو ارمان لاړه
های مستی د مجنون پایی بیا بان کښې
ماله‌سو دوصال زیان‌شو یکښې ورك شو
هغه یارچه می موندلیؤ په‌زیان کښې
زه په‌غم، مست په فراق‌باندې مدهوشه
مرم دتندې دگلو نو په باران کښې
پتنگ روند شو دلمر سپینې‌روند کړ
لونگی گل پسی ژاړی گلستان کښې
د ځوانی مستی می شو له‌ځوا نیمرگه
د جنت‌خوب می لیدلیؤ جهان کښې
(غنی)

پیغور

آهو چشمو چه یی زړه په‌افسون وکیښ
هغه سر له‌ودانی په هامون و کیښ
انتظار یی دنرگس گونه کره‌ژیړه
سروی سرپسی اله باغه بیرون وکیښ
دا یی ښاخ له گل سره په‌تلوار پریکی
که دزړه‌سره می ترکو لړمون وکیښ
بیهوده می صبحدم بولی‌وکړی
دغه آه زماله غمه گر دون و کیښ
چه یی وکیښ خښ توبری دیار له لاسه
ساده دل دامید زړی زر غون وکیښ
هر یوداغ شی دپیغور راپوری نښلی
چه بی‌یاره‌می هردم دژوند ون وکیښ
دا په اور باندی زوړ دکباب‌خیژی
که فریاددیار له غمه محزون و کیښ
و آسمان ته به دشعر زینی کیږدی
که حمید دغم اله سره زنگون وکیښ
(حمید)

څه‌شول ؟

په دنیا کښې یاری نشته‌یاران‌څه شول
دوستان نه‌وینم په سترگو دوستان څه شول
چه په هر دم به یی مخ هزار جاوه کړه
دغه هسی‌رنگ مهرویه خو بان څه شو ل
عنبر مویه پری رویه سیمین‌ذقنه
آهو چشمه‌شکر لب تر کان څه شول
چه دشمعی په انوار تر خپل‌سر تیرؤ
د هغو شمعو دمخ پتنگان څه شول
هر سحر چه‌د بلبلو پری‌غوغا وه
دچمن هغه‌تا زه زیړ گلا ن څه شول
چه هر باغ هر یو گلشن‌پری رنگین ؤ
سره لاله‌او نسترن‌وریحان څه شول
(عبیداله)

توتستان های من

ترجمه‌ی: رهپو　　نوشته‌ی : رافایل توکواتوللین

نویسنده تاتاری ،که اکنون‌پابسن پنجاه سالگی گذارده‌است بدنبال‌خویش
ول ها، داستان‌های کوتاه‌ودرازبیادگار گذاشته و به نویسندگانی وابسته
که پس از سالهای جنـگ دراین سرزمین دست به نویسندگی زدند .
ه بودکه جنگ درگرفت واودرچندین جبهه جنگید . هنگامیکه در روز نامه
ار می کرد دست به‌سفر هـای‌برای شناخت بیشتر مردمش زد .
۱۹٤ داستان «هـم مکتبی» اش‌جایزه ای برای او بهمراه آورد .
ادبی اوانباشته ازگرماواحساس‌انسانی وروش روشن اوست .
صوص «قطرات با ران چه‌مـی‌سرایند» نشان میدهد که او مایه‌های قصه
درون د هکده های سر زمینش‌می‌گیرد .
وتستان های من ، اوبار دیگربروستا، درهنگام کودکی اش بر می گـردد
ـدگی روستا ئیان از دیدگـاه‌بچه‌ای بررسی می شود .

• • •

ر نمی کردم چنین خواهد بود
های ازدوران کودکی‌ام رابخاطر
جنگل های آفتابی و آرام‌ماترا
که بر آن هـا سایه سردو
از توتستانهای به‌توتستان دیگری
سوی دور دست‌های کشیده‌شده
جگاه فکر نمی کردم که‌بازگشت
د شیرین همراه باشد .
ی یکی‌از توتستانها ایستاده‌ام
بته‌ی توت زمینی وحشی روی
لطیف و شکننده‌اش به‌آهستگی
بوی لطیف آن عطر دوران
جوانی سرزمینم است . ای
چه‌اندوه ها وشادی ها دیده
می تواند آه نرم، موسیقی آرام
فراموش کنید ؟
همان آهنگ ، چسان شنوده
وبی رفیق دیرین شان را بـه
ود .
بلندتر و بلند تر می شود
هید ـ مانند آوای طبلی که‌از
ا بگوش میرسد . ولی‌نه، این
نیست آهنگی است که‌از ضبط
رادیوی ترانزیستوری بگوش می
زمان آهنگ و نغمه‌ی بخصوص
. امروز جوانان در همین‌جنگل
ن صدای موتر سیکلها می
دریا غرش قایق موتوری راه‌ود
ی ام چنین صدا های هرگزوجود
وت برهمه جا حکومت میراند .
هرگز فکر نمی کردم چنین‌باشد.
د نمی کردم باردیگـر شما ای
را ببینم. شما خاطره هـای
ن بیدار گردید وفـاصله دور
ی ام را در نوردیدید .
ن توتستان :
عشق برتر ازنفرت
ل خانه‌ی حدید مان رادوست
ست داشتم ، اگر بدیگر دلیـل
اینکه آن خانه ای خانه‌ی خودمابود و
ی نبود که از دهکده ای بـه
ر ویا ازخانه ای به‌خانه‌ای دیگر
ه جای هایی که خانه کرایه
ی داش هالندی داشت ودیگر ی
وهم جای همـراه باشرط و
مانند موش آرام باشند. باید
نات را لگدمال نکنند، بر توده‌گاه
بالا نشوند واگر چنین کردند، واز
تاند ، مادیگر مسول حاد ثـه
باید خاطر نشان کرد کـه
آرامش وخا موشی ضرو ر ت
در آن تخم اینشان را نخو اهیم

همه شرط و شرایط کرت های
لگدمی کردیم، بر بالای‌بام با لا
کاکیان هارا می ترسانیدیم‌ودوباره
میدادیم .

اینبار نه‌فقط به‌خانه خود ما کوچیده‌بودیم بلکه در روستا نوی که کشکار نام دا شت آمده بودیم، زیرا در آنجا پدرم به مکتب نوی مقرر شده بود .

همه جایش بـجز روی و پوپـك ومش سیاه بود و پنجه هایش نیز سفید وبه همین دلیل اورابچه‌های کوچه‌ای‌ماسگ «پنجه‌سفید»نام گذاشتند.

صاحب نداشت . همه ای ما، تمام بچـه های کوچه ما صاحبش بودند، یا تقـریبـا اوهر روز صاحب‌دیگری داشت وآن کسی بود که‌او خودش بر می گزید. روزی خودش را به جبار می چسپاند واز صبح تاشام بدنبالش می دوید وبرایش دمك می‌زد. روز دیگر، جواد را صاحبش انتخاب می نمود وهمان روز برای جواد چنان می گذشت که‌به آسمان هفتم، بالا شده‌است .

این مقوله که (کسیکه سگی را نان‌میدهد صاحبش است) درمورد پنجه سفید هیـچ صدق نمی کرد. همیشه جیب های ماازخوردنی برای او می ترکید و لی او ازآنجمله کسانی نبود که فریفته اینگو نه بخشش هاشود . هنگامیکه کسی رابرای همانروز بحیث‌صاحبش انتخاب می‌نمود ، هیـچ چیز رایش را نمی گشتاند حتی یك استخوان چرب ویایـك توته گوشت مزه دار .

اوسگ باز اری نبود . در خانـــه ای همسایه ما کاکا قاسم وعمه گلثوم زندگـی می‌کرد. ممکن او احساس دو ستانه را از روش زندگی آنان گرفته بود.

تمام بچه ها در کشکار دوست داشتندتا دیداری از همسا یگان ما بنمایند .

همیشه خانه‌ای آنها پر از گرما وسرور بود. این روشنی از چهره ای مهربان عمه‌گلثوم وچشمان سیاه وریش خاکستری کاکا قاسم جریان می‌یافت.

عمه گلثوم هنگامیکه مارا میدید چهره ای گردش ازهم گشوده می‌شد ومی‌گفت:

(بچه های مقبولم ـ آمدین)

اوباچنان خوشی سرش را پائین می‌آورد که فکر می‌شد حتی حلقه های گوشش‌همراه بادستمال سر سفید که لکه های آبی‌داشت نیز این سرو را همراهی می‌نماید.

گاهی کـاکا قاسم زیر لـب ز مزمـه می‌کرد:

(به پشت شما رفیقا می‌گشتم .فقـط مثلیکه چارچوب دروازه ام را عسل‌مالیدم‌که شما جمع‌میشین ، ولی شمابی‌عسل‌ام‌می‌آیین)

ولی عمه گلثوم همیشه تبسم بـر روی داشت . کاکاقاسم همیشه پریشان معلـوم می‌شد، مانند اینکه چیزی در ذهنش او را آزار می‌دهد . واز لحن کلامش آدم نمی‌فهمید که مسخره‌گی می کند یـا راستـی گـپ می زند.

همسایه های ما بهترین باغچه‌رادردهکده داشتند ،این باغچه همیشه از آغازبهار تـا خزان پراز سبزی های مختلف بود در هیـچ جای ملی، بادر نگ ،بادنجان رومی و غیره

قبل از باغچه آنها پخته نمی شد . همیشه که‌بخانه ای شان می رفتند . مطمئن بودیدکه باسبزی تازه و خوب استقبال‌می شدید .

هیـچ لذت بخش تر از این نبود کـه بادرنگ ها جوان وتازه رادر زیر سا یه‌های یـخ آن‌خانه چك می زدیم وبه نغمه‌ای کـه عمه گلثوم زیر زبانش زمزمه می کرد گوش میدادیم وبه عکسی که‌به‌محل محتر می‌آویزان بود سیل می کردیم .

این تصویر پسر شان اسماعیل بودلباس عسکری بتن داشت ودریکی از سرحد هـا، مشغول حفـظ صلح و آرامش کشورش بود. درمورد اینگونه افراد آهنگ هاساخته شده‌و مطالب زیادنوشته شده‌است.

ماازمهربانی های همسایگان خود خیلـی سود می گرفتیم واز جمله کار های که‌کاکـا قاسم می‌نمود . یکی هم تراشیدن سر مـا بـــود.

او همیشه درحالیکه به آرامی دستی‌برسر مامی کشید می‌گفت:

(چه بد، مه هنوز پاکی‌ام را تیز نکردم. حالا ببخشین . دفعه دیگر سرتان‌را تراش می‌کنم .)

باردیگر پاکی تیز شده بود و موهای‌من رسیده، و لی بهانه ای دیگر ی بود، کاکـا قاسم چرم که به‌آن پاکی را تیز می کننـد نمی یافت . ممکن پشك آن را خورده‌باشد. کاکا عذر می‌خواست.

وقتیکه بالاخره موی هایم مانند د ختران دراز می‌شد کاکاقاسم مرا روی چوکی بلندی می‌نشاند وسرم راخوب صابون می‌زد رده‌ها سرد آب بروی گردنم می لغز ید و حتـی تاپشتم راه می‌کشید . تیغ هیچوقت به قدر کافی تیز نبود، بجای تراشیدن پو ست‌سرم رامی خراشید وموی هایم را بنچه بنچه‌میکند. به‌سختی دردمی کرد وباهر کندن روی دندان هایم فشار می آوردم یااز شدت دردچشمانم‌را فرو می بردم . وباردیگر گناه پشك بود، او حتی چرمی راکه تاکنون روی آن پا کـسی ندویده بود، قرت کرده بود.

اوهنگامیکه روی سرم پاکی مـی کشید می‌گفت :

(می فامی مادر، بزودی پولدار خوا هیم شد. همه ای این موی هارا جمع کـرده آن هارا می فروشیم. و لی مه نمی فامم کـه عمرای پول آن چه‌بخریم) .

عمه گلثوم درحالیکه روی شادش را از کلگین آشپز خانه بیرون می کـرد جـواب میداد :

(تو بگو که‌این همه پول بچه هارا چگونه دوباره می تی)

صابون بچشمایم وبینی ام رامی یا فت ومن سعی کردم بزور از گریه ا م‌جلوگیری کنیم. من نه فقط از این مردم مهر بـان می‌شرمیدم بلکه ازنگاه های عسکری که عکس آن قاب شده‌و د ر دیـوار آویزان بـو د می‌شرمیدم .

کاکا قاسم اداره چی گروه سبزی کا ر فارم بود. گرچه اوفقط زنان پیر را همکـار داشت ولی با آنهم طوری کار می کرد کـه او لین سبزی در فارم های همان محل‌راحاصل میداد . واوسخت پابند نظم بود. وهرگاه اوفکر نمی کردکه سبزی ها آماده چیدن‌است حتی به هیچکس اجازه نمی داد ازآن هـا دیدار کنند چه رسد به‌کـندن یك دانـه بادرنگ .

هرگاه بزی ویاگاوی د اخل مز رعه‌میشد عصبانیت او بـه اوجش می‌رسیـد. چنیـن خاطره ای رابیاد دارم . کدام جای چرخی که ازدریا آب رابه مزرعه بالا می کرد خراب شده‌بود . کاکاقاسم مشغول تیار کردن آن بود . با تبرش به‌آن دست کاری می کرد. همه چیز درست شد. آب خیزك زنان بـه جوی چه های کرت می دوید . زنهاخنده

میکرد وناگهان کاکاقاسم‌غرزد:

(برفك‌بزنی ته ! مادرت بگور آرام نباشه بیرون شو، تو !)

ازعصبانیت زیاد سر خ شده. بودهیچگاه اورا چنین ندیده بودم. وعلت این بود کـه گاوی بر کرت کلم داخل شده بدون خـیال می‌چرید دمش رابرای راندن مگس ها تکان میداد . کاکا قاسم بطرفش دوید، تبرش‌را تکان داد . ودرحالیکه گاو از ترس فـرار کرد ، بازهم کلم هارا لگدمال نمود. کر ت آخری بود. ایستاده شد و تبرش را با لا برد.

نمی دانم که‌او همیشه نشان دست خوب بود ویااینکه اینبار تصادفی بود و لی تبـر مستقیم بران گاو خورد وحیوان بدبخت‌بروی زمین غلتید .

گاو بروی زمین ناله می کرد، پای‌هایش کش می رفت و کلم های اطرافش به‌آهستگی رنگ سرخ خون گرفت .

بزودی جمعیتی‌گردآمد .

زنها فریاد کردند.

(اوه، آن راکشت ، ای گاوهای جان‌است. اوه ، چه خات کردیم ؟)

آنها مشغول جر و بحث شدند که آیا گاو نجات خواهد یافت یـاپیش از مردن آ ن را بکشیم زیرا در غیر آن حرام‌شودواین‌گناه بزرگ است .

ولی صدای کاکاقاسم از همه بلنـد تر بود :

(نجات میابد ... اوه ، چه کردم،چه‌احمق پیر هستم ؟..)

او آنقدر پریشان بود که گاورا فراموش کردند وبه تسلی اش پرداختند ((فکر نکن.. خوب تومزاجت رااز دست دادی .واین برای هر کس پیش میشه))نمی دانم که‌او موضوع راچگونه باخاله مایجان فیصله نمود ولی‌برای مدتهای زیاد از حادثه غمین بود .

می گفتند که تندمزاجی‌رااو بعداز گنراندن یك‌دوره زندانی را درجنگ اول با المانها، گرفته است او درآنجا به شدت رنج می برد. هنگامیکه دوباره بوطن آمدزمین غیر قابل‌کشتی را گرفت آن‌را شخم زدگل کاشت ونهال های سیب وآلو بالوغرس نموده وکرت های‌سبزی ساخت .زمانیکه اولین بار درخت هابه میوه نشست بـا نکـه گنجشك ها وبـچـه های ده برآن هجوم آوردند کـاکـا قـاسـم پرندگان رابا تفنگ وبچه های‌ده رابا‌خمچـه های بید استقبال می‌کرد .بعداز اینگونه‌خوش امدید ها نجمت بچه ی‌اجتیام برای دوهفتـه بزمین نشسته نمی توانست .وبچه های‌قشلاق هجوم نیاورند .

ولی باآنهم ،کاکا قاسم مرد سنگدل نبود. هرگاه مریضی به‌سبزی‌یامیوه ضرورت‌میداشت جزخانه کاکا قاسم جای دیگری نبود .هروقت که می رفتی .حتی دربهار او سیب تازه‌داشت آنقدر تازه وپرآب که فکرمی کردی همین‌اکنون ازدرخت چیده شده‌باشدبه همین شکل‌بادرنگ کلم سبزی ها وغیره هرگاه درده عروسی‌میشد یاکسی‌را برای رفتن‌به‌عسکری وداع می‌گفتم دسته‌ی گل ازباغ کاکا قاسم ، حاضر بود.

هنگامیکه سبزی هابرای اعضای فارم‌توزیع می شد شادی کاکا قاسم به‌او جشن می رسید واز اوکرده مسرورتر شادتر ومهربانتر موجود بروی زمین یافت نمی شد . بـاوجودیکـه چهره اش هـاله‌ی غـم در بر گرفته بـود. تبسم پنهانی ازریشش دیده می‌شد.اومسرور بود ازاینکه باغچه اش بارخوب داده واوآن‌را توزیع می نمایـــد .

برای ماجوانان آنروز هاجشن بود.کوه‌های بادرنگ برکنار دریا ودر پهلوی آن‌قپان‌چوبی بالاوپایین می‌رفت کاکاقاسم پیچیده به‌شال آبی اش،بالای قپان استاده بودوبه ستایش بادرنگ های پرداخت. آنها مرض‌راگم‌می‌کند وقلب راشادی می بخشد .یـکی بخوریـد ـ فقط یکی ـ وآنهم بامعده خالی‌درصبح‌صدسال

زندگی می‌کنید اگردودانه‌بخورید
شادی همه‌جا موج‌می‌زد .همه
وکاکا قاسم نیزمی‌خندید وما بچ
بادرنگ هانلغه رایکی پشت دیگ
عمر زیاد کم چك‌می زدیم خیز
صنف دوم بودم که بجای
رسم خـط نـو لاتین مـعمول
زمـان ازال فبای رو سی خـبـ
پدرم از شهر چند کتاب که
شده بود آورد من‌بزودی‌آنهارا
بجان کتابخانه ده‌کردم .کتابخان
اداره شورا بـودودر پهلوی آن‌ا
فضل رئیس شورای ده‌بود روب
قرار داشت که مردم برای مشو
می آمدند .

من کمتر طالع داشتم زیرا
آمدم خاله‌ساکین کتابدار بیرون
که اوکار دیگری ویا چطوروِلی ب
دروازه کتابخانه رابسته می یاف
منتظر می نشستم .

از همانجا نیز سخنان کلان
سقف پردود اتاق گرد می آمدن
روزی کاکا فضل ازاتاقش برامد
می پیچاند باآرامی داخل‌اطاقی‌ش
آمده بودند درحالیکه سخن‌کاکا
باخشکی پرسید :

«تاچه وقت به این وضع اد
((چرا ؟من تنبل‌نیستم‌وفروش س
زیاد دارد))
در اینمورد راست میگی ولی چرا
آمو ختن الفبای نونمی روید ؟))
هیچکس جواب نداد .همه‌چشمان
انداخته مانند اینکه هیچ نشنید
درست مثل‌وقتی است که معلم
بخواهد وهیچکس آن‌را انجام ند
((در مغزشما هنوز اندیشه هاک
چرا مزرعه ،پیش آهنگ معرفی
پیش از همه اس مادو زخی از
می باشم اگر الفبای‌نورایاد نگ
را تعقیب نمی کند ازشما می پر
بار دیگر جواب نبود وکاکا ق
«جواب بد هید شمارا می‌گم بر
کاکا قاسم جواب داد :

مه هیچ سودی ازاین الفبا نمی
کاکافضل‌درحالیکه‌سخت‌عص
«توای ره می گی؟ توچوب لای
دانش می گذاری نه‌خودت یاد
کلثوم‌رامی مانی درحقیقت تو
آشوب بپامی کنی .»
کاکا قاسم درحالیکه‌عصبی
((ببین چی می‌گی من‌آشوب می‌ک
راچیزی که دوست دارند بیا
تواند هروقت بخواهد یاد بگیر
گیرم این الفبامره مریض می‌س
تحمل کرده نمی تانم .»
کاکا فضل فریاد کرد .
((نمی تانی ؟فکرکن چه‌روح ح
تو چه‌هستی تو... تو... چ
انقلاب هستی ،همین است ..)
((مه‌ره ضد انقلابی می گی ؟مه
عصبی نکو ،توجرأت نمی کنی
مره می‌گیری بگذار برایت بگو
بگیر . تو هیچگاه‌یك اسیر ج
وقت درخیمه اسیر نبودی خوب
دندان هایم رادر آنان ریختانه
خلاف ای‌الفبای جرمنی ات هس
((جرمنی ؟تومی گی جرمنی اس
((تویعقین داری سرت ازبرید
کاکا فضـل سرش راکشا
خلاص کرد وبطرف دروازه برا
خفگی دوباره توقف نمود .
.... تو نتوانستی احساس
بخاطر مفاد اجتماعی قربان کنی
عقب افتاده هستی ،قاسم))
بقیه د

عطر تازه یأس.

توعطر تازهٔ یاسی ، رهابه خانهٔمن
تودست نرم بهاری در آشیانهٔ من
کهن‌شد آن‌همه‌افسانه ، قصه،قصهٔ تست
بیابیاکه حدیث توشد فسانهٔ من
زشاخ خشك‌کمان ریخت برگ قصهٔاو
شگفته شاخهٔ شوقم ،توئی جوانهٔ من
بهشت‌بی‌تو به دیدار خلق ارزانی
من‌وتو ئیم‌وبهشتی‌است‌کنج خانهٔ من
بناز شانهٔ انگشت موی تورام است
تونیز رام بیاسای روی شانهٔ من
خطاست حرف ،چولب راتوان به‌بوسه‌گشود
پیام بوسهٔمن ، حرف عاشقانهٔ من
چوزورقی که‌تنم رسته ازتلاطم موج
سکوت خلوت آغوش تو کرانهٔ من
زتلخ رفته چه‌گویم ،که‌زندگی فرداست
شبم‌گذشت توفردای جاودانهٔ من
چه‌خوش درون من آمیختي ،چومن درمن
طنین نغمهٔ سازی تودرترانهٔ من

پرویز خائفی



بگذار وبگذر

من بار سنگینم مرا بگذار وبگذر
نیکم ،بدم ،اینم ،مرا بگذار وبگذر
دادم زمسکینان بتابی چهره ازناز
انکار مسکینم ،مرا بگذار وبگذر
برمرگ خود سوزی عبث میگریی ای‌شمع
منشین ببالینم ،مرا بگذار وبگذر
دردم نمیداند کسی بگذار تا مرگ
کوشدبه تسکینم ،مرا بگذار وبگذر
دردیده رویای عدم سنگین نشسته
درخواب شیرینم ،مرا بگذار وبگذر
آیینه ی‌دل تیره اززنگار غمهاست
بیرنگ ورنگینم ،مرا بگذار وبگذر
بگذار زنجیرم کشد دژخیم ایام
درخورد نفرینم مرا بگذار وبگذر
بگذار جز کابوس ناکامی نبیند
چشم جهان بینم ،مرا بگذار وبگذر

((شهر آشوب))

درخانه‌ام،درخانه‌ام

ای‌نازنین ازعشق‌تو دیوانه ام ،دیوانه‌ام — وزدیگران یکبارگی ، بیگانه ام ،بیگانه‌ام
این‌مردم عاقل‌نما بگذار وپیش‌من بیا — من باهمه دیوانگی ،فرزانه‌ام، فرزانه‌ام
دنبال دانایان مرو، یارجهانجویان مشو — من‌از حقیقت خوشترم ،افسانه‌ام ،افسانه‌ام
ازعطر ولطف‌و رنگ‌تو، دل‌میکندآهنگ تو — تاجلوه‌چون‌گل‌کرده‌ای ،پروانه‌ام ،پروانه‌ام
درداستان های‌کهن ،جای‌تو باشد نزدمن — ای‌بهتر ازگنج‌گهر، ویرانه ام، ویرانه‌ام
هرلحظه‌ای بنوازمت وزجان، نثاری‌سازمت — دانی‌که‌من درعاشقی جانانه‌ام ، جانانه ام

نزدیك خویشت‌خوانده‌ام ،درانتظارت‌مانده‌ام
دیگرچرا درمیزنی ؟ درخانه‌ام ،درخانه‌ام

دریاب

امشب زسر زلف تو آشفته ترم من — در کوی تو آشفته چو باد سحرم من
از حسرت لعل لبت ای نور دو دیده — سر تا قدم آغشته بخون جگرم من
شاید که زنم چنگ به آن حلقه گیسو — عمریست که چون باد صبا دربدرم من
از طوطی طبعم سخن تلخ مجو ئید — شکر شکن از خنده آن لب شکرم من
يك قطره آب ازدم تیغ تو أمید است — دریاب که امروز بحال دگرم من
از ناز گهی میکشدم ،گه به نگاهی — هر لحظه سر افراز حیات دگرم من

«سید» سرمن خاك در پیرمغان است
معذور اگر ازدو جهان بی خبرم‌من

((سید اکروخی))

آخر

یکچند بکودکی با ستاد شدیم
یکچند بروی دوستان شاد شدیم
پایان حدیث ماتو بشنو که چه‌بود
چون ابردر آمدیم وچون باد شدیم

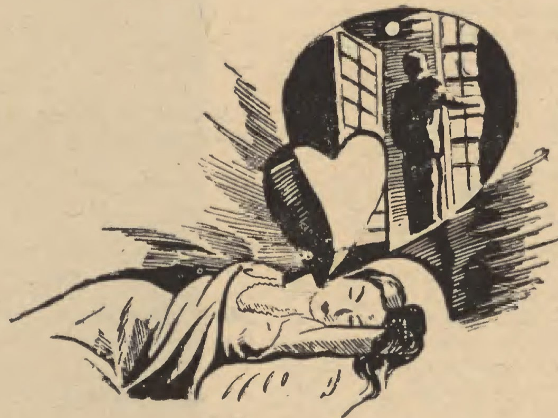
زندگانی!

ای بیتو حرام زندگانی کردن
خود بیتو کدام زندگانی کردن
هر عمر که بیرخ تو بگذشت‌ایجان
مرگست وبنام ،زندگانی کردن

مرد

درراه نیاز ،فرد باید بودن
پیوسته حریص درد باید بودن
مردی نبود گریختن سوی وصال
هنگام فراق ،مرد باید بودن

«مولینا جلال‌الدین بلخی»



بناز خفته‌من

قسم بمهرو وفایی که‌هیچ ازتو ندیدم — که بیتو باهمه عالم بجز غمت ،ببریدم
به آرزوی وصال تو عمر من بر آمد — فغان !که عمر گذشت وبه آرزو نرسیدم
بروز گار جوانی سپید شد همه مویم — سیاه گشت ولی در غم‌تو روز سپیدم
بناز خفته من ،خفته ای بناز وندانی
که من بشام فراقت چه‌دیدم وچه‌کشیدم

((ناصر امیری))

نغمه‌چنگ

نغمه‌ی چنگم دراین بزم‌ار نیامد دلپذیر
ای‌امیدجان ! ببخشای ،این‌گنه‌برمن مگیر
میزدم انگشت چون برتار چنگ
نغمه‌ها میریخت نغزو رنگ رنگ
باد میماند ازره‌و میداشت گوش
سرو افسون کرده هرجا ، مه خموش
آسمان در وجد میشد ، خاك هم
مهوشان گنبد افلاك هم
گفتم‌از این‌نغمه‌کزوی طاق‌عالم پرصداست
ارمغان سازم بتی‌راکارزوی جان ماست

* * *

برده بود ازره‌مرا دیو غرور
پای کوبان آمدم از راه دور
اینك اینجا پیش‌تو شرمنده ام
وه‌چه بی آزرم‌و سرکش بنده ام
نغمه‌ها درهر نگاهت خفته‌است
جان من از این نگاه آشفته است

* * *

چیست‌دربزم توسازم؟ بانگ‌ناسازی وبس
مایهٔ دردسری ، بیهوده آوازی و بس
شوق دیدار توام در ره کشید
ذره‌را خورشید درخرگه کشید
لرزد ازمهرت دل‌سر مست من
زان نباشد گرم وچابك دست‌من
وای‌من ! کان آرزو برباد شد .
منکرتو ، دشمن‌من ، شاد شد .
شرمم آیدگربراید برزبانت نام‌من .
وای‌براین جان دشمن‌کام بدفرجام من .

پ،ن، خانلری

برگزیده

آلفرد هیچکاک



نوشته از :میل جان برن

متر جم ـ نیرو مند

مسافرت پر ثمر

آن ویتسن حین گشودن کلکین اتاق در یك صبح مطبوع تابستان اظهار داشت ،من بزرگتر هستم. ویتسن نگاهی به سطح آرام خلیج سانفرا نسیکو افکنده ،هوای بحر را عمیقا تنفس کرد .اهالی شهر بعلت مجهولی به‌او آل شریف می گفتند .شاید این اسم بخاطری روی او گذاشته بودند که آن ویتسن آدم محترم ومتوا ضعی جلوه مینمود . مخصوصا در آن روز صبح مانندیك کشیش واسقف مردی مهربان و آرامی به نظر می آمد .او از طریق وعظ وار شاد مردم به نیکو کا ری واخوت نسبت به همنوع زند گی اشرا تامین مینمود .آن ویتسن نه تنها ازین راه صاحب لب نانی میشد بلکه کرایه اپارتمان لوکس ومصارف روز مره البته نه چندان زیاد خودرا دست وپامیکرد .اوبا لباس کشیش‌ها در همه جا ظاهر میشد وبشیوه مردان روحانی به‌مردم پندو نصیحت میداد اهالی‌شهر سمت‌کشیش‌انجمن مورفی رابه او واگذارد شده‌بودند .

این مرد محترم در یك روز کمی‌از عصر گذشته وارد شهر کوچك ریوز نالس به فاصلهٔ دور ،بسیار دور از شهر بزرگ سانفرا نسیکو گردید . در طول راه همه به مرد م وعظ میکرد وبه او نها راه رستگاری ودیانت را تبلیغ مینمود دستهای متشنج او که همیشه روی شکمش بسته میبود ویك پای لنگش نشا ن میداد که این مورفی محترم امتحا ن دشوار سر نوشت را هم گذشتا نده است .

در طول عصر روز مورفی کشیش در شهر گشته ،با محله ها واها لی شهر آشنایی حاصل کرد .و چنان عمل نمود تا مردم شهر ریور نالس از آمدن یك واعظ ومرد با طریقت آگاه شوند او در کلیسای شهریك نماز آرام بجا آورد و مو عظه بلند بالای کرد. ضمنا با روحا نیون‌شهر معرفی شد .همچنان دیدن وتیر ین مغازه تعجب وحیرتش را بر انگیخت مخصو صا از دیدن یگانه جواهر فروشی شهر متحیر شده ،هانر ی کاتر جواهر فروش به نظرش مرد جالبی‌آمد .مورفی در یك هوتل رحل اقامت افگند وبرای دربان هوتل که بکس سفرش راحمل میکرد دعا ی خیرو برکت کرده ،به این ترتیب از دادن پول بخشش ابا ورزید سه روز پس تقریبا همهٔ مردم شهر کشیش لنگ را میشنا ختند که به دستگیری از غربا ومحتا جان می پرداخت با محبت با آنهارفتار میکرد مریضخانه شهر یتیم خانه و حتی به محبس کوچك شهرریور نالس‌سراغ محتاجان رامی گرفت .پس ازگذشت سه‌روز مردم شهراین‌مرد خدادوست رابه دوستی برگزیدند. ولی‌هیچکس نمیدانست او از کجا آمده‌است‌سه روز بعد این مرد خدا دوست ازرفتار خودش خسته شد . آل شریف خواست از لنگ راه رفتن بس کند او از کلکین اتاق هوتل هانری کاـ تر را صدا زد ه‌پیش خود خواند .

از او خواست چند حلقه انگشتر الماس قیـمت بها از مغازه اش انتخاب کرده با خود به اتاق او در هوتل بیاورد .

مورفی کشیش انگشتر های الماس قیمتی را بدقت از نظر گذشتا نده اظهار داشت :انگشتری‌های قشنگی هست ویقینا بسیار قیمتی هم .در حدود هزار دالر .

هانری کاتر با خوشحا لی پاسخ داد :قیمت اینها پنجهزار دالر مـی باشد .

مورفی با لحنی که آهنگ تاثـر داشت گفت : از جوا هرات چیـزی نمیدانم .و میخواهم بیکی از دوستانم یك تحفه اهدا کنم .بیکی از دوستان قدیمی وبسنیار خوبم که در شفاخانه بستری میباشد .

هانری کاتر چشمهای مرطـو ب مورفی کشیش را هنگام حرف زدن باور کرد .

مورفی اینطور به صحبتش ادامه داد: او صرف برای چند روز دیـگر درین جهان مهمان خواهد بود .... این دوست‌من میخواهد پیش ازمردن آخرین تجفه را به همسرش تقدیـم کندو آنگاه ویرا گذاشته به سرای دیگر بشتابد .

کارتر اظهار داشت : ممکنسـت همین ساعت انگشتری‌هاو جواهرات را نزد او ببریم تا خودش دیده یکی را انتخاب کند .

مورفی جواب داد: متا سفانه داکتر های معالج به هیچکس اجازه عیادت ازاورا نمیدهد .وضع‌صحی اشوخیم است .صرف من‌اجازه ملا قات‌اورا توانسته ام از اطبای معا لـج بـه دست آورم شما منظـور مرا مـی فهمید که می گویم ...

مورفی صندو قچه جواهر را از دست کارتر گرفت .برای یك لحظه حالت تردد ودودلی به کاتر دسـت داد .اما زودبر خود مسلط شد .

مورفی اظهار کرد : من تا نیـم ساعت دیگر همین جا بر میگردم‌شما می توانید تا باز گشت من برای خود ویسکی ریخته گلوی تانرا تر کنید..

در ختم کار مورفی از اتاق هوتل بیرون رفت .لنگ لنگان از دهلیـز عمارت هوتل گذشته خود شرا بـه گفت رساند باورود به لفت دیگـر پایش نمی لنگید. در مقابل دروازه هوتل موترش را متو قف ساخته‌و بکس سفری اش هم در داخـــل نیمساعت بودکه هانری کاترناراحت شد ، ال ویتسن درست به روی های وی جانب سانفرا نسیکو به سرعت موتر می راند .

پس از چند صد کیلو متر راه پیمایی به کنار رودی رسید که کلبه گك های تور یستیك بمنظور کمپینگ برای اجاره گرفتن ساخته بودند . در ساحل رود خانه چند مرد نشسته سر گرم ماهی گیری بودند .

ال ویتسن با خود فیصله کرد چند صباحی را به تفریح‌بپردا زد . دو روز بعد تر با یك تکری پر از ماهی به طرف کلبهٔ خود بر گشت و حین رسیدن به آنجایکه مردی رادر یو نیفورم مقابل کلبه منتظر یافت . آن مرد خودشرا مامور تنظیمه محل معرفی کرد . ال ویتسن از شنید ن اسم لانگ مامور نظیمهٔ با وصـف گرمی هوا احساس مجمجه ولـرزه نمود .

علاوتا در یك ا ستیشـن همـا ن صندوقچه جواهر زیاد داشت هانری کاتری برده مامور نظـمیـه با تاثیر اظهارکرد :متاسفم‌که مزاحم شما میشوم .امامسلما خوشحالمی شویید که مال خود را دو باره بـه دست بیاورید .این‌صندو قچه همراه اگر اجازه گفتن آنرا داشته باشم ، با اجناس قیمتی محتوی آن که‌البته مربوط به شما هست . یا ...

ال ویتسون در یافت که ذهنش باید سر یعا عمل کند .او هیـچ حدس نمی زد که موضوع از چه‌قرار است .

اما برخود تهیب ز، ،احتیاط ظرف

بقیه در صفحه ۵۹

ترجمه‌ی: کاونده

چارراهی های بیرو بارو

وضع تقریبا غیر ممکن می نمود. قرن ماشینی مردم را از خیابانهای توکیو و دیگر شهر های جاپان — بیرون میکشید. توکیو از لحاظ جاده های پر موتر، ملیو نها پیاده‌رودیگر وسایل رفت وآمد در رده شهر های بزرگ قرار گرفت. نتیجه آن شدکه دیگر گنجایش برای بازنمودن دکان جدید وادامه بشیوه قدیم زندگی باقی نماند ، آنها همیشه در برابرخطر ترافیکی قرار داشتند این بدان معنی است که دیگر غیر ممکن بود «شهر رادوباره بمر دمان آن سپرد ».

گام‌اساسی این خواهد بود که‌تمام وسایل ماشینی‌راازجاده ها دور — بریزند .

لیکن ، طوری که دیده میشود. این راه حل درست‌نبود تا اینکه هر کس برای پذیرفتن مسو لیت‌هایش دربرابر شهر آگاهی حاصل نکند.

بعد ، طرح اینکه بخشی از شهر راه به پیاده رو اختصاص بدهند بمیان‌آمد زیرا شهر برای مردمان است نه برای غول های بزرگ ماشین.

این پندار ساده ای است :رفتار همه وسایل ماشینی را در روز های یکشنبه‌و دیگر رخصتی ها از جاده های‌معین ، قدغن کنند و جاده های بدون (موتر)در دسترس مردم — بگذارند تا درآن هابه گردش خرید وفروش ، **بازی وغیره کار ها** بدون ترس از غول ترافیك ، — بپر دازند.

کار جاده‌های‌بدون (موتر) برای اولین بار چار سال قبل در توکیو آغازیافت.وبدنبال‌های شهر ها ی دیگر از جمله اوسکا **دست به این** عمل زد. اکنو ن‌تمام خانواده‌هامی توانند بروزهای یکشنبه ویارخصتی های‌دیگر ،بدون کمترین دردسری خود را در بیرو بار ترین نقطه شهر برای خریدو یاقدم زدن بدون‌ترس ازترافیك،بپردازند به این، ترتیب طرح پاك سازی « چارا هی ها» از وسایل ترافیکی، موفق شد .

یکشنبه ۲ـ اگست ۱۹۷۲ مردمان پایتخت باخوشی از اینکه می توانند بدون دردسری در جاده گیزا ،بیرو بار ترین جاده شهر، **باآزادی قدم** بزنند، از جاده ها با آرا می بگذرند و دیگر چراغ سبز و سرخی بکارنه باشد از خواب بیدار شدند .

دیگر از صدا های کر کننده وگوش خراش موتر وگازهای درد سر آور، ترس از تصادم خبری نبود در حقیقت جامعه ای کـه درآن احتیاجی به احتیاط نبودبمیان آمد، واین جای شگفتی‌است .

در اول برای همه این حادثه بیگانگی می نمود . در گذشته‌اطفال عادت کرده بودند که‌با عجله وشتاب زدگی جاده ها را در هنگام چراغ سبز عبور کنند ، ولی حالا همه چیز بارامی می گذشت و این لذت آور بود.

دیگرآن‌نیز از این فرصت‌استفاده کردند.

جفت های جوان دست بدست‌با خاطر آرام قدم می زدند ، عکاسان‌با آرامی **مشغول تصویر گیری ز نها** جوان بوده نمایش دهندگان لباس آخرین‌مدرابنمایش‌گذارده ، موسیقی دانان جوان با هستگی قدم برداشته وگیتا رمی زدند همه مردم باخاطر آسوده دریك فضای باز قدم مـی زدند .

طوری که‌گفته‌شد شهر های دیگر جاپان نیز دست به‌چنین‌اقدامی — زدند با پایان سال اول طرح خیابان های بدون‌ماشین درروزهای رخصتی ازطرف ۲٤ ښاروالی ها پذیرفته شد.



درین دو تصویر جاده معینی رادردووقت یکی هنگام تردد موتر ها ودیگری که‌رفت وآمد موتر ها قرغ شده است، نشان داده میشود

ولی بدون خطر مرگ

باآمدن تابستا ن ۱۹۷۳ تنها در توکیو ۹مر کز بدو ن مو تر بمیا ن آمد. در مرکز شهر نقا طی چون‌جاده گیزه ، شینجو کو ، اکو بکورو.اونو اساکوسا ، شیبو یا، کما تا یمینسی باشی ونیو باشی وغیره ودر سراسر کشور اکنون ۲۴۷ مر کز (بد ون موتر) بمیان آمد.

فقط در تو کیو دراز ی این جاده های بدو ن موتر به ۲۳کیلو متر می رسد. فقط جاده گیزا با طول ۵ ره کیلومتر یکی از دراز ترین وپر بیرو بار ترین محل را میسازد .

سود این طرح فراوان ومفید ت آن آن نه فقط برای پیاده روا ن است بلکه دکا ندار که در مسیر این جاده هاقرار دارند ، نیز بهره کا فی می برند. تعداد مردم بروی اینگو نــه جاده ها تاپنج برابر شده است واین خود معنی خرید بیشتر را می دهد. این کار حتی‌مشکل‌پر درد سرخرید را ازبین برده است .

ازنگاه محیط ز یست نیز سودهای بهمراه دارد. طبق بر آورد شو رای شهر این طرح شهر آلود گی هوا را خیلی پایین می آورد . مقدار گاز – کاربن مونو اکساید وهاید روکاربن در اتو مسفر ۷۰ تا ۹۰ فیصد د ر روز های که اجازه تر دد به موترها در جاده ها داده نمی شود پایین می آید.

شو رای مذکور به این نتیجـــه رسیده است که وسایل حمل ونقل ماشینی یکی از اساسی ترین منبع دمه اوکسید ی شده است واین یکی ازپر درد سر ترین مشکل تو کیو را می‌سازد.

این نتایج اداره چیان راتشو یق نموده تابر تعداد واندازهٔ نقاط قرغ افزایش بعمل آورند . در تا بستان گذشته آزما یشی برای گستر ش ساعا ت قرغ بعمل آمده واز شا م شنبه آغازیافت درنتیجه‌کاهش زیاد آلوده‌هوا بمیان آمد .

درروز های معمو ل قر غ ، تـــا ۰۰۰ر۲۵۰ر۱ باشندگان‌ت وکیودست به‌گردش و پیاده روی در جاده های قرغ‌شده می زنند ، بر علاوه دکا ن دران جـــاده هــای کـــو چـــک نیز خواها ن تطبیق این طر ح اندتا سطح فروش شان بلند برود .

اکنو ون این حا لت در تو کیوبکلی معمول شده است ولی برای کسیکه بار اول واردشهر شود وخیابا ن‌های دراز بدو ن وسایل ماشینی رابببیند ازشگفتی انگشت بد هان خوا هـــد گرفت.



درروز های قرغ مردم باخا طـر آسوده در چار راهی ها به تفر یح میپر دازند



دراین هنگام حتی دست‌به‌نمایش های «گدی ها» میزنند



روز های قر غ ، فر صت خوبی برای گردش در جاده های بزرگ‌را میدهد

حمید دهمد غه شانی انسا نا نو ښخه یو تن و چه دناروا او تیری له لاری نه به تل دکلیو الو په حقوقو باندی بلو سیده، دخان مړولو اوډیر مال را ټولولو په خاطر به یی دهیڅ ډول ناوړه عمل څخه‌هم ډډه نه‌کوله او کله‌یی چه دنا مشروعی لاری نه یوڅه هستی مونده کړه نو بیایی ورسره په سود خوړ لوهم پیل وکړ.

ورو، ورو یی پسی نوم ویوست او په نږدی سیمه کښی به چه هر څوك اړ شول او یابه ورته مړی او ژوندی ور پیښ شو نو نا چاره به یی دحمید کورته منډی ورو‌هلی، دهغه ډیری اوښنو ته‌یی لاس ور اوږداوه اود خپل کار دچلولو دپاره به یی ور ښخه په ګټه د پیسو غو ښتنه کوله.

حمید چه یو هکاك او چټاك سړی ولومړی خوبه یی ډیر سر او پښی کول او په آسانی سره به‌یی نه غوښتل چه دهغه محتاج انسان‌عرض او عذر ومنی او بیابه‌یی چه کله اړ انسان دخپل احسان ترد رانده بار لاندی راوست نو ضرور به‌یی ورته داهم ویل چه : (هلکه زه خو چه چاته پیسی ورکوم نوور ښخه شرعی‌خط هم‌غواړم اولدی چه زما پیسی خوله نوری ګتی نه لویږی نو ناچاره یم چه ګټه‌یی هم ورسره معلومه کړم).

اړکس به چه بله مخه نه لیده نوناچاره به‌یی ورسره دهغه‌فرمایش ته د تسلیم غاړه ایښودله اوضرور به‌یی ورته داسی ویل چه :

(باداره: منم، داخو دی خپل‌حق دی او څوك چه ستا دروازی ته سترګی را اړوی نوستا ګټه خودی هم تر پښو نه لاندی کوی او ..)

په همدی توګه حمید پخپل کلی اوسیمه کښی د یوه ښکارچی پښه غوره کړی‌وه او کله به‌یی چه‌چاته دیوه کال په مخه شل زره افغانی ورکولی نوبیا به‌یی په محکمه کښی ور ښخه دپنځه ویشتو زرو افغانیو شرعی حجت هم تر لاسه کاوه اوچه کال به یی پوره شو نود خپل پوروړی ښخه‌به‌یی‌دخپل‌پور غوښتنه وکړه اوچه هغه به یی دورکړی‌توان نه درلود نود یوه بل او څونورو کلونو تر رابریدو پوری به همدغه شل زره افغانی پسی په زیاتیدووی او تر څو چه به د څوکلونو په‌اوږدو کښی هغه پیسی پسی یو لکو او

زیاتوته پسی ورسیدی اوچه‌پوروړی به‌یی دورکړی ښخه په قطعی توګه عاجز شو نو خپله ځمکه به‌یی په نیمایی بیه ور باندی وپلورله .

دحمید شته منی به ورځ په ورځ مخ په زیاتیدو وه ولی دکلی ډیرو خوارانو او غریبانو کډه‌یی ورپه‌شا کړی اود هغوی پولی او پټی یی په راز، راز سحرونو او نیر نګونو ور ښخه ترلاسه کړل .

هغه د څوکلونو په موده کښی د سیمی دنامتو بډایانو ښخه وشمیرل شو اود کلی ملك هم شو. څو موټرونه اود خپلی پراخی کروندی دکر، کیلی دپاره‌یی دوه ټراکتورونه هم‌واخیستل .

حمید په شمار اوه تنه زامن درلودل او ټول‌یی ځوانی‌ته رسیدلی وو نو ځکه یی پخپل زاړه انګړ او پخوانی کلا کښی د اوسیدلو دپاره پوره او زیاتی خونی نه‌درلودی اوپه

په خبرو کولو پیل وکړ اود کلا ودانولو په هکله دمقدماتی خبرو نه وروسته دواړو سره لـه هغه ځایه پا ځیدل اومخ په‌هغه خوا وخوځیدل چیری چه هلته ملك غوښتل نوی‌کلا ووهی .

د ځای ور ښودلو اودیوه ګزه پخخی وهلو دبیی د پریکړی نـه وروسته دیوشمیرشرطونو په‌اساس ملك وویل چه :

(هرکله دی چه‌کلا بشپړه ووهله او کاری پای ته ورسیده نو بیایی دبیماش وهلو نـه وروسته پیسی درکوم).

ملك دا وویل اود ځینو مهمو او ضروری هدایتونو دور کړی نـه وروسته بیرته دخپل کور په لوری وخوځیده او ختګر ماما بیانو خپل ملګری راوستل اودملك‌دکلا په‌وهلو باندی پیل وشو .

پوره آته میاشتی ختګر ماما د

دحلیم (ظریفی) په قلم :

یومحلی او اجتماعی داستان

دختګر لور

یوه مناسب ځای کښی یی دنوی کلا په ودانولو باندی لاس پوری کړ او ماما چه اصلا پـه‌کلی کښی دیوه ګاونډی په دود اوسیده او پوله‌پټی یی نه‌درلودل په پخخو وهلو اودکلا ګانو په جوړولو کښی یـی خاص شهرت درلود .

هغه دسیمی یو نامتو ختګرؤ او له‌ځانه سره‌یی دوه تنه نور ملګری هم در لودل چه په ګډه سره به‌یی دختی په پخولو، پـیـل ورکولو او ودانولو کښی سره مرسته کوله او حمید چه اوس نودکلی ملك هـمؤ ماماته‌یی‌احوال ورولیږه چه‌زه غواړم نوی کلا ووهـم نو ژر ځـا ن راورسوه چه سره خبری وکړو .

ماما دملك صاحب ددغه پیغام په درناوی په منډه له‌ځایه ښخه پورته شو او مخ دملك دکور پـه لوری باندی و خوځیده هلته چه ورسیده نوپه ادب سره یی داحترام اوسلام برځای کولونه وروسته له‌ملك سره

ملګرو سره دکلا په وهلو باندی‌تیر کړل اود سیم په شانی سیخی اود ناوی په شانی ښکلی پخخی یـی ووهلی .

دملك دلویی کـلا د څلور خوا دیوالونو دجوړولوکارپای ته‌ورسیده اود منی دموسم په‌وروستیو وختونو کښی د ختګری دکـار ښخه دیخنی شدت مخنیوی وکړ .

هر څوك به چه له‌لاری‌نه تیریدل نو یو واری خوبه یی هم دملك د بورجوری‌اولوړی کلادښکلاننداره‌کوله او بیا به‌یی نوددغی کلا دجوړونکی په ذوق او کمال باندی آفرینونه ویل .

ختګر ماما له خپلو دوو تنو نورو ملګرو سره مخ دملك دکور په لوری باندی روان شو اود کلا پیما شولو اوحساب خلاصولودپاره دملك‌حمید حضور ته ورغلل او بیایی لـه ملك سره د روغبړ کولو نه وروسته‌دکلا

دبیماش اومزدوری اخیستلوموضوع منځ ته راواچوله .

ملك چه دکبر او غرور په نیلی باندی سپور ګرځیده په هټکی‌سره یی وخندل او بیایی وویل :

(ماما جانه تاخو دکلا دیوالونـه ووهل، خیردی وی ژمی‌دی تیر شی اوچه په راتلونکی کال کښی‌دکوټو نقشه هم درته واچوم او هغه هم‌په سر ورسوی نو بیابه سره حساب کوو).

د ختګر دووتنو ملګرو یوه او بل ته سره په خیر، خیر وکتل چه ګوندی دالاخه کیسه او ځـه ټوکه را جوړه شوه، ته‌با دزورور په دام کیوتو اوبیا دواړو دماما اوملك پـه لوری وکتل او ملك بیاهم دخندا په ځپو کښی دلاهو کیدلو سره ماماته وویل ـ

(ورك مـه شی ـ خدای دی خیر پیښ کړی، اوس ځی بیابه کال ته سره خبری کوو).

ماماختګر دساړه اسویلی ایستلو سره ملك حمید ته دعذر پـه لهجه وویل چه :

(ملك صاحب دکال خبری به‌بیا له‌کاله سره‌کوو، موږخو مزدورکاره او غریب خلك یو، دادی اوس ژمی راغی او چه ته مومزدوری راته‌رانه کړی‌نودژمی‌دپاره بغله‌اونورضروری شیان له‌کومه کـوو اوموږ خوکوم پوله او پټی او نوره هستی هم نلرو چه ګوندی په کورونو کښی به مـو کندوان ډکوی. ټول کال موستادکلا په جوړولو کښی سوځونکو لمرونو ته په ځنو کښی پوستکی واچول نو رابانـدی مهربانی وکړه او زموږه در بدره او آبتره حال په لوری خو هم وګوره).

ماما ختګر چه دا وویل نود ملك صاحب دقهر اوغوسی پیری‌راپورته شـو ، د خو لـی نـه یـی ځګو نـه را ښکاره شول او پـه غضبناکه لهجه او ترپو تندی سره یی ختګرماما ته دخطاب کولو ژبه را دبانـدی کړه ـ

(ورك شه بوینه، تر څوچه می د کلاکوټی هم په سرونه رسوی نویو پول‌هم در باندی حرام‌دی، ډیر می ماغزه مه‌راخرابوه ځه ورك شه لاره دی‌وهه).

د زورور په وړانـدی دمظلوم او کمزوری دګریوانه دپاسه د اوښکو

کاروان په رابهیدو شو او بیا هم
چه هر څومره ختګر ماما دعذر او
زاریو لەلاری نه دخپل حق غوښتنه
کوله دقهرجن او مظلوم وژونکی‌زړه
رانه‌ؤست او خبره هن تردی پوری
ورسیده چه ملك صاحب خپلو څو
تنو کورنیو نوکرانو ته امر وکړ چه
ختګر اود هغه دوه نور ملګری په
زور دملك دمخی څخه لیری کړی.
نوکرانو په ټیل وهلو، زور او ترټلو
سره دملك حمیدله ټاټویی څخه‌دری
واړه ختګران دباندی وایستل اوچه
دکوټی څخه دباندی شول نو دملك
کورنیو نوکرانو ور ته وویل چه :
څه، ختګر ماما اوس ولاړشه، نن
دملك صاحب چرت‌هم چندان په‌ځای
نه‌دی بیاکه خیرؤ کومه‌بله ورځ‌ورته
راشه).
پخخه‌زن ختګر اودواړه‌نور ملګری
یی سره بیرته ولاړل اود یولې خبرو
نه‌وروسته دختګر ملګرو پخپله‌ختګر
ته داسی وویل چه :
(ماما جانه موږ دملك سره کوم
کارنه لرو، موږ ستا په خوله راغلی
یو اوخپله مزدوری لەتا څخه غواړو
موږ هم دهمدغی خواری او مزدوری
لەلاری نه‌یو څه ګټو او بیا وربانډی
دخپلو کورنیو او ماشومانو دپاره د
جامو اوخوراکی غمه خورو).
ختګر دخپلو ملګرو خبرو لەاوریدلو
سره لاپسی زړه بدی او خواشینی
شو او هغوی ته‌یی په پریشانه‌ونکی
لهجه سره وویل ـ
(تاسو ولاړ شی، خدای خو
مهربانه دی ګوندی دملك په زړه
باندی به درحم اوبه تـوی شی او
مزدوری به راکړی).
دواړو ملګرو یی وویل چه ـ
(ښه ده اوس به لاړشو اودری
څلور ورځی وروسته به بیا راشو
خوکوښش وکړه چه مزدوری ور-
څخه واخلی).
ختګر ماما له خپلو ملګرو سرهٔ
دخدای پامانی وکړه ، هغوی ولاړل
او پخپله بیانو خپل کورته ننوڅ.
کورته دننوتلو سره یی پیغلی‌لور
خرما دهغه دحال او بنی څخه د
خپګان او ناامیدی رازونه وڅیړل او
څکه یی هم دخپل ګران او خـتګر،
مزدور کاره او خواری‌کښ پلار څخه
تپوس وکړچه :
(باباجانه، نن‌دی ډیرچرت خراب
دی، رنګ دی الوتی بریښی خیرخو
دی ناروغ خوبه نه‌یی ؟)
ختګر دخپلی لور په څواب‌کښی
په خواره او مهربانانه ژبـه سره
وویل :
(یه لورکی، چرت می‌خراب نه‌دی
ناروغه هم‌نه‌یم هسی می فکر یـوی
خواته را څخه‌سر کړی‌دی که‌نه‌خیر
اوخیرت دی).
ختګر دخپلی هغی کوټی تیاری‌ته
ور دننه شو چیری چه هلته بـه د



ورځی هم پکښی دشپی په شانی
تیاره خوره وه او ختګر ددی دپاره
چه ښځه، لور او کوچنی زوی‌یی د
هغه دغمجنی بنی څخه متاثره نه‌شی
نو ویی وویل :
(دخرما موری بی خوبه یـم او
غواړم چه یوه ګړی ویده شم ډیرو
ختپو او پخخو وهلو می ټول هډونه
را ځبلی‌دی).
ختګر دژاړه تـغـر دپاسه اوږد
وغزیده اوبیا نو دخرما موروربانډی
دهغـه خپـل زوږ او خیـرن څادر
وغوړاوه .
ختګر تـر څـا دره لاندی خپلی
سترګی دلور، زوی او ماندینی د
سترګو څخه پټی کړی خوویده‌نه‌شو
چرتونه‌یی وهل او پخپل زړه کښی
یی دملك صاحب سره دکلا دپیسو
دحساب پریکړون کاوه. دفکرونوپه
سمندر کښی یی لامبو وهله او راز
راز پوښتنو او څوابونو، خیالو نو
او اندیښنو به‌یی دکارګر زړګی د
پاسه تیندکونه خوړل .
پوره دوه ګړی ویښ او غلی پاتی
شو اود اوږده سوچ اوژور فکرکولو
نه وروسته یی خپل زړه تـه داډ
ورکړ چه :
(ملك صاحب بـه آخرهم خدای
مهربانه کړی، قهر به‌یی کښینی او
ضرور به راته خپله مزدوری راکړی
بیابه نوکه خیروی ور باندی دژمی
دپاره غله او نور ضروری موادواخلم
اود خرما اوجمیل دپاره به وربانډی
دجامو ټوکرهم را نیسم).
پور تنی خبری دختګروورروستی
فیصله وه او بیایـی نو بیرته خپل
څادر له‌مخ څخه پورته‌کړ، په خوښی
اروا بنه سره یی یوه او بله خـوا
کتل اودخپل ځای نه دپا څیدلو نه
وورو سته بیانو دخپلی ماندینی او
خرما سره په خبرو شو .
دخبرو په ترځ کښی دخرما مور
ور څخه تپوس وکړ چه :
(سړیه، ځنګه شوله ملك صاحب
نه‌دی دکلا مزدوری واخیسته اوکه
یه؟ چه دادی ژمی راغی او غله‌مله‌به
وربانډی اخلو).
ختګر دخپلی میرمنی په څواب‌کی
وویل :
(ملك صاحب خونن راته پیسی
رانه‌کړی دوه دری ورځی ورو سته
به‌یی که خدای کړه راکړی اوبیا به
نـو ور بانـدی دژمی خـرڅ برابر
کړو).
دایی وویل، چوپ شـو اود زړه
دننه‌یی بیا دملك دزور او بی عدالتی
سره دخیال په فضا کښی په جنګ
او جګړه لاس پوری کړ. دری څلور
ورځی تیری شوی اود ختګر ماما د
ختپوکولو اوکلا وهلو دواړه ملګری
بیاراغلل. دختګرماما نه‌یی په جدی
ډول سره دخپلی مزدوری او پیسو
دورکړی غوښتنه وکړه خو ختګربیا
هم یوه اوبله خوا دنیستی سترګی
واړولی او هغوی تـه یی په څوات
کښی وویل ـ
(تاسو کښینی او چای‌به وڅوری
زه به یوواری بیا هم دملك صاحب
کره ورشم ګوندی داسی بد به نـه
کوی او حلاله مـز دوری بـه مـو
راکړی).
(نوربیا)

پاتی په ٦٣مخ کی

روان شناسی جوانان

نورستینا یا خستگی اعصاب



هر گاه کسی باین بیماری سر- دچار شود از مجادله وفعالیت مـی ایستد .چنان معلوم میشودکه‌محیط باوی سازگار نبوده خود را مایو س شکست خورده احساس میکند .بـه طور عموم سه خاصیت درین قسم بیماری بارزو بر جسته میباشد .

۱- وضع فزیکی بیمار کاملاسقوط میکند بعلت اینکه یك دوره ممتـد بحران ها ومحرو میت ها را دیده با اندازه خسته وکوفته میشود که بار زحمت کشی را قبول نمی کـند . سقوطوضع صحی‌اش‌واقعی‌است‌اماعلت آن فزیکی نه بلکه هیجانی اسـت پس نخستین نشان این بیمـاری خستگی کلی است بدون اینکه علت آن معلوم باشد .

۲- نشانه دوم آن اینست کـه بیمار اکثرادرخیال‌غرق‌میباشد ازین جهت مریض بکوائیف وحاد ثاتیکه دراطرافش جریان دارد وبا ن هـا اتفاقی ندارد .هرگاه شاگردی باین آسیب ومرض‌دو چارباشس بهدایاتی که معلم واستاد در صنف مید هـد توجه کرده نمیتواند .

واز هین سبب ممکن است بـرای شاگرد چانس خوبی نیفتند .

۳- نشانه سوم آنست که بیمار از لحاظ روابط اجتماعی گوشه گیرو تجرد پسند میشودهمیشه آ رز و میکند که تنها بدون دوست زندگی کند واز همین سبب است که ایـن نوع اشخاص در جمعیت تك وتنها می مانند هرگاه مادر دختری بسیار جبار وحاکم بوده‌ونگذارد دختر شس استقلال فکر ومزاج داشته باشـد احتمال قوی میرود که‌دختربآ سیب نور ستینا دچار گر دد .

معلومات برای جوانان

جلو گیری از چپه شدن‌های احتمالی



برای جلو گیری از اکسید نـت و چپه شدن های احتمالی موتر سکلیت ها، مخصوصابرای جوانانیکه‌عادت به‌تیزرانی دارند وکمتر تو جه‌درین قست می دارند بـا بکار بـر د ن دو پایه عـرابـه دار بـه دو طـر ف مـو تـر سکلیـت ونصب آن تا اندازه از چپه شد ن ومنحرف شدن‌موتر سکلیت‌جلوگیری بعمل آمده‌است. بکار بردن‌این‌نوع آلـه در مـو تـر سکلیت هـا جوانان را بیشتر تشویق نمـوده کـه بـاز هم با سـر عـت بیشتر برانند اگر چه با بکار بردن این وسیلهٔ تا اندازه از چپه شدن های احتمالی‌کاسته است ولی‌با آن هم احتیاط در راندن موتر سیکل و مدنظر داشتن مقررات ترا فیکـی وظیفه هر جوان است .از همیـن سبب است که برای تیز رانان موتر سیکل مقررات شدیدوضع شده‌است بهر حال این وسیله سبب شده که جوانان اروپایی باز هم با سرعت موتر سکلیت برانند وهر چه بیشتر بر سرعت خویش بیافزایند .غافل‌از اینکه ممکن است بالوجود نصب این وسیله بازهم خطرات برایشان وجود داشته باشد .

وجدان

- وجدان صدای خداوندی است.

(لارمارتین)

- عالم بی وجدان هیچگاه صاحب روح پاکی نخواهد بود .

(رابولد)

- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم به محکمه وجدان تسلیم نمائید .

- وجدان آیینه ای را ماند که نه تملق میگوید ونه تحقیر مینماید .

(فتیکو)

(واشنگتن)

- رضایت وجدان بالاترین مسرت هاست .

(ژول سیون)

- وجدان نماینده تقدس ، پاکدامنی عفت وقدرت است .

(الکسا ندردوما)

- وجدانت را مجبور مکن که نفهمید آنچه را که می بیند .

(پلوتارک)

- کسیکه در هر امر وجدان خود را تعبیت می نماید هیچگاه خسته نشده واز زندگی ملول واز روزگار متالم نیست .

(باکون)

سخنان کوتاه وآموزنده

- بی نیازتر از همه مردم کسی است که در بند آز نباشد .

- بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوردن خود خرج میکند .

- طمع کار از همه مردم فقیر تر است .

- قرض کمتر گیر تا آزاد باشی.

- لباس نو بپوش ونیك نـام بزی .

- توو آنچه داری متعلق به پدرت هست .

- صدقه که بخوشنا وند دهند پاداش مکرر دارد .

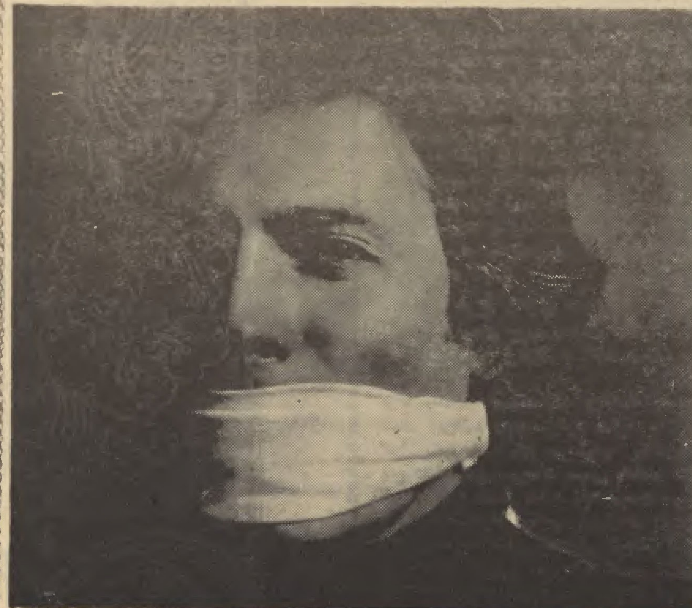
(فرستنده :نریمان ،ن)

جوانان

وازدواج های تحمیلی ،

صادقانه اعتراف میکنم که در زندگی خو شبخت نبوده ونیستم اگر چه برای یك مرد این سخن خوش آیند نبوده ولی میخوا هم با این مختصر تذکر برای پدرو مادر ها هوشدار بدهم که زندگی فرزندان شانرا تباه وبدبخت نکنند چقدر پابند ر سوم کهنه وفر سوده که ندر آن بوی از خو شبختی احسا س می شو د ونه بـرای زن و شـو هـر جوان سعادت ببار می آورد.

خلاصی نداریم . باید تاعمر داریم دهن خود را ببندیم و صدا بلند نکنیم ، چه مسخره است که انسان باوجود دانش امروزی بازهم در پی سخنانی باشد که اصلا خوشبختی وسعادت در آن سرا غ شده نمیتواند بلکه باعث صد ها بدبختی دیگر نیز میشود . زیرا همین پیوند های غیرعادلانه و دور از انصاف است که زندگی ها تباه



ولی با تمام این ها باید جوانان به این رسوم ، بسازند وخو شبختی خودرا فدای هوسهای پدران ومادران خود نمایند .

واگر زبان به گله وشکایت باز نمایند بدهن شان زده میشود و با گفتار وسر زنش های پی د ر پی صدا رادر حلقوم شان خفه میکنند.

شما بگو یددرعصر که بشر بهماه می رود ولی ما هنوز از گیر اینهمه خرافات ورسم ور واجها ی کهنه

میشوند بدون اینکه دیگران احساس مسولیت نمایند واصلا خود رازحمت دهند که احساس مسئولیت نمایند.

من بحیث یك جوان از تمام پدرو مادر های می خواهم که کمی درقسمت ازدواجهای فرزندان شان توجه نموده وبگذارند که خود آنها سر نوشت آینده خود را آنطور که خود شا ن میخواهند پیریزی نمایند وسعادتمند باشند .البته با در نظر داشت شرایط زندگی ومحیط خودش .

آیا میدانید؟

افغا نستان در ۱۹ نـومبـر ۱۹٤٦ـعضویت ساز مـان ملـل متحد را حـاصل نموده است .

ازنقطه نظر مناظر طبیعی در دنیا مملکتسویس درجه اول است .

از نقطه نظر سلسله کوه هـا و منـاظردر دنیا طبیعیافغا نستان بنام سویس ،آسیا یاد شده است .

از نقطه نظر هوتل های زياددر دنیاممملکتسویس درجه اول است .

از نقطه نظر آثار زیاد تاریخی در دنیاممملکتر ایطالیا درجه اول میباشد .

ارسالی سید احمد شاه «شامل»

در جستجوی

دوستان قلم

میخواهم با کسانیکه در بـاره موضو عاتمختلف اجتماعی معلومات وعلاقه داشته باشند مکا تبه نمایم .

آدرس : هرات ـمحمد نبی متعلم صنف نهم لیسه سلطان .

• • •

مایل هستم با برادران وخوا هرـ انیکه در قسمت جمع آوری تکت پوستی علاقه داشته باشند مکاتبه نمایم .

آدرس ـ لیسه عا یشه درا نی

• • •

آرزو دارم با آنانیکه در بـاره ادبیات دری افغا نستان مخصو صا ادبیات در قرن ۱۸ و ۱۹ معلومـات جمع آوری کنم لطفا به ایـن آدرس بنویسید .

لیسه نادریه ـعبدا لفرید متعلم صنف یازدهم .

• • •

میخوا هم در قسمت مو سیقی کلاسیك معلو مات داشته بـاشم کسانیکـه در ا یـن بـا ره میتوا ند معلو ما ت بد هنـد لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند .

کندز ـ احمد نظیر ـمتعلم صنف دوازده لیسه شیرخان .

• • •

خواهان مکاتبه با کسانیکه در باره آرت ومجسمه سازی علاقمند باشند .

آدرس ـصلاح الدین متطم صنف یازدهم لیسه صنایع کابل .

• • •

من علاقمند آواز مهوش وخلا لد هستم کسانیکه بامن هم عقیده اند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند .

محمد نادر از شهر نو هرات .





تهیه از: مریم محبوب

در گوش حرف نگوئید

معمولا بعضی ها در حضور دیگران درگوش همدیگر حرف میزنند این کار موجب ناراحتی دیگران میشود . چه‌آنها پیش‌خودمیگویند :

شاید این دو نفر میخواهند دربارهٔ ماصحبت کنند » وهمین قسم‌هزارفکروخیال‌دیگر می‌کنند وازاین کار آن‌ها بالاخره اصل‌مفهوم‌واقعی را یافته نمی تواننده ناراحت‌میشوند. دریك مجلس بد ترین تو هین که دخترهاممکن است بکنند این است که در گوش حرف بزنند و بیخود به خندند .

دخترها اینکار را معمولا از بزرگتر هایادمیگیرند و خود گناهی ندارند .

وظیفه بزرگهاست که درکار های خوددقت کنند زیرا دختر ها درسنین خوردی اماده پذیرش هرگونه بر خورد ها اندهستند .

دخترها اگرشما دیدید بزرگتر ها درگوش‌باهم حرف میزنند باکمال ادب‌به آنهایادآوری کنید که این کار خوب نیست وتا موجب‌نشود دختر هم در گوش یکدیگر حرف‌بزنند و اسباب ناراحتی دیگران رافراهم کنند .

فریده «س.عادت»

تهیه وتنظیم از: سیده «شامل»

نقش تخم‌مرغ‌درزیبائی

باتخم‌مرغ لطافت پوست‌ودوام موی خودرادوچندان کنید

تخم مرغ و پوست صور ت :

تخم مرغ معدن کوچکی از مواد مفید وضروری است بیضهٔ‌تخم مرغ ازپروتین‌خالص درست شده وباعث بسته شدن وازبین رفتن منفذ میشودوهمینطورکمك‌میکند که‌خون‌بیشتری به‌سلول ها بدهد.

شیوه عمل باین ترتیب است :

باید سفیدی تخم مرغ رااز زرده‌جداکنیدآنرا تکان بدهد یاهمانطور بصورت مایع برای‌چند لحظه بگذارید . سپس باانگشت یا مقداری پنبه روی‌صورت‌وگردن خود بمالیدفقط‌مواظب باشید که‌زیر چشم مالیده نشود .آنگاه ۱۰-۱۵ دقیقه تامل کنید وبعدصورت‌راباآب گرم‌بشوئید مایعی که‌داخل پوست تخم‌مرغ است بهترین ماده‌برای ازبین‌بردن‌چروك های زیرچشم‌است انگشت خودرا داخل پوست تخم مرغ به‌آرامی بگردانید وسپس آن‌رابزیر چشم خودبمالید. بعد ازچند دقیقه که‌خشك شدآنرا بشوئید.

درمورد زرده تخم‌مرغ باید گفت :

زرده تخم‌مرغ بهترین ماده‌برای نرم کردن پوست صورت است.برای این منظور چندقطره روغن بادام رابا زرده یك‌تخم‌مرغ مخلوط کنید وروی صورت بمالید .بعداز اینکه خشك‌شد آنرا بوسیله یك‌تکه‌پنبه که‌درآب‌ترشده‌ازروی صورت پاك کنید .

تخم مرغ وموی سر :

اگر ازموهای چرب ناراحت هستید بهترین راه برای‌از بین بردن‌آن استفاده ازسفیده تخم مرغ است .

موها رابه‌چند قسمت کند وبه‌کمك یك‌برس دندان این‌مایع رابه سرخود بمالید بعدازاینکه کاملا بتمام قسمتهای سرمالیدید بگذارید تا پنج دقیقه روی سربماند سپس بامقدار آب‌گرم خوب موهارا ماساژ بدهید تابه پوست سرجذب شود .آنگاه موهارا خوب بشوئیددر دفعات‌بعد میتوانید ازهمان‌شامپوی‌معمولی خودتان استفاده کنید بعداز شتن‌موی سر بااین شامپو لازم‌است مورا خیلی خوب باآب‌گرم‌نه خیلی‌داغ آب کشی کنید از این شامپو باید گاهگاهی‌استفاده‌کنید زیرا اگر بطورمرتب مورد استفاده قراردهید باعث سست شدن موی سر میشود .

درمو فرپیچیدن مونیز می‌توانید ازتخم‌مرغ استفاده کنید باین ترتیب که‌سفیده تخم‌مرغ‌را به‌آب تناسب دوبرابر مخلوط کنید .

اگر قسمت ازمورا که میخواهید بپیچید کمی ازاین مایع به‌آن بزنید وقتی‌موها کاملا خشك شد آنرابرس بزنید درآخر اگر هنوز مقداری‌از آن مایع‌باقی مانده باشد می‌توانید دردفعه بعدی که‌سر خودرامیشوید روی‌سر بریزید وبعداز آن موهارا آب‌کشی کنید.

بعداز حمام خواهید دید که دارای‌موهای‌براق وتمیزی هستید .

یکی‌ازسر شناسترین وبهترین دکترهاعقیده دارد که تخم مرغ ازکاملترین غذاها است‌زیرا تخم‌مرغ دارای پروتین که‌سازنده بدن‌است‌و آهن ویتامین های «آ» «ب»(س) برای‌سلامت بدن وکلسیم(برای‌استخوانها واعصاب)است خوشبختانه مقدار کالری تخم مرغ کم‌است‌بنا براین به‌خوبی قابل تحمل‌است ومیتوان درهر رژیمی ازآن استفاده کرد .

اگر می‌خواهیددرظرف سه‌روز تاحدقابل‌توجهی ازوزن خودبکاهید این دستور راانجام دهید:

دوتخم ودو پیمانه شیر را(که‌درحدود ذوپاؤ است) با اضافه آب دو لیمو بزرگ‌ویك‌قاشق مرباخوری روغن زیتون واگر دوست داریدکمی شکر باهم مخلوط کنید . اینها که‌درحدودنیم گیلاس شود میتوانید جایگزین غذائی روزشما باشد .گاهی اوقات برای‌سرعت بیشتر میتوانید آب‌یکی از میوه جات خاندان لیمو رابایك تخم مرغ ویك قاشق مربا خوری عسل‌مخلوط کنید و بخورید توجه داشته باشید که کلسترول تخم مرغ زیاد است بنابرین اگر کلسترول بدنتان زیاد است یافشار خون شما بالاست بایدقبل ازاستفاده‌از رژیم تخم مرغ بادکتر خود مشورت کنید.

اما اگر دارای بدنی نورمال هستید ازتخم‌مرغ استفاده‌کنیدچون بهترین وسالمترین‌وکاملترین غذ است .

ویتامین‌ها

بعضی ازخوانندگان‌عزیز ژوندون ازما خواسته اند که درباره ویتامین ها معلومات داده وضمنا متذکر شده اند که کدام‌ویتامین هادر کدام میوه جات وسبزی جات بیشتر یافت میشود. ماهم برای اینکه خواسته این عده خوانند گان را باسیستم که از همین شماره‌درباره ویتا مین هاگرفته‌شده معلومات خواهیم داد ودرهر شماره یك یك ازویتامین هارا معرفی خواهیم کرد.

۱- ویتامین ا ی .

این ویتامین عموما درسبز یجات مانند زردك ،پالك ،ملی‌سرخك ودر میوه جات مانند مالته ،سنتره وغیره یافت شده همچنین درجگر گوسفند روغن ماهی وزده تخم مرغ به‌کثرت دیده میشود البته مقدار موجودیت آنها متفاوت اند.

کمبود این ویتامین دربدن ابتداء موجب کندی رشد و نمو گردیده وسپس انسان تدریجا لاغر میشود .

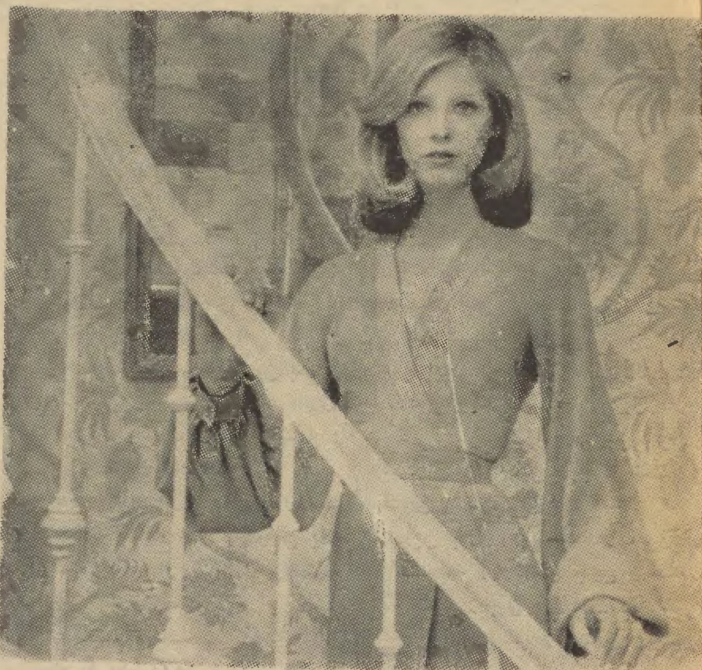
علایم کمبود ویتامین ای در وجود انسان درچشم پیداشد ودرزمینه چشم خشك‌شده‌و بالاخره بکوری منتهی میگردد.

ژوندون

پول، پول، پول ۰۰ چرا اینقدر پول میگوید.

مگر پول خوشبختی بار میاورد..؟

در همسایگی ما فامیل زندگی میکند که از نظر مادی وثروت، پولدار ترین فامیل منطقه محسوب میشوند در این فامیل دختر جوانی وجود دارد که تنها به مادیات فکر کرده وبی حد تجمل پرست است باآنکه خودش ماهانه پول گزافی بدست می آورد ولی بازهم به پول پدر احتیاج پیدا میکنددر این او آخر آرزوی دیگری بدل پرورانیده است وی میخواهد موتری داشته باشد. چند روز قبل برایش خواستگاری آمد. قرار معلوم پسری که از او خواستگاری کرده به نهایت درجه علاقمند او بوده و سخت اورا دوست دارد اما متاسفانه پسرجوان غریب است، غریبی که توانسته باناملایمات زندگی دست وپنجه نرم کند.



پدر ومادر دختر اول موافقه نمیکردند و میگفتند، باید برای دختر ما جوانی طلبگار شود که لااقل یك خانه مجهز دریکی از کارته های معرف شهر داشته وضمنا موتری هم داشته باشد. جوان متحیر وبلاتکلیف بودنمی دانست چه کند بالاخره بامداخله دوستان پدر ومادر دختر موافقه کرد ند اما حالا که نامزد شده اند دختر خودش اسرار میکند که باید پسر خواسته های اورا برآورده سازد. وازاین قبیل سخن ها برای فامیل پسر زیاد گفته استو ...

خوب من نمی دانم که پول انسان را خوشبخت میکند ویا محبت ودوستی ،صفاو صمیمیت، عشق به یکدیگر واحترام متقابل... نمی دانم چرا این عده مردم تنها به پول وثروت فکر میکنند ومصارف اضافی که در آینده نزدیك احتمال دارد هرگونه مشکلات را بوجود بیاورد. قبول میکنند.

در پایان آرزو مندم اداره محترم ژوندون در صفحه زنانه ودختران مطالبی پیرامون این پرابلم جوان کشور به چاپ رسانیده تا به مطالعه آن فامیل ها که خوشبختی اطفال شانرا تنها به ثروت مربوط میدانند توجه شده وبکو شند که مصارف گزاف را بالای جوانان چه پسر با شد ویا دختر نه قبولانند .

م، انور

پاسخ ها به نامه ها

خواهر عزیز نوریه ف :

نامه شما را که حاوی مشکلات زناشوئی تان بود گرفتیم متاسفانه با ید عرض کنیم که این گونه مشکلات دراکثر فامیل ها دیده شده ودیده میشود برای رفع این مشکل باید گفته شود که اگر شما بتوانید از پول پس انداز خود استفاده کنید شاید بهتر بتواند برای تان کمك کند .

به امید موفقیت تان

* * *

برادر عزیز آقای سید احمد شاه شامل:

نامه های پراز لطف ومرحمت شما مسلسل بما میر سد. البته بعضی از این نامه ها دارای مطالب جالب وخوبی است طوریکه می بینید یکی از مطالب فرستاده شمارادرشماره گذشته به نشر سپرده ایم ماهمیشه چشم براه همکاری شما دوستان خوب می باشیم موفق باشید.

* * *

برادر عزیز ف ...ن .

نامه تانرا گرفتیم از حسن نظر تان در مورد مطالب صفحه تشکر در مورد مشکل تان باید گفته شود که اگر امکان داشته باشد مشکلات زندگی تانرا با پدر دختر در میان بگذارید شاید مورد قبول او قرار گیرد.

الله یارتان

* * *

خواهر عزیز سیلا ..ی

اگر بگو یم که چندین مرتبه از مطالب ارسالی شما در صفحه به چاپ رسیده شاید باور نکنید بانهم ما مضامین شمارا می گیریم تشکر.

* * *

همکار عزیز نسیمه .. از شاه شهید.

مضامین ارسالی تانرا گرفتیم البته مطابق نوبت حتما به چاپ میرسد.

با عرض حرمت



از: محمد شریف عمری

احتیاج کودك به همبازی

جهت رشد وتکامل شخصیت بهتر طفل نیاز به معاشرت دارد که این معاشرت تاثیرمستقیم درروحیه کودك داشته اما بعضی والدین بدون در نظر داشت این روش ازمعاشرت کودکانش با اطفال همسنش ممانعت مینمایند اکثراً از اطفال لجوج، شرمندوك ، انزوا طلب بار می آیند که نشانهٔ از اینگو نه تربیه ناسالم والدین میباشد که اثر آن حتی تا بزرگی در کرکتر وروبه وی باقی میماند .

باید دانست که اینگونه مادران در تربیت اطفال خود دچار اشتباه بزرگی شده اند وبیجهت طفل را از کودکان دیگردور نگداشته وازمعاشرت او با همسالانش جلوگیری کرده است زیراروانشناسان معتقدند که در پایان یك سالگی وجودیك همبازی دررشد ونموی معنوی کودك اثرفراوان دارد نباید طفل راتنها وباامیدخودواگذراند بدون اینکه توجهی باونمایند نبایدکودك را از برخورد های اجتماعی ومحبت آمیزدورنگداشت اینگونه کودکان که یکه و تنهاوباامید خودرها میشوند رشد نغزی شان به کندی وآرامی انجام میگیرد کودك در برخوردبا کودکان دیگرودر اجتماع اطفال خود را آزاد وبدون مانع حس میکندودر تمام فعالیت هازدو خوردها وفریادها وتمام احساسات وهیجانات دیگران بامیل ورغبت شرکت میکند اغلب اینگونه اطفال دارای رویه بشاش ،خندان میباشد .

والدین نباید کدام مانع را در بین راه برای اطفال خود خلق کند بلکه ویرا در بن حصه با روشهای مناسب تشویق وترغیب نمایند.



ورزش

هفتمین مسابقات آسیایی خاتمه یافت

همفتمین مسابقات آسیایی بـــه‌تاریخ نهم سنبله‌به اشتراك ورزش‌کاران ۲۵ کشور آسیایی در تهران‌دایر شده بود شب ۲۵ سنبله بـــا مراسم آتش بازی وروشن کـــردن‌مشعل ها خاتمه یافت .

درین مسابقات سه‌هزار ورزشکاراز کشور های آسیایی در شقو ق مختلف ورزش به مسابقه پرداختند. درین مسابقات ورزشکارا نجاپانی مدالهای بیشتر طلا نقره وبرونز به‌دست آورده وحایز درجه اول شده‌اند .

در مسابقات آسیایی ایران دوم‌وجمهوریت مردم چین سوم شـــد ه است .

در جریان مسابقات آسیایی تیم‌فوتبال اسرائیل ازفدرا سیون فتبال خارج شده است .

ورزشکاران جمهو ریت مردم چین‌برای اولین بار در مسابقات آسیایی اشتراك کرده بودند .

برای تدویر مسابقات آسیا یـــی‌اضافه از دو صد ملیون دالر مصرف شده است.

نتایج مدالهای هفتمین مسابقا ت‌آسیایی که روز ۲۵ سنبله در تهران خاتمه یافت چنین اطلاع داده شده‌است .

مملکت	طلا	نقره	برونز
افغا نستان	۰	۰	۱
جاپان	۷۵	۵۰	۵۱
ایران	۳۶	۲۸	۱۷
جمهوریت مردم‌چین	۳۳	٤۵	۲۸
جمهوریت کوریا	۱٦	۲٦	۱۵
جمهوریت‌دیموکراتیك کوریا	۱۵	۱٤	۱۷
هند	٤	۱۲	۱۲
تایلند	٤	۲	۲
اندو نیزیا	۳	٤	٤
پا کستان	۲	۰	۹
سریلا نکا	۲	۰	۰
بر ما	۱	۲	۳
عراق	۱	۰	۵
فلیپین	۰	۲	۱۲
مالیز یا	۰	۱	٤
کـــویـــت	۰	۱	۰

هیأت‌ورزشکاران‌افغانی از تهران بکابل باز گشت

هیات ورزشکاران افغانـــی بعد از اشتراك در هفتمین بازی‌های آسیایی منعقده تهران بعد از ظهر روز ۲۷ سنبله بکابل مواصلت کرد .

بناغلی عبدا لوحید اعتمادی سر پرست ریاست المپیك که ریاســـت ورزشکاران افغانی را در بازی های آسیایی بعهده داشت‌هنگام مواصلت به میدان بین المللی هوایی کابل از مهمان نوازی مقامات ایرانی اظهـــار امتنان نموده گفت در هفتمین باز ی های آسیایی که بتاریخ دهم سنبله دایر گردیده بیست وشش کشـــو ر آسیایی اشتراك داشتند .

وی گفت نتایج بازی های ورزش‌کاران مادر رشته های پهلوانی بـــه سیستم گریکور ومن وآزاد واتلتیك خفیفه قرار آتی است .

در کلاس پنجاه ودو کیلو گرام سیستم گریکو رومن بناغلی محمـــد اسلم حایز درجه سوم و مستحـــق نشان برونز شناخته‌شد درین‌گروپ پهلوانان هشت کشور آسیایی سهم داشتند .

در کلاس شصت وهشت کیـــلو گرام به سیستم گریکو رومن که‌بین پهلوانان ۹ کشور صورت گرفـــت بناغلی جان آقاپهلوان افغانی حایز درجه چارم‌و مستحق‌دیپلویم شناخته شد .

همچنان بناغلی غلام سخی‌در بین پهلوانان ۹ کشور به سیستم آزاددر وزن هفتادو چار کیلوگرام حایزدرجه چارم ومستحق دیپلوم شناخته شد.

بناغلی جان آقا در کلاس شصت و هشت کیلو گرام سیستم آزاد در میان پـــهلوا نان ده کشور حایز درجه پنجم ومستحق مدال گردید .

بناغلی شجاع الـــد یـــن در کلاس هشتاد دوکیلو گرام در بین‌پهلوانان هشت کشور حایز درجـــه ششم و مستحق دیپلوم شناخته شد .

درین بازی عبدا لستار معرو ف به ملامحمد در کلاس چهل و هشت کیلو گرام‌در بین پهلوانان ده کشور حایز درجهٔ ششم ومستحق دیپلـــوم گردید .

در مسا بقات اتلتیك خفیفه دویدن های صد متر ودو صد متره وچارصد متر ریلی بنـــا غلی سیـــد اشرفو بنا غلی عبدالله به فاینل رسیدند .

همچنان در دویدن چارصد درصد ریی‌تیم اتلتیك افغانی حایز د رجه ششم گردید .

پهلوا ن اسلم

پهلوان اسلم در کلاس دوم بـــا گرفتن مدال برونز مقام ســـو م را در هفتمین بازی هاو آسیایی کما ی کرد .

رادیو افغا نستان در سرویس‌خبر های پښتو ودری‌شام ۲۰ سنبله‌خود پیروزی افتخار آمیز پهلوان اسلـــم را در کلاس دوم اعلام داشت کـــه موصوف با گرفتن مدال برونز بـــه حیث قهرمان سوم مسابقات آسیایی شناخته شد ،عین خبر موفقیت اسلم از طریق رادیو تهران پخش شد و به تعقیب آن سایر خبر گزاری های جهان این خبر رابه علاقمندان‌ورزش کشور های جهان رسانیدند پهلوان

بقیه در صفحهٔ ٦۲

تور نمنت خزانی دختران معارف آغاز شد



تور نمنت خزانی دختران معارف روز ۱۶ سنبله توسط بنا غلی داکتر صدیق معین اول وزارت معارف در حالیکه سرود ملی نواخته شددر لیسه ملالی افتتاح گردید .

در محفلی که بدین مناسبت درآن لیسه بر گزار گردیده بود بعضی از معلمین مکاتب نسوان ،علا قمندان سپورت واعضای تیم های مختلف سپورت دختران معارف اشتـــرا ك داشتند .

این تور نمنت تا ۲۵ سنبله دوام داشت وبعد از ماه مبارك رمضان ، مسا بقات دو باره ادامه پیدا میکند.

در شروع تور نمنت بین تیم های مکاتب نسوان درحالیکه بایو نیفورم های مخصوص سپورتی ملبس بودند. مسابقات دلچسب صور ت گر فتو مورد استقبال تما شا چیان وحضا ر قرار گرفت .

شطرنج بازی دراتحاد جماهیر شوروی

شطرنج بازی یکی از بازی دلچسپ ومورد علاقه همه مردمان جهان است درین بازی قوه دماغی وفکری انسا ن

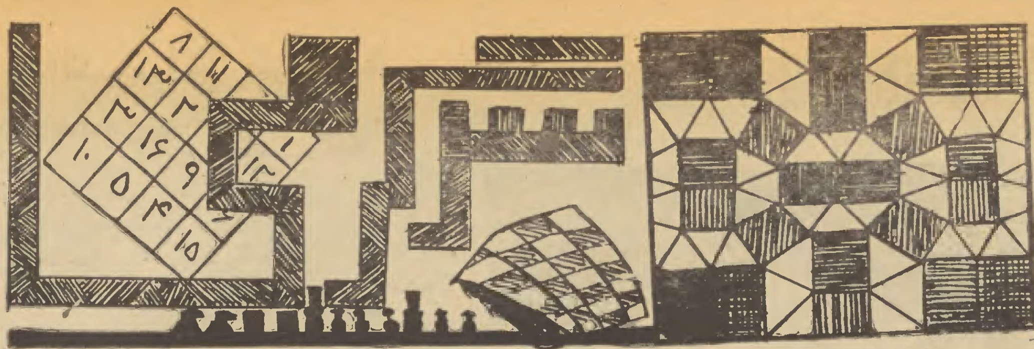
بکار می افتد بر علاوه تکتیك حربی وتعرض را میامو زاندکه طرف مقابل را مغلوب سازد شطرنج بـــازی در اتحاد شوروی بسیار عمو میت دارد چنانچه در بسیار کافی ها وهوتـــل ها واطراف واکناف شهر کلوپ های شطرنج بازی وجوددارد هم درمکاتب وانستیتوت ها وغیره جا ها تختـــه های شطرنج جهت بازی علاقه مندان موجود میباشد تقریـــبا بیشس ا ز چهار ملیون نفر درین بازی عضویت دارند که اکثر شانرا پرو فیسرانو معلمین وشاگرد هاو اشخاص مسن تشکیل میدهد شطرنج باز هـــا ی اتحاد جماهیر شوروی به چند یـــن مسابقه شطرنج بازی بین المللـــی اشتراك ورزیدند وقهرمان شنا خته شدند در سال ۱۹۵۲ پنج نـــفر از مرد ها وچهار نفر از زنان اتـــحاد جماهیر شوروی قهرمان شطر نـــج گردیده اند که اسما شان قرار ذیل است .

مخائیل بانوینك ،واسلی سمیلوف ومیخائل تال ،تکران ،باریس وزنان (بیکوه ، لودمیله اولگه ،نونه) نظر به علاقه مفرطیکه جوان‌ها وشاگردان در بازی شطرنج دارند در هفتـــه شطرنج مردمان نظربه عـــلاقه وذوق

زیاد که دارند از اطراف شهر برای تماشای این بازی میایند جوان هاـ ئیکه در خدمت عسکری میروند بعد از تعلیمات عسکری زیاد تر وقت‌خود را در شطرنج بازی سپری مینمایند واین بازی را وسیله آسایش خویش میدانند راجع‌به مسابقات بین المللی شطرنج بازی سال هـــای ۱۹۷۲ ـ ۱۹۷٤ در جراید اتحاد جما هیـــر شوروی نکات جالب را نگاشته اند استاد اینکه جهت‌رهنما ئی‌مسابقات شطرنج میباشد نکات علمی را برای طرفین می آموزاند در روز هـــا ی مسابقات نامه نگاران جهت تهیـــه اخبار به کلوپ های شطرج بـــازی میایند ونتیجه بازی را در روز نامه ها تحریر میدارند ودر استیشن های تلویزیون طرز بازی آنها را نمایش میدهند وتمام مردم تماشاه مینمایند بطور خلاصه از شرح تصاویر ذیل علاقه ودلچسپی مردان‌وزنان واطفال اتحاد جماهیری را مشاهده خواهید کرد.







جدول جغرافیائی

درین جدول اسم نه موضع جغرافیایی مربوط به کشور عزیز ما که دو حرف (ان) در همهٔ آنها وجود دارد آمده است وما برای اینکه تشخیص آنها آسانتر شود یك یادو حرف دیگر از حروف نام آنها را نیز در جای خود آن آورده ایم تاشما با استفاده از اطلاعات جغرافیایی خود اسم هر کدام را پیدا کرده بفرستید. البته در صورتیکه نتوانستید باید تا هفته آینده که جواب صحیح آنرا در همین صفحه میخوانید صبر کنید

X	X	X	X	ن	ا			م		۱
X	ر			ن	ا		ی		X	۲
		ح		ن	ا	X	X	X	X	۳
X	X	X	X	ن	ا		س			۴
X	X	X	X	ن	ا				ب	۵
X	X	X	ه	ن	ا		ر			۶
ب				ن	ا	X	X	X	X	۷
X	X	X	X	ن	ا		ر			۸
X	X	X	X	ن	ا			خ		۹

طرح کننده : مونسه بشیر

۱ــ از ولایات سمت شمال .

۲ــ مرکز ولایت وردك ومیدان .

۳ــ از شهر های معروف شمال کشور که قالینهای نفیسش شهرت جهانی دارد .

۴ــ نام عمومی منطقه ایست که دو ولایت نیمروز وفراه رادر قدیم به آن نام هم یاد میکردند .

۵ــ همه ساله عده کثیری سیاح داخلی وخارجی از آثار تاریخی این ولایت دیدن میکنند .

۶ــ کوتل مشهور یست درشمال شهر کابل که در دامنهٔ آن شهری بهمان نام آباد شده است .

۷ــ از ولسوالی های ولایت بغلان .

۸ــ مرکز ولایت جوز جان .

۹ــ مرکز ولایت غور .

یك سرگرمی آموزنده

ازدوخطایك صواب

ریاضی دانهای قدیم ،برای حل بعضی از مسائل حسابی ،قاعده‌ای را بکار میبردند که به حساب خطائین مشهور بود وبا پیشرفت ریاضیات بخصوص «الجبر» که توسط آن بسیاری از مسایل دشوار را می توان حل کرد، حساب خطائین بتدریج متروك شد تا آنجا که امروز از آن جز در کتابهای قدیمی ،اثری دیده نمیشود .

وما آنرا بعنوان سرگرمی دراینجا می‌آوریم .

اساس حساب خطائین ،برد وخطا نهاده شده بود ،یعنی وقتی که مساله طرح میشد ،کسی که از او سوال شده بود ،عدد دلخواهی رادر نظر میگرفت ومطابق جزئیات مساله عملیات حسابی را انجام میداد ،در آخر کار اگر نتیجه صحیح بدست می آمد ،کار تمام بود واگر نتیجه غلط می بود ،دو باره عدد دلخواه دیگری را در نظر میگرفت وباز به عملیات حسابی میپرداخت ،اگر این هم نتیجه اش غلط ظاهر میشد به کمك قاعده حساب خطائین ،ازدوخطائی که رخداده بود ،می توانست جواب صحیح را استخراج کند که البته ازدو خطایك صحیح را بدست آوردن ،بذات خود کار جالبی است بد نیست که شما هم حساب خطائین را بدانید وبه کمك آن بعضی از مسایل حسابی را حل کنید هرچه باشد، دانستن از ندانستن بهتر است.

البته میدانید که در هر مساله حسابی هدف اصلی یافتن عدد یست که برای ما مجهول است .پس وقتی که مساله‌ای طرح میشود .شما ابتدا عدد دلخواهی را بجای عدد مجهول فرض کنید واسم آنرا «مفروض اول» بگذارید سپس مطابق سوالی که شده است عملیات راادامه دهید ، در پایان کار ببینید که تفاوت نتیجه‌ای که بدست می آید با نتیجه ای که باید بدست آید چه اندازه است وآیا نتیجه غلطی که بدست آمده بیشتر از نتیجه مطلوبست یا کمتر ؟ این تفاوت را اگر زیاد تر باشد «خطای زاید» واگر کمتر باشد «خطای ناقص» نام بدهید و یاد داشت کنید .سپس عدد دلخواه دیگری در نظر بگیرید واسم آنرا «مفروض دوم» بگذارید وبه عملیات ادامه دهید وباز تفاوت نتیجه را اندازه گیری کنید وخطای زاید یاناقص آنرا معلوم کرده یاد داشت نمایید ،خطائی که در عملیات اول ظاهر شده خواه زاید باشد یاناقص «خطای اول» نامیده میشود وخطائی که بار دوم ظاهر شده چه زاید وچه ناقص ،«خطای دوم» نامیده میشود .آنگاه مفروض اول را در خطای دوم ضرب کنید وحاصل آنرا یاد داشت کنید ،این حاصل «محفوظ اول »نام دارد ،بعد از آن مفروض دوم را درخطای اول ضرب وحاصل ضرب را که «محفوظ دوم» نامیده میشود .یادداشت کنید .اگر هر دو خطائی که ظاهر شده است .

درزیرذره‌بین

زاویه ای راکه مساوی ۱۴ درجه است در زیر ذره‌بینی که‌اشیارا ۲۰ مرتبه بزرگتر نشان میدهد، میگذاریم ،زاویهٔ مذکور چند درجه به نظر خواهد رسید ؟

جواب صحیح آن در هفته آینده منتشر میشود .

آیا این مورخ نامی را می شناسید؟

۱- در هرات متولد شده است .
۲- با تیمور وشاهرخ معاصــــر بوده است .
۳- بزبا نهای ترکی جغتایی وعربی آشنایی داشته است .
٤- تاریخی بنام مجمع التواریخ در چهار جلد نوشته است .
٥- در سال ۸۳٤ وفات یافتــــه است .
٦- نام پدرش لطف الله بــــوده است .

در صورتیکه از روی نشانی ها ی فوق هویت او را تشخیص نمودید ، لطفا به اداره مجله ژوندون ، شعبه سر گرمی اطلاع دهید وگرنه تاهفته آینده که جواب صحیح نشر میشود منتظر باشید .

یك سوال حسابی

میدانید که عدد ۲٤ را با ۳ رقم مشابه ۲٤ = ۸+۸ + ۸ می توان نمایش داد آیا می توانید با استفاده از علامات چهار عمل اصلی حساب همین عدد را بوسیلهٔ سه رقم مشابه دیگر نمایش دهید .

بقیه حساب خط ائین. ..

زایدیا هردو ناقص باشد ، تفاوت محفوظ اول ومحفوظ دوم را بر تفاوت خطای اول وخطای دوم تقسیم کنید، خارج قسمت همان عددی است کــه مجهول بوده ومطلوب میباشد .

اما اگر از دو خطا یکی زایــد و دیگری ناقص باشد ، مجموع محفوظ اول ومحفوظ دوم را بر مجموع خطای اول وخطای دوم تقسیم کنید، خارج قسمت عددی خواهد بود کــه درجستجوی آن میبا شد .

جواب پرسشهای هفتهٔ گذشته :

جواب مساله ای از هندسه

هر دو مثلث قائم الزاویه مــــی باشند به دلیل اینکه در هندسه ثابت شده که هر مربعی که روی وتر مثلث قائم الزاویه ساخته شود ، با مجموع مربعها یی که روی دو ضلع مجاوربه زاویه قائمه ساخته میشود ، برابر است وبنا براین :هر مثلثی که مربع يك ضلع آن مساوی به مجموع مربع های دو ضلع دیگرش باشــــد ، آن مثلث قائم الزاویه است و دو مثلثی که در هفتهٔ گذشته از آنها یاد شد، هر دو بااین قضیه تطبیق میشود .

جواب معمای منظوم

جلال است ، اگر بر عدد جیم که سه است عدد يك که نماینده الف می باشد بیفزاییم ، عدد چهار بد ست می آید که معادل دال میباشد و بقیه این نام هم (لال) است .

جواب اعداد نا معلوم

جواب مساله ضرب که بعضی از اعداد آن نامعلوم بوددراین کلیشه بیان شده است .

۴۱۵
۳۸۲
۸۳۰
۳۳۲۰
۱۲۴۵
۱۵۸۵۳۰

جواب سوال حسابی

حل این را بشنو از من ســــوصدق ویقین
ایکه هستی در میان اهـــل دانش یاد کــار
گو شواری را که وصف آن بیان فرمود ، ای
قیمت ووزنش تما می با تو گویم گــوش دار
هست وزن لعل ثلث وثمن متقالی تمام
درکم و بیشش نباشد هیچکس را اختیار
هست وزنش این چنین وقیمتش گویم بتو
چارده کم ربع دینار است نزد هو شیا ر
هست مروارید دانگ و ثمن متقالی ولی
قیمت آن پنج دینار است ربعی زر بیا ر
وزن زرربعی زدینار است نه بیش ونه کم
قیمت آن هست يك دینار زر با عیــار

جواب مسابقه د قت

نقشه ای که با حرف «بی» نشانی شده است نقشه افتاده خــــانه است .

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ی	ر	ا	د	ی	ب	■	ن	ی	ل	س	ا	و	۱
و	■	ش	■	ه	ن	ا	ی	ر	ا	ت	■	ی	۲
ن	م	■	ه	■	د	■	ر	■	ز	■	م	س	۳
ا	و	ن	ا	ن	■	ر	■	ی	ر	و	ن	ا	۴
ن	■	ا	■	ک	ا	و	س	م	■	خ	■	ک	۵
■	ی	د	■	■	م	ز	ر	■	■	ی	س	■	۶
ب	ا	ر	ح	م	■	ه	■	ی	ن	م	ر	ج	۷
ی	ر	■	ب	■	ش	■	ع	■	م	■	خ	ا	۸
ر	■	ت	ی	ر	و	ه	م	ج	■	ت	■	م	۹
ه	ز	و	ب	ر	خ	■	و	ک	س	ن	و	ی	۱۰

حل جدول کلمات متقاطع

حل جدول اطلاعات عمو می

مترجم :دیپلوم انجنیر سروری

ساختن طیاره هوائی کیهانی یك اقدام حتمی است ۰ در آینده نزدیکی ماشاهد اولین پرواز طیاره هوائی کیهانی خواهیم بود

جریان نفوذ علم وتخنیك کیها نی وهوائی در یك سال دیگر ازسابق به اینطرف شروع گردیده است .ودر روز های اخیر این اقدام بصورت سریع تر جریان پیدا کرده است . اگر ده سال قبل مشکل بود که راجع به ترتیبات ووسایطی که دارای جنسیت های عالی بوده واز آن در طیارا ت وکشتی های کیهانی استفاده مـــی نمودند بحث کنند ،پس فعلا اوضاع تغییر خورده است .

کیهان نوردی آینده تا اندازه زیاد مربوط به دستگاه های مدار طو یل- المدت ولابرا توار های گونا گون می باشد .دانشمندان اتحاد شورد وی ساختن این دستگاه های کیهانی را مانند راه عمده بشریت به فضـــا کیهانی مطالعه می نمایند .

تجارب ساختن واستعمال اولین دستگاه های مداری سالوت وسکـــای لاب نشان داده است که فضا نـــوردی عصری این قسم وظیفه را به عهده گرفته است مگر خود دستگاه هافقط یك قسمت سیستم کیهانی راتشکیل میدهد .برای استعمال آنها ،تبدیل عمله کشتی های کیهانی ،رساندن ذخایر مورد ضرورت مواد خورا کی ومواد سوخت برای انجن ها کشتی های ترانسپورتی که پرواز هـــای منظم را بخط السیر زمین ،مدار زمین انجام بدهند ضروری است .

لیکن این دوره سیستم های کیهانی تاحالا ضعیف مانده است .وسا یط ترانسپورتی راکت های کیهانی نمی توانند فعالیت دوا مداری را برای چندین فضانورد فعلا تامین بدارنـــد آنها مقا یستا بسیار قیمت بوده و قابلیت باد آنها کافی نبوده وزما ن زیادی را برای حاضر شدن پرتاب لازمی است .

تمام دستگاه های کیها نـــی «پیلوت دار وبیپیلوت» به فضا ذریعه راکت های انتقال دهنده که فقـــط یك مرتبه از آن استفاده میشود برده میشوند .کشتی های کیهانی مغلق همچنان فقط برای یك پرواز تخصیص داده شده است .این موضوع عبارت ازا بزرگترین نقص تخنیك موجوده کیهانی است .

برای مثال راکت انتقال دهنـــده امریکائی «سا تورن-٥» که پر واز کشتی های کیـــهانی «اپولو رابـــه» مهتاب تلامین نموده است مطالعه می کنیم این راکت انتقال دهنده دارای ارتفاع زیادتراز ۱۰۰متروووزن زیادتر از ۳هزار تن فقط چند دقیقه بعد از پرتاب فعالیت خود راقطع نمود .در حالیکه هر یك ازین راکت ها دارای قیمت ۲۸۰۰ ملیون دالر میبا شد.

ده ـروازه روز بعد از پرتاب از سیستم های مغلق وپیچیده ساتورن اپولو فقط یك چیز سوخته دراتمو- سفیر باقی مانده و برای استفاده آینده کپسول فرود آورده شده به زمیـــن کـــه فضا نوردان را به زمین انتقال مید هد کدام امیـــدی موجود نمی باشد .بدین صورت تمام راکت های پرتاب شده کیهانی ،بلاك های کشتی های کیهانی واقمار مصنو عی پرتاب شده عیـــــن سر نوشت را سپری میکنند .

یك دفعه قابل استفاده بودن تخنیك کیهانی یك مانع بزرگی رادر پیشرفت آینده فضا نوردی وتحقیقات کیهانی بوجود آورده است .در روز های اول وقتیکه پرتاب دستگا های کیهانی کم بوده وتحقیقات دریك ساحه وسیعی صورت نمی گرفت می توانستیم با این امر قناعت کنیم مگر د ر واقع امر نمی توان ما این قسم عقایدموافق بود. متخصصین کیهانی رفع ا ین مشکلات را در تهیه کشتی هـــای ترانسپورتی کیهانی جدید پیش بینی نموده‌اند در مطبو عات خارجی طرح های مختلف این قسم کشتی ها به نشر رسیده است .لیکن ایـــن را باید خاطر نشان بسازیم که تمام این کشتی های کیهانی نظر به مفکوره دانشمندان وطراحین یك سان بوده

وتمام آنها باید بتوانند در اتموسفیر پرواز نموده ، بمدار نزدیك زمین داخل گردیده برای مدت زیادی درین مدار باقی مانده ، بعد از آن مانند طیاره نشست خویش را در میدان هوائی انجام بدازد. وچیزی که درینجا بسیار مهم است، اینست که باید عناصر زیاد سیستم ها برای استفاده ثانی باقی بماندقسم دستگاه رابا اساسات کامل می توان دستگاه هوائی - کیهانی ویا طیاره مداری نامید.

در تجسس ویا پالیدن شمه‌های کشتی های ترا نسپورتی جدید ، مفکوره های علمی و تخنیکی راه دوام دارومغلق راطی کرده است شمه آیدالی که بتواند تمام مقتضیات این قسم دستگاه را جواب بدهد عبارت از شمه دو مرحله ئی است که باید مرحله های مذکور بصورت فولاد ی بسته شوند .هر دو مرحله قابل باز گشت .پیلوت دار بوده ، دارای بالها بوده ، پرتاب ونشست آن از میدان های هوائی باید صورت بگیرد .این قسم کشتی به شکل دو طیاره آماده میشود درزیر طیاره بزرگ ودربالای آن طیاره کوچك قرار می گیرد .طیاره بزرگ از میدان هوائی پرواز نموده ووقتیکه سرعت طیاره بزرگ باندازه لازمی می رسد. طیاره کوچك از آن جدا شده وبکمك انجن های خود به مدار لازمه داخل میگردد .وطیارهاولی درعین فرمان به‌میدان‌هوائی‌مراجعت مینماید .طیاره‌مداری«طیاره کوچك» وظایف خود را در مدار حل نموده،از مدار لازمه خارج گردیده وهمچنا ن نشست را در میدان هوائی انجام میدهد .

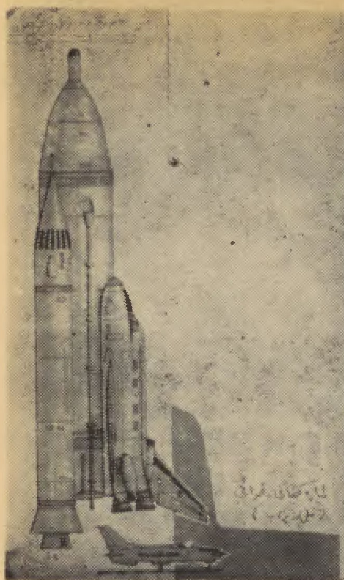
پرتاب افقی ویا پرتاب طیاره و ی برای کشتی‌های کیهانی‌چندین مرتبه ئی بسیار مناسب می باشد اگر چه در پرتاب راکتی بار مفید زیاد تر انتقال داده میشود .

پرتاب افقی امکانات آنرا تهیه می نماید که مانور جنا حی را در داخل ساختن کشتی به مدار اجرا کرده ومرحلهٔ دومی رابدون‌محدودیت زاویه جنبی (آزیموتی) در وقت ول حوزه فعال سازد .واز ینجا چنین نتیجه‌می گریم که‌سیستم ترانسپورتی با پرتاب افقی دارای قابلیت مانو ر زیادتر است لیکن این را هم باید خاطر نشان بسازیم که عملی وتهیه کردن این قسم طرح ها در سویه موجوده علم وتخنیك بسیار مشکل میباشد .این طرح ازازمان ما تقد یم بوده .بسیار گران قیت بوده .بسیار مغلق بوده ویك عده‌پرابلم غیرقابل حل در آن طرح ها شامل میباشد .

در سویه موجوده پیشرفت علم و تخنیك از طرف متخصضین خارجی کیهانی طرح‌جدیدی قبول‌شده‌است. درین طرح ساختن مرحله اولی بی پیلوت که‌برای استفاده‌چندین مرتبه ئی مناسب باشد وهمچنان مرحله دومی پیلوت داربه شکل طیار ه شامل میباشد .

گذشت از شمه ایدآلی از همه اولتر مفهوم آن را میدهد که بایدبه پرتاب عمودی راکت ها مراجعه کرده ودر اثنای پرواز بعضی عنا صر سیستم ها رااز دست داد. این رابه خاطر بیاورید که‌تمام کشتی‌کیهانی ویا تمام‌راکت‌انتقال‌دهنده را ازدست نمی دهندبلکه تاالحال بعضی عناصر را از دست داده اند .

در ایالات متحده امریکا فعلاکشتی کیهانی‌ترا نسپورتی تحت نام(شاتل چیلنوك)تهیه می گردد .این کشتی



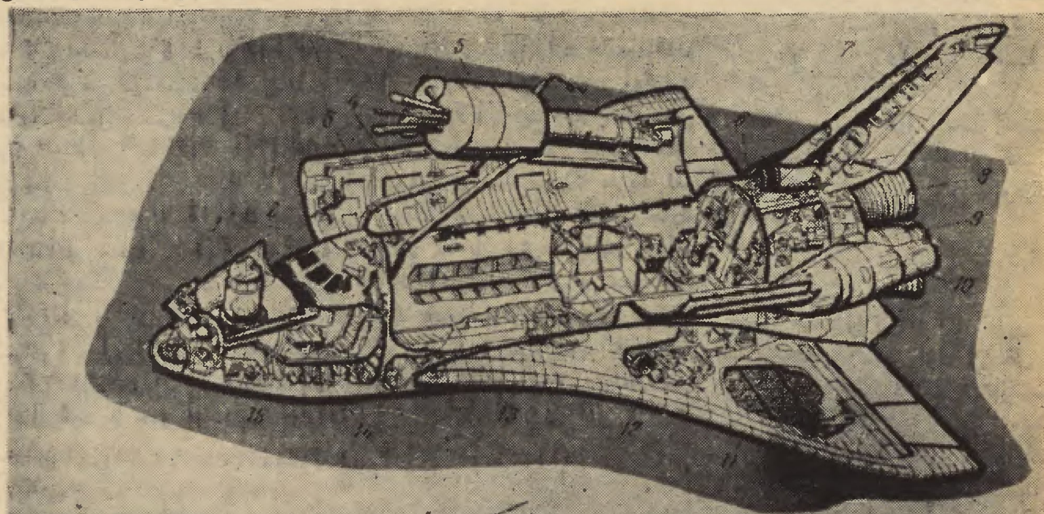
طیاره کیهانی هوائی (قبل ا ز پرتاب)

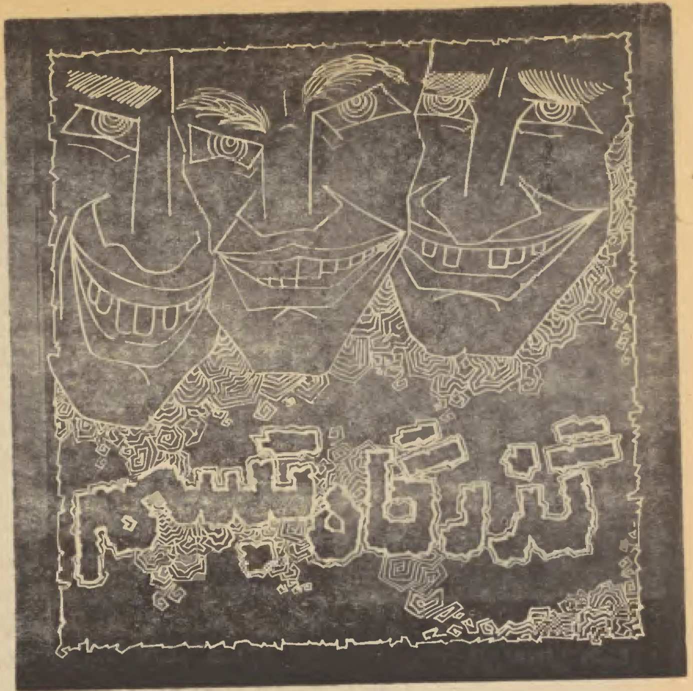
کیهانی ترانسپور تی دارای شمه‌دو مرحله ئی با قرار گرفتن موازی مرحله هامیباشد .هردو مرحله‌کشتی کیهانی قابل باز گشت میباشند ، انجن های کشتی کیهانی (هر دو مرحله) بیك وقت فعال میشوند . مرحله اول از دو بلاك راکتی بدون پیلوت نجات دهنده با انجن هائیکه بمواد سوخت جامد فعالیت می نماید تشکیل گردیده است .

مرحله دوم بالدار بوده دارای پیلوت میباشد. این مرحله دارای انجن که درین شمه از موفقیت های تخنیك راکتی استفاده بعمل آمده است . یعنی درین مرحله از مواد سوخت‌که دارای انرژی عالی است و هم راکتی استفاده بعمل آمده است وهم چنان پرتاب عمودی استفاده میگردد. یگانه عنصری سیستم که در اثنای پرواز از دست میرود عبارت ازتانکی های مواد سوخت مرحله‌دو می‌است.

آیا حقیقت نیست که این کشتی کیهانی ترا نسپورتی کدام وسیله بسیار مشهور را بیاد شما می آورد شمابه طیاره عصری شکاری که در زیر بدنه آن تانکی های اضافکی مواد سوخت ودو انجن تعجیل دهنده بازوتی آویزان میباشدنظر اندا زند پرواز این قسم طیارات عضر ی شکاری چندین‌مرتبه‌در رسم گذشت های هوائی عسکری نمایش دادشده است . فقط کشتی های ترانسپورتی کیهانی دارای تانکی های بزرگ مواد سوخت خواهند بود. اندازه‌این

بقیه در صفحه ۵۸





مترجم :ژرف بین

آخرین معمای جدولی

از معما های جدولی خوشم نمی آید. همینکه در صفحات آخری جرايد ويا مجلات معماي جدولی به نظرم می خورد گویا حالت تهوع برایم دست میدهد . بلی وقتی بود که... درصنف سوم فا کولته که ارتقاجستم ارتباط من بالینا فوق العاده خوب و نور مال بود .

روزی بدون اینکه اراده ای داشته باشم در مسکو به سراغ کا کا یم رسیدم وخواستم او را ببینم بمشکل خودرا به اورسا نیدم همینکه دم دروازه او رسیدم دیدم که ازمنزل خارج میشود در حالیکه دریك دستش عینك هایش دیده میشد ودر دست دیگرش روز نامه .

– او هو ،ولودیا !... کشوری در افریقا که از حرف ساخته شده . میدانی ؟

البته بنده سعي كردم هر چه زود تر جواب درست و سریع ارائه کنم کاکا جانم لبخند رضایت بخش نمود ودفعتا آنچه گفته بودم روی خانه های جدول نوشت .

از طرف دیگر میدانید اگر من نمی توانستم به این سوالش جواب بگویم تا چه اندازه مغموم میشد .این حالت او را بد نبود اگر انسان به چشم میدید .همیجا بود که او عینك هایش را به چشم میگذاشت ویکرا ست بسوی دایره المعارف خود میرفت واز جانب دیگر هم غم‌غم میکرد که به وضاحت شنیده میشد :«این هم بره ما خود محصل فاکولته میگه» واضح است که من نتوانستم کاکا یم را با همچو وضعی ببینم واز همین لحاظ بود که خود را به ملاقات آینده آماده ساختم ،چه او یك راست جانب کتابخانه شدتاجراید ومجلات جدیدی که معمای جدولی تازه ای داشته باشند بیابد .

بزودی به این آرزویم رسیدم . شادی وسرور واقعی را ممکن است انسان به چشم ببیند .همینکه یکی ازمربعات با حرفی پر میشود تعداد خانه های معمای جدولی هرآن کمتر و کمترمیشوددر وجنات کسیکه مصروف خانه پری آنست هر چه بیشتر علایم رضایت وخو شحالی می خوانی واین خود عالمی از عوالم روانشنا سی است که به آن رسیده ای .

من هم به معما هاپناه بردم . معمای جدولی از جزئیات زندگی من شد. در مترو،در سرویس های برقی (ترلیبو سی) ،روی دراز چوکی‌های پارك ها در طعا مخانه لیلیه ما و حتی در وقت رفتار همو اره به خانه پری آن میپر داختم .وباید بگویم که هندم لکچر استادان نیز حوا سم مشغول چار خانه های معما ی بود.

این عمل نزدیك بود مرا از زندگی دور سازد ولی درین باره چیزی نمی گویم زیرا باوجود این‌هم موفق شوم به صنف سوم ارتقاء جویم .

درین صنف بالینا رابطهٔ نورمال و عادی داشتم .وچند کلمه‌ای هم در باره او .لینا البته که مرا درك نمی توانست مرا انسان ساده‌می پنداشت وهر معمای مرا مورد تمسخر قرار میداد .بعضی وقت ها معماهایم مفقود میشد زیرالینا آنهارا میگرفت پنهان میکرد ويا اینکه در باطله دانی می انداخت خاصتا این عکس العمل لینا وقتی قوت گرفت که ما یك فلم را تماشا کردیم .خوب بخاطر ندارم نام فلم چه بود ولی همینقدر میدانم که مصروف یافتن یکی از شهر های زیلاند جدید که از هفت‌حرف ترکیب شده بود بودم اینجا بود که دفعتا فلم قطع شدو چراغهای سینماروشن گردید .بعضی ها ازین عمل ناراحت شدند برخی هم به اشپیلاق زدن و قیل وقال پرداختند .بر خلاف من خوشحال شدم .و بسیار راضی‌بودم فورا از جیبم بسته‌ای از اخبار برون کردم .معمای جدولی را یافتم ودر جستجوی سطر مطلوب افتیدم .... اوریکا ! یافتم !

وهمینکه دو باره چراغها خاموش شد ومن که خود را قبلا خوشبخت یافته بودم متوجه پرده سینما شدم از بس بخود فرو رفته بودم واز وشحالی‌در پیرهن نمی گنجیدم سرم را بطرف لیناخم کردم‌تا خبرخوشی به او بدهم دیدم که او در کنارم نیست اینجاست که پی بردم معمای جدولی چندان خوش لینا نمی‌آ یدو اینکه من بیشتر متوجه معمای جدولی شده‌ام مورد حسادت او قرار گرفته است ...

بعد از چند روز ما باید با هم ملاقات میکردیم واین ملاقات ما به عادت همیشگی درکناریکی ازمجسمه های شهر برد . چون وقت کافی داشتم پیاده بسوی میعاد گاه روان شدم .در راه یك شماره روز نامه هم خریدم .صفحهٔ دلخواه خود را باز کردم بسیار اعلی «رژ یسور معروف فلمهای شوروی» «ه. ر ا. س. ی. م.و .ف» درست است «اعلان تجارتی ».البته که این هم «ریکلام» است بسیار اعلی .خودیگه چی نوشته شده ؟

«نباتی که برای طبابت از آن استفاده میشود ».

اینرا که نمی فهمم .ودر همین جاست که به ادویه فروشی نظر م می افتد .مرد مسنی را می بینم که شپوی خاکستری رنگی به سر داشته از ادویه فروشی خارج‌میشد من بسوی او روان شدم «ببخشید : نباتی که برای طبابت از آن استفاده می کنند ...»

ومعمارا برایشس نشان میدهم. او نظری به‌روز نامه‌می اندازد .خانه های معما را حساب میکند بعدا از جیبش بسته ای را برون‌می‌آورد و به آرامی وراحت میخواند «ژوستر» من از او تشکر میکنم واو میگوید:

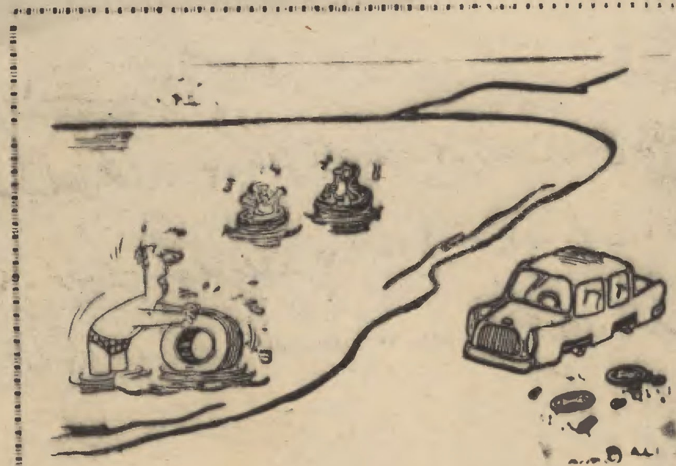
– بفرمائید .لطف شماست .

دستهایم را بهم فشار میدهم و به راهی که دارم روان می شوم .

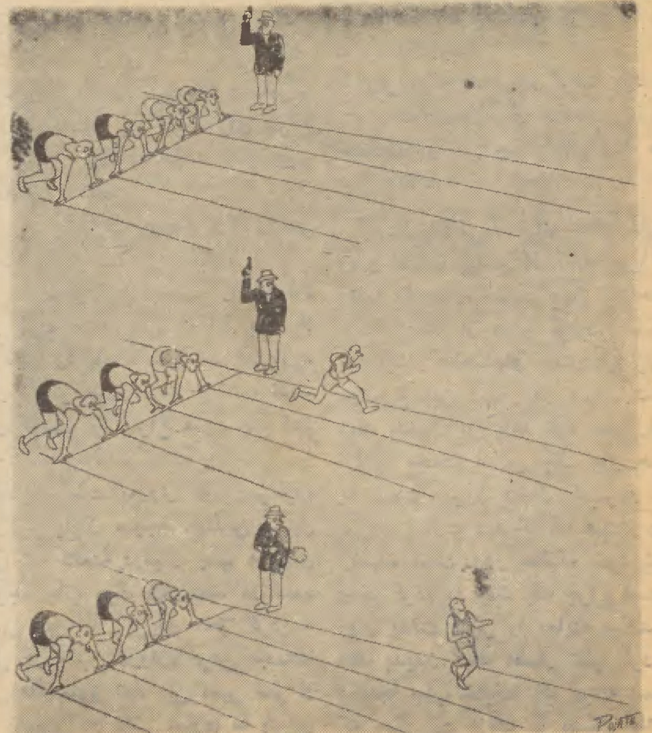
نا گهان صدای همان پیر مرد :

– ببخشید عمودی آن چیست .

– چراغ الکترونی –هیچ بخاطر نمی



توانم بیاورم هر دو می ایستیم وفکر میکنیم .
او میگوید :
- درین نزدیکی ها دوستی دارم که وآسیا کر ینیوف نام دارد چندی قبل تلویزیونش شکست وچراغهای آن ... شاید او بداند ...
روی موافق به او نشان مید هم: البته ،ولی بعدا تردید می نماید . «زیرا من باید پوره ساعت شش شام به وعده ام حاضر شوم »وفقط به او پیشنهاد میکنم که ایـــن موضوع را ممکن است از کس دیـگـــر ی بپر سیم .
رفیق «دوا فروش» من به یك چشم به هم زدن مرا رها میکند واز آنطرف سرك جوان خوش لباسی را که یك چمدان در دست دارد پا خود می‌آورد چمدانش بدان می ماند که گو یـــا تلویزیونی را حمل میکند .نا مبروه از دور صدا می زند .
- پنتود .وغیر از آن هیـچ سوال دیگری ندارید ؟
- چطور نداریم .اینست چهـــار دهم عمودی (حا دثه ای در رادیـو تخنیك».
وآن جوان دو باره به فکر میرود. بعد ازین هر سه مابه راه رفتن ادامه دادیم قدم به قدم ودقیقه به دقیقه به یافتن کلمات وحرف می پرداختیم تقریبا اضافه از نیم معما خانه پر ی شده بود .کلمات هم یکی دنبال دیگر بخاطر ما می آید. در کنار یك جواهر فروشی موفق شدیم نام یکی از سنگها دیگر مثل اینکه معد نچی بود نام یکی از منرال‌های کمیاب را گرفت دختری از مغازه نساجی خارج شدو کلمـــه های ذیقیمت را پیدا کیم .یك نفـر «کتان» را به ما کمك کرد .
خلاصه اینکه تا به چهار راهـــی رسیدیم باچه اشخاصی نبود کـه بر نخوریم ، مورخ ، جغرا فیه‌دان انجنیران ، طباخان، شاگردان و...
درین جابه ساعتم نظر انداختم. خدای من دیرشد . ومثل اینکه پرواز کنم خودم را به اولین تکسی انداختم و آدرس دادم تکسی ران پرسید :
- چه حادثه ای درین جا رخداده است ؟
- هیچ ،هیچ معمای جدولی راخانه پری می نمایند .
تکسی ران به من گفت :
- یك لحظه صبر کنید اکنون .. وخودش خود را در بین جمعیتی که معمای جدولی را حل می کردند رسانید .
واضیح است که لینا به انتظـــا ر من نشسته بود .
وشما خود میدانید که همین معمای جدوالی، آخرین معمای جدولی در حیات من بود .از همان تاریخ است که تا کنون از معمای جدولی خوشم نمی آید وحتی اگر آنرا ببینم حا لـت تهوع برایم دست می دهد .



بدون شرح

درس نامه نگاری

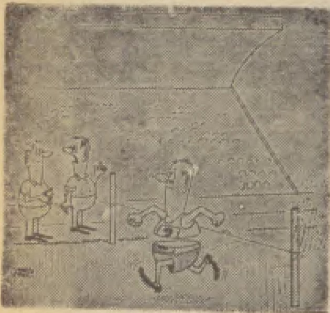
قسمی از درس یك استاد رشته روز نامه نگاری :
- روز نامه ای که قطعه قطعه شده باشد برای هیچ زنی جالب نیست اما زنی که قطعه قطعه شده باشـد برای همه روز نامه ها جالب است .



وقتی داماد برای خانه ر فتـن عجله میکند

طمع دهاتی

آقایی که بتازگی در روستا خانه ای ساخته بود مشغول چیدن چمن های جلو منزل خود بود یکی ازاهالی دهکده نزد او آمده گفت :
- اگربا بایسکل تان کاری ندارید اجازه بدهید من بان بشهر بروم و بر گردم .
مرد با لحن محبت آمیزی گفت :
- خواهش میکنم بایسکل راببرید وهر وقت کار تان تمام شد بیاورید.
طرف های غروب بودکه مرد دهاتی بر گشت وگفت :
- بایسکل شما را آوردم .
- تشکر زحمـــت میشود آنرا در گاراژ بگذارید .
دهاتی چند لحظه پا به پاشد و بعد گفت :
- انعام بنده را مرحمت نمـــی فرمائید .



بدون شرح

علاج بیخوابی

صحبت از بی خوابی ونارا حتی ها وطرق معالجه آن بود . یکـــی از حاضران از دیگری پرسید :
- شما هر وقت بیخوابی سر تان بزند چه میکنید .
-یك بو تل کنیاك بر میدارم وبه فاصله های معین گیلا سی از آن می خورم .
-وآنوقت خوابتان میبرد.
-نخیر از بیـــدار ماندن لـذ ت برم .

در میوه فروشی

خانم خانه داری از آن تیپ زنهای که بهـــمه چیز بد بین هستنـــد واز هرچیز ایرادمیگیرند جلودوکان میوه فروشی ایستاد وبعد از آنکـــه سیب هارا بر انداز کـــرد ه بـه فروشنده گفت :
- حالا راستی‌این سیب‌ها ازهمین جاست یا از خارج .
فروشنده نگاهی به قدو بـــالای مشتری انداخته گفت :
- برای شما چه فرقی میکند که از اینجا باشد یا از جای دیگر .
- خیلی فرق میکند .
- چرا شما میخوا هید سیب را بخورید یابان صحبت کنید .

مردی با نقاب بقه

تاآینجای داستان :

گنتر مامورلایق پولیس به تعقیب سازمان بقه‌ها زندگی‌اش رااز کف داد. الك معاون کمیسر پو لیس به‌تشویق دیك گاردو ن به تعقیب مایتلند پیر که‌مردمر موزی‌است‌میبر اید . رای بنت جوان که‌نزدمایتلند کار میکند، به‌اثر تشویق لولا بسا نواپارتمان لوکس به‌کرایه گرفته می خواهد به‌خدمت خودنزد مایتلند پیرخاتمه دهد وتلاش خواهرش برا ی ادامه کار اونزد ماتیلند به کدا م‌نتیجه نمی رسد واو را ترك میکند دیك ازطرف وزارت خارجه انگلیس‌مامور حفاظت یك سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی‌بطرز اسرار آمیزی به سر قت‌میرود با تحقیقات پو لیس هاگن‌مدیر کلپ‌هیرون گر فتار میشود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار میکند واکنون‌پولیس به اثر اشتبا هی که دارد بکس هایی‌راکه مرا جعین درشعبات‌حفظیه استیشن های ریل به امانت می سپر ند در دفتر مر کزی تفتیش‌مینماید. در اثنای تفتیش بمبی در دفتر پو لیس منفلق میشودواینـك‌بقیه داستان.

ایلا در جوا بش اظها ر داشت: نه برادر جان .حا ل دیگر هیچ چیز باعث ناراحتی نمی شود و قتی جان بنت متو جه گرفتگی خاطر دختر ش شد ودر چهره ایلا آثار غم واندوه‌را مشا هده نمود پرسید : منظور تو ازین حر فها چیست دخترم؟ من معنای حر فهای ترا نفهمید م؟

ایلا جوابداد : من به یك موضوع بسیار رنج آور اندیشید ه ا م پدر.

وآنگاه از آن ملاقات و حشتنا ك شبانه برای پدر ش حکا یت کرد.

در حالیکه نفس در سینه رای بند آمده بود پرسید : چه گفتی ؟ بقه میخواهد باتو ازدوا ج کند ؟ این باور کردنی نیست . تو صور ت او را دید ی؟

ایلا سر ش رابعنوا ن تردید شور داده اظهار داشت: بقه ماسکی به صورتش زدن بود **بهتر است زیاد** درین باره حرف نزنیم.

ایلا بر خاسته شرو غ کرد به جمع نمودن ظرو ف نانخو ر ی مدتها بعارای اورا در جمع کرد ن سر میز کمك شد. وقتی ایلا از مطبخ بر گشت گفت:

کارشس مسخره‌میسا خت.اماحال امروز شا م بنظر م و حشتنا ك می‌آید. شما ل کلکین رابشد ت باز کرده چراغ هار اخا موش سا خت. باران سیل آسیا از آسما ن فرو دمی آمد.

رای جواب داد: حال تمام شبها برای من دلپذیر شده است .

رای در حالیکه می خندید صدا یش گریه آلود بود ،هنوز هیچکس در باره آن لحظات حساس که بمرگش منتهی میشد حرفی نزده بود وازآن ترس کشنده که پیش از اجرا ی حکم اعدام به اودست داده بود حرفی بمیان نیامده بود اصلا کسی نمیخواست ازآن لحظات یاد آور ی شود وخاطره آن میرفت که جزو رویای وحشتناك وخوا بهای دهشت ناکی به فراموشی سپرده شود.

جان بنت وقتی میخوا ست از اتاق بیرون رود خطاب به ایلاگفت. دخترم دروازه راببند وقفلك کن.

پدر وپسر هردو به افکار شان غرق بودند ودر باره موضو عا ت خاصی می‌اندیشیدند طبعا میبائیست که رای با پدرش در باره‌لولا حر ف بزندو اواین کارا کرد را اظهار نظر کرد پدز تصور نمی کنم که لولازن بدی بوده باشد او غالبا نمیتوانست بفهمد که برای من‌چه دسیسه ی در کار بوده است نقشه سازمان بقه در مورد من باچنان مهارت واستادی طرح شده بود که تاآن ساعت که گاردون حقیقت ماجرا رابمن نگفته بود تصور می - نمودم واقعا من قاتل برادی هستم. بنت سرش را شور داد.

رای به دنباله حرف خود اضافه نمود ،من همیشه فکر مینمودم که مایتلند بابقه ها بـه‌نحوی ارتباط داشت‌وقتی متوجه این‌حقیقت شدم که دیدم مایتلند به کلوپ هیرو ن آهد، پدر تو چرا ناراحتی ؟

جان بنت صدا زد ، ایلا ازمطبخ جوابی نیامد.

بنت به رای گفت، من نمی‌خوا هم که بخاطر شستن ظروف تنهـا در آشپز خانه بماند.

رای او را صدا بزن که بیاید.

رای از جایش بلند شده در واژه راباز کرد ،مطبخ در تاریکی مطلق فرورفته بود.

رای صدا زد ، پدر چراغ رابیاور چراغ راهمراه خود بیاور.

جان بنت عجله کرد وبدنبال‌رای وارد مطبخ شد دروازه آشپز خانه بسته بود ما لیکن قفل نبود یك چیزی سفید رنگ به روی زمین افتیده بود رای آنرا بر داشت ودر یافت که یك توته از پیشبند سفید ایلا میباشد ،پدر وپسر یکی بسو ی دیگر دیدند ورای شتا باوارد اتاق خود رفته مجددا بایك لاترن مقاو م دربرابر شمال بر گشت رای چراغ را روشن کرده به عجله از پله‌های زینه فرود آمد.

رای بانهایت هیجان ونآ راحتی گفت، ممکنست در با غچه با شد پس ازگفتن این جمله را دروازه باز کرده در تاریکی با آواز بلندایلا را صدا زد باران سیل آسا می‌بارید پدر وپسر هردو کاملا تر شد ند، رای توسط نور چراغ هنوز چند قدم نبرداشته بودند که‌سطح زمین را روشن ساخت به‌روی خیابان‌مرطوب در زیر باران متوجه ،چندین پل پای شد دفعته درمیان چاپ های‌پای متوجه چاپ بوت ایلا شد، در لب سبزه ها آثار پل‌پای محو گردید ولی در مقابل دروازه فرعی مجددا پل‌پاها معلوم شد این معبر سر ك را باچمنی در عقب عمارت ما یتروی وصل میساخت قاعده این دروازه باغ بسته وقفل میبود رای نخستین پلی پای که پیدا کرد ازیك مو تر بود وبعد ازآن متو جه شد که‌دروازه کاملا بازبود رای به عجله‌از دروازه بیرون رفت ودید که چاپ تایرهای موتربه طرف راست پیچیده است.

رای اظهار داشت ، پدر برا ی اطمینان خاطر اولتر باید تمام کنج وکنار باغ را بگردیم ،من بعضی از همسایه ها را باخبر ساخته به‌کمك می‌طلبم وقتی رای این کار را کرد جان بنت تمام باغ را گشته بود و کوچکترین اثری از ایلا بدست‌نیاور

رای گفت ، من به‌شهر رفته‌برای دیگ گاردون تیلفون میکنم.

وقتی رای حرف میزد صدا یش آرام بود.

ربع ساعت بعد رای ازبا یسکل خود در مقابل دروازه منزل فرود آمد تابه عجله از انکشاف جدید به پدرش راپور دهد.

وجدی .

رای اظهار داشت، پدر لین‌تیلفون را بریده اند ،اما من یك مو تر کرایه کرده‌ام که تاچند دقیقه دیگر از ورکشاپ میرسد ،ما سعی خود مان‌را در تعقیب چاپ عرابه ها ی موتر میکنم.

موتری که به کرایه گرفته بود از راه رسید ودرهمان لحظه برحسب تصادف روشنی چرا غهای دیك هم پیدا شد .

گاردن نگاهی‌به قیافه های نارام آندو افکنده پیش از آنکه جریا ن واقعه را بداند سخت دچار ناراحتی گردید دیك از موتر فرود آمده یك مقدار صحبتهای جدی دراطراف موضوع بین آنها ردو بدل شد، دیك بدنبال پل پاها تابه مطبخ‌رفته ازآنجا مجددا مسیر چاپ پای هارا به سمت بیرون دنبال کردو در بیرون عمارت دید که‌الك هم از راه رسیده است ودر حالیکه خود شس راخم کرده به کمك یك چراغ دستی روی بدقت زمین را معاینه میکند ، الك بدیدن دیك اظهار نظر کرد ، درینجا چاپ خفیف یك عرابه است که ممکنست ازیك با یسکل باشد

تصور نکنم تایر موتر دارای چنین پروفیل نازك باشد وبلکه بیشتر احتمال دارد ازیك موتر سا یکل باشد.

دیك رای وپدرش رابه دا خل منزل فرستاده معتقد بود که آنها زود تر لباس شانرا تبدیل کنند و تاوقتی او والك از سایر اقدا ما ت احتیاطی شان فارغ میشوند آنها خود را آماده بسازند جان بنت و پسرش بالا پوش هـای بارانی را پوشیده ازمنزل بیرون آمدندوسوار موتر رولز رویس زرد رنگ شدند وموتر درهمان لحظه به حرکت در آمد .

جای تایر های موتر پس از پنج میل‌راه بخوبی نمایان بود واز وسط یك دهکده گذشته بود، پـو لیس موقع کمی پیشتر یك موتر ویـك موتر سایکل رادر حال عبور دیده بود.

الك سوال کرد ، موتر سا یکل درست از عقب موتر حرکت‌میکرد؟

پولیس جواب داد، نی مو تـر سایکل درحدود صد متر دور تر از موتر روان بود.

من میخواستم نمبر موتور سایکل رایاد داشت گفتم زیرا بدون چراغ حرکت میکرد ،واو را جریمه نمایم، اما موتر سایکل سوار به اشا ر ه من اعتنایی‌ننموده تو قف نکرد.

یك میل دیگر هم پیش رفتند تا اینکه به‌روی یك‌جاده سخت تـازه قیر شده رسیدند درینجا جای تایر راگم کردند پس‌ازیك میلی راه‌دیگر آنها بر سر سه راهی رسیدند .

دوراه آن قیر شده بود واثرتایر موتر دیده نمیشد ،راه سومی هـم باوصف آنکه روی سرك نرمتر بود بازهم جای تایر بروی این سرك‌هم معلوم نمیشد.

دیك اظهارداشت، پس‌باید اونها ازیکی از همین دو سرك قیـــر شده رارفته باشند.

- مااول همین راهی که به‌سمت راست پیچیده ازمایش میکنیم .

این جاده تابه دهکده بعدی قیـر شده بود،ولی وقتی دیك ازپولیس محافظ‌سراغ موتر راگرفت پولیس اظهار بیخبری کرد وهیچ عراده‌ایرا ندیده بود که درآن فاصله کو تاه ازآنجا رد شده باشد.

دیك خطاب به دیگران گفت ، مـا باید برگردیم تردید ونا را حتی قلبش را بشدت در آنلحظه‌میفشرد روی موتر را برگردانده با سر عت سر سام آوری از راهی که آمـده بود آهنگ برگشت نمود .وقتـی مجدداً به‌حصه سه راهی رسید به سمت راست یعنی به سرك‌نو پیچید باسرعت زیاد آن راه را میپیمودندو هنوز چندان پیش نرفته بودنـد که دیك متوجه چراغهای عقبی یك موتر در مقابل شدو هم چـر ا غ احتیاطرا دید که‌پشت مو ترگذاشته بودند دیك امید وار بود به هـدف رسیده باشد.

وقتی در نزدیکی موتر برك زد ه فرود آمدمتو جه شد که آن موتر ی نبود که آنها دنبالش میکردندبلکه موتر متعلق به شخصی دیگـری بودکه باثر پنچری در گوشه جاده پارك کرده وراننده‌آن‌در صددتبدیل تایر بود امارانندہ موتر توا نست‌به آنها چند علامه وشماره مزید بدهد

آن مرد اظهار داشت :سه ربع ساعت پیشتر یك موتر از پهلویش رد شده بود و اوبخوبی نو عیت و مودل موتررا شنا خته بود حـتی مارکه فابریکه تولید کننده مو تـر رابه دیك‌معلومات داده علاوه نمود که‌یك موتر سایکل سوارهـم ا ز عقب موتر‌روان‌بود، یك موتورسایکل ازنوع دید اندیان بود.

الك‌پرسید :به‌چه فاصله موتورسایکل موتر را تعقیب میکرد ؟

جوابی که آن مرد داد این بـود: تصور میکنم در حدود صد متـر از موتر فاصله داشت پس از ایـن فاصله آنها معلومـات بیشتری در باره آن موتر بدست آوردند، امـا در دهکده بعدی کسی موتر سکیل رانندیده بود ،وهمچنان‌در تمام‌توقف گاه های بعدی که موترایستاد شده بود کسی از موتور سایکل سرا غی به آنها نداد.

پاسی از نیمه شب گذشته بود که آنها موتری راکه بدنبالش‌بودند پیدا کردند.

این موتر در بیرون یك گارا ج در ناحیه شور هام توقف کرده بود الك نخستین کسی بودکه خو د شرابه مرتر رساند. درداخل گاراج صاحب دستگاه درتلاش‌خالی کردن جای برای موتر تازه وارد بـود.در داخل موتر کسی رانندید .

وقتی الك خود شرابه صاحب گاراج معرفی کرد آن مرد در پاسخ گفت: بلی ۱۵ دقیقه پیش این موتر به‌اینجا رسیده است .راننده موتررفته است که در شهر برای خود جای‌بود وباش پیداکند .

به کمك یك چراغ دستی آنهـا داخل موتر را معاینه کردند .هیـچ تردیدی برای آنها باقی نماند کـه ایلا در همین موتر بوده است ، یك توته شانه موی سر از عاج که جان بنت در یك سالگره ایلا به دختر ش تحفه داده بود در گوشهٔ سیت عقبی موتر پیدا شد .الك اظهار نظر کرد تعقیب راننده هیچ مفهومی ندارد . یگانه شانس ما اینست که صبـر کنم تا او شخصابه‌گاراج بر گردد وغالبا او اینکار را نخواهد کرد .

آنها پولیس محل را برای مشوره فرا خواندند .

آمر پولیس منطقه نظرش را ایـن طور بیان داشت این یـك منطقه وسیعیست واگر راننده متعلق به‌یك باند دزد هاوجنایتکار هاباشددراین صورت گمان نکنم شما به آسا نی موفق به پیدا کردن بشوبید .

بقیه در صفحه ۶۱





انتخاب از: م میهن پور.

انتظار

باز آ که از فراق تو دل بیـــقرارشد .
چشمم‌سفید بر رهت در انتظار شـــد
چشمان شب نخفتهٔ پـر التها ب‌من
دیشب‌بیاد چشم تـو اختر شمار شد
تا رفتی از کنار مـــن ای لالـه‌روی من
ازخون‌دیده دامن من لالـــه زار شـــد
چندان گریستم که بر آتـــشم‌نشست شمع
درپیش‌اشـك دیده مـــن شر مسار شد
تصویر چهـره تو بر امواج اشك‌من
مانندعـکس آئینـهٔ موج دارد شـــد
ای وای بر دلی که ندارد امیـــدوصل
بیچاره عاشقی که به هجران دچار شـد
چشما بیفروغ من از بسکه اشك‌ریخت
چون شمع‌نیمه مردهٔ روی مـــزار شـــد
بارد گردلی که شکستش بـــا رهـــا
ازسادگی به لطف تو امید وار شـــد
دیشب نسیم یاد تو چون بر دلم‌وزید
خرم تراز شـکـو فهٔ صبح بـــهار شـــد

از :علیشاه ناشاد

خرمن‌هستی

ای امید زندگیم ای گل نیلوفر ی
ایکه ازخوبان عالم نزدمن‌زیباتری
این‌دل دردآشنای‌بی سروسامان‌من
می‌طپد درآرزوی صبح‌وصلت‌هر گری
تو‌یی جانادرمیان‌جمله‌خوبان‌بی‌بدیل
این‌سخن ازصدق‌گویم‌نباشدسر سری
همچو مرغ بی‌نوای درمیان آشیان
گریه دارم‌ازاسیری وزبی‌بال‌وپری
خوب میدانم دوبالا گشتهٔ‌نازوعشوه‌ات
گرمی بازار تواز بسکه‌دارد مشتری
صد دل دیوانه مدیون دو چشم
مست توست
تا بکی غافل زحال عاشقان‌ابتری
درگرفتم سوختم رحمی نما رحمی
ای که‌درخرمن هستی من‌چون‌آ ذری

فرستنده : پروین مجید یار

نوبهار ومن‌خزانم

تو بهار را دوست میداری و من خواهان خزانم .

تودر بهاردر عمری ومن‌بخزان‌زند گی نزدیکم .

تو بر رخسار خود بهاری داری که چون گلی نو شگفته است .

اما من چشمانی فر سوده دارم که به خور شید، نیمرنگ خزان می ماند

من قدمی بیش ندارم، قدمی به پیش‌بر میدارم ودیماه،آغوش افسرده خود را برای من گشوده است .

تا بستان سوزان عشق بهم مـی رسیم .

اثر حضرت الله

شب‌پر از اضطراب

بسکه دارم‌صعب اضطراب امشب — نیست یك‌لحظه‌درمژه‌ام خواب امشب
می‌سوزم در آرزو سراپا چوشمع — تاکه گردم بدور خود آب امشـب
خورده برمن‌تیری زمژگان آن‌شوخ — میخورم بی خودچو پیچ وتاب‌امشب
مست هستم ساقیاازمی لعلی‌لبش — جام‌دیگری بس‌است‌زان‌می ناب‌امشب
کلبه‌ام تاریك‌وبی نوراست‌خدایابکی — کاش‌آیددربرم آن‌قرص‌مهتاب‌امشب
اشك می ریزم زدوریش زچـشم — تاکه جاری شدزچشمم خون‌آب‌امشب

رفته از دل مـــراحضرتا صبر و قرار
در دلم بسکه‌است‌شـــرار امشـــب

از : فرید دهناد طهماس

آخرین‌شعرمن

اگر من شعر میگفتم .
برای آنکه شعراولین را میسر ودم.
ترا ...
الهام شعر خود زدنیا وام میکردم.
اگر من شعر میگفتم .
برای تو بوسهٔ شعرم
لبانم را
بر لبانت می فشردم
ودرسنگ شعر م،
نقشس بوسه می کندم .
اگر من شعر میگفتم .
برای آتشس شعر م،
ترا با گریهٔ بازاری .
در خویش می خواند م .
وباری .
ترا با قهر .
از خویش می راندم .
از آن خواندن وزین راندن .
در وجودت آنچه دیدم می‌نوشتم.
اگر من شعر میگفتم ،
برای آنکه شعر آخرین را مـــی
سرودم .
میدانی چه میکردم ؟
برای تو .
در خود گور میکندم .
وبرای خود
در تو .
دریغا !
که شعر آخرین را .
نه من بودم که میگفتم .
نه تو بودی که میخوا ندی .

سری لاک اکنون غذای فوری برای اطفال

سری لاک جدید باترکیب شیر قیماقدار و شکر به پختن ضرورت ندارد. آنرا صرف همرای آب مخلوط نمائید.

بلی! سری لاک جدید باترکیب شیر و شکر عجب غذای فوری برای اطفال است

درهرکجا و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نمائید غذای طفل در یک لحظه آماده میشود. ویتامین هائیکه دران ترکیب شده سری لاک را خیلی مغذی-مولد انرجی وقوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانهای طفل غذای مطلوب است.

برعلاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.



Cérélac® NESTLÉ

نستلی معروف ترین ومعتبر ترین اسم در ساخت تغذیه طفل.

(بقیه‌ص ۱۵)

خریداری سلاحها و مهمات حربی

اینست که بسیاری از کشور های ناتو مساعی زیاد علمی را در امتحان وتجربه کردن تولیدات متحد ین خود بخرچ میدهند.

تشکیلات خوبی برای همکاری و ساحه تولید سلاح ومهمات حربی در ناتو وجود دارد. مامورین وکارکنان ناتو در بروسل یك اداره بزرگی دارند که وظیفه آن معمولا تدویر مجالس منظم بین مدیران سلاحهای کشور های عضو میباشد. قطع نظر ازاین اداره، دو اداره دیگری وجود دارد که بصورت غیر رسمی مصروف همکاری در ساحه سلاح ها وتجهیزات نظامی می باشد. اینها عبارتند از اداره گروپ اروپائی و اداره اتحاد اروپای غربی.

اداره گروپ اروپائی از اعضای کشور های اروپائی ناتو باستثنای فرانسه وپرتگال تشکیل شده‌است.

گر چه این یك اداره رسمی ناتو نیست فرانسه ادعا دارد که تصامیم فیصله‌های گروپ اروپائی تحت تاثیر و نفوذ امریکا میگردد ازینرو ترجیح داده است تا با اداره اتحاد اروپای غربی کار کند.

هردوی این اداره ها راه خوبی را برای انتقاد از پروژه های که مشتمل بر خریداری سلاح از کشور های خارجی می باشد تشکیل میدهد.

درپیمان ناتوقرار داد های دفاعی زیادی وجود دارد. اگر قرار شود که مصارف ناتو تقلیل یابد، یك تعداد از این قرار داد ها از بین میرود.

البته تمام مقامات صلاحیتدار کشور های عضو میخواهند این زیان ها متوجه کشورهای غیر از خود شان گردد.

درین قسمت نقش ایالات متحده امریکا وبدرجهٔ کمتر نقش فرانسه قابل یاد آوری‌است. هر دوکشور صنایع انکشاف یافتهٔ تولید سلاح های نظامی‌دارند. هردوفشاراعظمی خود را بر کشور های دوست خود می اندازند تا سلاحهای تولیدی کشور های مذکور را بخرند.

تا در مقابل این خریداری ها، اموال شانرا بخرند ولی خود اراده ندارند با اینهم فرانسه در یك قسمت‌زیاد از مساعی وهمکاری کشور های‌ناتو سهم گرفته است ومیخواهد این سهم وهمکاری خود را زیاد سازد.

ایالات متحده امریکا یك پالیسی مشخص را درین حصه اتخاذ نموده که باساس آن هر قلم از سلاحهای نظامی را که مورد استفاده قوای مسلح آن قرار میگیرد باید در امریکا تولید گردد گر چه دیزاین آن در کشور های خارج از امریکا هم صورت گرفته باشد. (خریداری طیارات هرپر انگلیسی یك امر استثنائی بوده است.

بعد از این امریکا طیارات هریر را از خود امریکا تهیه خواهد کرد) دلیلی که برای این امر ارائه شده اینست که‌پیشرفت سریع شوروی میتواند ذخایرسلاح‌را بروی امریکا قطع کند. ولی تضعیف قوای‌ناتو‌از رهگذر عدم موثریت و عدم کفایت سیستم موجوده خطرناکتر از این امکان است که شاید امریکا در جنگی ارسال سلاحها را بروی خود قطع به بیند.

اما باید گفت که ایالات متحده امریکا یکی از کشور های بزرگ ناتو در حصهٔ ریسرچ وانکشاف سلاحهای حربی محسوب میگردد.

امریکا در قسمت سلاحهای غیرذروی به تنهائی باندازه تمام مصارف سایر کشور های عضو ناتومصرف میکند. علاوتا ایالات متحده امریکا مجبور است‌تا سالانه باندازه یکهزار ملیون پوند سترلنگ را از کشور های اروپائی در برابر تادیات وخریداری های نظامی جبیره وتلافی کند. تمام این دلایل زمینه را برای فروش زیاد سلاحهای امریکا به‌اروپا مساغدتر میسازد.

ولی ناتوی اروپائی در صورتیکه فرانسه هم شامل آن گردد بخوبی میتواند با ایالات متحده همسری‌کند.

اروپا باندازه امریکا در مصارف نظامی‌ناتو سهم‌میگیرد وهم‌تکنالوژی اروپای ناتو مانند تکنالوژی امریکا پیشرفته می باشد. اروپا نسبت به امریکا یك پس منظر تاریخی خوبتر در همکاری سلاحهای نظامی و در اداره وتنظیم مشترك دارد. اگر اروپا بتواند یك جبهه مشترکی رااقلا دربعضی ازین پروژه‌های‌بزرگ‌آینده اتخاذ نماید درآنوقت منافع خودی باحتمال غالب امریکا را وادار کندتا بااین جبهه به پیوندد.

تحکیم وهمبستگی پیمان ناتو در درسالهای بین ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰شاید متعلق باین باشد که آیا اروپا میتواند شرایط راچنین تنظیم کند که‌به امریکا نشان دهدکدام راه را دنبال کند.

بقیه صفحه ۱۰

سفیدپوستان اقلیت...

نست حتی عقیده برین است‌که کودتایی پرتگال وپر چیدن رژیم مطلقیت درآن سرزمین هم از برکت مبارزات موزمبیق‌است‌فلهذاجای هیچ نوع تردید باقی نمی ماند که نهضت فریلیمو رویکار میشود اما آنچه فعلا در اثر یك سلسله فعالیتهای ضد فریلیمو وموافقتنامه لوساکا ازطرف سفید پوستان‌ایجاد میشود فقطدر دسروتخلیق مزاحمت است.

موضوع دیگری که غالبا از ین حرکات سفید پوستان فکر میشود عبارت ازین است که اگر بتوانند حکومتی را رویکار بیاورند که‌رئیس آن سیاه پوست باشد ولی‌اختیارات آن بدست سفید پوست ها باشدچه سفید پوستان به یقین میدانند که دیگر انها را کسی درآن سر زمین بریاست خود نخواهد گزید اما این پلان هم خیالی بیش نیست چه اکنون مردم‌آن سرزمین به مشکلات خود آگاه اند آنهااز اعمال رژیم‌های دست نشانده را از همدیگر فرق بدهند.

موضوع دیگری که غالبا دربرابر نهضت فریلیمو قرار خواهد داشت شاید مزاحمت های باشد که از طرف رژیم اقلیت سفید پوست افریقای جنوبی ویارودیشیا متوجه آن خواهد بود این دورژیم میدانند که‌بارویکار آمدن حکومت مستقل فریلیمو در موزمبیق کار شان‌تیره تار خواهد شدچه‌بدون‌شك فریلیمو باحفظ اینکه از ناگوار یهائی‌استعمار تبعیض آگاه‌است روانخواهد دید که‌برادران سیاه پوست افریقائی آن ازطرف یك اقلیت سفید پوست مورد استثمار وبهره گیری قرار گیرد بناء مبارزات آنها در برابر این رژیم های اقلیت سفید پوست حمایت خواهند نمود.

ولی رویهمرفته آنچه قابل پیش بینی میباشد این است که نخست ازهمه حکومت موزمبیق وانگولا بدست افریقای های سیاه پوست تشکیل میشود وعلاوتا دیر یازود سیاه پوستهای افریقای جنوبی وروديشيا زمام امور کشور شانرا بدست خواهد گرفت.

بقیه صفحه ۳۵

مسافرت پر ثمر

کاشی را از شکستن حفظ میکند . ال ویتسون به بوی‌در یافت که دامی سرراهش گسترده‌اند. مامور نظیمه از کجا میدانست که محتو یـــات صندوقچه متعلق بر او باید باشد.

لانگ در پاسخ ایـــن سوال الـ ویتسون گفت : پس از بی نتیجهٔ ماندن وامکان دیگرچنین حدس زدیم که باید صندو قچه متعلق به شمـا باشد شایدشما اطلاع داشته باشید که ما دیشب یك نفر را باز داشت کرده ایم که در میان کمپ چیـــزی قیمتی را به ترتیبی که زیاد جلـب نظر نکند سرقت کرده بود .ما اشیا سائر کسانی را که درینجا کمپینگ کرده اند مسترد نمودیم اما هیچکس ادعا نکرد که این صندو قچه متعلـق به یکی از آنها باشد . پس ...

پس پولیس فکر کرده که ایـــن صندو قچه گك مال او باید باشد . مال وملکیت خطر ناکی به‌این حساب او سفر بی ثمربی کرده است ...

ال ویتسن بازرنگی خاص‌موضوع را در ذهنش حلاجی کـرده از آ ن نتیجه گیری نمود وآنگاه سرش را بلندکرده به قیافه مامور نظیمه دید واظهار داشت :هنوز کر سمس دور است ومن این ـــاین صندوقچه را با محتو یات‌آن هیچگاه در عمرم ندیدمـ ام . بنابر این بطور قطع میتوانـــم گفت: که‌این صندوقچه گك مال من نمی باشد .

لانگ مامور نظیمه‌خندیده اظهار کرد: وشما هم‌بنظرم بسیار شریفتر ازان جلوه کردید. لانگ‌پس ازآن دروازه کلبه راباز کر د و چشم ال ویتسن به جواهر فروش ریور نالس افتید .

لانگ مامور نظیمه پرسید : شما این آقارا می شنا سید .

کاتر به چهره ال ویتسن خیـــره شده ، سرش را به علامت نفی‌تکان داد: نه این آقا را هرگز ندیده ام . این شخص مورفی کشیش نیست .

لانگ جدی شده گفت : اگراین شخص مورفی کشیش نمی باشد و اگر کسی نیست که برای گرفتـار کردن او تعقیبش میکنم ،پس مورفی کشیش چه کسی باید باشد .

کاتر در جواب مامور نظیمه اظهار داشت : بجنهم که هر کسی باشد. من انگشتری های الماسم را دوباره بدست آوزدم .پیدا کردن سارق کار پولیس است .من به همین قناعـت میکنم که اشیا گم شده خـــودم را یافته ام .

سپس رویش‌را به‌طرف آل‌ویتس بر گردانیده گفت:اجازه میدهد شما را به یك نوشابه دعوت کنم ؟

پشت میز بارآل ویتسن از هانر ی کاتر پرسید : چرا شمـــا نسبت‌به من اینقدر محبت نشان دادید . چرا چنین مرحتمی بزرگ در حق‌من روا داشتند .

هانری کاتر گفت: این‌بخشایش به خاطر هزار دالر می باشد شمـا مرا به این بازی کشا نیدید وحـال نوبت منست .این بازی درست یك هزار دالر برای شماخرج دارد تا به آزادی بر سید. اگر شمااین پول را بمن نپردازید ،فورا نزد مامور نظیمه مراجعه کرده ،به لانگ خواهم گفت: که من سر انجام شما را شناخته ام که همان مورفی کشیش هستید می فهمید که چه می گویم .

ال ویتسن پاسخ داد: بلی . حتی اگر عینك هم به چشم نگذارم مـی فهمم که شما از من‌تقاضای باج می کنید باج گیری به خاطر ...

هانری کاتر حرفش را قطع کرد: عینا ،شما بمن مدیون هستید . به خاطر ناراحتی های که از دست‌شما برای من خلق شده است .

ال ویتسن پرسید : چرا نه بیش ونه کم از هزار دالر مطا لبه نمـی کنید .

چشمهای کاتر برقی زده جـواب داد: برای اینکه شما پول بیشتـــر ندارید .

ـ صحیح .حتی من هزار دالر هم ندارم .اما راه آنرا بلدم که چگونه ماهر دو از ین ماجرا صاحب پـول شویم . مگر شما به آن دلچسپـــی ندارید .

کاتر نگاهی به قیافه آل ویتـــس انداخته ،سرش را شور داد .

ال ویتسن در پاسخ گفت : خوبست پس شما انگشتر ها را بمن بدهیدو به منزل‌خود برگردید. شما یك شب دارر هوتلی بگذار نید . به سینمـا بروید ودو باره‌به هوتل مراجعه‌کرده به در بان بگویید که کسی در غیاب شما وارد اتاق تان‌شده است.کسی بوده که کلید دومی اتاق را داشتـه است وانگشتر های الماس شما را

بقیه در صفحه ۵۹

بقیه صفحه ۱۹

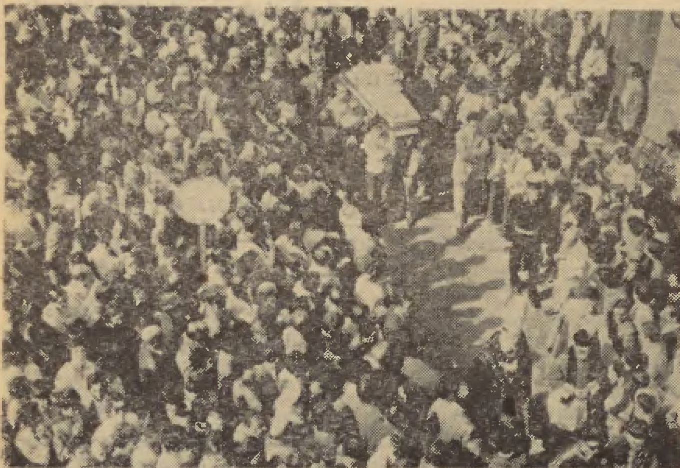
اسرار اطفال اختطاف‌شده

جسد انتونیلا افتیده بود ، پیـــداکرد یم.

برای دقایق طولانی چنان جلوه‌می‌نمود که مردم خشمگین نفرت وانز جاری را که‌در دل داشتند نثار سزارترانیوا خواهند کرد . اما خارنـوال دولت با زحمـــت فراوان تو انست‌خودش را از چنگ مردم نجات داده از وسط آن‌جمعیت‌انبوه بیرون‌رود.

در حالیکه دستها یشرا بهم گره‌کرده وبالا نگاه داشته بود هر لحظه خطاب بمردم غضبناك میگفت : ماهرچه در توان داریم برای پیدا کرد ن ناپدید شده گان ودستگیری جنایـتکاران دریغ نخواهیم کرد . مـــن بشما وعده میدهم که از تلاش خودتا زمان دستگیری فاعلین‌این جنایت وحشیانه دست بر نخواهیم داشـــت.زیرا این حادثه ما را هم در بدترین وضعی قرار داده است .

ختم





تابوت والنتی از طرف عده‌کثیری ازمردم دریك تابوت سفید رنگـــك به گورستان مشا یعت میشود .

اختطاف سه‌دختر چنان معمایی‌شده که سه سا ل پیش ســه پســر از ناحیه اسپرو در فاصلهٔ ۱۶۰ کیلـومتری شهر ناپدید شدند وتا امروز هیچ اثری از آنها بدست نیا مده‌است .

از چپ به راست: دو مینیکو دالکانو «۱۰ ساله» جوزپه لالی کاتـا ۱۰ ساله وانزو اسکو رنیا .اینها هم‌از در راه مدرسه اختطاف شدنـــد وچنان ناپدید شدند که تصور مـی‌رود زمین چاك شده وآنها را بلعیده باشد اکنون مردم سوال‌میکنند آیااختطاف کنند گان بچنگك پولـیس نخواهند افتاد .

تانکی های مواد سوخت دومرتبه نسبت به خود کشتی کیهانی کلان تر بوده و بجای انجن های تعجیل دهنده باروتی دو بلاك ایا کتیفی بزرگ که بمواد سوخت جامد فعالیت مینما یدوبحیث وسیله نجات دهنده واستفاده آینده فعالیت خواهند کرد نصب گردیده است .

قبلا نواقص کشتی های پیـلو ت دار کیهانی را دو چیز گفته بودیـم یکی از آنها کافی نبودن قابلیت بار آنها ودیگری یك مرتبه ئی بودن شان اگر حقیقت را بگویم نواقص آنها از دو زیاد است بطور مثال کشتی های موجوده کیهانی دارای قابلیت مانور کم بوده ،نشستن را ذریعه پاراشوت انجام میدهند وبرای پالیدن وحمل و نقل دستگاه های فرود آورده شده خدمات مخصو ص ضروری است .

بدین لحاظ یکی از جمله مهمتریـن تقاضا ها به دستگاه های کیهانـی پیلوت دار عبارت از بلند بـود ن قابلیت مانور آنها ست تا الحال تمام کشتی های کیهانی پرواز را بمدار مشکل انجام داده ودر سطح مداری مـانور را تـا میـن نکرد • زیرا این ما نور با مصرف زیـاد مواد سوخت ارتباط دارد .لیکن این را باید خاطر نشان بسازیم که اجرا ی مانور از طرف کشتی کیهانی نه فقط برای نشست کشتی در نقطه معینـه ضروری است بلکه ساختن دستگاه های کیهانی که دارای قابلیت مانورعالی باشند تمام امکانات فضا نوردی را در مدار نزدیك سیارهزمین وسیع تر میسازد .می توان اقمار مصنو عی را بعد ازین پرتاب نکرده بلکه در قسمت باربری کشتی آن را بمدار رسانده خدمات وترمیم آنها رادر فضاکیهانی انجام داده،مواد تحقیقا تیراکه ذریعه اقمار مصنو عی صورت گرفته وحتی خود قمر مصنوعی رادر صورت خراب شدن آن به سیاره زمین انتقال داده بکمك دستگا های پیلوت دار کیهانی قابلیت مانور عالی باشند میتـوا ن. خدمات موثر معاونه رادر فضـا ی کیهانی ترتیب وتنظیم کرد. کشتی های کیهانی نجات موجوده ،کشتی کیهانی که بخطر روبرو شده باشد وقتی وصل شده میتواند که پرتاب این راکت در اثنای گذشتن کشتی عارضه دار از محل پرتاب صور ت بگیرد .واین علل در شبانه روزیك دفعه امکان پذیر است .

فعلا تصور کنید که تخلیه فوری

بقیه صفحه ۴۹

ذریعه طیاره مسافر

عمله دستگاه مداری ضروری بـوده وکشتی ترانسپور تی که باید با آن وصل گردد عارضه دار میبـاشد . کشتی دیگری که بمدار توجیه می گردد زاویه افقی آن ها فرق دارد . درین شرایط هیچ چیز امکان پذ یر نیست مگر کشتی ترانسپور تـی که دارای خواص ایرودمیا میکی است میتواند مانور لازمه رااجرا کند. برای این مقصد آن میتوا نند بـــه اتوموسفیر داخل گردیده بعد ازدادن تغیرات لازمه واپس به مدار داخل شود ، از طـر یـق داخـل شـدن چندین مرتبه ئی به اتو مو سفیرمی توان تااندازه سطح مدار د ستگاه کیهانی را تغیر داد. البته ایـن را هم باید فراموش نکنیم که مصـرف مواد سوخت بسیار زیاد می گردد. وقتیکه مقتضیا تجدید رابه کشتی کیهانی محول میسازند درآن صورت ما فکر می کنیم که چه چیز رابا ید مکمل ترو مجهز تر بسازیم آ یـا کشتی های کیهانی عصری ویـا طیارات عصری..بالاخره مابااین نتیجه می رسیم که راه رسیدن به کشتی کیهانی جدید از طیارات باید شروع گردد. مرحله مداری این کشتی کیهانی جدید باید هرچیزی داشته باشـد کـه یـك طیاره دارد بطـو ر مثال باید دارای بدنه بزرگ وطویل بالها، سیستم بااطمینان برای دا خل شدن بنشست شانسی ارگان های اداره وی، دینامکی وغیره با شـد

مگر تهیه طیاره کیهانی هوائی چندین مرتبه قابل استفاده نیز یـك مساله آسان نیست .یك عده پرابلم تخنیکی وعلمی باید سر از نو حـل شود .بطور مثال حفاظت از حرارت مرحله مداری در زمان داخل شد ن آن بمدار ضخیم اتموسفیر باید تغیر بخورد. درین صورت تهیه میتو د های جدید حفاظت حرارتی ومـواد جدید حفاظت حرارتی حتمی وضروری است :

نسبت به دستگا های فرود آورده شده کشتی های کیهانی ، مر حله مداری طیاره کیهانی ،هوائی بایـد دارای انرژی زیاد را نه در طبقا ت ضخیم اتمو سفیر بلکه در ارتفا عات زیاد پراگنده سازد .در نتیجه ،گرم شدن مرحله مداری مربوط به زاویه داخل شدن به اتمو سفیر میبا شد.

نا گفته نماند که اداره باید دردو محیط که ازیك دیگـر فـرق دارد صورت بگیرد .زیرا اتمو سفیـر و خلای کیهانی ترتیبات جدید راتقاضا کرده وباید ارگان های اداروی انجن های ریا کتیفی گازی وایرو دنیا یکی جدید شامل ساخته شوند. از ارگان های اداروی ایرود نیا میکی بـرای پرواز در طبقات ضخیم اتمو سفیر واز انجن های ریاکیفتی ویا سوپله های گازی برای پرواز درپروازفضای کیهانی ودر اتموسفیر فوقانی رفیق استفاده میشود.این قسم یکجا ساختن ترتیبات در تخنیك مجبوری وغـیر قبولی است مگر بدون آن امکـان پذیر نیست .

مانور جناحی ومانور نظر بمسافه

ازطرف طیاره هوائی کیهانی بکمك قوه ایرو دینا میکی ازطـر یـق اداره نظربه زاویه میلان وزاویه پیشـرو (هجومی) صورت گرفته میتوانـد . اندازه مسافه جناحی مربوط بـــه کیفیت ایرود ینامیکی مرحله مداری است .هر قدر که این رقم بلندباشد بهمان اندازه مسافه جناجی زیاد تر میشود .برای اینکه مسافه جناحـی درحدود مثبت،منفی ۲۰۰۰ کیلومتر برسد یعنی امکان انحراف بطـر ف چپ ویا راست پرواز به همین اندازه باشددر آنصورت مر حله مـدا ر دارای کیفیت امیرو دنیا میکی تقریبا اداره وی، دینا مکی وغیره بالا شد ۱ر۳ در اثنای فرود آمدن باشد .

پرابلم که مربوط به ساختن دستگا های جدیدکیهانی میباشد بسیارزیاد است .این پرابلم عبارت از ثابـت بودن وقابل اداره بودن دستگاه جدید خصو صا در زبان داخل شدن بـا اتموسفیر ونشستن میباشد .همچنان این پرابلم ها عبارت از انجن های دستگاه برای هر دو مرحله پرکاری ومحافظه مواد سوخت در حدود صفر مطلق میباشد . لیکن حل این تمام پرابلم ها از طرف علم وتخنیك عصری امکان پذیر است .ساختن طیـار هوائی وکیهانی یك کار حقیقی است وشاید در آینده نزدیکی ماشا هـ ولین پرواز طیاره کیهانی هوا ئـی خواهیم بود .تقریبا بدین مشکـل میتوان منظره داخل شدن طیارا ت هوائی را به فضا کیهانی در نـز خویش مجسم ساخت .

از دوستی دوام دار دو ساحه پیش تاز علم وتخنیك نه تنها فضانوردی میدان رامی برند ودر آینده بسیا ر نزدیکی طیارات هوائی به موفقیت های شایانی نایل خواهند گردید.فر گرفتن سرعت صوت وارتفاعا تزیا پرواز اجازه میدهد که در آینده از طیارات مافوق سرعت صوت مانند وسایط حمل ونقل استفاده کـرد. طیارا تیکه در آینده بجای طیارا ت مدرن عصری مسیر برما فوق سرعت صوت می آیند ،می توانند در طرف چندین ساعت انسانها وبار ها رادر هر نقطه دلخواه کره زمین برسانند برای مزید معلومات شمامی نگارم که سرعت صوت در فزیك ۳۳۰ مترفی ثانیه قبول گردیده .ونظر به تفاوت بسیار کمی فرق میکند .

بقیه صفحه ۲۳

علیشیر نوائی

با آفتاب ،نقره با مهتاب و مس ، زهره موافقت دارند وامثال این ها سخنها گفت ...

سخنان کیمیاگر تا رفته بیشتر در لابلای رده های اسرار و رمـوز پیچیده میشد .او تمام مواد معدنـی را به دو گروپ تقسیم کرد .گرو پ نخستین را بنام (مواد ناقص) یـا (معلول) یادکرد ودرباره اینکه میتوان نواقص موجود در نهاد این مواد را از طریق عملیات کیمیاوی دورساخت وآنها را بدرجات عالیتر ارتقا داد ، یعنی میتوان ازسیماب نقره واز مس طلا بدست آورد .

زبا شور وهیجان حرف زد . سلطان مراد که با اینگونه اندیشه ها خوب آشنایی داشت ،از استعمال دقیـق توضیحات کیمیا گر که میگفـت برای تغییر دادن ماهیـت مـوا د (نا قص) وارتقای آن بدر جـات عالیتر .بهماده ای بنام (اکسیـر) ضرورت است وطرق پیچیده بدست آوردن این ماده را در لابلای معلومات اسرار آمیز ،سا عتها بیان میداشت خیلی خسته شد ،اما جرات نکـرد سخنان عالم را که به علم اسـرار آمیز خود عشق میورزید وبهتر ین دوره زندگی خود را در راه بدسـت آوردن طلا از مس صرف کرده بود قطع نماید .

بقیه در صفحه ۶۰

بقیه صفحه ۵۷

مسافرت پر ثمر

به سر قت‌برده شما از ناپدیدشدن انگشتر ها به **بیمه احوال** بدهید . تنها من وشما میدانیم که **قیمت** انگشتر ها **چند می باشد .بهر حال** شما **به شرکت بیمه قیمت اجنا س** گمشده را ۱۷۰۰۰ دالر تعیین کنید

من انگشتر ها را به یك نفر مالخور میفرو شم وسه هزار دالر از درك فروش آن بدست می آورم‌به این ترتیب ما جمعا ۲۰ هزار دالر نفع می برداریم که سهم هرکام ما ۱۰۰۰۰ دالر میرسد .موا فقی .یا اینکه باز هم مایلی باج بستانی ؟ هانری کاتر اظهار دا شت

می خواهی انگشتر های الماس رادو باره بتو تسلیم کنم .

تو مرا دیوانه قیاس کرده ای؟تو میخواهی با این الماس ها به‌کوه ها فرار کنی ، هاتو همین را از من **تقاضا داری ؟**

آل ویتسن یك پاکت ضخیم رااز جیب خود بیرون آورده به سو ی هانری کاتر دراز کرد .

و گفت: درین پاکت ورقعهٔ هویت ولاینس رانندگی من وجود دارد . پول نقدرا بشما نداده و برای خودم نگاه میدارم .ال ویتسن ۸۰۰ دالر دالر نقده را از پاکت بیرون آورده در جیب گذاشت واسناد ومدارك را به کاتر داده کاتر مدارك را همه در جیب بغل جای داد .

ال ویتسن اظـهار داشـت : اگر من‌در ظرف ۲٤ساعت پول برای این نفر ستادم شمامرا درچنگ‌خود خواهید داشت ومی توانید مرا در زندان بیندازید وعلاوه پول خود را از بیمه دریافت میکرده باشید . هیچکس بحرف من باور نخواهد کرد اگر ادعا کنم که شما به میل خود این الماس ها را پس از یافتن بمن مسترد کرده‌اید .

هانری کاتر انگشتر های الماس‌را به ال ویتسن تحویل داده علاوه‌کرد: اگر در صدد فریب دادن من بر آیید، بدون شك شما را به زندان خواهم انداخت واز دیدن تان در پشت میله های زندان مسرور خواهم شد .اما تصور نکنم‌با مدارك شما که درجیب من میباشد ،شما بتوانید بمن نیرنگ بزنید ودر صدد فریب دادن

من بدر شویید .**من تا فردا منتظر** گرفتن خبری **از جانب شما باقی می** مانم وآنگاه محل ملاقات را **تعیین‌می** کنیم تا **به تقسیم پول برسیم ...**

ال ویتسن **پشت سر موتر جواهر** فروش ریوز نالس را **میدید که‌چه‌**گونه از آنجا دور میشد .**وقتی موتر** هانری کاتر **از نظرش ناپدیدشد به** کلبه مراجعت کرد .**سامان مختصری** که داشت ،همه را **به داخل موتر** انداخته به سمت **مقابل هانری کاتر** به آرامی حرکت کرد .**او به حساب** خورش به دستمزد **خود رسیده بوده** فروش الماس ها به تعیین **سه هزار** دالر بجیب او می ریخت .**مبلغ ۸۰۰** دالر پولی راکه **از بین پاکت بیرو ن** آورده بود نیز به آن **علاوه کرد -** به این ترتیب **ال ویتسن صاحب** ۳۸۰۰ دالر بود ،**در حالیکه به هانری** کاتر **هیچ پولی نصیب نمیشد .**

اما آنچه **بیشتر مایهٔ تاثر او خواهد** شد اینست که وقتی هانری کاتر **با ورقهٔ هویت ولاینس رانند گی به** که نماینده شهر زیوا کس میباشد **از پیدا شدن ورقه هویت ولا ینس** رانندگی اش خوشحال‌شده ،تقاضای ۸۰۰ دالر **پول نقد را هم از کاتر به** عمل خواهد آورد وه این ترتیب‌مدت برای هانری کاتر مزا حمت تو لید خواهد شد .**ال ویتسن در یك بار** پاکت محتوی **ورقهٔ هویت‌وپول نقدرا** جیب **نماینده مذکور سرقت کرده** بود علاوه ۴۰۰ **دالر مفقود شده از** جیب پشت پتلون **هانری کاتر که** هنگام کمك **در بالا شدن به موتر** توسط ال ویتسن دزدی **شده بود** ، بیشتر کاتر را **ناراحت میساخت .**

وقتی الویتسن در افکار **ش تا** اینجا رسید ،پایش‌را **روی اکسلیتر** بیشتر فشرده به‌سرعت **موتر افزود.** بدون هیچ تردید **او در دزدی زرنکتر** ودز مهارت **بزرگتر از هانری کاتر** بود.

بقیه صفحه ۹

ارزشهای جهانی اسلام

اخلاق واعمال **بدو نا شایسته منع** مینماید باید **شما به پذیرفتن آن** اقدام نماید».

در آیات متذکره **باین مطا لب** نهایت جیاتی نیز **تصریح رفته که** وقتی نام خدا «ج» **را گرفته وقسم‌ها** میخورید وعهد می‌بندید ،**حرمت نام** پاك خدا(ج) را **نگهدارید وباید با** قوم ویا شخصی که **با ایشان معاهده** وپیمان صورت **بگیرد مشروط برآنکه** معاهده وپیمان **بیرون از مشرو عیت** نباشد ،به **مسلمان فرض است که** آن را ایفا نماید هرچند در ایفا ی آن **با مشکلات** و دشواری **ها دچار** گردد وخاصه وقتی **که نام خدا (ج)** را گرفته وسو **گند میخورد وبا آن** معاهده میکند **بایست فهمید که** قسم خوردن **گویا خدا (ج) را برای** آن معامله گواه **ویا ضامن سا ختن** است‌و خداوند **(ج) میداند که وقتی** شما او را گواه **میسازید تاکدام حد** رعایت این گواهی را **مینمائید**

اگر خیانت وبد **عهدی کردید شما را** بجزای کامل خواهد رسانند .

عهد بستن **وسپس آن را شکستن** به حماقت کسی **ماندکه تمام روزنخ** بتابد وبعد آن **نخ تابیده را وقت** شام بکسلاند **وتارتار نماید ،مقصد** این است که **معا هدات وپیمان های** مشروع را **محض‌مانند تارخام تصور** نمودن سخت **نا عاقبت اند یشی ونا** بخردی است **وهر گاه اعتبار قو ل** واهمیت **قول ازمیان بر داشته شود** نظام دنیا **برهم خواهدخورد .**

آنهائیکه **از قانون عدل وانصاف** منحرف شده‌وفقط **اغراض‌وخواهشات** خویش رامی **پرستند وجز رسید ن** **باهداف بلاقید وشرط خود چیزی را** نمی شنا سندعهد **بستن شان برای** شکستن **است و همینکه گرو هی** دیگر رانسبت **بخوضیف دیدندتمام** عهد نامه هارا **در سبد اوراق باطله** می ریزند .

بقیه در صفحه ۶۰

بقیه از «۳۳»

توتستان های من

((برایم اهمیت ندارد نمی خوایم ای الفبارایاد بکیرم))

....و کاکا فضل ازاتاق خارج شد .

یك روز وقتیکه برادرم ومن‌دوباره ازکاکا قاسم خواستیم تاسر مارابتراشد اینبار او هیچ عذر وبهانه ای از قبیل چرم‌پاکی‌تیزکن ویاپشك نتراشید، وی گفت« حوصله‌ندارم» همه کلثوم نیز پریشان وافسرده معلوم‌شد اوفقط قضیه رااز پدرومادر مان پرسیده وبو نشنه بو د دانستم که بدموقع آمدیم‌و دواستیم که‌بر گردیم ولی کاکا قاسم دوباره مرا صدا کرد

((بگو بچیم .تومی تانی ای الفبا ره‌بخوانی))

((البته ،ازمدتها قبل))

«بچه هوشیار .چقه کوچك‌وچقه هوشیار» مه فکر نمی کردم تو می فامی»

«حدا تر ا امروز‌وان کرد صبرکوطفلك‌نرو خط اسماعیل را بخان » کاکاقاسم‌ابرازداشت

((فکر کوای بیکاره بازالفبای جرمنی نوشته» مکن بخطر اینکه مره آزاربته ویاپدر پیرش رازنج بدهد همیشه بره‌ش نوشته‌کردم که‌بمن باهمان الفبای کهنه بنویسید))

ولی اسما عیل همیشه خط نومی نوشت ومن برای خواندن‌نامه حسایش می‌رفتم وهر دفعه کاکا قاسم لغتی نثار اسماعیل‌؛ کاکا فضل می‌کرد .

یك‌روز گفتم .

((چراتو این هارا بدمی کی ؟اگر می‌خاهی‌برای عمه کلثوم که الفبای نوره یاد می نسم» ((هرچه بگوئی بچیم .مه بهمان الفبای قدیم می خانم تشر ،طفلك عزیز ،برای مه‌سبق‌دیده این امر هرگز یادنمی گیرم عمه کلثوم‌ره‌یاد بتنی))

به‌این ترتیب به درس دادن شروع می‌کنیم عمه کلثوم بکندی پیش می رفت. امروزچند حرف آموخت وفردا یادش می رفت یاشب چیزی یاد می گرفت وفردا بیادش نبود .

نوشتن مشکل تربود یك‌حرف خیلی باریك نوشته می‌شد ودیگری بزرگتر ازیك‌مورچه. مثل‌اینکه مگسی را در رنگ غوته‌کرده‌باشی وآن را روی کاغد رها سنی .

کاکا قاسم درتمام درس ها،حاضر بودکمی دور می‌نشست وازهمنجا مراقب بود گاهی‌می گفت :

« اکنون، بکوش ،مادر دانش نوراست‌عدم آن تاریکی است کوشش کن بزودی‌نامه‌ای ازاسماعیل می رسه وتوآن را خوانده‌نخواهد توانستی .بعد چه‌خواهی کرد ؟باز بچه ره‌صدا می کسی ؟))

عمه کلثوم جواب داد .

((بان مکتوب بیایه کسی پیدامی شدکه‌آنرا بخوانه .بسیار وقت می‌شه که‌از اسماعیل‌نامه نگرفتم خداکند چیزی نشده باشه))

((حتی نگو فکر کواو فقط بیکار اس که‌بنشینه ونامه نوشته کند می فامی که نگهداری سرحد کار ساده نیست حتی بسیاری وقت فرصت کمر راست کردنه ندارد .بخوان بخوان))

عمه کلثوم یاد گرفت . وی مدتها گذشت واز اسماعیل نامه ای نیامد .

مادروس ابتدایی را خواندیم وحتی جندکتاب را نیزولی ازنامه اسماعیل خبری نبود .

تابستان آمد درسهای ما توقف کرد.

این بادیگر بابچه واقت‌خودرادرجنگل کناروریا می‌گذراندیم .

بزودی اولین سبزی پخته شد، ومن‌بخاطر معلمی ئی که سرکرده بودم‌اجازه داشتم که‌هر صبح بیایم وجیب هایم‌رااز بادرنگ وملی سرخك پرکنم .

درهما نجا بودم که بالاخره‌نامه‌اسماعیل‌آمد من وعمه کلثوم آمدن پستچی را ندیدم‌واو مادرجزه فریاد کرد .

« نامه‌ای برای تو آوردم عمه کلثوم‌وآخر بستکارت بیهوده نبود))

عمه کلثوم آنقدر هیجانی شد که‌باوجودیکه نامه دربین‌انگشت‌هایش قرارداشت‌نمی‌دانست بان چه کند .

بقیه در صفحه ۶۲

بقیه صفحه ۵۸

علی‌شیرنوایی

تا گهان بوی نا مطبو عی ازیک اجاق به دماغش رسید ،کیمیا گر بشتاب از جابر خاسته دوید ومدتی زیاد روی مواد تحت تجر به خود را مصروف ساخت .سلطان‌مراد کوشید بحث را از سر شروع کنــــد .

چون شام شد ، عبدالاحد خوان همواز کرد هر دو در همین اطـــاق درپرتو خیره شمع ،ضمن بحث ا ز کیمیا ویا علم بدیع ،با صرف نان‌و کشمش سد جوع نمودند .

سلطا نمراد خواهش کرد تا مدتی درینجا با استاد بماند ویکی باوی‌کار کرده ،از نزدیك به اسرار (اکسیر) آشنایی پیدا کند .کیمیا گرا ایـــن خوا هشس را بـــدون هیچگو نـــه عرض پذیرفت .

عالم جـــوان ، روز دوم باشور و حرارت بی سابقه گرو یده کیمیاشد وآنقدر در تجارب این فن فرو رفـت که در جریان کار های آزما یشی با مواد کیمیاوی دست ولبـــها یشس سوخت .

او ساعتها در باره تغییر ماده ها با عبدا لواحد مصروف بحث میشد وبعضا باوی مناقشه نیزمینمود چون سر گرم کار میگردید ،نمیتوا نست طلاع صبح‌وغروب خورشیدرامتوجه شود.مدت‌پانزده روز طور مسلســـل بدینگونه تجارب مورد ضرورت را ادامه داد. او که در مسله تبدیل‌شدن مس به طلا از طریق کیمیا عقلش قدنمیداد معلومات بدست آمـــده را برای ادامه تحقیقات عمیق تر بعدی خود بسنده دانست وبالاخره باکیمیا گر مانند پسرو پدر وداع نموده از آنجا خارج گردید .

وقت از ظهر گذشته بود. همینکه سلطا نمراد به شهر داخل شد ،از حرکت عاملان وسپا هیان از نگـــاه عابران واز دوش وتلاش پسر بچـــه ها احساس کرد که حالتی غیر عادی وجود دارد ومتقین شد که باید حتما حادثه مهمی روی‌داده‌باشد .رنگریزی را که دستان رنگ آلود خود راتکان داده جلومیرفت .متوقف ساخته‌راجع به وضع جاری‌سوال کرد :رنگریزی بابی صبری طور مختصر گفت :

(جانم ، در دها خیـــالی زیاد است نمیدانم کدام یك را برایت بگویم)و بسرعت در راه خــــود روان شد .

سلطان مراد به شور آمد . از عقب مردم ،پیش رفت ،چون خسته و کوفته با رنگ پریده به میـــدان دیوانخانه رسید .دیدر آنجا انبوهی بزرگ از مردم گرد آمده اند .اکثر آنها کاسبان شهرو دهقانان ژندم‌ـ پوشی تشکیل میداد ند،که ازاطراف ودهات آنجا آمده بودند گرچه دست آنها خالی بود ،اما آتش خشمی که در چشمان شان میدرخشید و وضع جدی ومصممی که‌از چهره های شان پدیدار بود ،نشان میداد که حالتی دهشت انگیز وآماده انفجار بخـــود گرفته اند سلطان مراد که زمانـــی محاصره شهر ها وجنگهای کوچك‌و بزرگ را از نزدیك دیده بـــود از مشاهده‌این وضع‌تکان خورد .جمعیت با حالت عصبی پیچ وتاب میخورد و صدای شورو هلهله نیرو منـــد در هوا بلند میشد ،رنگ‌از روی سپاـ هیان پریده،با وضعی حاکی ازهراس وچشمان (الق ـبلق) در گـــوشه و کنار حرکت میکردند .. سلطا نمراد مانند کسیکه هنگام عبـــور از رود خانه نخست مواضع کم آب‌را بدقت امتحان کرده و سپس بمواضع عمیق تر نزدیك‌میشود ،آهسته آهسته‌خو را در قلب جمعیت رسانید. همه، از عاملان ،ازبیداد مباشران وازسنگینی مالیات شکایت داشتند وعده‌ای از عاملان را آشکار تحقیر میکردند .

صد ها آواز یکجا با هم بلند می شد :

ـ خواجه عبدالله ،خواجه قطب‌ـ الدین ونظاما لدین بختیار اینجا ،در برابر ما احضار شدند .

مرد ریش سفیدی که ظاهرا وضع آرامی داشت ،با گریه وزاری بـــه سلطان مراد شکایت کرد: فر مانروا مسلمان است ودستور هایش نیـــز مسلمانند ،اما اینهمه بیداد راحتی بدکیشان هم‌براهل خودروا نمیدارند انصاف وعدالت از ینجا رخت بـــر بسته است !... مانانه خراب‌شدیم!)

در حالیکه سلطانمراد بالبهای لرزان او را تسلیت میداد ،یکی از دهقانان ژنده پوشی که چهره اش از خشـــم زیاد تفتیده بود ،از زیر گوشهای او فریاد کشید :

«تا زمانیکه توغان بیك بدست ما تسلیم داده نشود .از ینجا نخواهیم رفت ! »

سلطا نمراد شانهٔ او را تکان داده پرسید:

ـبرادر ،کدام توغان بیـــك را میگویی ؟

ـ یکی از ار ازل است که تـــازه پیدا شده ... ما او را میشنا سیـــم توغان بیك ....!

ـ دهقان ،بدرن توجه به سلطان‌ـ مراد در میان امواج مردم ناپدیـــــد شد .

سلطا نمراد در زیر فشار جمعیت پر جوش وخروش افتان وخیزان هر طرف حرکت کرد .از خلال جملات بریده ـبریده ای‌که باخشم وتحقیر وسوزد درد اظهارمیشد ،توا نست‌به علت اصلی این غلیان پـــی ببرد : همینکه سلطان با عده‌ای از ستـــور ها هرات راترك گفته است ،مسولین امور جمع آوری زکات ومالـــیـات ، خواجه عبدالله ،خواجه قطب الدیـــن نظام الدین بختیار وسایر مباشران برطبق میل خود مالیات تازه ای بر مردم تحمیل کرده‌اند وبا تمام قـــوا کوشیده اند تا این مالیات را کـــه نه برای خزانه دولت ،بلکه برای‌خود وضع کرده بودند،با استفاده ازموقع هر چه زود تر جمغ آوری نمایند و بخاطر انجام این کار بوسایل کثیف ونا روایی متوسل شده اندو بـــا روا داشتن انواع‌بیداد وستم ،حقوق عامه را پا مال کرده اند .

سلطا نمراد که تلاش داشت بـــه مثابه «سر آمد» دانشمندان زمـــا ن تبارز کند . تاکنون از چگونگـــی زندگی جامعه دور میزیست وازدرد و آلام آن‌بیگانه بود .مرغ اندیشـــه او پرسیر در آسمان نظربات علمـــی در بین غبار کتب قطور وضخیـــم ودر میدان مناظرات عالمانه پروازمی کرد .او هیچگاه در باره مسایلی از قبیل اینکه جامعه چیست ،چطو ر میزید ،چطور می اندیشد .از چـــه رنج میبرد وچگونه میتواند مشکلات خویش را حل نماید ومسا یلی‌امثال اینها هرگز نیند یشیده بود بیقیده او مردم بگروهی اطلاق میشد که از نعمت دانش وسواد بی بهره اند . چون او معتقد بود که فقط ازطـریق علم ممکن است (انسان واقعی) بار آمد ،عامه مردم را در هر کارو درهر جا قربانی جهاست می پنداشت .با دیدن‌این صحنه ،اساس اینهمه‌پندار های او کاملا فرو ریخت .

همانطور یکه‌انسان‌در برابر حادثه فوق العاده بزرگ ،ما حول خود را کاملا از یادبرده فقط دستخوش‌هیجان و احساسات ناشی از آن واقعه مـــی گردد ،عالم جوان نیز با تمام وجود خود ،در اندیشه درد وآلام عامه مردم فرو رفت . او بدون اعتنا به هیجان شدید خود در آغوش این جمعیت پر از شور والتهاب عوامل این حادثـــه را مورد ارزیابی قرار دادو نزد خود چنین نتیجهٔ گیری‌کرد :(ذواتی چون خواجه عبدالله وخواجه‌قطب الدین‌که در عین داشتن سمت های مهمی ،از علم ودانش نیز بهره ای کافی دارند بخاطر منافع شخصی خویش اینهمه خود کامگی وبیداد بر جمعـــیت روا داشته انداینها درحقیقت امر،بدترین جا هلانند. اصلا برای آینکه شخص بتواند انسان کامل بار آید ،غیراز دانش ،بیك سلسله صفات دیگرنیز ضرورت است اینگونه عنا صری که آرامش را بر هم میزنند مستحـــق سنگین ترین مجازات اند)

باقی دارد

بقیه صفحه ۵۹

ارزشهای اسلامی

هکذا در همین آیات است کـــه معاهده ها وقسم را آلهٔ فریب وبازی دادن مکاری وحیله سازی میگردانید چنانچه اهل جا هلیت عادت داشتند که چون قوم و قبیله ای را ازخویش قوی تر می یافتند با ایشان عهد می بستند وهر گاه قبیلهٔ دیگر را قوی تر از اینها میدیدند عهد سابق را نقض وبا این قبیلهٔ نوعهد وپیمـــان جدید عقد میکردند وباز هنگا می که موقع می یافتند این هم پیمان ها را مغلوب سازند بلا درنگ همه عهد هارا نقض کرده بر طاق نسیان و فرامو شی قرار میدادند .

پس از آشنائی باین واقعیت هاو حکمت های حیاتی وجهانی اســــلام انسان بخوبی میتواند درك کنـــــد وتشخیص دهد که کلمات سه گانه عدل ،احسان وپرداخت به نزدیکا ن که تطبیق عملی آنها را اسلام بـــه صراحت در آیات مبارکهٔ قرآنی‌تاکید مینماید

باقیدارد

بقیه صفحه ۵۳

مردی با نقاب بقه

امایك چیز در نظر دیك معما یـی تر واسرار آمیز تر از هر چیزی می آمدو آنهم لادرك شدن موتر وسایکل از نیمهٔ راه بود .اگر این موضـو ع حقیقت میداشت که موتر سا یکــل سوار به فاصلهٔ ۱۰۰ متر از عقب موتر روان بوده وبین دو قریه دفعتا ناپدید شده پس میبا ئیست پیدایش کند .

الك اظهار داشت : بهتر اســت بر گردیم .این موضوع بدون تردید مسلم است که آنها با ماد موازل‌ایلا در نیمه راه از موتر پیاده شده اند. وحال تعقیب‌موتر سایکلت‌سواریگانه هدف ما را تشکیل میدهد .ومیتوان با حدس قریب به حقیقت اینطــور نتیجه گیری کرد که موتور سایکلت سوار ایلا را باخود بر داشته است. واین موتور سایکلت سوار یا خودبقه ویا یکی از ماموران زیر دستش باید باشد .

دیك گفت : آنها در بین شودهام وماربی ناپدید شده اند .آقای بنت شما این ناحیه را می شناسید همین طور نیست ؟آیا در ناحیهٔ ماربی‌کدام محلی وجود ندارد که احتمالا آنها به آنجا رفته باشند ؟

بنت به تائید حرفهای دیك جواب داد :من این ناحیه را خوب بلدم .در خواشی ماربی چندین خانه وجــود دارد. شاید هم در ماربی فلید رفته باشند .امابه راستی تصور آنرا نمی توانم بکنم که ایلا را در آنجا بــرده باشند .

دیك در حالیکه موتررا آهسته کرد وبه راهی که آمده بودند بر گشت‌از جان بنت پرسید .ماربی فیلد چگونه جایی هست ؟

– ماربی فیلد یك ساحه سنگلاخ است که کسی ازآن استفاده نکرده. شرکت چند سال آنجا را خر یــده است .

وقتی جان بنت‌این توضیح رادادآن ها راه ماربی فیلد را در پیش گرفتند مثل رفتاز موزچه پیش میرفتند .و در راه ماریی فیلد به تنهانهٔ پو لیس محلی رسیده توقف کردند تا مگراز آنجا معلومات تازه در بارهٔ اتفاقاتی که ممکنست روی داده باشد حاصل کنند .

دیــك از پولیس موقع پــرسید : شما بطور قطع موتور سایکل را در حال عبور از ازینجا ندیده اید .

پولیس جواب داد :نی .بطور قطع موتور سایکل را ندیده‌ام که ازینجا گذشته باشد .

اما موتر تیز رفتار از نزدیك من گذشت مثالیکه شما اکنون نزدیك من موتر خود توقف ساخته اید. من نا-چار خیابان را گذاشته به پیاده رو بالا شدم وراه را باز گذاشتم تـا آن موتر بگــذ ارد گمــان میکنم کــه مـــو تر خا لـی بـــود الــك به به سرعت از او پرسید :شما چگونه به این فکر افتادید که دردورن موتر کسی وجود نداشت .

برای اینکه نخست موتر سبك راه میرفت ودوم اینکه راننده سگــرت دود میــکر د مــن همیـشه سگرت کشیدن راننده رادلیل خالی بود ن موتر می پندارم .

الك در جوابش گفت:پسرم استعداد مدیر ترافیك شدن در تو بسیار مو-جود است . واین قدرت انکشا فی ترا تابه مدیریت ترافیك من همیــن جالا پیشگویی میکنم .

وقتی دیك بطرف رو لزرویس‌خود بر میگشت اظهار نظر کرد :من‌حدس این پولیس‌را تائیدمیکنم .وقتی موتر ازینجا گذشته خالی بود ،اســت و علاوهٔ او هم از وجود موتور سایکل اظهار بی خبری میکند ما باید اونها را بین ماربی وویلان جستجو کنیم. آنها به اثر تردد عابرین ورفت و آمد پیاده گرد ها از سرعت موتــر شان کاستند .چراغها را طوری عیار کردند که هر گودال وفرور فتگی را در هر دو سمت سرك روشن میساخت هنوز آنها پنجصد متر راه نر فتــه بودند که الك صدا زد :صبر کنید .

الك غرشی کرده از موتر بیرو ن پریدو پس از چند دقیقه دیــــك را بطرف خود صدا زد .

آن سه نفر بسوی الك که درمقابل موتور سایکل سر خرنگی ایستاد ه بود پیش راندند موتر سایکــل در پناه یك دیوار سنگی فرور یخته قرار داشت .آنها بدون اینکه دیده شوند تابه نزدیك موتور سایکل با موتر پیش رفتند .زیرا آنطرف دیگر دیوار کسی نمیتوا نست آنها را ببینند .

الك محض با انعکاسی که روشنــی چراغ موتربه‌روی‌دنده‌پیشروی موتور سایکل ایجاد کرد متوجه و جــود موتر سایکل در آنجا شد و ســر انجام او نها بــه کشف خود نایل آمدند .دیك بسوی موتر بر گشتــه چراغ موتر را طوری عیار کرد کــه موتور سایکل در روشنی آن کامــلا بخوبی دیده میشد .

موتور سایکــل کـا مــلا جدید بود .ورنگ آنرا با مالش آماده‌تغییر داده بودند.

چراغهای موتور سایکــل سرد و خاموش بود .الك اطراف آنرا چرخی زد .در قسمت عقب سیت موتـــور سایکل یك خریطه پراز ابزار بسته بود که الك تسمهٔ چرمی آنرا بــاز کرد .

الك در مورد موتور سایکل اظهار نظر کرد : قاعدهٔ کمپنی تولید کننده اسم خریدار جدید را با اسم خــود کمپنی به روی خریطهٔ سامان وابزار می نویسد .

آنها خریطه را از پشت موتـــور سایکل پایین آوردند والك آخریــن تاب تسمه را هم باز کرد .

وسر خریطه راپس زد .

الك صدایی از تعجب در آورد :

آه خدای بزرگ !به‌روی پوش چرمی آدرس صفا وپاك به نظرش خورد :

جوشا براد –کارولی هاوس خیابان کاوندی .

ایلا همینکه به مطبخ وارد شـــد نخستین چیزی که جلب توجه اشرا کرد این بود که یك سر میزی شسته را جهت خشك شدن آویخته بود از روی ریسمان به صحن اتاق افتیده بود .

تا میخواست بر گردد که بصورت بی محا با از پشت سر کسی دستمال مرطوبی را جلو دهانش قرار داده سرو صورت او را در آن دستمــال پیچیدند یك بازوی قوی دور گردنش فشار آورد .دست دیگر دهانش را محکم گرفته سرش را به طرف پایین خم ساخت . ایلا سعی نمود فریـــاد بزند .

اما مجال آنرا نیافت .ایلا خواســت لگدی به دروازه بزند .اما یك دست قوی روی زانویش گذاشته شد .ایلا صدایی را شنید مانند پاره کــــردن پارچه‌ی وتوسط آن هر دو پایش را از حصهٔ زانو ها بستند .در حالیکه احساس نمود هوای سرد وارد مطبخ گردید ایلا دریافت که دروازه را باز کرده ویرا کشان کشان به بـــاغ بردند .

ایلا یك آواز را کنارگوشش شنید که به وی‌امر میکرد :زودباش حرکت کن .ایلا متوجه شد که پا هایشرادو باره باز کردند .او نمیتوا نســت اطراف خود را ببیند منتها احسا س مینمود که دانه های باران پارچه ایرا که دور کله‌اش بسته بودند مرطو ب ساخته بود ورطوبت به اثــر وزش شدیدباداز پارچه‌نفوذ کرده‌بصورتش یخ‌یخ میخورد .شمال‌با چنان شدتی بصورتش میوزید که گاهی نفــس کشیدن را برایش مشکل میسا خت درست وقتی پایش در یك چقوری‌پر از لجن در کنار سرك فرو رفت آن وقتی بود که ایلا متوجه شد بر روی خیابان کوچك پهلوی عمارت میباشد ولی بمجرد درك ایــن مو ضــو ع متو جــه شـــد کـــه محـکمش گرفته به شدت به داخل یك موتــر انداخته شد. ایلا حس نمود که‌یـك نفر دیگر در سیت موتر پهلویــش نشست وموتر به حرکت افتاد .پس از آن یك دست با مهارت دستما ل را از دور کله وصورتش دور کرد. در یکی از چوکی های پیشروی موتر یك چهره گندمی وتاریکی نشستــه بود که ایلا نتوانست او را بشناسد.

ایلا پرسید :شما از من چه مــی خواهید .شما کی هستید .اما پیشس از آنکه جواب آن‌مردرا بشنودمتوجه شد که در پنجهٔ بقه گیر آمده است.

آن مرد اظهار داشت : من آخرین شانس را بتو میدهم .با پایان یافتن همین امشب شانس تو هم به ســر میرسد .

ایلا در حالیکه سعی مینمـــود از ارتعاش صدایش جلو گیری کــرده باشد گفت: شما از جان من چـــه میخواهید .

– تو باید با من حاضر به ازدواج شوی . و مکلف هستی فــر دا سر صبح خودت را برای رفتن ازین سر زمین آماده بسازی ،من نسبت به‌تو آنقدر اعتماد دارم که حرفها یت را درین مورد باور میکنم .بگو آیـــا حاضری با من ازدواج کنی وآیـــا حاضری با من به سر زمین دیگری غیر از ینجا بروی .

ایلا سرش را به شدت بعنوا ن نفی تکان داد وسعی او برای دید ن صورت بقه بعلت تاریکی درون موتر بجایی نکشید .ولهذا اینطور پاسخ داد: من هرگز این کار را ازنخوا هم کرد .

باقیدار

بقیه صفحه ۷

افغانستان میخواهد...

ج- بی تفاوت نخواهیم ماند، آنچه قابل توجه میباشد اینست که اگر بالفرض مقابله‌ای صورت بگیرد عواقب آن از آنچه تصور میشود برای منطقه ماوخیم‌ترخواهدبود .

س - قدرت نظامی خودرا با پاکستان چگونه مقایسه مینما ئید ؟

ج- متاسفانه نمیتوانم این سوال شمارا جواب دهم .

س- در صورت بروز مقابله آ یاهندکمك خواهد کرد ؟

ج- بازهم تکرار میکنم که در صورت‌بروز یك‌واقعه ناگوار بین افغانستان و پا کستان ساحهٔآن محدودنخواهدماند.

س- درباره تسلیم شدن بعضی‌ازبلوچها جه‌میگو ئید ؟

ج- تسلیم شدن بلوچها صحت وحقیقت ندارد، زیرا ایشان برای یك پر نسیپ می جنگند .

س - درصورت مقابله با پاکستان چگونه واز کجا میتوانید کمك بگیرید ؟

ج- دفاع ازخودوظیفه هر ملت است از جنین وضعی نباید تصور کرد که وا قعات محدود مانده میتواند.

س- ښاغلی بوتو بارها دوستی خو درا باشاه ایران مخصو صا درقبال تهدید هند تذکرداده است‌نظرشما چیست؟

ج- شاهنشاه ایران که دارای افق نگاه وسیع درقبال مسایل منطقه و جهان میباشند، ارزیابی ایشان باارزیابی ایکه‌بوتومیکند،قطعا مطابقت ندارد.

س - روابط شما باچین چگونه‌است؟

ج-روابط مانور مال ودو ستانه میباشد.

س- آیاباچین تجارت دارید ؟

ج- بلی چند روز قبل موافقت نامهٔ تجارتی را امضاء کردیم .

س- آیا معا ملات نظامی دارید؟

ج-خیر نداریم.

س- آیاتمام اسلحه را از اتحاد شوروی بدست می آورید ؟

ج- بلی.

س- خارج از روابط افغانستان‌وپاکستان نظریهٔ شما درباره دیگر کشورها چیست؟

ج- از روابط حسنهٔ خود بادیگر کشورها مخصو صا کشورهای حوزه بجز پاکستان بسیار راضی وخوش‌میباشیم .

باایالات متحده امریکا نیز روا بط خوب داریم . ښاغلی کیسنجر راچند ی بعد در نیویارك یا وا شنگتن ملا قات خو ا هم کرد.

س - آیا باښاغلی کیسنجر در موضوعی خاص صحبت خواهید نمود؟

ج- البته گذشته از مذاکره روی روا بط دوجانبه وامداد اقتصادی آنکشور به‌افغانستان که‌بصورت رضایت بخش جریان داردمذاکرات مابیشتر راجع به‌اوضاع ناآرام منطقه متمرکز خواهد بود.

س- آیا ازکیسنجر خواهید خواست تابر ښاغلی بوتویکنوع‌فشار آورد ؟

ج- بحیث یك کشور معظم و علاقمند به‌بر قراری حفظ صلح پایدار درین منطقه وجهان البته این توقع موجوداست .

س- اگر ایالات متحده امریکا اسلحه بدسترس پاکستان بگذارد عکس العمل شما چه خواهدبود ؟

ج- امیدواریم حکومت ایالات متحد ه امریکا بادرایتي که‌دارد، برای حفظ صلح این منطقه جهان جنین کاری را انجام‌ندهد.

س- درنزد بعضی امریکا ئیان این‌تشویش موجود است که پاکستان در مسابقهٔ‌تسلیحاتی منطقه عقب افتاده است ودر مقابل سلاح هند پاکستان کاملا عاجز است. بسرعتی که افغانستان نیز خودرا مسلح میسازد، چندی‌بعد برپاکستان سبقت‌خواهدجست.

ج- همین حالا پاکستان از منابع د یگر اسلحه میگیرد وهفتاد و پنج فیصد بودجهٔ آنکشور صرف تسلیحات میگردد .

اگرایالات متحده امریکا نیز اسلحه خودرا بدسترس آنکشور بگذارد، موازنه قوادرمنطقه بهم میخورد. لهذا امیدواریم ایالات متحده امریکا بحیث یك کشور بزرگ و علا قمند به‌صلح اینکار را انجام ندهد .

س- آیا مطالب دیگری هست که‌میخواهید نشر کنیم ؟

ج- خواهش وانتظار من ازجریدهٔواشنگتن پست‌این است که‌آنچه راگفته ام‌بدون تحریف نشر نماید، نکتهٔ دیگری که‌میخوا هم اظهار نمایم این است که‌حادثه جویی برای هرکسی که‌باشد یك امر بسیار تجملی است.دوجنگ هند وپاکستان این حقیقت را عملا ثا بت نمود. کشور های این منطقه نیاز به‌پیشرفت اقتصادي وبلند بردن سطح زندگی مردم خود دارند وباید بکوشند تا از آنچه منابع ر ا بصورت سرسام آور بهدر میدهد، بپرهیزند..

س- منهم بااین نظرشما کاملا موا فقم، آیا فکر میکنید که‌بو تو طر فدار جنگ است؟

ج- بیانات شدید اللحن ښاغلی بو تو وتهدید بلوچ هابه بمباردمان وامحای د سته جمعی آنها بیشتر به‌یك حادثه طلبی شباهت دارد . ممکن هدف دیگر آن انحراف دادن افکار عامهٔ پاکستان از مشکلات دا خلی آنکشور نیز باشد، تمر کز قواکه‌به مانسبت داده نیز برای همین منظور بود، امادیده‌شود وی‌افکار عامهٔ مردم کشورش راکه روز بروز به مسایل‌ومشکلات عدیده‌روبرو میگردندتاچه وقت منحرف ومشغول نگاه خو ا هد داشت.

س - مقامات پاکستانی میگویند اسنا دی بدست دارند که‌وجود کمپ های تربیهٔ‌گیریلا هارا درافغانستان برای اجرای خرابکاری د ر پاکستان ثابت میسازد.

ج- این افسانه ای بیش نیست وا گر چنین چیزی موجود باشد حاضریم این‌اسناد را ببینیم .

بوتو به‌اینگونه داستان سرایی های‌جعلی علاقهٔ خاص دارد. بحیث یك‌مامور مسوول جمهوریت افغانستان باصراحت میگویم که هیچگاه چنین مراکزی در کشور ما وجود نداشته وندارد و آنرا کاملاردمیکنیم.

نماینده واشنگتن پست . از مصا حبهٔ شما تشکرمیکنم.

صفحه ٦٣

بقیه صفحه٤

سال ۱۹۷۵ بحیث...

برای ترتیب وتنظیم امورنشراتی اطلاعاتی وکلتوری مربوط به‌سال بین‌ا لمللی زنان در افغا نستان دیروز یك‌کمیته ده‌عضوی تعین گردید .

درجلسه که ساعت ۱۰صبح روز ۳۰سنبله بریاست پوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات وکلتور درآن وزارت دایرشد بعداز بحث وابراز نظرروی نشر یه موسسه ملل‌متحددر مورد تجلیل ازسال بین‌ا لمللی زنان کمیته مذکور تعین شد .

این کمیته که‌ریاست آنرا یکعده ازمیرمن های مربوط به‌مو سسات فرهنگی میباشند عنقریب جلسات خودرا آغاز وروی ترتیب وتنظیم پروگرام های تجلیل از سال بین المللی زن‌کار خواهد کرد .

بقیه صفحه ۲۸

شاعر کلاسیک پښتو

اشعار نفیس وزیبا ،صنایع شعری ، مهارت عالی او ارزش چنین کاری‌را دارد .

شهرت آفریده های‌ادبی خوشحال خان ختك فقط در دوران زندگی خود او محصور نماند ، اکنو ن‌پس‌از گذشت صد ها سال از آن تاریخ ، منظومه های زیبای او که مشحون از احسا سات وطنپر ستانه آزادی خواهی ملی ونشیده های سعاد ت بشر میبا شد ،برای شاعران وادبای فغان ،منبع الهام وتاثیر شگرف است عموم شاعران معاصر افغان، با مراجعه به‌آثاراستاد بزرگ سخن، خوشحال خان ختك کسب فیض‌می کنند وازین گنجینه بزرگ ،غذا ی معنوی میگیرند .

مدتها قبل یك قسمت زیادمیراث علمی وادبی خو شحال خان ختك دقت واهتمام‌عده زیادی‌از دانشمندان شر قشناس را بسوی خود جلب کرد .

دانشمندان شر قشناس‌روس اکادیین ب . ا . دورن ،طی اثر خود درنیمه اول قرن ۱۹ راجع به نمونه های ادبیات کلاسیك پشتو تالیف کرده ، به آثارخو شحال خان ختك ،ارجی بس بلند قایل میشود .

شرقشناس انگلیسی خ .راورتی در کتبی که بنام های «گلشن روه» ودر نمونه های منتخب از اشعا ر پشتو در قرنهای ١٦ و ١٩ »تالیف کرده ، در قطار یك تعداد شعرا ی کلاسیك پشتو اشعار خو شحا ل خان ختك را نیزبه دنیای غرب‌معرفی کرد .

دانشمند افغا نستان شناس معرو ف نا روی ،گ مور گینستیر نی درآثر دامی خود راجع به خوشحل خان ختك روی فعالیت های ادبی و خصو صیت های آثار اوبه تفصیل حرف میزند.

از جمله دانشمندان افغا نستا ن شناس اتحاد شوروی م .گ اسلا نوف . گ . ف گرس . و . ا لیوشیش . و ا . برو مودین ،درآثار متعددی که پرداخته‌اند ،اندیشه های خویش را در پیر امون میراث علمی وادبی خو شحال خان بیان داشته اند .

مردم اتحاد شوروی طی سالها ی اخیر با نشر مجموعه های چون «از (آثار منظوم افغانی) ١٩٥٥ و(شا عران آسیا) م . - م ،١٩٥٧با آثار خو شحال ختك آشنا شدند .

این اثر که از نظر شما میگذرد ، برای معرفی زندگی وآثار شاعر بزرگ مردم آزادی دوست افغان خو شحال خان ختك برای مردم از- بکستان شوروی ،نخستین گا م محسوب میشود .

(پایان)

●●●

بیقه صفحه ٤٥

پهلوان اسلم

اسلم جوان خونسرد ،برده‌بار ومتین است از زمانیکه به ورزش آغازکرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاد میدا نهای مسابقه را ترك گفته است چنانچه وی قبل از اشتراك در مسابقات آسیا یی در سفر به اتحاد شوروی نیز موفقیت های چشمگیری را نصیب شده بود ودر مسا بقاتیکه از طرف ریاست المپیك جهت انتخاب‌تیم‌ملی پهلوانی دایر شده بود با تبارز دادن استعداد ولیاقت عضویت تیم ملی افغا نستان را کمایی کرد .

د ختګر دواړو ملګرو دچاي په ځنبلو باندي پيل وکړ او پخپله دي بيا دملك حميد دکور په لوري باندي وخوځيده. په لاره روانؤ او چرتونه يې وهل اود ځانـه سر يې همدغه دوعاوي کولي چه :

خداي (ج) خودي دملك پـه زړه کښي د رحم بوټي راززغون کـړي چـه لـه جنجا لـونـو ځخه خلاص شم).

په ځوړنده سرسره‌يي دملك تر کوره پوري مزل وواهه اوچه دکـلا مخي ته وورورسيده نوويي ليده چه ملك ولاړدي اود ځوتنو نوروم‌خورو کليوالو سره مجلس کـوي. دختګر هډونه زيږه شول، پـه زړه باندي يـې د ويـري باد را والوت او پـه تريدلي بنه، ريږديدلي وجود اوبنده ژبه سره يې دسلام اچولو شرعي. او انساني ادب پرځاي کړ .

دملك دامړ سره‌سم کښينا ست او هډو هم ورسره دغه جرئت نـهٔ چه دخلکو او کليوا لو ترمخ له‌ملك ځخه خپل پور وغواړي. يـوه ګړي وروسته لـه ملك سره ناست خلك ټول ولاړل او ملك خپل يوه نا ظرته ورغږ کړچه :

د ۳۹ مخ پاتې

دختګر لور

(هلکه چارګله- آس زر راوباسه چه حکومت ته‌ځم).

(ترځو چه يي نا ظر ورته آس راېوست نو ختګر دهمدغي موقع او وقفي ځخه په‌استفادي کولوسره دملك ځخه بيا دخپلي مزدوري غـو ښتنه وکړه. ختګر خو فکر کاوه چه کـه هر ځومره ورته په نرمه لهجه خپل عرض واوروم په همـاغه اندازه بـه ګټور ثابت شي ولي ،.،

ولي چيري هم په غاصبو زړونو کښي بيادرحم اوزړه سوي نښه‌وي اوچيري هم هغوي بـيا دبيوزلو او بيوسو دزړونو ځخه راځي او هـغه متل دي چه وايي -

ځمکه خو هغه سوځيږي چـه ور باندي اور بليږي) نو ځکه خوهم د ملك دبي عدالتي په‌اور باندي دختګر دخوزاکي زړه قطري پخيدي او چه چارګل دملك شوخ موشکي آس‌ورته زين کړي او قيضه شوي راوېوست نوبيايي ورباندي پښه واړوله اومخ دحکومتي په لوري روان شو .

ختګر بيا هم لاس ترزني ودريده او هك پك پاتي شو چه ښه- اوس به نو ځه وکړي؟ دخان، ملك اويوه شته‌من او بډاي سړي سره خوزور وهل دامعني لري چه‌ګواکي چنګښه دمار سره ځان غزوي او سيالي کوي اوچه چنګښه دمار سره دغزيدلوتکل وکړي نـو هرو مرو بـه دوه ټوټي کيدونکي وي .

دملك حميد آس پـه رګنده تګ سره منډي وهلي اولږ ځنډ وروسته له‌سترګو ځخه الونيا شو .

ختګر دملك دنا ظر چارګل سره په خبرو باندي پيل وکړ اود خبرو په ترخ کښي چارګل چه پخپله هم يو نا ظر او مزدور انسانؤ نودختګر سره‌يي دزړه غوټه خلاصه کړه .

لومړي خويي‌په ختګر باندي‌تاکيد وکړ چه دده دخولي خبري پخپل‌زړه کښي وساتـي او بيايي ور تـه وويل -

(ختګر ماما که رښتيا درته ووايم دومره زونګه مي تر غوږ رسيدلي ده چه ملك غواړي ستا لور خپل ړانده زوی ته در ځخه وکړي . کـه ځه‌هم چه دملك ړوند زوی موسی جان يوه بله ښځه هم‌لري خو اولادیی‌نه‌کيږي او اوس همدغه شاني قصد لري).

چارګل دخپلو خبرو په پاي کښي پسي ور زياته کړه -

(پام کوه زما خبري دي چاته له خولي ونه‌وزي چه روزي به راباندي ودروي، هسي دي خپله غمه خوره او پټه خوله ګرزه).

د لږځنډ خبرو اوزړه خواله‌کولو نه وروسته ختګر بيا دخپل کورلاره ونيوله. په ځان نه پوهيده چه ځـه کوي او چيرته ځي خود يوه سرسام په شاني‌يي مـخ په وړاندي ګامونه پورته کول او دادي چه خپل کورته راو رسيده. هغه دوه تـنـه لاورته ناستوو اود ډيـر ځنډ لـه آمله‌يي ورباندي سترګي برګي، برګي ختلي وی .

دسلام اچولو نه وروسته دواړو ملګرو ورباندي پـه غوسه شول او تردي چه دخبرو په ترخ کښي سره دجنګ مرحلي ته ورسيدل ، هغوي دواړه په کلکه سره اصرار کاوه چه موږه خپله مزدوري له‌تا ځخه غواړو تاراوستلي يو اوموږ هډو هـم ملك حميد نه پيژنو .

له ختګرماما ځخه لاره ورکه‌وه‌چه ځه وکړي، هر ځومره اوهري خواته يي چه فکر کاوه نو خپله هيله به‌يي له ناکامي سره مخامخ ليدله او بـيا يي دواړو ختګرو ملګرو تـه وويل چـه -

(تاسو بايدزما له‌زړه ځخه راشي مزدور خو دمزدور له زړه ځخه‌راځي داچه ملك راباندي ظالم شو نوصبر به‌کوو او خداي ته به‌يي سپارو. زه ځه وکړم نن چه ورغلم او مزدوري مي ور ځخه و غوښتله نږديؤ چـه همالته مي پسي پلن کړي او بيادنږ غوندي را ځخه په خپل موشکي آس باندي سپور شو او حکو مـتي تـه

دهغه نه وروسته ختګرخپلو دکلا وهلو ملګرو ته په عذر سره وويـل چه -

بقیه صفحه ۵۹

توتستان‌های من

بلاخره صدا کرد :

«کاکاقاسم نامه ای از اسماعیل»

کاکا اسماعیل بیلش را انداخت . بطرف‌عمه کلثوم دوید ونامه راز دستش قپید .

((خدا راشکر بلاخره))

همه کلثوم بمن نگاه کرد.

((لطفا بخان ازخوشی خطها یادم برفت۰نامه‌را بته برایش))

ولی کاکا قاسم هنوز نامه‌رابدست‌داشت.

« اوه ،نی اگر تومیتانی بخوانی‌من‌هم‌می‌تانم»

شماچه فکر می‌کنید ؟اونامه راخواند بلی ،بلی، اوخودش نامه راخواند ،باآنکه اسماعیل دوباره آن‌با همان حروف‌لفتی ((آنهان))نوشته بود او عجب آدمی بود هنگامیکه من‌عمه‌کلثوم رادرس دادم ۰اونیز یادمی گرفت‌بلی عشق پسرش برنفرت کهنه اش پیروز شده بود.

پس عشق قوی تراز نفرت است؟ درآن روز ها روی این مطلب بسیار فکر نکردم. ولی‌هنگامیکه بـه‌سفردراز زنـدگی دست‌زدم ومز ه بسیار انـد و ه ها وشادی هـارا چشیدم بیشتر ازآنچه درکودکی فکرمی کردی، فهمیدم ،بلی عشق جاویدان است‌در حـالیکه نفرت گذراست این نفرت‌نیست که‌چرخ‌زندگی رابحرکت می آورد - این عشق است.

توتستان های دوست داشتنی من.من‌در درازای زندگی چیز های زیاد دیدم‌وورك‌کردم که فقط در عشق نیروی آدمی نهفته است عشق فرزندان ، عشق‌وطنی که‌اوبپرورانید..

کاکا قاسم نامه راخواند ۰به‌یکبار مـوج شادی وغم هردو برچهره‌اش‌دویدند ۰اسماعیل ازدیرروان نمودن نامه عذر خواسته‌بـود.او نامه نوشته نمی توانست زیرا بربستر‌افتاده بود ودر جنگی بایکی‌ازمتجاوزین زخم‌برداشته بودعمه کلثوم چیغ زد.

«اوه بچه بیچاره، !آیا دست‌وپایش‌خوب‌است کاکا قاسم امر کرد :

«دیوانه‌شو. اونگفته که‌خوب است؟ پس‌خوب است))

نامه رادوباره به‌پاکت گذارد ۰بطرف‌کارش روان شد وباخود گفت ۰

«این‌احمقان بچیمه ز خمی کردند .. مثلیکه جای به ملك خود شان کم‌است لعنتی ها‌به آشیانه دیگران می تازند))

خبر نامه ی‌اسماعیل همه جا پیچید۰وقتیکه همان شام خانـه می رفتم کاکا فضل سراز کلکین اتاقش بیرون نمود وپرسید :

((درست است ،بچه‌کاکاقاسم خطخودش‌خانه))

((بلی درستس))

((هیچکس ۰خودش یاد گرفت ۰مه عمه‌کلثوم رادرس می‌دادم واو یاد گرفت))

کاکا فضل خندید :

((عجب است مه حالا اوزه ازلست بیسوادان خط می زنم ۰»

تمام راه خوش بودم۰احساس خوشی‌می‌کردم۰ گرمای نوی درسراپای وجودم می دوید.

پایان قسمت اول

صفحه۶۳

انیس

ژوندون

مسؤل مدیر :

علی محمد «بریالی»

معاون روستا باختری

مهتمم ع.م عثمان زاده

دمسئول مدیر ددفتر تیلفون: ۲۶۸۴۹

دمسئول مدیردکور تیلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبورد ۲۶۸۵۱

دمعاون ددفتر ارتباطی تیلفو ن ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی تیلفون ۵۹

پته: انصاری واټ

داشتراک بیه

په‌باندنیو هیوادو کښی ۲۴دالر

دیوی ګڼی‌بیه ۱۳ افغا نی

په‌کابل کښی ۵۰۰ ۱ فغا نی.

دولتی مطبعه

شماره ۲۷ - ۲۸



